



اشارات دانشگاه تهران

۴۶۶

تایخ سیاسی و دیپلماسی ایران

جلد اول

از گلنار و تاترکمن چای

۱۱۳۴ - ۱۲۴۳ (هجری)

(چاپ دوم)

تألیف

دکتر علی اکبر فنا

استاد تایخ ایران و انسکده ادبیات تهران

تهران

۱۳۳۷

چاپخانه دانشگاه

ٲها : ١٠٠ ريال

فهرست علائم اختصاری

A. F. IV	Archives Nationales Fonds de la Secretairerie d'Etat Consulat et Empire
London P. R O. P. FO 60:	London Public Record Office. Foreign Office Records Persia FO 60
Paris: A. F. P. :	Paris. Archives du Ministère des Affaires Etrangères

فهرست مندرجات

از صفحه تا صفحه

« ۱ « ۴

مقدمه

قسمت اول

« ۵ « ۱۰

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

فصل اول

- ۱- انحطاط دولت صفویه و آغاز سیاست متجاوزانه دولت روسیه تزاری « ۱۱ « ۱۷
- ۲- رقابت روس و عثمانی در ایران و معاهده اسلامبول « ۱۸ « ۲۲
- ۳- نادرشاه افشار- استقرار امنیت در داخله و اخراج روس « ۲۳ « ۲۷
- ۴- جانشینان نادر « ۲۸ « ۳۲
- ۵- ایران هنگام ظهور سلسله قاجاریه- پیدایش سلسله قاجاریه « ۳۳ « ۳۶
- ۶- سیاست دولت روسیه تزاری در گرجستان « ۳۷ « ۴۰
- ۷- لشکرکشی بسمت گرجستان « ۴۱ « ۴۴
- ۸- اشغال اراضی ایران از طرف لشکریان روس « ۴۵ « ۵۱
- ۹- ایران هنگام جلوس فتحعلیشاه « ۵۲ « ۵۵

فصل اول

- ۱- نظری بوضع جغرافیائی ایران « ۵۶ « ۶۱
- ۲- طبقات مختلف مردم « ۶۲ « ۶۹
- ۳- قدرت پادشاه و عوامل متنفذ در تشکیلات مملکتی « ۷۰ « ۷۳
- ۴- مالیات و طرق وصول آن « ۷۱ « ۷۳

فصل دوم

- « ۷۴ سازمان نظامی ایران در اوایل قرن سیزدهم
- الف- وضع نظامی ایران قبل از رسیدن مرییان
- « ۷۴ « ۷۷ و متخصصین اروپائی

از صفحه تا صفحه

- ب- وضع نظامی ایران پس از رسیدن مریدان
و متخصصین اروپائی « ۷۷ « ۸۶

قسمت دوم

- آغاز جنگهای ایران و روس تا معاهده گلستان « ۸۷

فصل اول

- نخستین مراحل تبرگی روابط ایران و روس
۱- الحاق گرجستان « ۸۸ « ۹۰
۲- اشغال گنجه و از بین بردن آثار و تأسیسات ملی
و تعمیم نفوذ روس در نواحی اشغالی « ۹۱ « ۹۳

فصل دوم

- ۱- مرحله اول جنگهای ایران و روس از ۱۲۱۸
تا امضای معاهده تیلیست ۱۲۲۲ « ۹۴ « ۹۶
۲- اوضاع اروپا و روسیه در برابر فتوحات ناپلئون « ۹۷ « ۱۰۰
۳- مذاکرات فتحعلشاه با دولتین انگلستان و فرانسه
رقابت انگلیس و فرانسه در ایران « ۱۰۱
الف - مذاکرات با دولت انگلستان « ۱۰۱ « ۱۰۵
ب - « « فرانسه « ۱۰۶ « ۱۱۵
معاهده فین کین اشتاین و سمت نمایندگی ژنرال گاردان « ۱۱۶ « ۱۲۳

فصل سوم

- ۱- مرحله دوم جنگهای ایران و روس از معاهده تیلیست
۱۲۲۲ (۱۸۰۹) تا ۱۲۲۷ (۱۸۱۲) « ۱۲۴ « ۱۲۶
۲- شکست نقشه وساطت دولت فرانسه و عزیمت
ژنرال گاردان « ۱۲۷ « ۱۳۹
۳- تجدید نفوذ دولت انگلستان و معاهده انگلیس
و ایران در ۱۲۲۹ (۱۸۰۹) « ۱۴۰ « ۱۴۶
۴- بی نتیجه ماندن، مذاکرات عسگران و نقشی که
سرها و فورودجونس در این مذاکرات بازی میکرد « ۱۴۷ « ۱۵۶
۵- اتحاد ایران و عثمانی از رجب ۱۲۲۵
تا جمادی الاول ۱۲۲۷ « ۱۵۷ « ۱۵۹

فصل چهارم

- ۱- مرحله سوم جنگهای ایران و روس از امضای معاهده بخارست تا امضای معاهده گلستان ذیقعدة ۱۲۲۸ « ۱۶۰ « ۱۶۱
- ۲- مقدمات انعقاد معاهده گلستان- بی نتیجه بودن وساطت انگلستان و مذاکرات اصلاح اندوز « ۱۶۲ « ۱۶۹
- ۳- آخرین زدوخوردهای سال ۱۲۲۷ (۱۸۱۲) « ۱۷۰ « ۱۷۳

فصل پنجم

- ۱- معاهده گلستان « ۱۷۴ « ۱۷۶
- ۲- بررسی مواد معاهده گلستان « ۱۷۷ « ۱۸۲
- ۳- نتایج معاهده گلستان در اوضاع داخلی ایران « ۱۸۳ « ۱۸۶
- ۴- « « خارجی ایران « ۱۸۷ « ۱۹۴

قسمت سوم

دوره فترت میان دو جنگ

فصل اول

- ۱- علل سیاسی واجتماعی جنگ دوم ایران و روس « ۱۹۶ « ۲۰۰
- ۲- علل آنی جنگ دوم ایران و روس « ۲۰۱ « ۲۰۵
- ۳- تغییر سیاست عباس میرزا پس از مرگ الکساندر اول و اعلان جهاد « ۲۰۶ « ۲۱۴

قسمت چهارم

جنگ دوم ایران و روس (۱۲۴۹-۱۲۴۳)

فصل اول

- مرحله اول - پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجه ۱۲۴۱ تا آخر محرم ۱۲۴۲ « ۲۱۶ « ۲۲۱

فصل دوم

- مرحله دوم - جنگ ایران و روس
- ۱- شکستهای ماه صفر ۱۲۴۲ تا سقوط قلعه عباس آباد ذیحجه (۱۲۴۲) « ۲۲۲ « ۲۲۵

از صفحه تا صفحه

۲۳۰	«	۲۲۶	«	۲- بی نتیجه ماندن آخرین اقدامات دولت ایران برای استقرار صلح
۲۳۴	«	۲۳۱	«	۳- آغاز مجدد عملیات جنگی

فصل سوم

۲۴۲	«	۲۳۵	«	مرحله سوم - جنگ ایران و روس - سقوط ایروان و تبریز و آغاز مذاکرات صاج
-----	---	-----	---	---

فصل چهارم

۲۴۸	«	۲۴۳	«	۱- معاهدات ترکمانچای
۲۵۴	«	۲۴۹	«	۲- نتایج معاهدات ترکمانچای
۲۵۵	«	۲۵۴	«	حادثه قتل گریبایدوف
۲۵۸	«	۲۵۵	«	انقلابات مشرق ایران
۲۶۱	«	۲۵۹	«	قضیه هرات و افغانستان
۲۶۳	«	۲۶۱	«	نجات و عواید گمرکی
۲۶۷	«	۲۶۴	«	امتیازات کنسولی
				نتیجه

ضمائم

۳۱۳	«	۲۶۹	«	I- معاهدات منعقد شده با دولتین روس و انگلیس
۳۱۹	«	۳۱۳	«	II- منابع و مآخذ
۳۳۱	«	۳۲۱	«	III- اسامی اشخاص و طوایف
۳۴۰	«	۳۳۳	«	IV- اسامی امکنه و بلاد

مقدمه

آشنائی کامل بتاریخ جدید و معاصر ایران بدون داشتن اطلاعات کافی ازدوره صدونه ساله اخیر این کشور (۱۳۴ تا ۱۲۴۳ هجری قمری) مطابق (۱۷۲۲-۱۸۲۸ میلادی) خالی از اشکال نیست .

قبل از سال ۱۱۳۴ که مصادف با حمله افغانه و شکست سپاهیان صفوی در گلناباد بدست محمود افغان است دامنه متصرفات ایران تا قفقاز می رسید و استقلال ایران کامل بود .

پس از حمله افغان دولتهای روس و عثمانی هم از اوضاع آشفته داخلی کشورها استفاده کردند و از شمال و مغرب بدست اندازی برداشتند . مخصوصاً دولت روسیه تزاری برای پیسرفت نقشه های امپراطوری خود و انتزاع قفقاز از ایران آبی غافل نمی نشست .

سال ۱۲۴۳ (۱۸۲۸) در تاریخ معاصر ایران سال مشخصی بشمار میرود . انعقاد پیمان ترکمن چای در این تاریخ ختم بحران طولانی و شروع دوره جدیدی را در تاریخ ایران آغاز میکند . در این دوره جدید ایران از نظر سیاسی ضعیف و ازاجاظ ارضی کوچک و بسیاری از ولایات خود را ازدست داد و حتی استقلالش بخطر افتاد . در سال ۱۲۴۳ (۱۸۲۸) نرومنند ترین ابلات ایران مابین کوههای قفقاز و رودخانه ارس جزء متصرفات دولت تزاری روسیه درآمد .

با استقرار رژیم قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) فتحعلی شاه برای جانیتهایان ضعیف خود کشوری را بارث گذاشت که ببسته گرفتار طغیان و قیام رؤسای خوانین و ایالات برضد دولت مرکزی بود . تاریخ سلطنت فتحعلی شاه که در واقع باید و اساس تاریخ معاصر ایرانرا تشکیل میدهد تاریخ یک دوره بحرانی است که سیاست و دیپلوماسی دولتهای اروپائی بخصوص دول روس و انگلیس و فرانسه در آن نافذ بوده

اثرات مهمی بخشیده است.

تاریخ این دوره که بی شک از مهم ترین ادوار تاریخ ایرانست چنانکه باید روشن نیست کتب و رسالات متعددی راجع بمعاهدات سن پترزبرگ و استامبول و ترکمن چای و طرز حکومتی که در نتیجه انعقاد معاهده اخیر در ایران بوجود آمده نوشته شده است.

ولی مطالعاتی که راجع بشرایط و کیفیات انعقاد این معاهدات تا کنون بعمل آمده ناقص و بلکه نادر است. اسناد و مدارک سیاسی وزارت امور خارجه فرانسه و انگلستان مربوط باین دوره در حقیقت گنجینه های گرانبهایی است که هنوز هم کاملاً مطالعه و بررسی نشده است.

باید متذکر بود که دولت انگلستان زودتر از رقیبان سیاسی خود با اسناد و مدارک ایرانی و روسی دست می یافت. چنانکه امروز هم اینگونه اسناد در انگلستان بیشتر بدست می آید زیرا با وجود مأمورین سری بریطانیای کبیر هیچگونه فعالیت اجنبی در ایران از دوات مزبور مخفی نمی ماند. وجود همین اسناد است که اغلب ما را از شرح وقایع مطلع میسازد. البته پی بردن به همه فعالیت های مأمورین سری بریطانیای کبیر که غالباً اسرار آمیز بنظر میرسد بسیار مشکل است و شواهدی برای اثبات این مدعا وجود دارد.

ما کوشش خواهیم کرد نکات برجسته این دوره را مورد مطالعه قرار دهیم و طبعاً در جریان این تحقیق با مطالبی مواجه خواهیم بود که مستلزم شرح و بسط بیشتر خواهد بود.

در آغاز این دوره از تاریخ ایران دو امتهای معظم اروپائی که در مغرب با هم در تماس بودند در ممالک شرف نزدیک بخصوص در ایران با یکدیگر مواجه شده صحنه دیگری در بارزات سیاسی و دیپلماسی تشکیل دادند.

زیرا کشور باستانی ایران که مهدیابی از تمدنهای درخشان روی زمین بود با انحطاط و زوال خاندان صفویه روبه قهقرا و انحطاط رفت و این انحطاط در بحبوحه

سیاستهای متجاوزانه دولتهای غربی لاینقطع شدیدتر میشد و بالمال ایران را در کشاکش رقابتهای جهانی بصورت دولتی ضعیف و مغلوب درآورد.

تاریخ داخلی ایران در این دوره يك قسمت از جریانهای سیاسی دول ذینفع خارجی را نیز روشن میسازد.

بحرانهای داخلی در هر کشور غالباً یکی از علل تجاوزات و پیشرفتهای دولتهای خارجی بشمار میرود چنانکه ضعف و فتور در ارکان دولت صفویه مسبب و محرک فتنه افغان و تجاوز روس و عثمانی بایران بود و ضعف دولت قاجار نیز فکر توسعه طلبی روس و انگلیس را تقویت کرد. البته تعیین و تشخیص میزان تحریکات و مداخلات دولتهای بیگانه در ایجاد بحرانهای و اغتشاشات داخلی ایران کار آسان نیست.

در روابط خارجی ایران از گلناباد تا ترکمن چای سه دوره متمایز تشخیص داده میشود.

دوره اول از ۱۱۳۴ تا ۱۲۱۷ (۱۷۲۲-۱۸۰۳) که در این دوره دولت ایران در داخله با انقراض خاندان صفویه و تسلط یاغیان افغانی و در خارج بادشواریههای سیاسی بزرگ مواجه شد. زمام داران روس و عثمانی از آشکالات داخلی ایران استفاده کامل کردند و بی اطلاع دولت ایران درسین پترزبرگ و قسطنطنیه بتقسیم متصرفات شمال و شمالغربی مابرداختند. البته باید حکومت با عظمت نادر را از این جریان مستثنی دانست زیرا دولت مقتدر وی خوس درخشید ولی مستعجل بود.

دوره دوم از ۱۲۱۷ تا ۱۲۲۸ (۱۸۰۳-۱۸۱۳) در این دوره سیاست ودیپلوماسی دولت ناپلئون در ایران با سیاست ودیپلوماسی دولتهای روس و انگلیس مواجه گردید و تغییرات و تحولاتی که در حوادث جنگهای روس و ایران مشاهده میشود مستقیماً با وقایع اروپا مربوط است.

بطوریکه در جریان این حوادث میتوان ایران را بمهره شطرنجی در صحنه جنگهای ناپلئون و دشمنان اروپائی اوتشیه نمود.

دوره سوم از ۱۲۲۸ تا ۱۲۴۳ (۱۸۲۸-۱۸۱۳) فرانسویان در این دوره از صحنه

سیاست ایران طرد شدند و روسها بسهولت سیاست استعمار و توسعه طلبی خود را تعقیب کردند. در این سیاست روسها تاحدی بکمک انگلیسها در نتیجه انعقاد معاهده ترکمن چای توانستند اراده خود را بدولت ضعیف ایران تحمیل کنند.

در جلد اول این کتاب در ضمن مطالعه روابط سیاسی و دیپلوماسی ایران با دولتهای روس و عثمانی و انگلیس و فرانسه آغاز توجه دولت روس را بطرف ایران شرح و استمقرار آن دولت را در قفقاز در اراضی ایران با انعقاد معاهده گلستان بیان خواهیم کرد. سپس به پیشروی دولت روسیه تزاری تا رود ارس که بموجب معاهده ترکمن چای صورت گرفت اشاره خواهیم نمود و در اطراف نتایج معاهده ترکمن چای که مواد آن فشار و تحمیلات ناروا و فوق العاده سنگین در مدت یک قرن بایران وارد آورده و در روابط سیاسی ایران با سایر دولتهای اروپائی نیز تأثیر فراوان داشته است سخن خواهیم گفت.

قسمت اول

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

قسمت اول

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

سیاست متجاوزانه دولت روس در تاریخ دو کشور مدتها قبل از تشکیل دوات واقعی روسیه آغاز میشود. پیش از تشکیل دولت واقعی و واحد روسیه امرای مسکو مکرر مصمم شدند که برای دسترسی بدریای خزر و استقرار در ناحیه قفقاز متصرفات خود را بطرف جنوب توسعه بدهند. قبل از کشف راه هندوستان بوسیله واسکو دو گاما در ۱۴۹۷ (۹۰۳ هجری قمری) قسمت عمده مال التجاره‌های هند از طریق دریای خزر وارد روسیه میشد. مقداری از این کالاها در داخله روسیه با پوستهای قیمتی مبادله میگشت و بقیه بکشورهای شمال اروپا فرستاده میشد. این تجارت و خرید و فروش پوستهای قیمتی بر ازدیاد ثروت روسیه فوق العاده کمک میکرد. پس جای تعجب نیست وقتی مشاهده میشود که امرا و نجار روس در ادوار مختلف با انواع وسائل متشبهت میندند اند تا با هندوستان تجارت مستقیم دابر نمایند و بتوانند محصولات کشور خویش را بلا واسطه به هندوستان بفرستند و در عوض محصولات هند را از دست اول دریافت نمایند.

با توجه باین نکته باید متذکر شد که نه تنها شاهراه مشهور ابریشم از داخله ایران میگذشت و بطرف آسیای صغیر و سوریه متوجه میشد بلکه جاده دیگری نیز از سراسر خاک ایران عبور میکرد و از طریق قفقاز داخله روسیه را با هندوستان مربوط میساخت.

این تجارت که از راه خشکی با هندوستان انجام مییافت با تجارتی که پس از کشف واسکو دو گاما از راه دریا ایجاد گردید قابل مقایسه نیست زیرا پیش از این اکتشاف بار کاروانها عبارت بود از مال التجاره‌های سبک وزن و سنگین قیمت مانند پارچه‌های قیمتی سنگهای پربها انواع ادویه و غیره که بعلت مسافت و اشکالات راه و خطرات

جانی بقیمت گزافی بفروش میرسید .

مدام که تجارت اشیاء قیمتی و سبك وزن وجود داشت مساعی شاهزادگان روس برای اینکه حتی الامكان با ایالات ساحلی دریای خزر و ناحیه قفقاز نزدیک شوند منطقی و موجه بنظر میرسید ولی از وقتی که پرتقالیها از دماغه امیدواری گذشتند و مال التجاره آسیا را بقیمت نازلتری باروپا حمل کردند بالطبع از اهمیت این سیاست کاسته شد بطوریکه قیمت محمولاتی که قبلاً از مغرب ایران با سیای صغیر میرسید و در اروپای غربی بوسیله تجار بنادر ونیز و ژن تونریع میگشت و یا از شمال ایران بروسیه میرفت و در اروپای شمالی بوسیله روسها پخش میشد ، با قیمت ارزان محمولات پرتقالیها قابل مقایسه نبود .

با این ترتیب از این زمان روسیه منابع تجارت فوق العاده مهمی را که قرنهای باعث ازدیاد ثروت آندولت شده بود ازدست داد . ولی باز تزاران روسیه که از علت واقعی انحطاط این تجارت بسی اطلاع نبودند بر مساعی خود برای پیدا کردن راه نازه بطرف هندوستان افزودند و این یکی از علل مهمی است که ایوان واسیلویچ^۱ و جانشینان وی را بر آن داشت که متصرفات خود را تا قفقاز و آنطرف رود ترك بسط و توسعه دهند و روابط قدیمی روسیه را با هندوستان و فرمانروایان آسیای مرکزی برقرار سازند .

در این زمان که پرتقالیها تسلط خود را بر او قبانوس هند مستقر ساخته بودند انگلیسها تصمیم گرفتند نواحی شمالی را کشف کنند و راه دیگر بطرف آسیا بیابند . در سال ۹۶۰ هجری قمری (۱۵۵۲- میلادی) ریشارد شانسلور^۲ که بقصد سیاحت به لایون^۳ در شمال اسکندیناوی حرکت کرده بود بعلمت طوفان دریا به بندر ارخانگلس^۴ از متصرفات روسیه رسید و با اجازه ایوان مخوف تزار روسیه در مسکو شرکتی بنام « شرکت مسکو » تأسیس کرد .

1- Yvon - Vassilievitch

2- Richard - Chancellor

3- Laponie

4- Archangelsk

پس از مرگ ریشارد در سال ۹۶۴ (۱۵۵۷) آنتونی جنکینسن^۱ انگلیسی که در مسافرت روسیه همراه وی بود فرمانده کشتیهای شرکت مسکو گردید و با اتفاق دو نفر دیگر از اعضاء شرکت مأموریت یافت که از طریق دریای مازندران باب تجارت را میان روسیه و ممالک آسیای مرکزی مقتوح سازد.

پس از مراجعت جنکینسن از ابن سفر شرکت مسکو با صواب دیدایوان مخوف برای تعقیب نقشه دیرین خود مصمم شده ی را مأمور ایران نماید تا با ولایات شمالی ایران در ساحل بحر خزر که مرکز تهیه ابریشم بود رابطه تجارتي مستقیم دایر کند و بدین طریق با تجارت ابریشم ابرانش را منحصراً بخود ساخته و از راه خلیج فارس و جنوب افریقا با اروپا حمل میگردند رقابت نماید.

جنکینسن برای پیشرفت کار خویش از طرف ایوان مخوف با در نظر گرفتن اینکه ابن مأموریت به نقشه دیرین روسیه کمک میکرد و همچنین از طرف ملکه الیزابت انگلستان عنوان سفارت تحصیل کرد و در سال ۹۶۹ (۱۵۶۲) بریاست هیئتی راه ایران را پیش گرفت.

هیئت در ذیحجه ۹۶۹ به دربند و از آنجا بقزوین بایتخت شاه طهماسب صفوی رفت. فرمانده کشتیهای شرکت مسکو با تجلیل تمام از طرف شاه طهماسب پذیرائی شد و لایعلاسی و مذهبی در انجام مأموریت توفیق حاصل نکرد و به مسکو مراجعت نمود.

جنکینسن زمستان ۹۷۰ (۱۵۶۳) را در مسکو ماند و مجدداً اعزام ایران شد. ولی در ضمن مسافرت یکی از همراهان وی بقتل رسید و خود او نیز بدون اخذ نتیجه مراجعت نمود.

دو سال بعد یعنی در ۹۷۲ شرکت مسکو هیئتی بریاست آرنورادوارد^(۱) بقزوین فرستاد. شاه طهماسب نهایت مساعدت و ملاحظت را در حق این هیئت مبذول داشت

1- Anthony-jenkinson

2-Arthur - Edward

و فرمانی صادر کرد که مطابق آن شرکت مسکوا زیرداخت حقوق گمرکی و راه داری معاف شد و تجار انگلیسی اجازه یافتند که در تمام ایران مسافرت کنند و تجارت نمایند .

بالاخره مأموریت سر آنتونی شرلی^(۱) از طرف دولت انگلستان بایران در سال ۱۰۰۶ (۱۶۹۸) و اقدامات روبرت شرلی و مأموریت وی از طرف دربار ایران با اروپا در سال ۱۰۱۶ (۱۵۰۸) بروابط سیاسی و تجاری ایران با انگلستان افزود تا اینکه در نتیجه تأسیس شرکت هند شرقی از طرف انگلستان باب تجارت از راه خلیج فارس بوسیله کشتی های شرکت هند شرقی و تجارت نواحی شمالی ایران از طریق روسیه با اروپا دایر گردید .

ایجاد روابط تجارتی مناسبات سیاسی دولتمندان ایران و روسیه را رفته رفته نزدیکتر کرد و این روابط تا ۱۱۳۰ (۱۷۱۷) ادامه داشت . معاهدات سیاسی که در این دوره میان دولتمندان منعقد شده بخصوص بر ضد دولت عثمانی بوده و در امور تجارتی از برقراری این روابط حسنه سیاسی استفاده شده است . بطوریکه در طول قرن هیجدهم بازم بک فعالیت مهم تجارتی میان روسیه و هند وجود داشته که بیشتر مدیون وضع جغرافیائی ایران و موقع حساس این کشور بوده است بنابراین اشغال ایالات شمال غربی ایران برای تزاران روسیه دو فایده بزرگ داشت : یکی آنکه با اشغال این ناحیه یک منزل به هندوستان نزدیکتر میشوند و دیگر آنکه اجرای این تصمیم بهره برداری از ایالات ثروتمند شمالی ایران را تأمین مینمود بطوریکه تعقیب و اجرای سیاست توسعه ارضی پیشرفت سیاست توسعه اقتصادی را تقویت میکرد .

فصل اول

۱- انحطاط دولت صفویه و آغاز سیاست متجاوزانه دولت روسیه تزاری
با جلاوس شاه سلطان حسین بر تخت سلطنت ایران که انقراض خاندان صفویه
را تسریع نمود و با ظهور قدرت پطر کبیر در روسیه در روابط ایران و روس که تا آن
زمان جنبه تجارتي داشت تغييراتی حاصل شد و روابط حسنه موجوده میان دو دولت
بر روابط خصمانه مبدل گردید .

تا آن زمان دولت روسیه با تمام وسائل کوشش میکرد که تماس خود را با دولت
ایران بیشتر نماید و حتی در بعضی موارد تقاضای کمک مالی و نظامی نیز از ایران
مینمود . با سلطنت پطر کبیر در روسیه این وضع بکلی دگرگون شد بطوریکه
نمایندگان شاه سلطان حسین و یسرش تقاضای کمک از روسیه بر ضد افغانه مهاجم
نمودند و با مداخله روسیه بعنوان کمک مقدمه دست اندازیه و تجاوزات مداوم تزاران
روسیه در خاک ایران آغاز گشت و این حالت قریب دو قرن یعنی از ۱۱۳۵ تا ۱۳۳۶
(۱۷۲۲ - ۱۹۱۷) ادامه داشت و با سقوط رومانفها از میان رفت .

قبل از آنکه خاندان رومانف بقدرت برسد مسکوی دولت بزرگی بود که
به هیچ يك از دریاهای آزاد دسترسی نداشت بنابراین برنامه اساسی و سیاست اصلی
زمامداران روسیه دست یافتن بدریای آزاد و توسعه سرحدات آن کشور تا دریاهای گرم
و آزاد بود . برای انجام این مقصود روسها از چهار طرف بجانب دریا های آزاد
پیشرفتند .

۱- از شمال بطرف اوقیانوس منجمد شمالی

۲- از مشرق بسوی اوقیانوس ساکن

۳- از مغرب بجانب اروپای غربی و دریای بالتیک

۴- از جنوب بطرف آسیای مرکزی و خلیج فارس

و از این جمله موضوع پیشرفت روسیه بسوی خلیج فارس و اوقیانوس هند مورد بحث ما خواهد بود .

پطر کبیر سلطان مقتدر و فعال که در نتیجه قدرت و نفوذ وی روسیه داخل در جرگه دول اروپائی گردید ، از دیر زمانی مصمم بود ایالات شمالی ایران را که در راه هندوستان اولین منزل بشمار میآید بتصرف خود درآورد . علت اتخاذ این تصمیم با وصیتی که بوی نسبت داده میشود روشن تر میگردد . گرچه در صحت این وصیت نامه تردید است ولی نظر باینکه بندگانم آن : سیاست امپراطوری روس را در مشرق بطور جالب توجهی بیان میکنند بدرج آن مبادرت میکنیم : « هر چه بیشتر باید با اسلامبول و هندوستان نزدیک شد . کسی که در اینجاها حکومت کند سلطان حقیقی جهان خواهد بود . بنابراین بایستی جنگهای مداوم گاهی بر ضد ایرانیها ایجاد کرد . لازم است مؤسسات کشتی سازی در ساحل دریای سیاه ایجاد نمود و بتدریج این دریا و دریای بالتیک را که دو نقطه لازم و ضروری برای پیشرفت و انجام نقشه ماست بتصرف آورد .

در اضمحلال ایران باید تسریع کرد و بر خلیج فارس دست یافت و در صورت امکان راه تجارتی قدیم مشرق را از طریق سوریه تا هندوستان که بمنزله انبار دنیاست دایر کرد . وقتی به آنجا رسیدیم میتوانیم از طلای انگلستان صرف نظر کنیم^۱ »

اغتشاشات داخلی ایران در ابتدای قرن هیجدهم میلادی (دوازدهم هجری) عامل مؤثری در اجرای طرح دولت روسیه یعنی نزدیک شدن به هندوستان و عبور از قفقاز بود .

پس از سلطنت با عظمت شاه عباس کبیر دولت شاهنشاهی صفویه در نتیجه ضعف دولتهای مرکزی به خانات متعدد و مستقلی تجزیه شده و مخصوصاً مخالفت شدیدی بین

1-jillet: «La perse dans l'équilibre politique universel» P.3 Thieury-
(Ivles) : «Documents pour servir des relations entre la France et la
Perse P.26»

ایرانیان شیعه و افغانان سنی وجود داشت و شاید یکی از علل ضعف ایران در قرن جدید مخالفت دولت سنی در مشرق و در مغرب یعنی افغانها و عثمانیها با ایرانیها باشد. این ضعف و تجزیه ایران درست با دوره‌ای مطابقت میکند که روسیه با وج قدرت خود رسیده و پتر کبیر در ۱۷۰۹ میلادی (۱۱۲۱ هجری) در پولتاوا^۱ به بزرگترین فتح خود بر شارل دوازدهم پادشاه سوئد نایل آمده است.

شاهزادگان گرجی که مکرر حمایت تزاران روسیه را بر ضد تسلط ایران خواسته بودند برای تجدید تقاضاهای خود موقع را مناسب یافتند و بدین منظور حاکم گرجستان پسر عموی خود را برای جلب توجه تزار بطرف ایالات جنوبی دریای خزر به مسکو اعزام داشت.

این تقاضا كمك مؤثری برای اجرای نقشه‌های پتر کبیر بود ولی نظر باینکه تزار بدون کسب اطلاع قبلی درباره ایران مایل نبود هیچ نوع اقدامی کند در سال ۱۱۲۷ هجری (۱۷۱۵) مصمم شد آرتمی والنسکی^۲ را با اختیارات تام برای انعقاد يك معاهده تجارتي بایران اعزام دارد. پتر کبیر میخواست اطلاعات صحیحی راجع بایالات مجاور بحر خزر و بنادر ورودخانه‌های این دریا کسب کند. بعلاوه مایل بود مطلع شود آیا رودخانه‌ای وجود دارد که از هند سرچشمه گرفته و بدریای خزر بریزد^۱ والنسکی مخصوصاً مأموریت داشت اطلاعاتی راجع بایالت گیلان تحصیل کند و از شاه سلطان حسین بخواهد ارامنه را که تجارت ابر بشم ایران در دست آنهاست مجبور کند کالای خود را بجای این که مثل سابق باز میر و حلب بفرستند به سن پترزبورگ روانه کنند. نماینده روس در ماه جمادی الاول ۱۱۲۹ (مارس ۱۷۱۷) باصفهان رسید و موفق شد معاهده‌ای منعقد کند که مطابق آن معاهده حقوق گمرکی و مبادله کالاهای مجاز بین دو کشور تعیین میشد. بعلاوه انعقاد این معاهده بروسیه حق میداد يك نفر کنسول دائمی در گیلان داشته باشد.

1- Poltava

2- Arthemiy-Valinsky

والنسکی با پشت کار و کلاوتی که داشت خیلی زود از اوضاع ایران مطلع شد و تشخیص داد که با وجود جنگ بین دولتین سوئد و روسیه دولت اخیر قادر است با قوای مختصری نقشه‌های خود را به سهولت در آسیا بموقع اجرا بگذارد در مراجعت خود در ۱۱۳۱ (۱۷۱۹) سفیر روسیه زمستان را در شماخی گذرانید و در آنجا تشخیص داد که رابطه میان قفقاز و ایران خیلی بی‌بنیان است و از علاقه ملل عیسوی قفقاز مخصوصاً گرجی‌ها اطلاع حاصل کرد.^۱ والنسکی در گزارشهای خود شروع اغتشاشاتی را پیش‌بینی مینمود و راجع به خطر حتمی و قریب الوقوع افغان در ایران و بخصوص ایالات جنوبی دریای خزر ایمان داشت. نامبرده معتقد بود که برای ازدیاد نفوذ روسیه در قفقاز دولت امپراطوری ناچار است دیر یا زود باین ناحیه و حتی بداخله ایران لشکر کشی کند.

این گزارش‌طوری با نظریات و نقشه‌های تزار موافق بود که والنسکی از طرف دولت روسیه به حکومت حاجی‌طرخان منصوب گردید تا در آنجا بتواند نقشه‌های خود را تکمیل نماید.

کمی بعد پیش‌بینی والنسکی تحقق یافت و بمرحله عمل رسید. هجوم و استیلای افغان زوال قدرت ایران را اعلام نمود. برای اطلاع از وضع ایران در آن زمان مختصری از چگونگی حمله افغان را در زیر شرح میدهیم:

شاهنشاهی ایران که در دوران حکومت شاه عباس کبیر از نوع عظمت سابق خود

۱- آرتمی والنسکی که بعدها بمقام وزارت رسید در تاریخ ۱۷۱۵ در مراجعت از اصفهان بامپراطور پطر کبیر میگفت: «تصور میکنم که نابودی واضح محال نهایی ایران نزدیک است هرگاه سلطان جدیدی بر تخت نه نشیند و وضع کشور را بهبود ندهد در همه جا انقلابات و اغتشاشات رخ خواهد داد و جانی نخواهد ماند که در آنجا آتش اغتشاش زبانه نکشد با اینکه جنگ فعلی ما با سوئد اشکالاتی برای ما تولید میکند بعلمت ضعف ایران میتوانیم بدون هیچ ترسی مختاصات را بر ضد آندولت شروع کنیم تنها یک دسته کوچک سرباز برای ضمیمه کردن قسمتی از خاک ایران کافیست ولی برای گرفتن نتیجه بایستی از موقع استفاده شود زیرا هرگاه در آتیه تشکیلات این کشور در نتیجه مساعی شاه جدیدی منظم گردد وضع بکلی تغییر خواهد کرد. M. Pavlowitch : La Briga de Russe en Perse P.

را بدست آورد پس از وی مجدداً بحکومت‌های کوچک مستقلی تجزیه گردید. شاهزاده گرگین خان از خانواده سلطنتی با گراتی^۱ از طرف شاه سلطان حسین بحکومت کرمان و گرجستان منصوب شده بود و در دربار میزیست. وزرا و خواجه سرایان و حتی خود پادشاه از وجود این شاهزاده در اصفهان نگران بودند بهمین مناسبت وی را بعنوان سرکوبی قندهار که همواره در حال عصیان و سرکشی بود از پایتخت دور ساختند. گرگین با همراهان گرجی خود موفق شد با آسانی انقلاب آنجا را خاتمه دهد. ولی تعدیات و اجحافات وی و بدرفتاری سربازان گرجی باندازه‌ای باهالی آن سامان صدمه رسانید که این بار مقدمات يك انقلاب عمومی فراهم گردید.

طوایف افغان قندهار میرویس یکی از رؤسای ایل را بریاست برداشتند. میرویس گرگین را کشت و در يك شبیخون قندهار را متصرف شد و گرجیان را بیرون راند. میرویس که گرگین را یکمفر یاغی بدربار قلمداد کرده بود موافقت شاه را نیز بدست آورد. وقتی دربار از این قضایا اطلاع یافت دیر بود و میرویس و سایل دفاعی متصرفات خویش را تقویت کرده بود بطوریکه لشکریان ایران که از سربازان هراتی و گرجی و تبریزی و غیره تشکیل می یافت بکی پس از دیگری منهدم شدند میرویس پس از پنج سال حکومت در قندهار در سال ۱۱۲۷ (۱۷۱۵) درگذشت.

اختلاف افغانه سنی با ایرانیان شیعی مذهب بامر گ میرویس متوقف نشد میر محمود پسر میرویس عنوان پادشاهی اختیار کرد و وضع نامطلوب شاهنشاهی ایران جاه طلبی و بلندپروازی افغانه را تقویت و تأیید میکرد زیرا هجوم بیگانگان و انقلابات داخلی در سال ۱۱۳۰ (۱۷۱۷) استقلال ایران را تهدید مینمود :

در نتیجه شورش ابدالی‌های هرات حاکم شهر بقتل رسیده و شهر هرات بدست یاغیان افتاده بود و ابدالی‌ها با کمک ازبکان یکدسته از قوای سلطنتی را مغلوب کرده از پای درآورده بودند.

در سال ۱۱۳۱ (۱۷۱۹) کردان یاغی نیز بحوالی همدان و اصفهان دست

اندازی کردند.

لز گیهای داغستان هم بشهرهای همجوار می‌تاختند و خسارت میزدند و در گرجستان شاهزاده کارتیل^۱ (از نواحی گرجستان) بعنوان جلو گیری از لز گیها مشغول جمع آوری اسلحه بود.

باین وضع میر محمود دریافت که فرصت برای فتح ایران مناسب است. برای اجرای تصمیم خود باده هزارتن راه صحرای سیستان و کرمان پیش گرفت و شهر کرمان را بتصرف آورده و در آنجا منتظر ورود لطفعلی خان فرمانده کل قوای دولتی شد. لطفعلی خان با بیست هزار نفر سرباز افغانه را دریای دیوار شهر کرمان مغلوب و متفرق ساخت ۱۱۳۲ (۱۷۲۰) ولی بسبب همین پیروزی مورد حسد درباریان واقع شد و بزندان افتاد. در سال ۱۱۳۳ (۱۷۲۱) حادثه دیگری بر مشکلات کارشاه سلطان حسین اضافه شد.

کوه نشینان لز گی شماخی را تصرف کردند و اهالی را قتل عام و شهر شماخی را که انبار کالا و مرکز تجارتی مهمی بین ایران و روسیه بود غارت نمودند. ضرر تجارت روسی در این حادثه دو میلیون روبل تخمین زده میشد و از قتل يك شاهزاده روسی بنام چرکاسکی^۲ اختلافاتی پدید آمد.

در این موقع محمود مجدداً با ۱۵ هزارتن افغان از صحرا گذشت و کرمان را یکبار دیگر بتصرف آورد ربیع الثانی ۱۱۳۴ (ژانویه ۱۷۲۲). چون قلعه واستحکامات یزد مانع عبور قوای افغان بود از صحرای ریگزار بجانب اصفهان تاخت و در گلناباد سه فرسخی آن شهر اردو زد. در آنجا مهاجمین بفتح بزرگی نائل شدند و پایتخت را تهدید نمودند ۲۲ رجب ۱۱۳۴ (۸ مه ۱۷۲۲) نبرد گلناباد بایستی پایتخت و خود شاه سلطان حسین را تسلیم افغانه نمایند ولی مقاومت باعث شد که اهالی بدترین وضعی گرفتار شده و زجر و شکنجه بینند مخصوصاً بعلمت بروز قحطی حتی گوشت آدم

1- Car Talie

2- Tcherkasski

در مقابل بیرحمی‌های محمود حتی افغانه نتوانستند تسلط یکنفر جابردیوانه و ریش را تحمل کنند و بالاخره محمود در ۱۲ شعبان ۱۱۳۷ (۲۶ آوریل ۱۷۲۵) در ۲۷ سالگی بدست افغانان بقتل رسید و اشرف برادرزاده میرویس پسر میر عبدالله (میر عبدالله بدستور محمود بقتل رسیده بود) بجانشینی محمود منصوب گشت. اشرف با رعایت احترام نسبت باجساد صد نفر شاهزادگان صفویه که بدست محمود بقتل رسیده بودند از ایرانیان دلجوئی نمود.

۲ = رقابت روس و عثمانی در ایران

و معاهده اسلامبول ۱۱۳۶ (۱۷۲۴)

پطر کبیر دو اعتراض برابران داشت: یکی غارت مال التجاره های اتباع روس در شماخی از طرف ازگیها و دیگر قتل شاهزاده چر کاسکی بدست ازبکان صحرانگرد. بنابراین ایران بایستی خطای قطاع الطریقانی را که خود از دست آنان فوق العاده در زحمت بود بنام اتباع ایران جبران نماید. جنگ شمال مانع این بود که تزار بطرف ایران توجه کند. بهمین سبب در سال ۱۱۳۲ (۱۷۲۰) یک هیئت نظامی تحت سرپرستی بوساکوف^(۱) برای تنظیم نقشه سوق الجیشی مأمور شد دره ترك را از راه خشکی تاگیلان از نظر اکتشاف نظامی مطالعه کند و اطلاعات لازم را بستاند کل روس بفرستد.

همینکه تزار با انعقاد معاهده صلح نیستاد^(۲) در ۱۷۲۱ (۱۱۳۳) از طرف سوئد آسوده خاطر شد توجه خود را بنواحی جنوبی امپراطوری روسیه معطوف داشت. پطر کبیر برای تصرف ایالات ساحلی بحر خزر و ممانعت از نزدبک شدن عثمانیها باین ناحیه میخواست از هرج و مرجی که در داخله ایران حکمفرماست استفاده کند.

هنگامیکه کار سلسله صفویه در ایران یکسره میشد پطر کبیر سفیری بدربار شاه سلطان حسین فرستاد.

نماینده روس وقتی باصفهان رسید که شاه اسیر محمود افغان بود ۱۱۳۴ (۱۷۲۲) سفیر ناچار خود را باافغان فاتح معرفی کرد و از وی تقاضای تنبیه قاتلین شاهزاده چر کاسکی و جبران خسارت نسبت به تجاری که در شماخی مال التجاره های

1 - Boskakoff

2 - Nystadt

خود را از دست داده بودند کرد .

محمود که از سیاست خارجی اطلاعی نداشت بنمایندۀ مسکو اظهار نمود که نمیتواند عملیات از بکها و از گیهارا مراقبت کند و در حقیقت با این بیان بنمایندۀ مسکو تلویحاً گفت که تزار میتواند منافع اتباع خویش را در ناحیۀ شمال غرب حمایت نماید .

در نتیجه این اتفاقات و مذاکرات بود که در ماه شوال ۱۱۳۴ (ژوئیه ۱۷۲۲) سی هزار سرباز منظم از جنگجویان نبرد سوئد و سی هزار از افراد چریک بفرماندهی تزار بقصد حاجی طرخان ازولکا گذشتند .

پطر کبیر در سر راه خود ابالات ساحلی را مطیع ساخته و به مصب رود ترك در داغستان رسید ۲۱ شوال ۱۱۳۴ (۴ اوت ۱۷۲۲) در داغستان تزار بیانیۀ ای صادر کرد و اعلام نمود که منظور وی از این لشکر کشی توسعه ارضی نیست و این اقدام فقط برای نجات شاه از ظلم و تعدی افغانه است . تزار حرکت خود را بطرف جنوب ادامه داد و پس از مطیع ساختن از گیها از داغستان عبور نمود و در بندرا گرفت بیستم ذی قعده ۱۱۳۴ (سپتامبر ۱۷۲۲) سپس برای اجرای این منظور به معاونین خود تعلیمات لازم داد و بمسکو مراجعت کرد .

در زمستان سال بعد سپاهیان افغان رشت را محاصره کردند . حکام ابالات شمالی نمایندۀ ای به حاجی طرخان فرستاده پیشنهاد کردند لشکریان روس وارد این منطقه شوند . روسها از این موقع و فرصت خوب استفاده کردند و گذشته از رشت تمام مازندران و استر آباد را نیز متصرف شدند تا بهستان ۱۱۳۵ (۱۷۲۳) با کونیز مورد حمله سپاهیان روس گردید و بالاخره تسلیم شد .

با این ترتیب تمام ساحل جنوبی بحر خزر بدست لشکریان تزار افتاد و سی بعلت بدی آب و هوا و ظهور مالار با تلفات زیادی بروسها وارد آمد و این نقاط در واقع قبرستان سربازان روس شد .

از طرف دیگر در مقابل روسها باب عالی که با انعقاد معاهده پاسار ووتز (۱) ۱۱۲۶ (۲۱ ژوئیه ۱۷۱۴) از جنگ باطریش خلاص شد و شهرهای صربستان و بانات (۲) و تمسوار (۳) و قسمتی از وولاشی را از دست داده بود میخواست خسارات مذکور را از طرف مشرق جبران نماید و به همین سبب جنگ مذهبی را بر ضد ایرانیان شیعه آغاز کرد. بنابراین محمود پس از رسیدن بقدرت ناچار بود با دو دولت قوی جنگ کند. عثمانیهای سنی بر ضد محمود که وی نیز سنی بود جنگ مذهبی را ادامه دادند و در مقابل فتوحات روس گرجستان را با تفلیس اشغال کردند و ولی در نزدیکی گنجه شکست خوردند.

در این مدت شاه طهماسب سعی داشت اساس متوازن سلطنت خویش را بر پایه استواری مستقر سازد. در موقع تصرف باکو از طرف روسها ۱۱۳۵ (۱۷۲۳) پطر کبیر سفیری بایران فرستاده و اطلاع داده بود که اشتغال این شهر فقط بمنظور قلع و قمع اشرار است. نماینده روس در ضمن مأموریت داشت بدربار ایران اخطار کند در صورتی که شاه طهماسب مایل باشد، دولت روس حاضر است برای خاتمه دادن باغشاشات داخلی ایران مبادرت بلسکر کشی نماید و در مقابل این کمک روسیه و اگذاری ایالات شمالی را از طرف ایران تقاضا میکرد. وقتی نماینده روس بایران رسید که محمود در اصفهان مستقر شده بود.

سفیر روس مجبور شد بسمت قزوین مقرر ماندهی شاه طهماسب حرکت کند. شاه طهماسب ضعیف که قادر نبود با افغانه مهاجم مقابله نماید پیشنهاد های نماینده روس را قبول کرد و اسماعیل بیگ از محترمین دربار را بنمایندگی بسن پطرزبورگ فرستاد. نماینده ایران در تاریخ ۱۱ ذیحجه ۱۱۳۵ (۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳) معاهده ائتلافی امضاء نمود که بموجب آن ایران در بندو گیلان و مازندران را بر روسیه و اگذار

۱- Passarowitz از شهرهای صربستان معاهده ۱۷۱۴ میان اتریش و ونیز و باب عالی در این شهر منعقد شده

2 - Banat

3 - Temesvar

میکرد و در عوض تزار روس وعده میداد که برای اخراج محمود از ایران بشاه کمک کند.

در حالیکه روسیه حاضر شده بود بانمایندگان شاه طهماسب داخل مذاکره شود عثمانیها هم که جز محمود باهیچکس نمیخواستند داخل مذاکره گردند بفرستادگان شاه طهماسب اظهار داشتند که آیا دربار ایران حاضر است تبریز و ایروان را که بابعالی مصمم است بزور اشغال کند بدولت عثمانی واگذار کند؟

سرعت فتوحات روس در ایران زمامداران عثمانی را نگران ساخت و وحشت فراوان در قسطنطنیه حکمفرما شد. عثمانیها نمیخواستند که کشورهای اسلامی بدین نحو بدست کفار بیفتد. داماد ابراهیم صدراعظم سلطان احمد سوم شورای محترمین کشور و رؤسای مذهبی را دعوت کرده و آنانرا بر ضد تسلط روسها در کشورهای مسلمان تهییج نمود و در آنجا تصمیم گرفته شد که اعلان جهاد بر ضد روسیه داده شود و در نتیجه بدستور دولت عثمانی نیلویف^(۱) سفیر روس بزندان افکنده شد.

دوبوناك^(۲) سفیر فرانسه در قسطنطنیه که اصرار داشت از بروز اختلاف میان روسیه و عثمانی جلوگیری کند نماینده خود را نزد صدراعظم فرستاد تا ویرا متوجه سازد که جنگ عثمانی و روسیه فقط بنفع اطیش تمام خواهد شد و برای احترام از چنین پیمش آمدی وساطت دولت فرانسه را پیشنهاد کرد. وساطت دوبوناك از طرف دولت عثمانی مورد قبول گشت و مذاکرات آغاز شد.

سفیر فرانسه بدون دریافت تعلیمات از طرف دولت خود در تاریخ اول شوال ۱۲۳۶ (۲۳ ژوئن ۱۷۲۴) بامضای معاهده اسلامبول توفیق یافت که مطابق آن داغستان و شمال شیروان و ایالات ساحلی دریای خزر و گیلان و مازندران متعلق بروسیه میشد و عثمانیها نواحی متصرفی خود در شمالغرب ایران یعنی جنوب شیروان و گنجه و ایروان و مغان و قره باغ و آذربایجان و عراق را نگه میداشتند.

1 - Neplcuief

2 - De - Bonac

برای آن قسمتی که جهت دولت ایران باقی میماند دولتمن روسیه و عثمانی توافق حاصل کردند که شاه طهماسب معاهدهٔ اسلامبول را قبول کند حقوق وی محترم شمرده خواهد شد در غیر این صورت دو دولت پس از مشاوره برای انتخاب پادشاه دیگری جهت سلطنت ایران اقدام خواهند نمود .

سه سال بعد یعنی در ۲۶ صفر ۱۱۴۰ (۱۳ اکتبر ۱۷۲۳) فرستادگان اشرف جانشین محمود با عثمانیها معاهده‌ای منعقد کردند که مطابق آن دولت ایران فتوحات عثمانی را بر رسمیت شناخت و سلطان را جانشین حقیقی خلفا قبول کرد. سلطان نیز بنوبهٔ خود اشراف را پادشاه قانونی ایران شناخت . باستناد و با استفاده از انعقاد این معاهده روسیه نیز موفق شد نواحی اشغالی خود را بر رسمیت بشناساند و بدین ترتیب تجزیهٔ ایران عملاً انجام یافت و خط سرحدی میان دو منطقهٔ اشغالی روس و عثمانی بعدها از طرف دولتمن تعیین گردید .

۳ — نادر شاه افشار

استقرار امنیت در داخله

و اخراج روس و عثمانی از ایران

اشرف افغان بمحض اینکه از خطر عثمانی آسوده شد با خطر بزرگتری مواجه گردید .

طهماسب میرزای ولیعهد در هنگامی که اصفهان در محاصره افغانها بود بصوابدید جمعی از رجال دولت برای تهیه وسایل نجات اصفهان به قزوین اعزام شد ولی تاسقوط اصفهان کاری ازپیش نبرد و پس از مدت ها سرگردانی باسترآباد رفته مساعدت و همکاری متنفذین آن ناحیه و از جمله فتحعلیخان رئیس ایل قاجار را برای سرکوبی اشرف تقاضا کرد . دیری نگذشت که شاهزاده صفوی از کمک نادرقلی که بعدها بدستیاری او از خطر افغان نجات یافت و در برابر اراده و پافشاری وی روسها و عثمانیها نیز مجبور شدند از کلیه فتوحات خود در ایران صرف نظر کنند بر خوردار شد .

نادر با پنجهزارتن سواران جنگی خود بکمک طهماسب میرزا که با فتحعلیخان قاجار عازم خراسان شده بود شتافت. در اولین جنگ و برخورد مشهرا تسخیر کرده سپس بدفع افغانه ابدالی که برهرات مسلط شده بودند پرداخت و پس از سه روز جنگ ابدالیهارا وادار بتسلیم کرد و از جانب سرحدات شرقی خراسان آسوده خاطر شد در نتیجه این فتوحات نادر بدریافت عنوان فرماندهی کل قوای سلطنتی و لقب طهماسبقلی نائل گردید . پس از این موفقیت ها نادر جنگ را بر ضد اشرف افغان ادامه داده و شکست فاحشی بقوای وی ابتدا در مهماندوست دامغان و سپس در مورچه خورت اصفهان وارد آورد اشرف باصفهان فرار کرد و چون اهالی شهر برضد

وی قیام کردند در حال یأس و ناامیدی پایتخت را ترك گفت و بطرف فارس فراری شدند در اصفهان را متصرف شد و برای ورود طهماسب میرزا تهیه مجملی دید شاه طهماسب دوم با جلال و شکوه خاصی وارد اصفهان شد و بدیدار مادر پیر خود که مدت هفت سال در لباس مبدل کنیزی میکرد نائل آمد.

(رجب ۱۱۴۲ ژانویه ۱۷۳۰) نادر اشرف را تعقیب کرد لشکریان افغان را در حوالی زرقان فارس از پای در آورد. اشرف به لار گریخت و از آنجا عازم قندهار شد و در بلوچستان بدست بلوچها بقتل رسید.

پس از اخراج افغانه از ایران شاه طهماسب تصمیم گرفت برای استرداد نواحی اشغالی با عثمانیها وارد مذاکره شود داماد ابراهیم صدراعظم عثمانی پس از انقلابی که در اسلامبول در ۱۸ ربیع الاول ۱۱۴۳ (اول اکتبر ۱۷۳۰) رخ داد از کاربرکنار و سلطان احمد سوم در نتیجه این انقلاب از سلطنت خلع و سلطان محمد اول جانشین وی گردید و بروز این حوادث در اسلامبول باعث قطع مذاکرات با ایران شد. نادر که بادامه مذاکرات مخالف بود جنگ را در آذربایجان و عراق بر ضد عثمانی ادامه داد.

عملیات نادر بانهایت موفقیت پیش میرفت و لشکریان وی که در کرمانشاه فاتح بودند تبریز و اردبیل را نیز اشغال کرده بودند. هنگامیکه نادر بمحاصره شهر ایروان مشغول بود بعزت بروز انقلاب در مشرق ایران مجبور شد بسمت خراسان حرکت کند.

نادر برای تجدید مذاکرات سفیری با اسلامبول نزد دولت جدید عثمانی فرستاد قبل از آنکه نتیجه این سفارت معلوم گردد شاه طهماسب که نسبت بموفقیت های نادر حسادت میورزید تصمیم گرفت شخصا با عثمانیها وارد جنگ شود.

پس از دوبار شکست در ظرف یکماه آنچه را که نادر در نتیجه فعالیت و فداکاری تحصیل کرده بود شاه طهماسب از دست داد و در بغداد در خیمه احمد پاشا در تاریخ رجب ۱۱۴۴ (ژانویه ۱۷۳۲) معاهده موهونی امضاء کرد.

مطابق این معاهده شهرهای گنجه و تفلیس و ایروان و نخجوان و شماخی و داغستان یعنی تمام گرجستان و ارمنستان تا سرحدارس به عثمانیها واگذار شد تبریز و کرمانشاه و لرستان برای ایران باقیماند . بعلاوه دولت عثمانی تعهد کرد که لشکریان خود را برای اخراج روسها از نواحی که بوسیله پطر کبیر فتح شده و در تصرف آنها است بکمک لشکریان ایران اعزام دارد .

در این هنگام نادر که بعزت بی‌مهری شاه طهماسب در خراسان بسر میبرد مشغول تقویت سپاهیان خود بود .

شکست‌های پی‌درپی شاه طهماسب و معاهده ننگین بغداد بمخالفت و اعتراضات نادر کمک می‌کرد . شاه طهماسب بی‌مطالعه و بدون توجه به نتایج اقدام خود نادر را باصفهان احضار کرد وی در رأس پنجاه هزار سواران زبده خود وارد یاب‌تخت گردید و شاه را خلع و باسارت بخراسان اعزام داشت . چون نادر هنوز مصالحت نمی‌دید عنوان سلطنت اختیار کند بهمین جهت پسر شیرخوار شاه طهماسب را باسم شاه عباس سوم به پادشاهی انتخاب کرد و خود را نائب السلطنه خواند .

پس از این موفقیت نادر بلافاصله ضمن یادداشت تمسخر آمیزی استرداد ایالات اشغالی ایران را از دولت عثمانی نقاضا کرد بابعالی که از این بادداشت نادر متوحش بود توپال عثمان باشای طرایوزان را که لایقتر بن و معروفتر بن سرداران عثمانی بود مأمور تمرکز قوای عثمانی نمود ۱۱۴۶ (۱۷۳۳) نادر پس از یک نبرد خونین بعزت بروز انقلاب در شیراز و کرمان مجبور شد پییمان متار که‌ای در بغداد با احمد پاشا امضاء و برای سرکوبی یاغیان بجنوب ایران عزیمت کند ۳ رجب ۱۱۴۶ (۱۰ دسامبر ۱۷۳۳) .

نادر روسهارا فراموش نکرده بود باخنده میگفت بایک جاروب آنها را از ایران بیرون خواهد کرد .

نادر قبلا استرداد ایالات اشغالی را از دولت سن پترزبورگ درخواست کرده بود ، با مرک پطر کبیر سیاست توسعه طلبی دولت روسیه خاتمه پیدا کرد ملکه

آنا^(۱) امپراطریس صلحجو که تشخیص داد وضع ایران بکلی عوض شده با انعقاد معاهده رشت اول فوریه ۱۷۳۲ (۴ شعبان ۱۱۴۴) که در ضمن پیمان اتحادی برضد دولت عثمانی بود ایالات مازندران و گیلان را بایران مسترد داشت .

بعثت خودداری سلطان محمد اول از امضای معاهده منعقد میان نادر و حاکم بغداد جنگ ایران و عثمانی مجدداً شروع شد در این جنگ عبدالله کپرلی پاشا فرماندهی قوای عثمانی را عهده دار بود نادر بجای اینکه بطرف بغداد متوجه گردد از راه تبریز بسمت تفلیس حرکت کرد شکست سختی در دشت آریا چای نصیب لشکریان عثمانی شد ۲۱ محرم ۱۱۴۸ (۱۴ ژوئن ۱۷۲۵) و در نتیجه این فتح گرجستان و شیروان بتصرف نادر درآمد .

باب عالی که در صدد بود جنگ را برضد دولت روسیه شروع کند با عجله به نادر پیشنهاد صلح کرد و با انعقاد معاهده اسلامبول در ۱۱۴۹ (۱۷۳۶) دولت عثمانی باستثنای بغداد از تمام فتوحات خود در ایران صرف نظر کرد .

نادر از بروز جنگ بین دولتین عثمانی و روس استفاده کرده واردات اخیر استرداد شهرهای باکو و دربند را خواست و در ضمن دوات روسیه را نهدید کرد که در صورت عدم قبول این تقاضا دولت ایران پیمان اتحادی بادوات عثمانی برضد دولت روسیه منعقد خواهد کرد دولت روس که در وضع سیاسی بدی قرار داشت ناچار تقاضای قهرمان ایران را اجابت کرد و شهرهای باکو و دربند را تخلیه و مسترد داشت نباید از نظر دور داشت . مادامیکه دولت عثمانی نواحی مجاور دریای خزر را نهدید می کرد سیاستی که از طرف پطر کبیر تعیین گردیده بود بقوت خود باقی بود منتهی با سلطنت مقتدر نادر در ایران که توانست در مقابل تجاوزات احتمالی دولتین روس و عثمانی مقاومت کند سیاست دوات روس موقتاً بحال وقفه باقیماند .

نادر پس از آنکه ایران را از خرابی و اضمحلال قطعی نجات داد موقع را برای

انتخاب عنوان سلطنت مناسب دبد بزرگان کشور ورؤسای قبایل که برای تعیین تکلیف سلطنت ایران دردشت مغان جمع شده بودند بادر نظر گرفتن فداکاریها و خدمات گرانبهای نادر که ازسقوط حتمی ایران جلوگیری کرده بود ویرادرهشتم رمضان ۱۱۴۸ (۲۲ ژانویه ۱۷۳۶) بسلطنت ایران برگزیدند .

مراسم تاجگذاری قهرمان ونجات دهنده ابران درماه شوال همین سال انجام پذیرفت .

در سالهای اول سلطنت منطقه قندهار را که مرکز اصلی فتنه وفسادبشمار مبرفت وطغیان افغانها ازآنجا شروع شده بود ازوجودگردنکشان مصفا ساخت وبا تسخیرهندوستان صحنه پرافتخاری درتاریخ ایران گشود و سپس با فتح ترکستان حدود ایران را به دوره ساسانیان رسانید .

بدبختانه سلطنت کوتاه نادر درتاریخ طولانی ایران بمنزله سرعت صاعقه ای بود وی درشب یازدهم جمادی الثانی ۱۱۶۰ (۲۰ ژوئن ۱۷۴۷) درفتح آباد قوچان بدست چندتن ازسران قزلباش بقتل رسید وقتل وی ابران را باردیگرتسلیم تخطی ودست اندازی مداوم همسایگان کرده خرابکاریها وهرج و مرج و انجام گسیختگی داخلی را دامن زد ودرحقیقت بایدگفت دولت مقتدر نادرخوش درخشیدولی دولت مستعجل بود .

۴ - جانشینان نادر

بین مرک نادر و تاجگذاری آغامحمدخان = ۵ سال طول کشید ۱۱۶۰ - ۱۲۱۰
(۱۷۴۷ - ۱۷۹۵) که آن را میتوان بسه دوره تقسیم کرد .

دوره اول از ۱۱۶۰ تا ۱۱۷۲ در این دوره دوازده ساله تاریخ ایران صحنه خونین و تأثر انگیزی است که بگفته صاحب مجمع التواریخ «اراده ازلای قرار یافت که عموم اهل ایران بچهارموجه بحور بلافتاده سزا و جزا یابند تا زمانی که قابل ترحم و تفضل بارتعالی گردند» قدرت عظیمی که نادر بچنگ آورده بود پرده ضخیمی در مقابل دیدگان او نهاد و او را از تقدیر و سرنوشت بی خبر گذاشت بطوری که نتوانست آینده را به بیند و پس از خود برای مملکت چاره ای بیندیشد اخلاف وی نیز فرزاندگی او را نداشتند .

پس از قتل نادر علیقلی خان برادرزاده او که در هرات بود به مشهد آمد و تحت عنوان سلطان علی عادل شاه به تخت نشست و بقتل عام شاهزادگان خاندان خود پیرداخت از جمله رضاقلی میرزا و نصرالله میرزا و امامقلی میرزا فرزندان نادر را کشت فقط شاهرخ میرزا پسر رضاقلی میرزا را باقی گذاشت که اگر کار سلطنتش بنیانی نگیرد از علاقه مردم بخاندان صفوی استفاده کرده او را که دخترزاده شاه سلطان حسین بود بسلطنت انتخاب نماید و باسم او حکمرانی کند .

عادلشاه برادر کوچک خود ابراهیم خان را سردار عراق نموده روانه اصفهان ساخت سال بعد ابراهیم خان بر او شوریده خود را ابراهیم شاه خواند، عادلشاه از طریق مازندران متوجه جنگ برادرش و نخست بامحمد حسن خان قاجار در کنار رود سیمره مبار جنگی سخت کرده او را منهزم و فراری نمود و پسر صغیر او آقامحمدخان را گرفتار کرده مقطوع النسل ساخت ولی در جنگ با برادر که در سلطانیه روی داد شکست

خورده بتهران گریخت حاکم تهران او را دستگیر ساخته بفرمان ابراهیم شاه کور کرد . خبر نابیناشدن او بوسیله فراریان که از جنگ بین دو برادر گریخته بودند بخراسان رسید امرا و سرداران خراسان متفق شدند و شاهرخ میرزای سابق الذکر را بسلطنت برداشتند و مستعد جنگ با ابراهیم شاه شدند ابراهیم شاه نیز که مهیای جنگ بود کاری از پیش نبرد و بدست هواداران شاهرخ بین قزوین و ساوه بقتل رسید .

میر سید محمد متولی استان قدس رضوی دخترزاده شاه سلیمان صفوی که سلطنت را حق خاندان خود میدانست شاهرخ را دستگیر و نابینا کرد و خود بنام شاه سلیمان ثانی به تخت نشست ولی پس از چهل روز مردم مشهد او را کور کرده شاهرخ نابینارا دوباره بسلطنت برداشتند .

این حوادث خونین که در خراسان رخ داد خاندان نادری و مدعیان سلطنت را از پای درآورد و باینجهت شاهرخ توانست تا سال ۱۲۰۱ که وفات او است بآرامی وبدون مدعی برحوزه خراسان حکومت کند اما هرج و مرج و جنگ وجدال در سایر نقاط ایران طولانی تر شد .

احمدخان ابدالی یکی از سران افغانه که بنام طایفه مخصوص خود به احمد خان درانی نیز اشتهار داشت سپاهیان افغان اردوی نادری را بقندهار برد و مقدمات استقلال افغانستان را فراهم کرد و یکی از عاملین بزرگ جدا شدن ایران شرقی از ایران غربی گردید .

یکی دیگر از سرکردگان افغانی نادر بنام آزادخان افغان در آذربایجان قدرتی فراهم کرده بنای سرکشی گذاشت .

حکومت اصفهان که بدستور شاهرخ به ابوالفتح خان بختیاری تعلق گرفته بود سبب طغیان یکی دیگر از سرداران بختیاری بنام علیمردان خان شد و اصفهان را ما بهالنزاع این دوسر دار ساخت .

مدعی دیگر محمد حسنخان قاجار بود که عده‌ای از تر کسانان قاجار را در گریان و مازندران بدور خود گرد آورده بود.

مدعی قوی پنجه وزورمند دیگر کریمخان رئیس ایل زند بود.

جنگ بین این مدعیان نیز قریب به ۸ سال طول کشید و سبب خونریز بهای فراوان در شمال و مغرب و مرکز ایران گردید و بکلی آسایش و آرامش را سلب کرد در پایان این منازعات طولانی و خونین کریمخان زند فاتح و فیروز در آمدوباکشته شدن آخرین سردار مدعی یعنی محمد حسنخان قاجار رئیس طایفه زند بر تمام ایران دست یافت و بنام وکیل‌الرعا یا تخت سلطنت ایران جلوس نمود ۱۱۷۲ (۱۷۵۸) تنها بهاس حق نعمت نادرشاه متعرض خراسان و شاهرخ میرزا نشد و تا سال فوت خود ۱۱۹۳ (۱۷۷۹) بعدل و انصاف حکومت کرد.

در دوره سلطنت ۲۱ ساله کریمخان که آن را دوره دوم مینامیم واقعه مهمی که آرامش مردم را برهم زند رخ نداد در نقاط مختلف ایران بخصوص در فارس خرابیهای وارده تا حدی ترمیم شد. طغیانهای پی در پی که در سالهای آخر سلطنت نادر برائرستمکار بهای بی حد و حصر او و در دوره جانشینانش روی داد تجارت ایران را با خارج مختل ساخت و رشته ارتباط ایران را از هم گسیخت ولی سکونتگی که در دوران حکومت کریمخان پیش آمد باردیگر اروپا را بفکر ایران انداخت و تجدید روابط مترو که مورد توجه شد انگلیسیها و روسها اجازه گرفتند که در سواحل خلیج فارس در بحر خزر دارالتجاره تأسیس کنند هلندیها و برتقالیها در جزیره هرمز و خارک بگرفتن این امتیاز نائل آمدند ولی انقلابات دوران جانشینان کریمخان باعث شد که دول مذکور باستثنای انگلیسها تجارتخانههای خود را رها ساختند ادامه ارتباط آنان نیز بمناسبت منافی بود که در هندوستان داشتند و این ارتباط هم غیر مدوام و چندان مشمر تمر نبود.

دوره سوم دوره جانشینان کریمخان است و تا سال ۱۲۱۰ (۱۷۹۵) یعنی ۱۷

سال طول کشید. فوت کریمخان باردیگر ایران را میدان تاخت و تاز ستیزه جویان و مدعیان سلطنت قرارداد بازماندگان کریمخان بوضع شگفت انگیزی بجان یکدیگر افتاده خاک فارس را از خون هم رنگین ساختند خونریزی و اعتشاش از ساعت فوت کریمخان شروع شد تا جائیکه نعش کریمخان سه روز بر زمین ماند ز کیخان برادر مادری کریمخان ۱۵ تن از بزرگان زندیه را بقتل رسانید و پس از این فجایع ابوالفتح خان پسر بزرگ کریمخان را بسلطنت برداشت و برادرش محمد علیخان را نیز که داماد او بود در سلطنت شریک ساخت و خود زمام امور را بدست گرفت علیمردان یکی از سرداران کریمخان که از طرف او مأمور اصفهان شده بود بر زکی خان شورید ز کیخان بقصد دفع او عازم اصفهان شد ولی درایز درخواست بدست سپاهیان خود بقتل رسید صادقخان برادر دیگر کریمخان و یسرش جعفرخان اطاعت ابوالفتح خان را گردن نهادند و چون ابوالفتح خان لایالی و عشرت طلب بود و بامور حکومت و سلطنت چندان توجهی نداشت اگر چه در طاهر عنوان پادشاهی داشت ولی در واقع رنق و فتق امور با صادق خان بود.

صادقخان در جنگ با علیمردان خان کشته شد و بدستور علیمردان خان ابوالفتح خان و سایر فرزندان کریمخان نایبنا گردیدند علیمردان خان از ابن پس مجبور بود از بکطرف بادنمندان خانکی و از سوئی با آقا محمدخان قاجار که شرح حال او عنقریب خواهد آمد بجنگد و بدون اینکه موفقیتی تحصیل کند سرانجام در مورچه خورت در گذشت و جعفرخان جانشین او گردید.

جعفرخان دونوبت با آغا محمدخان جنگید و شکست بافت و سرانجام مسموم شد یسر رشید وزبای او لطفعلیخان که مأمور بنادروسواحل خلیج بود همین که از قتل پدر اطلاع حاصل نمود شیراز را گرفت و قاتلین پدر را کشت.

زندگانی او از ۱۲۰۳ تا ۱۲۰۹ یعنی مدت شش سال باز دو خورد با خان قاجار و توأم با آوارگی و در بدری گذشت و در این مدت قهرمانیها و دلوریهای از خود

نشان داد که از فصول جالب توجه تاریخ ایران بشمار میرود سرانجام در کرمان از
 آغا محمدخان شکست خورده گرفتار و بوضع فجیحی بدستور خان قاجار زندگی
 وی پایان یافت .

۵- ایران هنگام ظهور سلسله قاجار

پیدایش سلسله قاجاریه

در طی مدت ۱۷ سالی که جانشینان کریمخان برای رسیدن به قدرت و زد و خورد بودند آغامحمد خان یکی از مؤسسين سلسله قاجار موفق شد وحدت ظاهری ایران را عملی کند چون ظهور این سلسله مقارن با ورود دولت روسیه در صحنه سیاست ایران بود و از همین تاریخ نامدت قریب یک قرن ونیم مقدرات کشور ما را این سیاست در دست داشت و عامل مؤثر آن بشمار می آید لازمست برای اطلاع از سیاست همسایگان و وضع داخلی ایران جریانات این دوران تحول را با دقت بیشتری مطالعه کنیم .

ایل قاجار از طوایف ترکی هستند که در حدود قرن هشتم هجری بنواحی مغرب رفته در سرزمین های بین ایران و شام و نیز در حدود ارمنستان سکونت گزیده اند و در هنگام ظهور سلسله صفویه یکی از ۷ طایفه قزلباشی بوده اند که بشاه اسمعیل صفوی در رساندن او به سلطنت کمک کرده اند و از آن پس در تاریخ ایران نام و نشان یافته در اکثر وقایع و حوادثی که در تاریخ ایران روی داده است دخالت داشته اند شاه عباس بزرگ آنان را سه دسته کرد دسته ای را در خراسان و حدود مرو برای جلوگیری از حمله ازبکان سکونت داد و دسته ای را هم به حدود گرگان برای جلوگیری از حمله ترکمانان فرستاد و دسته سوم را در حدود قزلباغ مسکن داد عده ای که در گرگان ساکن شدند دو قسمت گردیدند قاجار های ساکن ساحل راست رود گرگان بنام یوخاری باش و آنهایی که در ساحل چپ سکونت گزیدند اشاقه باش نامیده شدند بین این دو طایفه غالباً بر سر چراگاهها نزاع در می گرفت و بهمین سبب با هم دشمنی میورزیدند در زمان هجوم افغانه فتحعلی خان قاجار

از رؤسای آشفته‌باش بباری شاه طهماسب دوم برخاست و هنگامی که در خدمت او به محاصره مشهد اشتغال داشت بتحریر نادر گشته شد پسرش محمد حسنخان در زمان نادر در میان تر کمانان متواری میزیست و پس از مرگ او به گرگان برگشته بادعای سلطنت برخاست و چنانکه گفتیم در مقابل علی قلی خان عادلشاه برادرزاده نادر شکست خورد و آغا محمد خان ارتد نه پسر او که در این وقت پنج سال داشت بدست عادلشاه اسیر و فرمان وی مقطوع النسل شد این بدبختی علت خونخواری و کینه توزی پادشاه خواجه را بخوبی روشن می‌کند .

سایکس نویسنده انگلیس میگوید ایرانیان از کمتر شخصی مانند آغامحمد خان به بدی یاد می‌کنند

آغا محمدخان پس از مرگ عادلشاه از خراسان گریخت و نزد پدر آمد و در مبارزاتی که بین پدرش و سایر مدعیان سلطنت روی میداد شرکت داشت پس از کشته شدن پدر به همراهی برادران چندی در میان تر کمانان بموت بسر بسر سپس چنین مصاحبت دید که به بزرگواری و جوانمردی کریمخان بنام برد و در تهران بخدمتش رسید، کریمخان او را که در این وقت سی سال داشت با خود بعنوان گروگان بشیراز برد و برادران و خواهران او را با خویشان وی در قزوین گذاشت، چندی بعد حسینقلی خان برادرش برای دیدن او بشیراز آمد و در مراجعت بحکومت دامغان منصوب گردید . حسینقلی خان در دامغان بر کریمخان عصیان کرد و پس از ۷ سال تاخت و تاز در گرگان بدست تر کمانان کشته شد، آغامحمدخان موقع مرگ کریمخان شیراز را ترك گفته بمازندران فرار کرد ۱۱۹۳ (۱۷۷۹) و از طرف سران ایل و اکثریت اهالی مورد قبول واقع شد، برادران ننی وی مرتضی قلیخان که عنوان شاهي اختیار کرده بود برای نقضای کمک از کاترین دوم پروسیه فرار کرد و بدون اینکه نتیجه‌ای بگیرد ناسال ۱۲۱۲ در دربار کاترین بسربرد و در همانجا نیز وفات یافت .

با این ترتیب آغا محمد خان توانست تسلط خویش را در ایالات بحر خزر بلامعارض مسلم کند و پس از تصرف این نواحی جنگهای موفقیت آمیزی بر ضد اخلاف

خانواده زند شروع کرد و در نتیجه اصفهان و شیراز و کرمان را بتصرف آورد ۱۱۹۳
 ۱۲۰۸ (۱۷۹۴ - ۱۷۷۹) آخرین صحنه‌های این زد و خوردها در کرمان اتفاق افتاد
 و چنانکه قبلاً اشاره کردم در آنجا لطفعلیخان آخرین مدعی سلطنت از خانواده زند
 آخرین مقاومت خویش را تهیه دیده بود پس از چهارماه محاصره بالاخره شهر
 کرمان با مساعدت و راهنمایی حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز سقوط کرد و لطفعلی
 خان که با سارت آغا محمد خان در آمده بود کور گردید و قتل عام موخش اعلام
 شد معروف است که قاجار خونخوار دستور داد بیست هزار جفت چشم بوی نشان دهند
 و بافتخار اسارت لطفعلیخان بفرمان آغا محمد خان شش هزار نفر اسیر را سر
 بردند و در اجرای این دستور حتی بزنان و بچه‌ها نیز رحم نکردند این فتح موفقیت
 نفوذ آغا محمد خان را در کرمان تأمین کرد ولی تسلط بر تمام ایران که در آن زمان
 بایالات مستقلی تجزیه شده بود کار آسانی نبود

خراسان اسماً در دست شاه رخ نوه نادر بود ولی عملاً میان رؤسای مستقلی
 تقسیم شده بود در مغرب ایران نواحی مجاور با دولت عثمانی از پاشای بغداد اطاعت
 میکرد در کرمانشاه کردها خود را مستقل خوانده و والی اردلان از صحنه مرکز
 اقامت خویش بقسمت اعظم ایران غربی حکومت میکرد بقیه ایران از بحر خزر تا
 خلیج فارس صحنه زد و خورد مدعیان زبادی بود که برای کسب قدرت باهم رقابت
 میکردند

با اطلاع از جریانات داخلی ایران لازم است وضع ممالک مجاور یعنی دولتین
 عثمانی و روس و سیاست آن دو دولت را نسبت بایران باختصار بیان کنیم دولت عثمانی
 که در چند قرن اخیر حالت تعارض درباره ایران اتخاذ کرده بود دیگر نمیتوانست در
 کارهای ایران علاقه داشته باشد زیرا سیاست دول اروپائی بکلی آن دولت را سرگرم
 و گرفتار کرده بود.

سلطنت نادر در ایران موقتاً برای ییجاه سال یعنی تا پیدایش سلسله قاجار
 دولت روسیه را از اجرای نقشه بطر کبیر ممانعت کرد و در نتیجه پیشرفت روس در ایران

بتأخیر افتاد .

ولی باوجود این روسها از فعالیت خود دست برنداشته و بدستور کاترین دوم در ۱۱۹۰ (۱۷۷۶) در شمال قفقاز بساختمان یک رشته استحکامات اقدام شد و همین استحکامات یایهٔ محکمی برای سرعت عملیات جانشینان کاترین گردید پنج سال بعد یعنی در ۱۱۹۵ (۱۷۸۱) وقتی که آغا محمدخان درمازندران مستقر شد نیروی دریائی روس و مرگباز هفت فروند کشتی بادی در اشرف لنگر انداخته و اجازهٔ تأسیس یک تجارتخانه را تحصیل کرد روسها ببهانهٔ حمایت تجارتخانه بساختمان استحکاماتی در شهر اقدام کردند پس از آنکه ساختمان استحکامات خاتمه یافت حاکم اشرف افسران روسی را بمهمانی دعوت کرده و تهدید نمود اگر استحکامات را خراب نکنند بقتل خواهند رسید افسران روسی در مقابل این تهدید استحکامات را خراب کرده با کشتیهای خود مراجعت نمودند .

۶ - سیاست دولت روسیه تزاری در گرجستان

گرجستان در ادوار تاریخ ایران و بخصوص در دوران صفویه همیشه جزء ایران بوده است ولی چون اکثریت ساکنین گرجستان مسیحی بوده اند حکام آن ناحیه نیز در امور داخلی تا حدی استقلال داشته اند در حکومت صفویه همیشه چندتن از شاهزادگان گرجی در دربار ایران بصورت گروگان میزیسته اند بین بزرگان ایران و متنفذین گرجستان ارتباط دولتی و خویشاوندی برقرار بوده و بعضی از بزرگان ایران زن گرجی داشته اند شاهزادگان صفوی نیز شاهزاده خانمهای گرجی ازدواج میکرده اند اهالی گرجستان در طول مدت تاریخ هیچگاه مانند دوره آغا محمدخان آزروی تحصیل استقلال نکرده بودند .

قبلاً تا اندازه ای وضع ایران را یس از قتل نادر شرح دادیم کنت دو گوینو مورخ و نویسنده فرانسوی در اینخصوص مینویسد « بلافاصله یس از قتل قهرمان هزاران ستمگر کوچک دیدار شد: طوایف صحراگرد زندگی خود را بضرر شهرنشینان تأمین کرده و شهرنشینان همدیگر را غارت کردند، اراضی بایر و بدون زراعت ماند و آنجا هائیکه مختصری زراعت میشد متروک گردید » .

در چنین وقتی که هر جا کمی سعی و جدت داشت خویشتن را در حوزه فرمانروائی خود مستقل کند از کلی^(۱) والی گرجستان که در جنگهای نادر شرکت بسته و ویرا بصدقت خدمت کرده بود کوشش میکرد بلکه حوزه قلمروی خود را از تسلط ایران خلاص دهد. از کلی در اجرای تصمیم خویش موفق گردید و توانست با استقرار صلح

1 - Comte de Gobineau

2 - Heraclius

در گرجستان حتی قسمتی از خاک ایران را نیز ضمیمه متصرفات خود کند این سیاست تجزیه طلبی را که بایه آن از دیر زمانی گذاشته شده بود و با اجرای نقشه امپراطوری روسیه کمک میکرد میتوان عکس العمل آنی عملیات بیرحمانه آغا محمدخان در ایران دانست.

والی گرجستان پیش بینی میکرد که این جسارت برایش گران تمام خواهد شد وی میدانست روزی که ایران وحدت خود را در تحت حکومت سلطان مقتدری عملی سازد گرجستان نخواهد توانست خود را بدون حمایت و کمک يك دولت خارجی مدت زیادی حفظ کند بنابراین از کلی معاهده اتحاد سری تعرضی و تدافعی با دولت روسیه منعقد کرد ۲۳ شعبان ۱۱۹۷ (۲۴ ژوئیه ۱۷۸۳) دولت روسیه در این زمان بر متصرفات جنوبی خود افزوده و با گرجستان همسایه شده بود مطابق مواد این معاهده (یا باصطلاح سند نجات الحمايگی) از کلی بیرمرد که از قرنهای باینطرف اجداد وی از ایران تبعیت کرده بودند خویشمن را تحت حمایت دولت روسیه نزاری قرار داده روابط خود را با ایران بکلی قطع و باطاعت کابین در آمد. در مقابل، کابین از طرف خود و جانشینان از کلی را حمایت کرده و نه تنها متصرفات کنونی گرجستان را تضمین کرد بلکه اراضی نیز که امکان داشت در آتیه بتصرف از کلی در آید شامل این تضمین گردید.

در نتیجه انعقاد این معاهده يك لشکر روسی برای حفاظت تحت الحمايگی جدید بگرجستان اعزام شد.

انعقاد معاهده ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) دولت ایران را بوحشت انداخت. این پیش آمد علت آنی بروز جنگ طولانی بین دولتهای ایران و روس گردید که باستثنای منار که خیلی کوتاه دوره حکومت پل^(۱) اول تا امضای معاهده گلستان ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) بطول انجامید.

چنانکه خود ارکلی پیش‌بینی می‌کرد قابل تصور نبود که سلطان مقتدری پس از ایجاد نظم و اتحاد در داخل کشور راضی شود که یکی از بهترین و زرخیزترین ایالات ایران را بر یگان از دست بدهد.

آغا محمدخان وقتی رقیب خود لطفعلیخان زند را از بین برد و قدرت خود را در ایالات جنوبی مسلم گردانید تصمیم گرفت ارکلی را وادار باطاعت کند. قبل از اقدام به لشکر کشی بطرف گرجستان رئیس قاجار ارکلی را تهدید کرد که از هوسرانی استقلال دست برداشته مالبات معمولی را بپردازد و برای اظهار اطاعت بدربار پادشاه قاجار حاضر شود. مجلهٔ دنیای اسلام (۱) در شمارهٔ ژانویهٔ ۱۹۱۰ ترجمهٔ فرمان آغا محمدخان را که در این خصوص بوالی گرجستان خطاب شده منتشر کرده است در این فرمان آغا محمدخان عملیات خلاف گرجی‌ها را که شصت سال قبل در قندهار رخ داد و منجر به قتل افغان گردید یادآوری کرده متذکر می‌شود: شما میدانید که از صدها سال پیش مطیع ایران بودید و حالا بانهایت تعجب باطالع ما رسیده که با روسها متحد شده‌اید در صورتیکه آنان در ایران منظوری جز تجارت ندارند. با اینکه مذهب ما یکی نیست شما علائق دائمی با ایران داشتید.

در ایران گرجی و ارمنی و تاتار و یروان دیگر مذاهب زندگی میکنند شما بابتی در مقابل آنان شرمند نیستید. امروز که ما بمنت‌های قدرت رسیده‌ایم اخطار میکنیم تمام روابط خود را با روسیه قطع کن و الا در لشکر کشی که قریباً بگرجستان خواهیم کرد بقدری خون روس و گرجی خواهیم ریخت که مانند رود کر جاری خواهد شد.

برای اینکه از اوضاع فعلی و وضع حقیقی اطلاع حاصل کنی این فرمان با من ما صادر شد.

متأسفانه نفوذ و تسلط کائین در گرجستان بحدی زیاد شده بود که

ارکلی نمیتوانست از حمایت دولت روسیه صرف نظر کند بنابراین والی گرجستان
 جواب داد که وی فقط سلطنت کاترین دوم امپراطریس روسیه را برسمیت
 میشناسد .

۷- لشکر کشی بسمت گرجستان

فکر تأسیس تجارتخانه در اشرف و انعقاد معاهده ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) میان کاترین دوم و ارکلی بخوبی نشان داده و ثابت میکرد که تزار جاه طلب از درهم گسیختگی امور داخلی ایران استفاده کرده و تصمیم دارد نقشه سلف مشهور خود پتر کبیر را تعقیب نماید حتی برای اجرای این تصمیم قبلاً بابابعالی نقشه تقسیم ایالات شمالغربی ایرانرا طرح و تهیه دیده بود .

بادر نظر گرفتن رفتار و وضع دولت روسیه و متن مواد معاهده ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) یقین بود که تزارین نقشه های وسیع تری داشته و عقد معاهده با ارکلی يك اتحاد ساده ای نیست . پس تصادفات و سیاستهای مهم دیگر اروپائی لازم بود که دولت روسیه را از جربان نقشه خود در ایران بازدارد. چنانکه گذشت موضوع تأسیس تجارتخانه در اشرف بدون هیچگونه عکس العملی از طرف سن بطرز برگ مسکوت گذاشته شد و حتی جای بسی تعجب است قوائی که برای کمک شاهزاده گرجی اعزام شده بود پس از چهار سال اقامت در گرجستان وقتی که دستجات روسی مشغول محاصره شهر گنجه بودند غفلتاً احضار گردید . برای پی بردن بعلل این رویه سیاسی لازم است اوضاع اروپا و سیاست رولت تزاری روسیه را در مغرب روشن کنیم. باید دانست که در این زمان بابرور انقلاب کبیر فرانسه در اروپا کاترین خیلی نگران و گرفتار بود . بعلاوه سیاست تقسیمات لهستان و اجرای نقشه های یونان جهت تجزیه دولت عثمانی مانع از این میشد که تزارین بتواند به نحت الحمایگی جدید یعنی گرجستان کمکی بکند . قبل از بروز انقلاب کبیر فرانسه بود که کاترین برای تشکیل اتحاد چهار گانه از دول روسیه و اطیش و دو خانوادۀ بوربن (فرانسه و اسپانی) با دولت لوئی شانزدهم مذاکرات جدی آغاز کرد . منظور وی از تشکیل این اتحادیه جلوگیری

از ادعاهای بلند پروازی های دولت انگلستان و تجاوزات دولت پروس بود. ولی بروز انقلاب فرانسه سیاست امپراطریس روسیه را تغییر داد. زیرا از همان شروع انقلاب فرانسه کاتر بن دوم متوجه بود که نبایستی به کمک دولتی که گرفتار تحولات اوضاع داخلی خود میباشد حساب کرد.

تزارین که از انتشار نفوذ افکار و اصول و مبادی انقلاب وحشت داشت مناسبات دیپلوماسی خود را با دولت فرانسه قطع کرد و سفیر فرانسه را مرخص نمود و مانع ورود کشتی های این دولت به بنادر روسی گردید. کاترین گوستاو (۱) سوم پادشاه سوئد را برای اقدام بر ضد دموکراسی تشجیع کرد و بدولت انگلستان اصرار میورزید که برای برقراری سلطنت در فرانسه کمک کند همچنین دولتین پروس و اتریش را بر ضد فرانسه تحریک میکرد. با این تفصیل امپراطریس کاملاً مواظب بود که خود را در سیاست اروپا گرفتار نکنند زیرا اظهار مبداء مقام من معلوم و نقشی را که لازم است در میدان سیاست بازی کنم تعیین گردیده است.

من تعهد میکنم عثمانیها و لهستانیها و سوئدبها را که بس از مرگ گوستاو سوم با فرانسویان متحد گردیده اند تحت نظارت قرار بدهم.

البته تنبیه آزادی خواهان عثمانی و لهستانی برای کاترین آسانتر و مخصوصاً پرنفع تر بود. همین سیاست و طرز رفتار تزارین از اقراری که به اوسترمین (۲) صدر اعظم خود کرده روشن میگردد:

«دلایلی هست که من نمیتوانم بدربار وین و برلین بگویم من میخواهم آنها را در این قضایا وارد کنم تا آزادی عمل مطلق داشته باشم زیرا من کارهای ناتمام زیادی دارم و باید وضعی ایجاد شود که آنها سرگرم شده من را در اجرای نقشه هایی که در پیش دارم آزاد گذارند.

بدین ترتیب هنگامیکه سیاست اروپائی تمام فعالیت سیاسی و نظامی روسیه را بخود معطوف میداشت آغا محمدخان باشغال گرجستان مصمم گردید دولت ایران

مخصوصاً توجه داشت با سرعت عملیات نظامی از وصول کمک‌های امپراطریس به ارکلی جلو گیری کند .

پس از آنکه آغا محمدخان ارکلی را در رمضان ۱۲۰۹ (آوریل ۱۷۹۵) تهدید کرده و باطاعت و فرمانبرداری دعوت نمود و جواب منفی شنید فرمان داد قوای مسلح که تعداد آن به شصت هزار نفر بالغ بود در حوالی تهران متمرکز گردند. راز سوق الجیشی چنان مستور ماند که ناموقع حرکت قوا احدی به نقشه پیمانی شده آگاه نبود آغا محمدخان سپاهیان خود را بسه ستون تقسیم کرد :

ستون اول از راه مغان بسمت شیروان و داغستان متوجه گردید ستون دوم که ۱۵۰۰ گرجی جزء آن بود بجانب ایروان یا تبخت ارمنستان حرکت کرد ستون سوم تحت فرماندهی مستقیم آغا محمدخان مأمور شوشی قلعه مهم قره باغ واقع در ساحل چپ رود ارس شد. ستون اول بمانع تسدیدی بر خوردن کر درؤسای ایالات بارسیدن لشکر بان ایران یا اطاعت کردند و با فرار نمودند و دو ستون دیگر با مقاومت خانهای ایروان و شوشی که از طرف ارکلی تشویق و تحریک میشدند مواجه گردیدند .

سپاه آغا محمدخان فقط از سواره نظام تشکیل یافته و فاقد توپخانه بود و همین نفیسه تسخیر قلاع ایروان و شوشی را تقریباً غیر ممکن میساخت .

رئس ایل قاجار وقتی عدم امکان تصرف این دو قلعه را تشخیص داد باطاعت ظاهری حکام این دو ناحیه قناعت کرد و قسمتی از لشکریان را برای تأمین محاصره ایروان و شوشی مأمور ساخت خود با عمده قوی بطرف تفلیس یا تبخت گرجستان حرکت کرد در گنجه با ستونی که از مغان حرکت کرده بود بدون برخورد با مقاومت تماس گرفت و از آنجا با عمده ای که دو قسمت مهم آن در مقابل شوشی و ایروان مانده بود یعنی فقط با چهل هزار نفر برای مقابلدار کلی حرکت کرد. شاهزاده گرجی با اینکه در نتیجه سرعت عملیات دشمن غافلگیر شده بود و از کمک‌های دولت روسیه محروم مانده بود و با وجود کمی تعداد نفرات که بیک چهارم قوای ایران بالغ میشد مصمم شد جنگ کند .

ارکلی برای تأمین وضع پایتخت تا ۳۷ کیلومتری تفلیس پیشرفت جسارت
 و پشتکار سپاهیان گرجی کمی تعداد نفرات آنان را جبران نکرد و تفلیس بدون
 مقاومت تسلیم شد. بفرمان آغا محمدخان قتل عام فجیعی در شهر رخ داد با این عمل
 فاتح تفلیس قصد داشت مللی را که در آینده بخواهند از قدرت وی سرپیچی کنند
 تنبیه سازد.

۸- اشغال اراضی ایران از طرف لشکریان روس

۱۲۱۱ (۱۷۹۶)

آغامحمد خان پس از تنبیه گرجستان و انقیاد ایالات شمال غربی ایران به پایتخت مراجعت کرد باینکه رئیس ایل قاجار از قدرت و مزایای سلطنتی برخوردار بود ولی هنوز تاجگذاری نکرده بود تا اینکه در مراجعت از عملیات فاتحانه گرجستان گرچه در ظاهر عدم تمایل نشان میداد بالاخره بانجام تشریفات تاجگذاری رضایت داد ۱۲ رمضان ۱۲۱۰ (۲۱ مارس ۱۷۹۶)

با اجرای این مراسم نفوذ پادشاه قاجار بیش از پیش توسعه یافت پادشاه قاجار تصمیم گرفت با وضع خراسان که بوسیله شاهرخ نوۀ نادر اداره میشد سرو سامان داده و از دست اندازیهای ازبکان جلو گیری کند پس بقصد زیارت عازم مشهد شد شاهرخ میرزا که شمه‌ای از شرح حال او را بیان کردیم چون در خود یارای مقاومت ندیدد بابرگان شهر باستقبال شتافت. آغامحمد خان باو تأمین داد آنگاه جواهرات زیادی را از او خواستار شد و چون او از تسلیم جواهرات سرباز زد بشکنج ورنج از او مطالبه گردید و ناچار آنچه را که داشت تسلیم کرد.

در میان ابن جواهرات باقوت بزرگی بود که وقتی زینت تاج اورنگ زیب پادشاه هندوستان بوده است .

آغامحمد خان بقول صاحب ناسخ التواریخ « از بدست کردن آنهمه لالی آبدار و جواهر شاهوار چندان شاد خاطر شد که بفرمود در رواقی نطعها بگستردند و آن جواهر را بر زیر نطع بریختند آنگاه رواق را از بیگانه پیرداخت و چند نوبت از این سوی رواق تابدا نسوی را بپشت و پهلوی غلطان غلطان برفت » آغا محمد خان پس از

ابن‌واقع‌ه شاهرخ را با کسانش بتهران فرستاد ولی شاهزادهٔ نگون بخت درین راه بر اثر جراحاتی که بر اثر شکنجه و اورسیده بود در سن شصت و چهار سالگی بدروود حیات گفت و بامرگ او خاندان افشار منقرض گردید.

در جریان این عملیات آغا محمدخان بمنظور عقد اتحادی جهت فتح بخارا نماینده‌ای بدربار زمانشاه به کابل اعزام داشت و نیز نماینده‌ای مستقیماً سوی بیکی جان از بك پادشاه ترکستان فرستاد.

بیکی جان وقتی نامهٔ آغا محمدخان را دریافت کرد بقولی گفت «اخته‌خان هرچه گوید کند مرا طاعت مقاومت باوی نیست» و بقول سر جان ملکم بامرای خراسان نوشت که شنیده‌ام اخته‌خان در میان شما آمده‌است اگر می‌توانید او را بگیریید و اگر نمی‌توانید بمن اطلاع دهید تا خودم اقدام کنم.

زمانشاه نیز حاضر بعقد اتحاد گردید و آغا محمدخان در صدد برآمد که نقشهٔ خود را عملی سازد که ناگهان از عملیات نظامی روس بر ضد ایران در قفقاز اطلاع حاصل کرد ربیع‌الاول ۱۲۱۱ (سپتامبر ۱۷۹۶) ولی بواسطهٔ فرارسیدن زمستان و فصل سرما که با ادامهٔ عملیات نظامی مساعد نبود سپاهیان را مرخص کرد.

در این هنگام دودانشمند فرانسوی برونیر^۱ و اولیوبه^۲ که ظاهراً از طرف دولت جمهوری فرانسه برای انجام مأموریت علمی اعزام شده بودند بدربار آغا محمد خان باریافتند در حقیقت نمایندگان فرانسه در این مأموریت دو هدف اصلی داشتند:

اول مطالعه برای ایجاد و برقراری روابط دوستانه و مبادلات تجارتنی میان ایران و فرانسه. دوم عقد پیمان اتحاد نظامی میان ایران و عثمانی بر ضد دولت روسیهٔ تزاری^۳.

1 - Brugnière

2 - Olivier

۳ - نمایندگان اعزامی حامل نامه‌ای از طرف ریوندورینناک R. verninac سفیر فوق‌العادهٔ دولت جمهوری فرانسه در باب عالی بعنوان حاج ابراهیم صدراعظم ایران (بقیه حاشیه در صفحهٔ بعد)

در روسیه کاترین دوم قسمتی از نقشه‌های خود را عملی کرده و جنگ با عثمانی

بقیه حاشیه از صفحه قبل

بودند نظر باینکه از طرفی این نامه از تجدید روابط دولتین ایران و فرانسه که پس از انقراض دولت صفویه شده بود صحبت میکند ، و از طرف دیگر می‌توان آنرا مقدمات سیاست ایرانی ناپلئون اول دانست لذا ترجمه نامه و خلاصه جواب دولت ایران را در زیر درج می‌کنیم :

اسلامبول ۱۳ فروکتی دور Fructidor سال سوم جمهوری - سفیر فوق‌العاده دولت جمهوری فرانسه در باغالی بجناب صدراعظم شاهنشاهی ایران :
صدراعظم :

حسن قدردانی و صمیمیت که فرانسویان و ایرانیان را متحد می‌سازد مانند تاریخ دوامپراطوری قدیمی است . اگر در مکاتبات میان دولتین انقطاعی رخ داد علت آن اوضاع و حوادث بود و گرنه در اتحاد صمیمانه‌ای که میان ملتین وجود داشت کمترین خدش‌ای حاصل نگردیده است .

جناب شما قطعاً موفقیت‌های درخشانی را که وضع جدید در فرانسه بوجود آورده است شنیده‌اید .

موضوع قابل دقت تصادف عجیب فتوحات جمهوری فرانسه با فتوحاتی است که در همان زمان نصیب ایرانیان گردیده . این فتوحات نشانه‌ای از دوران زمامداری باسعادت و کیاست شما میباشد .

اجازه بدهید این تصادف را بفال نیک بگیریم زیرا برای سعادت متقابل دو ملت نمیتوان فرصت مناسب‌تری جهت تحکیم روابط حسن تفاهم که از قدیم میان آنان موجود بوده بدست آورد . تنها بهمین منظور است که این نامه را برای آنجناب مینویسم . اتباع دولت فرانسه اولیویه و برونیردو عالم طبیعی دان ضمن تسلیم نامه من بآنجناب شرح و بسط کافی راجع بوضع فعلی ، کارهای ما و منافع منقابی که با ابراز توجه و اهمیت بیشتری از برقراری روابط سیاسی و تجاری ممکن است عاید طرفین گردد خواهد داد .

علی‌الوجه دو مسافر را بحسن نیت شما سپرده امیدوارم آن جناب تسهیلات و مساعدت‌های لازم را که برای توفیق در تحقیقات نیاز دارند و هدف آن پیشرفت علوم است در حق آنان مبنول خواهند فرمود .

صدراعظم خواهشمندم مراتب قدرشناسی کامل مرا به پذیرید . افتخار دارم خدمتگذار نا قابل و مطیع آنجناب باشم .

امضاء - ریوندور نیناک

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

بامعاهدهٔ یاسی^(۱) در ۲۳ صفر ۱۲۰۷ (۹ نوامبر ۱۷۹۲) خاتمه یافته بود.

تقسیم دوم لهستان میان دولتین پروس و روسیه در ۱۲۰۸ (۱۷۹۲) و آخرین تقسیم این کشور که منجر بانهدام کامل جمهوری لهستان گردید بامعاهدهٔ سن پترزبورگ در تاریخ سوم ژانویه ۱۷۹۵ (۱۱ رجب ۱۲۰۹) عملی شده بود. بااین ترتیب تزاریین قادر بود نقشه‌های خود را برای تصاحب ایالات شمالغربی ایران تعقیب کرده و دریای خزر را کاملاً تحت تسلط دولت روس قرار دهد.

هنگامیکه آغامحمدخان در خراسان مشغول بود کانرین ظاهراً متأثر از این‌که نتوانسته است بموقع تحت‌الحمايهٔ خود را کمک نماید تصمیم گرفت حوادث تفلیس را جبران کند. تزاریین میخواست قدرت آغامحمدخان را درهم شکسته ایالات شمالغربی ایران را جزء امپراطوری آسیائی خود کرده و حتی مرتضی قلیخان برادر تبعید شدهٔ شاه قاجار را که از زمان فرار از مازندران در دربار سن پترزبورگ میزیست به تخت سلطنت ایران بنشاند.

گودوویچ^(۲) ژنرال روسی در اواخر سال ۱۲۱۰ (۱۷۹۵) مأموریت یافت با عده‌ای بطرف در بند پیمشروی کرده و زمستان را در آنجا بگذراند. در بهار ۱۷۹۶

(بقیه حاشیه از صفحه قبل)

خلاصهٔ قسمتی از نامهٔ حاج ابراهیم صدراعظم آغامحمدخان به ورنیناک :
بعد از عنوان . . . نامهٔ آنجناب بوسیلهٔ اولبویه و برونبر هنگامی رسید که آغامحمدخان پس از حمله و فتح خراسان از بکان و افغانانرا متفرق ساخته و برای استراحت بپایتخت مراجعت کرده بود. ما متون معاهدات سابق موجود میان دولتین را مطالعه و به حسن نیت شما جهت افتتاح باب روابط دوستانه که متضمن استقرار و راحتی تبتار و مسافرین است متوجه شدیم بهمین علت مایلیم اساس حسن تفاهم را برقرار کرده و امیدواریم شما نیز بنوبهٔ خود همین رویه را بآبادن اطلاعات از اخبار دو کشور و اعزام سفرا و ادامهٔ مکاتبات دوستانه که باب اتحاد و اتفاق را مفتوح میسازد تعقیب فرمایند...

بایگانی اسناد ملی - دورهٔ کنسولی و امپراطوری

Archives Nationales Fonds de la secretairerie D' Etat :
Consulat et Empire AF. IV 1686

(۱۲۱۰) يك سپاه سی هزار نفری روسی بفرماندهی والرین زوبوف^(۱) (معروف بقزل ایباغ) به قوای گودودیج ملحق گردید بسرعت عملیات جدی تری از طرف روسها شروع و قلاع دربند و باکو و طالش و گنجه تسلیم و یا اطاعت کردند با این ترتیب روسها تسلط خود را بر تمام ساحل دریای خزر از مصب رود اترک تا مصب رود کر محرز کرده موفق گردیدند يك خط ارتباطی در طول رودخانه کر با گرجستان دایر کنند.

پس از این موفقیتها زوبوف با عمده قوای خود از رود ارس گذشته و قرارگاه زمستانی خود را در دشت مغان انتخاب کرد از این نقطه تمام آذربایجان در معرض تهدید قوای روس قرار گرفت بطوری که با تسلیم این ایالت احتمال داشت پس از يك حمله عمومی پایتخت ایران نیز سقوط کند.

قوایی که مأمور اشغال گرجستان بود پشت سپاه زوبوف را حمایت میکرد جبهه چپ زوبوف بوسیله قوایی که از حاجی طرخان حرکت کرده بود حفاظت میشد پیش قراولان قوای اعزامی از حاجی طرخان لشکران را اشغال کرده و رشت و انزلی را تهدید میکردند.

از مدتهای مدید باینطرف خطر خارجی ایران را باین شدت تهدید نکرده بود خوشبختانه برای مدت کوتاهی این طوفان سهمگین بامرک امپراطر بس کاترین برطرف گردید ۱۷۹۶ (جمادی الاول ۱۳۱۱)

سلطنت پل اول بسرو جانشین کاترین ظاهراً بایک سیاست صلح طلبانه ای آغاز شد وی قانون سرباز گیری را که مطابق این قانون هر پانصد نفر مجبور بود سه نفر سرباز بدهد موقوف الاجری گذاشت.

امپراطور روس دستور داد ارتش ایران مراجعت کرده و گرجستان را بحال خود رها نمود پل ضمن بخشنامه ای که به اوسترمن^(۲) دیکته کرد بدول خارجی اعلام داشت که از سال ۱۷۵۶ باینطرف در جهان تنها دولت روسیه لاینقطع در جنگ

1- Valerien -Zuboff

2 - Oster mann

بوده مدت چهل سال جنگ ملت را از پای در آورده است رأفت و بشر دوستی امپراطور اجازه نمیدهد صلحی را که آرزوی رعایای محبوب وی میباشد رد کند ارتش اشغالی گرجستان تحت فرماندهی والرین زوبوف بدون برخورد بکمترین مقاومت عقب نشینی و بروسیه مراجعت کرد ملکم می گوید کینه پل اول نسبت بفرمانده این عده که برادر پلاتن زوبوف محبوب کاترین بود یکی از عللی است که نقشه ایران را بهم زد دستور مخصوص بهر سرهنگی مستقیماً فرستاده شد بدون اینکه ژنرال فرمانده نیرو اطلاع داشته باشد .

این کینه و انزجار خاطر پل اول عکس العمل تحقیر هائی بود که مقربین کاترین مخصوصاً پلاتن زوبوف در حق وی مرعی داشته بودند .
آغا محمد خان از این فرصت خوب استفاده کرده و تصمیم گرفت مجدداً گرجستان را اشغال کند سپاهیان ایران در شوال ۱۲۳۱ (مارس ۱۷۹۶) از تهران حرکت کردند .

آغا محمد خان تقریباً درصد کیلومتری ارس بود که اهالی شوشی بعزت بد رفتاری حاکم را بیرون کرده و سلطان قاجار را برای تصاحب قلعه دعوت کردند آغا محمد خان پس از يك راه پیمائی معجل بمقابل رود ارس که در منتهای طغیان بود رسید و اشکریان وی رودخانه را قسمتی با کشتی و قسمتی بحال شنا عبور کرده وارد شوشی گردیدند این بار پس از چندین سال مقاومت قلعه شوشی بدست ایرانیان افتاد این موفقیت خوب فتوحات درخشانی را بسپاهیان آغا محمد خان نوید میداد متأسفانه در حینى که لشکریان ایران از فتوحات احتمالی آینده خویش مسرور بودند آغا محمد خان در ۲۱ ذی قعدة ۱۲۱۹ (۱۸ مه ۱۷۹۶) بدست افراد گارد مخصوص خود بسن ۶۳ سالگی بقتل رسید .

شهامت و خست انتقام و کینه جوئی جاه طلبی و پیمان شکنی بسی رحمی و حيله گری سخت گیری و حق ناشناسی از صفات خاصه آغا محمد خان و مورد تأیید اکثر مورخین معاصر اوست که اگر بر آنها کاردانی و لیاقت و تدبیر و سرعت در عمل

علاقه‌مندی بسپاهی را علاوه کنیم مجموعه صفات او را بیان کرده ایم .
 درباره هیئت ظاهری اوسر جان ملکم چنین نوشته است « اندامی ضعیف داشت
 چنانچه از دور مانند پسری چهارده ساله بنظر می آمد چهره بی موی پرچینش چون
 زنان سالخورده می نمود صورتش اگر چه در هیچوقت ازدیدن نیکو نبود ولی در هنگام
 غیبت حالتی مهیب می یافت وهم بدین سبب خود نمی خواست کسی بر صورت وی
 نگاه کند »

گرچه زندگانی آغا محمدخان بعزت جنایت های وحشتناک وفجیع مانند قتل
 عام کرمان وتفلیس آلوده است ولی دوران سلطنت وی از افتخارات بزرگ نظامی
 بی بهره نمی باشد .

۹- ایران هنگام جلوس فتحعلیشاه

پس از مرگ آغا محمدخان هرج و مرج فوق‌العاده در داخله ایران رخ داد سرداران سپاه بر سر تقسیم غنائیم باهم در نزاع بودند و حتی انجام تشریفات تدفین جسد پادشاه متوفی چند روزی بتأخیر افتاد و لشکریان بی‌سرپرست متفرق گردیدند . در حین بروز این حادثه ذی‌عقده ۱۲۱۱ (ژوئیه ۱۷۹۶) پسر حسینعلی‌خان قاجار برادرزاده و جانشین آغا محمدخان حاکم فارس بود وی بنام جدش فتحعلیخان نامیده شده بود و بهین سبب آغا محمدخان او را باباخان خطاب میکرد .

باباخان در تحت نفوذ و تلقین وزیر خویش جاج ابراهیم تصمیم گرفت باقوای کافی بسمت تهران حرکت کند قبل از ورود باباخان بدستور میرزا محمد خان بیگلربیگی تهران و میرزا شفیع صدراعظم دروازه‌های شهر بروی مدعیان سلطنت که در اطراف تهران تجمع و خیال تصرف شهر را داشتند بسته شد باباخان در تاریخ ۲۰ صفر ۱۲۱۲ بدون برخورد بمقاومت وارد تهران گردید و در نوروز همان سال که مقارن عید فطر بود تاج گذاری کرده و باسم فتحعلیشاه به تخت سلطنت نشست . (۱۷۹۸)

چنانکه ذکر شد خبر قتل آغا محمد خان مجدداً به بروز اغتشاشات داخلی کمک کرد صادق خان شقاقی یکی از سرداران آغا محمدخان که در لشکر کشتی شوشی شرکت کرده بود پس از مرگ سلطان جواهرات سلطنتی را تصاحب کرد و با پانزده هزار سوار که در اختیار داشت بنای خودسری را گذاشته و از طرف خود حکامی در شهرهای آذربایجان تعیین کرد و پس از تصرف تبریز بسمت قزوین پیشرفت صادق خان در نزدیکی این شهر از قوای فتحعلیشاه شکست خورد و نظر باینکه جواهرات سلطنتی

را که بغارت برده بود مسترد داشت مورد عفو قرار گرفت و بحکومت گرمرو و سراب منصوب شد در جنگ با صادق خان کشندگان آغا محمدخان گرفتار شدند و با کارد و دشنه جمیع مفصل ایشان از هم جدا گردید.

مدعی دیگر علیقلی خان برادر آغا محمدخان بود که چون از قتل برادر آگاه شد با سپاهی از ایروان حرکت کرده در قریه علیشاه پنج فرسنگی تهران اقامت کرد فتحعلیشاه او را بتهران دعوت کرد تا در کار سلطنت با او مشورت کند و بمحض ورود او را از هر دو چشم نابینا ساخت و مأمور توقف در بار فروش (بابل) مازندران کرد.

گویند وقتی علیقلیخان قلع و قمع برادرانش را بدست آغا محمدخان مشاهده کرد بیمناک شده از حضور بدرگاه خودداری کرد و به برادر پیغام داد شنیده ام وقتی یکی از محارم خود گفته ای تا پسرهای محمد حسن شاه زنده اند سلطنت خود را پایدار نمی بینم و میدانم که از من نخواهی گذشت آغا محمد خان پاسخ پیغام او را چنین داد آنچه شنیده ای صحیح است در حق پسرهای بدرم این خیال را کردم نه در حق دخترانش من ترا دختر محمد حسن شاه میدانم و بعد روبه باباجان کرد و گفت که برادرم علیقلی خان تا من زنده ام دختر محمد حسن شاه است وقتی نوبت سلطنت بشو رسید او پسر محمد حسن شاه خواهد شد او را از دیده نابینا کن.

مدعی سوم فتحعلیشاه محمدخان پسرزکیخان زنده بود که در بصره اقامت داشت وی نیز پس از قتل آغا محمدخان بفارس آمده و با کمک نجف خان سپاهی فراهم کرد و اصفهان را بتصرف خود درآورد فتحعلیشاه برای سرکوبی محمدخان اقدام کرد و ویرا در حوالی اصفهان شکست داد محمدخان بایران گریخت و در آنجا مشغول جمع آوری قوای شد و برای دفعه دوم در مقابل فتحعلیشاه ظاهر شد ولی تاب مقاومت نیاورده از میدان جنگ فرار کرد و در حوالی تبریز گرفتار و بامر سلطان قاجار کور گردید.

یادنی که به اوقیام برضد شاه جوان خاتمه نیافته بود که رقیب چهارم در صحنه عملیات ظاهر شد حسینقلی خان قاجار برادر شاه که در جنگ برضد صادق خان شقاقی

معروفیت پیدا کرده بود حکومت فارس را داشت وی که اوقات خود را بعیش و خوشگذرانی و آزار مردم فارس تلف میکرد از استماع خبر انتصاب یکنفر از تهران بفرماندهی قوای فارس ناراضی شده علم طغیان بر افراشته و حتی نماینده فتحعلیشاه را باچند نفر دیگر محبوس کرد.

در این موقع سلیمان خان قاجار پسر عموی فتحعلیشاه حاکم آذربایجان از بروز اختلاف در خانواده سلطنتی استفاده کرده حکومت آذربایجان را مستقل ساخته وقوایی بطرف تهران اعزام داشت سلیمان خان نقشه‌ای طرح کرده و تصمیم گرفته بود بیکى از دو برادر که از جنگ فاتح بیرون می‌آید و قهرأ در نتیجه جنگ ضعیف میشود حمله کرده و حکومت را در دست بگیرد ولی نقشه سلیمان خان بهم خورد زیرا دو برادر در نتیجه مداخله ملکه مادر سازش کردند و بر حسب تقاضای حسینقلی خان حکومت کرمان نیز ضمیمه حکومت فارس گردید.

سلیمان خان که در سرحد آذربایجان منتظر اجرای نقشه خود بود از شنیدن خبر سازش میان دو برادر در شگفت مانده ناچار بتهران آمده پوزش طلبیده و تقاضای عفو نمود فتحعلیشاه در نهایت فتوت و مردانگی باوی رفتار کرد حتی ویرا مجدداً بحکومت آذربایجان منصوب ساخت. ۱۲۱۳ (۱۷۹۸).

افاغنه که از اوضاع ایران باخبر بودند از بروز اغتشاشات داخلی استفاده کرده از راه سیستان بکرمان حمله کردند وای عملیات آنان در نتیجه اقدامات سریع حسینقلیخان خنثی گردید و مهاجمین خاک ایران را ترك گفتند.

حسینقلیخان باردیگر بهوای سلطنت افتاد این بار نیز از فتحعلیشاه شکست خورده در دز آشیب شمیران محبوس شد و تا مادر زنده بود در حبس میزیست پس از فوت ملکه مادر ازهر دو چشم نابینا شد و بکسال بعد فوت کرد.

آخرین حریف مهم فتحعلیشاه نادر میرزا پسر شاهرخ نوۀ نادر بود هنگامی که آغا محمدخان در خراسان شاهرخ را شکنجه میداد پسرش پدر را در چنگ دشمن قهار تنها گذاشته بافغانستان پناه برد نادر میرزا همین که خبر قتل اولین سلطان قاجار را

شنید بتحرک زمانشاه افغانستان را ترك کرده بخراسان آمده ومشهدرا تصرف نمود فتحعلیشاه برای اخراج نادر میرزا واستقرار نفوذ دولت مجبور شد بسمت خراسان لشکر کشی کند شهر های نیشابور و تربت حیدریه در مقابل حملات سپاهیان فتحعلیشاه تسخیر شد و قتی قوای دولتی بدروازه های شهر مشهد رسید نادر میرزا در نتیجه فشار متنفذین شهر را رها کرده در حین فرار دستگیر شد اورا غلوزنجیر کرده بطهران آوردند و در آنجا بفرمان فتحعلیشاه خفه شد. ۱۲۱۴ (۱۷۹۹).

چنانکه خواهیم دید در ۱۲۱۵ (۱۸۰۰) لشکر کشی مجددی باصرار دولت انگلیس از طرف ایران بر ضد افغانستان بعمل آمد که در نتیجه زمانشاه کابل را ترك گفت :

باین ترتیب سالهای اول سلطنت فتحعلیشاه به تحکیم قدرت و نفوذ دولت در داخله کشور مصروف گردید .

این جنگها و قتل و غارتها و لشکر کشی ها استعداد کار و فعالیت را فلج ساخته بنیه مالی کشور را از بین برده و فقر مردم را زیاد کرد مسافرین متعددی که در این زمان بایران آمده اند اظهار میدارند که در نتیجه جنگهای داخلی کشور ایران از پای درآمد و مبدل بخرابه وسیعی گردیده که در دشتهای بایر و لم یزرع و پهناور آن مردمان فقیری سکونت دارند فتحعلیشاه تصمیم گرفت شهر ها و قصبات را معمور کند ولی عدم اطلاع از کار و سستی و حرص و ولع پول و خست و لثامت وی بدبختی ها را مضاعف نمود .

فصل اول

نظری بوضع جغرافیایی و طبقات مردم و سازمانهای کشوری ایران

در اوایل قرن سیزدهم (اوایل قرن ۱۹ میلادی)

۱- نظری بوضع جغرافیایی ایران

مساحت مجموع فلات ایران در حدود ۲۶۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع است و از این مقدار مساحت ایران کنونی بیش از ۱۹۵ ۶۴۸ کیلو متر نیست و بقیه متعلق بافغانستان و بلوچستان و غیره است. اطراف فلات ایران را کوههایی بشکل مثلث فرا گرفته است بطوریکه درون فلات هموار و اطرافش مرتفع است و بطور کلی فلات ایران در جنوب مرتفع تر از شمال و نشیب آن از جنوب بشمال است. مقایسه ارتفاعات شهرهای کرمان (۱۵۸۶ متر) مشهد (۱۰۱۰ متر) و تبریز (۱۲۰۰ متر) این موضوع را روشن میسازد.

اطراف این فلات را کوههای بلندی مانند حصار احاطه کرده است. از قبیل کوههای سلیمان و رشته هندیو کش در شمال شرقی کوههای خراسان و البرز در شمال و کوههای ارمستان و کوه جودی یا آراغات در شمال غربی و کوههای کردستان و پشت کوه (بازاگروس) در مغرب و در جنوب کوههای ساحلی خلیج و بلوچستان.

مساحت فعلی ایران $\frac{2}{3}$ فلات ایران و $\frac{1}{333}$ وسعت زمین و $\frac{1}{25}$ آسیا است. طول آن از کوه آراغات تا گوانر ۲۲۱۰ کیلومتر و عرضش از سرخس تا دهانه شط العرب ۱۴۰۰ کیلومتر است. نصف ایران کوهستانی و چهار یک خاکش حاصلخیز و $\frac{1}{4}$ دیگرش دریاچه های شور و بیابانهای بی آب و علف است. بنابر این سطح حاصلخیز ایران بیش

از تمام خاک فرانسه است .

تمام مرزهای بری و بحری کشور تقریباً ۸۱۰۰ کیلو متر است که از این جمله ۵۰۰ کیلو متر مرز خاکی و بقیه دریائی است .

کوههای فلات ایران از حیث ساختمان طبیعی و موقع و بلندی و سایر عوامل طبیعی بایکدیگر تفاوت محسوسی دارد و هر کدام دارای مشخصات مخصوصی است و اختلافات طبیعی این کشور را از شمال به جنوب بطور فاحش محسوس ساخته است . مثلاً کوههای غربی که با سم زاگروس یا پاتاق معروفست از توده عریض و ممتدی تشکیل شده که چین‌های آن بی‌اندازه منظم است . برخلاف کوههای البرز که عرض آن نسبتاً کم و دارای قله‌های آتشفشانی و بواسطه نزدیکی بدریای خزر دامنه‌های شمالی آن مرطوب و دارای جنگلهای انبوه است . از طرف دیگر کوههای خراسان که از شاه کوه تا کوه بابا در افغانستان امتداد دارد کم ارتفاع و خشک است . کوههای آذربایجان دنباله کوههای قفقاز است و بواسطه قله‌های آتشفشانی مهم از قبیل آرات و سبلان و سهند رشته دره و برهم کوههای ارسباران (قره‌جه‌داغ) را بوجود آورده و بواسطه شکست‌های زیادی که در اثر آتشفشانی‌ها رخ داده معادن زیاد دارد .

در کوههای ساحلی جنوب بواسطه خشکی زیاد و عدم رطوبت رود مهمی دیده نمیشود و بهمین جهت آمد و شد از مرز فلات بدریا و خلیج فارس از طریق این کوه‌ها بسیار سخت و مشکل است .

از آنچه در باب کوهها گفته شد میتوان با وضاع اقلیمی داخل فلات پی برد که خشکی و بی‌حاصلی در همه جا حکمفرماست و وجود کوههای مرتفع گذشته از اینکه مانع رسیدن جریانهای مرطوب و آب باین نقاط شده باعث شدت گرما نیز میگردد . اراضی این ناحیه چون از رسوب کوهها تشکیل شده غالباً مستعد و اگر باران باندازه کافی بیاید بسیار حاصلخیز است و از اینرو غالباً آبادیها در اینگونه نقاط واقع شده است و فقط همان اراضی پست و نمکزار و کویر است که قابل زراعت نیست و فاقد هر گونه آبادی است .

عوامل مؤثری که در تغییر و اختلاف اقلیم ایران دخالت دارد عبارتست از ارتفاع زمین - باد - موقعیت جغرافیائی .

بطور کلی قسمت عمده فلات ایران دارای آب و هوای خشک و ببری است و علت این خشکی یکی کمی بادهای بحری مرطوب و دیگر قلت باران سالیانه و دیگر غلبه بادهای خشک و ببری است در شمال بواسطه وجود رشته جبال عظیم البرز رطوبت بحر خزر بداخله فلات نمیرسد و تمام آن دروالات ساحلی یعنی گزگان و مازندران و گیلان متوقف گشته تولید بارندگیهای زیاد میکنند و تنها قسمت ایران که رطوبت کافی دارد همین سواحل است .

در جنوب یعنی در قسمتهای ساحلی خلیج فارس و بحر عمان بواسطه وجود بادهای جنوب غربی (عربستان) و شدت حرارت آفتاب نواحی بسیار گرم و خشک است در داخله فلات نیز بادهای ببری خشک فراوان میوزد و خط سیر این بادها از شمال غربی بجنوب شرقی است .

باید گفت که در کمترین نقطه دنیا بیابانی به خشکی صحرای لوت یافت میشود . درجه حرارت آن در اوایل بهار به ۳۶ درجه میرسد و بادهای مسموم که اوقات تابستان در صحرای لوت و بندرعباس میوزد بسیار مهلك و تحمل نایذیر است .

این نکته نیز ناگفته نماند که لطافت و خوبی آب و هوای بعضی نقاط ایران باندازه ای است که از حیث آب و هوا از بهترین نقاط دنیا محسوب میشود و اهالی آن عمر طبیعی یافته و اکثریش از صد سال زندگی میکنند و بیشتر نقاط ایران استعداد آنرا دارد که بواسطه عملیاتی مانند ایجاد دریاچهها و استفاده از آبهای زیرزمینی و ایجاد جنگلهای مصنوعی دارای آب و هوای معتدلی بشود .

که بزرگترین دریاچههای دنیا وسط حش ۲۶ متر پست تر از سطح اقیانوس است از بقایای دریای بزرگ قدیمی مرکزی آسیاست که سابقاً بدریاچه آرال اتصال داشته آبش شور و تلخی آن بیس از سایر دریاها است و سواحل آن مشترك بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی روسیه است . طول این

بحر خزر

دریاچه ۱۲۶ کیلومتر و پهن‌ترین نقاط آن ۵۵ کیلومتر و باریک‌ترین نقاط آن بین شبه جزیره آشوران و دماغه تارنما ۵۰۰ متر است و طول سواحل آن به ۶۳۸۰ کیلومتر می‌رسد که ۹۹۲ کیلو متر متعلق بایران است ولی مانند تمام دریاچه‌های داخلی چون آبش زیاد تبخیر می‌شود سواحلش بی‌بوسته تغییر می‌کند.

دریای خزر بواسطه اینکه بین دو قطعه آسیا و اروپا واقع شده دارای اهمیت بسیار است و در تمام دوره‌های تاریخی منظور نظر اقوام کشورهای مجاور بوده. پادشاهان صفوی اهمیت زیاد باین دریاچه میدادند و راه‌هایی از نقاط داخلی تا کرانه ساختند بنادری مانند بهشهر (اشرف) و فرح آباد در کنار دریای خزر ایجاد نمودند و پیوسته آبادی و ترقی سواحل آن در تزايد بود. نادر شاه افشار هم اقدامات صفویه را تعقیب کرد و امروز این اهمیت بواسطه وجود معادن نفت از یک طرف و موقعیت سیاسی و اقتصادی و نظامی از طرف دیگر چندین برابر گردیده است.

در جنوب ایران واقعست و از دلتای شط العرب تا تنگه هرمز
خلیج فارس
مجاور ایران است. رودهای فرات و دجله و کارون هر سال مقدار

زیادی رسوب باین دریا وارد می‌کند بطوریکه هر ساله مقداری از دریا را خاگ می‌پوشاند و تقریباً ۵۳ متر خشکی در دریا ییست می‌رود و گمان می‌رود که در مدت سه هزار سال ۱۵۰ کیلو متر کرانه خلیج در آب بیش رفته است.

طول خلیج از ۱۸ تا ۱۲۵۰ کیلومتر تغییر می‌کند و باریک‌ترین نقاط آن در تنگه هرمز ۵۳ کیلومتر است. وسعت آن قریب ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع و کرانه شمالی آن دارای کوه‌هایی است که بموازات یکدیگر قرار گرفته و بواسطه ارتفاع زیاد از دور بخوبی دیده می‌شود.

موقعیت خلیج فارس از نظر جغرافیائی برای کشور ما بسیار مهم است زیرا تنها راهی است که ایران را بدریای آزاد مربوط می‌سازد. بازرگانی ایران و هندوستان در قرون پیش از راه خلیج فارس بوده و بنادر قدیمی آن مانند ریشهر یا بوشهر امروزیکه اکنون خرابه‌های آن نزدیک بندر طاهری دیده می‌شود و گمرون (بندر عباس کنونی)

مراکز بازرگانی با کشورهای دوردست و از همین بنادر بوده که کالاهای ایران بخارج برده میشد و روابط بازرگانی ایران و هندوستان و چین از همین دریا برقرار بوده است .

مطالعه مختصری که از جغرافیای ایران بعمل آمد وجود اختلافات شدید طبیعی را در فلات ایران روشن کرده . باین اختلافات طبیعی بایستی اختلاف زندگی انسانی و اجتماعی را نیز اضافه کنیم مانند :

الف - اختلاف زندگی دشوار و پرمشقت ساکنین نواحی کم استعداد داخلی ایران و زندگی نسبتاً مرفه ساکنین حواشی خوش آب و هوا و مرطوبی مرتفع و کوهستانی .

ب - اختلاف میان قدرت چند نفر رئیس مقتدر و متنفذ و وضع فلاکت بار توده مردم .

ج - اختلاف میان زندگی چادر نشینان صحرا گرد که دائماً در جستجوی مراتع در حرکتند و زندگی مستقر واحه نشینان داخلی و سکنه کرانه های مزروع .

د - بالاخره اختلاف میان افکار مطیع سکنه ثابت و مستقر دهات و شهرها و افکار و روحیات کاملاً مستقل چادر نشینان و گله دارانی که بزندگی آزاد در افق وسیع عادت نموده و برای ادامه این زندگی و مقاومت در مقابل قدرت مرکزی همواره کوشش میکنند .

با وجود اختلافات طبیعی و اجتماعی که شرح آن گذشت بحث و مطالعه در اطراف سازمانهای داخلی این کشور در اوایل قرن سیزدهم (اوایل قرن نوزدهم میلادی) بعلت فقدان اسناد و مدارك رسمی امریست بسیار مشکل - تنهामنابعی که ممکنست راجع باین موضوع مورد استفاده قرار گیرد عبارتست از سفرنامه ها و مشاهدات مسافرین ، آثار وقایع نگاران و اشارات و کنایاتی که در مکاتبات مأمورین سری دول بیگانه پیدا میشود .

اینها منابع ناچیزی است که برای تحقیق و مطالعه در باره این موضوع مهم در اختیار داریم . اشکال دیگری که در موقع مطالعه پیش می‌آید که متأسفانه در ایران آنزمان سازمان متحد الشکلی وجود نداشته است که با اطلاع از اوضاع يك ناحیه بتوان از آن اطلاعات برای کلیه نواحی کشور استفاده کرد زیرا در هر ناحیه اخلاق و عادات سکنه آن ، نفوذ و قدرت رئیس ایمل و ارزش شخصی هر حکمرانی سازمانی را بوجود می‌آورده که به بی‌شبهت با سازمانهای قرون وسطائی اروپا نبوده است .

۲ = طبقات مختلف مردم

در میان سکنه شهرها و دهات بجز چند نفر مالک بزرگ طبقات زیر تشخیص داده می شود :

اول طبقه علماء و روحانیون یا حکام شرع که مأمور تفسیر قوانین و مقررات دینی بودند .

دوم طبقه تجار و کسبه - این طبقه محترمین افراد جامعه و از امتیازات متعددی برخوردار بودند و از تجارت آنان عایدات سرشاری برای کسب و فراهم میشد . شغل تجارت بارث از پدر به پسر میرسید . تجار عموماً به پا کدامن و دیانت معروف بودند . طبقه سوم پول و اندوخته خود را برای بهره برداری بانهایت اطمینان بدست سوداگران می سپرد و باین ترتیب در واقع عمل بانک که در آن زمان در اروپا معمول بود بوسیله تجار انجام می یافت . کسبه و پیشه وران با رعایت مقررات صنف ، رؤسای خود را انتخاب میکردند و در واقع یک نوع اتحادیه صنفی تشکیل میدادند منتخبین هر صنف بکارهای عمومی صنف و گرفتاریهای اعضای اتحادیه رسیدگی مینمودند .

کارگران فوق العاده جدی و قابل بودند و مانند امروز در کار بخصوصی تخصص نداشتند . طرز تقسیم کار بشکل فعلی در کارگاهها و کارخانجات عملی نشده بود و در واقع هر صنعت گری جزئیات و وسائل و عوامل کار را بتنهایی تهیه میکرد و بالنتیجه محصول را شخصاً آماده می ساخت و بمعرض فروش میگذاشت . هیچ نوع سازمان کاری وجود نداشت . دستمزد کارگران متحد الشکل نبود و در حقیقت مقدرات کارگر دستخوش اراده صاحب حرفه بود .

سوم روستائیان و برزگران - نظربعادت و طرز زندگی این طبقه را بایستی طبقه فاصل بین چادر نشین و شهر نشین محسوب نمود . بعقیده الیزه رکلو^(۱) جغرافی دان

فرانسوی يك سوم مجموع سکنه ایران آن زمان را زارعین تشکیل میدادند ولی وسعت زمینی که بدست این طبقه زراعت میشد از يك پنجم مجموع اراضی قابل زراعت ایران تجاوز نمیکرد و حتی این مقدار جزئی زمین قابل زراعت نیز متعلق بزارع نبود بگفته رکلوا این آمار تقریبی نشان میدهد که در دنیا کمتر مملکتی هست که در آنجا رژیم مالکیت بزرگ مانند ایران رواج داشته باشد. دهقانان در تحت نفوذ و سلطه کامل دولت قرار داشتند و تحمیلات دولت را بدون چون و چرا تا آخرین حد توانائی و بدبختی اطاعت و تحمل میکردند. موقعی که فشار مأمورین وصول مالیات به منتهی درجه میرسید زمین مزروعی و خانه و زندگی خود را ترك گفته فرار میکردند و صحرا نشین میشدند.

روستائیان از میان معمرین و محترمین دهکده یک نفر را بعنوان ریش سفید انتخاب میکردند که مسئول تعیین سهم مالیات و سرشکن نمودن آن در میان اهالی ده بود. این شخص باختلافات مردم قریه رسیدگی میکرد و در واقع بمنزله قاضی محلی تلقی میشد.

در نوع مالیات از رعیت وصول میشد یکی بعنوان سهم دولت و دیگری بعنوان عایدی دائمی سهم ارباب - مالک نمیتوانست سهم اربابی را بمثل خود اضافه کند. چون با خراب شدن ملک عایدی مالک نیز از بین میرفت مالک در مقابل تقاضاهای بی حد و حصر مأمورین مالیه در واقع حسامی رعیت محسوب میشد - نظر باینکه سهم ارباب متناسب با محصول بود بدین لحاظ مالک نیز در عمران ملک خود ذی علاقه بوده کوشش میکرد.

چهارم سکنه صحرا نشین ایران - این طبقه از مردم ایران طرز زندگی و سازمان مخصوصی داشت.

عده زیادی از ایالات بزرگ ایران صحرا نشین بودند و قسمت اعظم سکنه ایران را تشکیل میدادند. افراد ایل معمولاً در سواری و تیراندازی مهارت داشتند و در موقع لزوم يك قدرت نظامی بوجود میآوردند. هر ایل بزرگ بطوایف و تیره های کوچک

تقسیم میشد. هر طایفه یا تیره رئیس خود را انتخاب میکرد و مطیع رئیس ایل بود در این سازمان بترتیب معمرترین افراد خانواده یا قبیله یا ایل را احترام قائل بودند- تمام افراد ایل با هم متحد بودند و برای دفاع از منافع عمومی ایل متفقاً در جنگ شرکت میجستند. راجع به چگونگی و طرز مالکیت ایلات چنین حدس زده میشود که در موقع ورود بایران قسمتی از اراضی بعنوان وام برای مدتی بایلات واگذار شده و بالاخره استفاده طولانی از اراضی واگذاری مالکیت را بآنان مسلم گردانیده است- رؤسای ایلات در واقع مالکین نواحی هستند که در آنجا زندگی کرده و از مزایائی بر خور دار شده‌اند که از اجدادشان بآنها بارت رسیده است باین ترتیب اغلب رؤسای ایل مالکین اراضی وسیعی بودند و چندین هزار افراد ایل راتحت فرمان خود داشتند- ادامه این وضع که بتدریج بر قدرت و نفوذ رؤسای ایل میافزود منجر به تشکیل نیروهای قابل توجهی شد که دائماً بایه مزاحمت دولت مرکزی بود بطوریکه میتوان گفت دولتهای کوچکی در داخل دولت مرکزی تشکیل گردید و یکنوع ملوک الطوائفی بوجود آمد برای داشتن تأمین کافی و تضمین وفاداری ایلات دولت گرو گانهائی بدر بار میفرستاد و در موقع سر پیچی و شورش معمولاً گرو گان ایل بعنوان مجازات بقتل میرسید، رؤسای ایل نیز با تمام وسایلی که در اختیار داشتند همواره در صدد بودند که خود را از قدرت و نفوذ دولت مرکزی آزاد کنند و حتی الامکان از انجام این تعهد شانه خالی میکردند، باینکه رؤسای ایل قدرت پادشاه را برسمیت میشناختند عملاً از مداخله مأمورین دولت مرکزی در امور حکومت ناحیه‌ای که در تحت فرمان آنان بود جلوگیری میکردند- مهمترین ایلات ایران عبارتند از:

اول- ایلات گرو^(۱) که طوایف متعددی دارند و در نقاط مختلف ایران پراکنده میباشند مهمترین ایلات که عبارتند از ایل اردلان که در حوالی سنندج مسکن دارند. اگر ادباجائی و قبادی و زردوئی و شاه قبادی که در اطراف جوانرود و نواحی گرمسیر

۱ - برای کسب اطلاع بیشتر راجع بایلات ایران به جغرافیای مفصل ایران تألیف جناب آقای مسعود کیهان مراجعه شود .

سرحدی بسر میبرند . طایفه شیخ اسماعیلی حوالی ارستان و ذهاب و اکراد زندگانه و کندوله و عثمانوند در طالان دشت و هلبلان و کندوله زندگی میکنند . ایلات سنجابی و کلیائی و بهتویی بترنیم در مغرب و شمال و شمال شرقی شهر کرمانشاه مسکن دارند . ایل کرند در باطاق و مغرب کرمانشاه و ایل بایروند در شمال شرقی این شهر زندگی میکنند .

طوایف پیشکوه که عبارتند از اکراد حسنونند و یوسفوند و کولی و ندوفک الدین و غیره که در نواحی رودخانه کاکارضا و تنک رباط و الیشتر و کنار رودخانه سیمره مسکن دارند . اکراد دلفان عبارتند از طوایف کاکاوند و موسی وند و اوحد قباد و بیژنوند و غیره که در شمال غربی ارستان بین کرمانشاه و هرسین و الیشتر مسکن دارند .

اکراد ناحیه طرهان که طوایف عمده آن سوری و کراوند و رماوند و غیره است و در جنوب غربی خرم آباد و جنوب دلفان ساکنند . طوایف بالاگریو و هرو که عبارتند از اکراد سگوند و دبر کوند و بیرانوند که در حدود ازنا و کرخه و جنوب خرم آباد و شمال دزفول و کوه طاق و تنک عزیز و تنک دینار مسکن دارند .

طوایف پشتکوه از اکراد بالاوند و کبیر کوهی و ملک شاهلی و زبیل و ندودشتی و احمد حسینی و زبروندی و غیره تشکیل میگردد که در جنوب کرمانشاه و رودخانه سیمره و دزفول ساکنند

دوم - ایل بختیاری مسکن ایلات بختیاری از طرف جنوب بخوزستان از سمت مشرق بفارس از شمال باصفهان و از مغرب بخاک ارستان و بروجرد منتهی میگردد . مهمترین طوایف بختیاری عبارتند از :

الف - ایلات هفت لنک که طوایف عمده آن شهی و اوسینوند و قندعلی و بابا احمدی و عالی افور و عکاشه و ملاملی و بختیاروند و غیره میباشند .

ب - ایلات چهارلنگ که طوایف عمده آن عبارتند از محمود صالح و ممزانی

و کیومرسی و هی هاوند و غیره .

سوم - **ایل قشقائی** طوایف مهم ایل قشقائی عبارتند از : دره شولی و کشکولی و شش بلوکی و صفی خانی و نمدی گله زن و میچک گله زن و قزللو گله زن بیات سست علی بیات شاهوردی و رحیمی و اصلانی و شاهلو ، چگنی و فیلی زنگنه ، کوشک ، بهمن بیکلو و غیره که در دشت سیمرم علیا و حوالی اردکان و گردنه ویزک و حوالی شیراز و یزد و بیضا ساکن اند .

چهارم - **ایلات خمسه فارس** که عبارتند از اینانلو و بهارلو و عرب و باسری و نفر که در رامجرد و مرودشت و داراب و قسا و دشت ایزد خواست و لارستان و بلوک سبعة فارس و سرستان و ارسنجان ساکنند .

پنجم - **طوایف کوه گیلویه** که بسه شعبه عمده تقسیم میشود :
یک - آقاجری که به نبره های افشار و بگدلی و تیلکو و داودی و شعری و قره باغی و غیره منشعب شده و در حوالی بهبهان مسکن دارند .

دو - باوی که تیره های عمده آن عبارتند از علیشاه و موسائی و بر آفتابی و قلعه ای .

سه - جاکلی که بدو شعبه بزرگ چهاربینچه و ایرای تقسیم میشود .
الف - چهار بینچه که مشتمل بر چهار قسمت بویر احمدی - چرام - دشمن زیاری و نوئی است .

ب - لیرای که ازدو قسمت عمده لیرای دشت و لیرای کوهستانی تشکیل میشود .

مسکن عمده ایلات کوه گیلویه در شمال غربی شیراز واقع شده حدود آن از طرف شمال عبارت است از بختیاری از مشرق ممسنی و سرحدش ناحیه از جنوب خلیج فارس و دشتستان از مغرب بلوک را مهرمز و فلاحی .

ششم - **ایلات ممسنی** که از چهار طایفه بزرگ . یکش و جاویدی و دشمن زیاری و رستم تشکیل میشود .

محل سکونت الوار ممسنی از طرف شمال و مغرب به بلوک شش ناحیه و کوه
گیلویه از سمت مشرق به بلوک اردکان و از سمت جنوب بناحیه کازرون محدود
میشود .

هفتم - **طوایف خوزستان** عبارتند از قبیله بنی کعب - قبیله باوی - آل کثیر
اعراب منتفج (بنی مالک) - چنانه - گندزلو - بنی طرف .

قبیله بنی کعب که طوایف عمده آن عبارتند از محیسن - ادیس - نصار - آلبغش
عسا کره عتقیه - البصوف و غیره که در قسمتی از خاک خوزستان در سمت رود کارون و
محمره و فلاحیه و جزیره الخضر و اهواز و بعضی نیز در خاک عراق مسکن دارند .

قبیله باوی در اسماعیلیه و اهواز و بند و کنار شرقی کارون سکونت دارند .

آل کثیر که بخانواده های سعد و عنافجه و ضیاغمه و غیره تقسیم شده و در نقاط
غربی و جنوبی رود دز فول در سیاه چادرها تا کنار نهر هاشم اقامت دارند .

اعراب منتفج (بنی مالک) این اعراب میان سبعه و ام التمسیر در ضلع غربی
کارون سکونت دارند .

ایل چنانه در اطراف دز فول بسر میبرند .

گندزلو از ایالات شوستراند و محل سکونت آنان از بند داود تا شوشتر و اطراف
دز فول امتداد پیدا میکند .

بنی طرف طوایف عمده آن عبارتند از سواری و شرفه و بنی صالح و مروان و قاطع
که در حویزه و بساطین و فیلی و نهر هاشم زندگی میکنند .

هشتم - **طوایف و ایالات کرمان و بلوچستان** : مهاجرین ایرانی که پس از
فتح اعراب از مغرب ایران مهاجرت کردند بنواحی شرقی و جنوبی ایران پناه برده
پس از مدتی در نتیجه معاشرت با سکنه و طوایف آن نواحی اختلاط پیدا کردند و
طوایف کنونی این نواحی را که از کرد و ترک و عرب و اهالی محلی مرکب اند تشکیل
دادند .

نظر باینکه نواحی بیلاقی و قشلاقی طوایف کرمان و بلوچستان مشترک است

مهمترین ایلات این دونا حیه را در یک جاذ کر می‌کنیم : **بلوچ گل بخشی** که در سردسیر حیدرآباد و نعمت آباد و گرمسیر جیرفت و رودبارزندگی میکنند **بدوئی قلعه سنگی** در سردسیر قلعه سنگی باغ بزم و گرمسیر جیرفت و رودبار بسر می‌برند **بدوئی حاجی** **کاکائی** در سردسیر حاجی کا کا و گرمسیر جیرفت و رودبار مسکن دارند **طایفه خواجوی** در سردسیر اطراف سیرجان و پاریز و فریدون و گرمسیر اطراف کوه خاجوئی زندگی میکنند **طایفه نخعی** که در راوژ اقامت دارند افشار در بافت و چهار گنبد و سیرجان سردسیر کرده و در دشت جیرفت گرمسیر دارند .

ایل بچاقچی مهمترین طوایف این ایل عبارتند از قرا سعیدلو - سوار سعیدلو - عباس لو - سیرجان کهنه - سوخته چالی - چهار گنبدی - ریگی - اسماعیل زائی - یار احمد زائی و غیره

طوایف ناحیه سروان عبارتند از باران زائی - ده ناهو - کوهک - سرجو - پسکوه - رئیس - کهنه داود - سرکوهی - عبدال زهی - احمد زهی و غیره .

طوایف بلوچستان مرکزی یا ناحیه بمپور عبارتند از سیاه خانی - جمشید زهی - صلاحی کوهی - زرد کوهی - دامنی - بزمان - عبدالحی حاجی زائی و غیره .

طوایف ناحیه مکران عبارتند از دشتیاری - قصر قند - فنوح - لاشار - جاسک و غیره .

طوایف ترکمن عبارتند از جعفر بای - آقابای - سلاک - کیجوخ - چا کر قراول بای ایندر - کاناز - داری - شیخ حاجی - تختایش - قزل - آق - عرب و غیره
 طوایف مختلف که در حدود شاهرود و بجنورد ساکن میباشند: طایفه فارسیان طایفه کردهای سادلو - طایفه ترکهای تیمورتاش و غیره
 نهم - **ایلات آذربایجان** ایلات اطراف اردبیل عبارتند از : بورتچی - فولادلو خامس لو - تکله - اینانلو - جهان خاتونلو و غیره

ایلات اطراف اجارود عبارتند از نوروزعلی بیگلر - بالا بیگلر - آلالر و غیره .

ایلات اطراف مشکین عبارتند از فوجه بیگلر - سیدلو - ساری جعفرلو - حاجی خواجهلو - اجرلو - یکهلو - زرگرلو و غیره

ایلات اطراف خلیخال عبارتند از شاطرانلو - کیشاندلو - دریلو و غیره
ایلات اطراف ساوجبلاغ مکری عبارتند از مامش - بیگزاده - حیدری - منگور سیوسنی - قره باپاق و غیره

ایلات اطراف سلماس عبارتند از کوهستی - شکاک و غیره .
ایلات اطراف رضائیه عبارتند از هرکی میدان - بیگزاده - ثمرنیان - زرزا و غیره .

دهم - ایلات اطراف تهران - ساوه و زرند و قزوین عبارتند از : هداوند - امانلو - ایکائو - عرب میش هست - کردبچه - بختیار - نفرانکلی - گاو باز - افشار - غیاوند - مافی - رشنود - جلیلوند - کاکوند - عمارلو - اینانلو و غیره .

تمام ایلات تقریباً زندگی صحرا نشینی داشتند و معمولاً در چادر بسر برده مطابق قواعد صحرا نشینی در زمستان در دشت قشلاق میکردند و در تابستان در قلال و دامنه کوهها زندگی مینمودند . گله داری و محصول آن معمولاً احتیاجات آنها را برطرف میساخت و بزراعت کمتر توجه داشتند هیچگاه باندازه احتیاج مصرفی خود نمی کاشتند و بهمین مناسبت دائماً بکشت دهاتیها تعدی میکردند و عایدی دولت که اصولاً از محصول زراعتی وصول میگشت با وقوع این قبیل تعدبات نقصان می یافت .

۳- قدرت پادشاه و عوامل متنفذ در تشکیلات مملکتی

پادشاه اصولاً فعال مایشاء و دارای قدرت مطلق و تصمیمات وی غیر قابل نقض بود و حق سلب مالکیت و حق حیات و مرگ نسبت بر عیای خود داشت . هیچگونه مجلسی شبیه بمجلس نمایندگان ملت یا مجلس اعیان و شورای علما وجود نداشت. عملاً هر رئیس ایل و یا حاکمی در ناحیه ای که حکومت میکرد خود را سلطان کوچکی می پنداشت و میکوشید که حتی الامکان نفوذ و قدرت سلطان را در آن منطقه از میان بردارد - تعیین و تشخیص قدرت و حدود اختیارات سلطان بسیار مشکل بود و این امر بستگی بشخصیت و اخلاق و کفایت پادشاه داشت .

پادشاه در باب تخت و نواحی مجاور آن مانند يك قاضی عرف از قدرت خود استفاده می کرد و مجتهد مقام اولین حاکم شرع و سنت را داشت . بیگلربیگی یا حاکم ایالات و ولایات از طرف شخص پادشاه منصوب میشدند و داروغه یا رئیس شهر بانی از طرف بیگلربیگی یا حاکم تعیین میگشت . کلانتران و صاحبمنصبان عدلیه و ادارات و کدخدایان محله های مختلف شهرها از طرف حاکم از میان محترمین اشخاص هر شهری انتخاب میگشتند .

رؤسای بزرگ ایالات در تشکیلات دولتی صاحبمنصبان ارشد محسوب میشدند و در حوزه فرمانروائی خود مطلق العنان بودند و اقتدار تمام داشتند و هرگاه حکومت مرکزی رو بضعف میگذاشت و نفوذ دولت از میان میرفت بدبختیهای ساکنین شهرها و دهات نیز که در قلمرو يك مشت جابر بسر میبردند مضاعف میگشت .

۴ = مالیات و طرز وصول آن

در اوایل قرن سیزدهم هجری در حکومتی مانند حکومت ایران که اختیارات در واقع در دست چند خانواده متقدر بود و در کشوری که در آنجا منافع عمومی بهیچوجه منظور نظر نبود و اصطلاحات اقتصاد اداری و سیاسی و نظام و انضباط مفهومی نداشت به سهولت میتوان دریافت که هنگام مطالعه و تحقیق در مالیاتهای عمومی چه اشکالاتی پیش میامده است. معمولاً چهار منبع بزرگ عایدی وجود داشت: مالیات و صادر پیشکش و گمرکات .

۱ - مالیات : عبارت از بکنوع عایدی بود که از اراضی و شهرها وصول میشد و شامل مالیاتهای نقدی و جنسی میگشت دردهات مالیات جنسی بمحصولات عمده از قبیل حبوبات و ابریشم و پنبه و غیره تعلق میگرفت . مالیاتهای نقدی از سبزی و میوه و سایر محصولات جزئی و فاصدشدنی وصول میگشت .

ساکنین شهرها و نوع مالیات میپرداختند: باسم خانه شماری از تعداد خانهها مالیات گرفته میشد و باسم سرشماری مالیات بر عده نفرات خانواده تعلق میگرفت و برای دارائی شخص هیچگونه مالیاتی قائل نبودند .

۲ - صادر : یکنوع مالیات جبری و اتفاقی بود که در واقع کمر شکن ترین مالیاتها محسوب میشد . بعنوان صادر در مواقع غیر عادی مثلاً بمناسبت مسافرت شاه و عبور اشخاص بزرگ و سفرا و یاقشون ، همچنین بعنوان ساختمان و عروسی یسکی از افراد خانواده سلطنتی و غیر مالیاتهای گرفته میشد .

۳ - پیشکش : عبارت بود از هدایائی که حکام و صاحبمنصبان ارشد بایستی بمناسبت عید نوروز بدربار سلطنتی بفرستند .

۴ - گمرکات : وصول عوارض گمرکی در تیول رؤسای مستقل بود. مالیات گمرکی

بدون تمایز شامل محصولات ایران و بیگانه میشد. نرخ عوارض گمر کی ثابت نبود و از شهری بشهر دیگر تغییر مییافت. علاوه بر عوارض گمر کی در جاده‌ها «رادر» مالیات راه وصول میکرد. با اینکه دولت عوارض راه دریافت مینمود خود را برای تهسیل اباب و ذهاب و حمل مال التجاره ملزم و مسئول نمیدانست و بدین عنوان فقط مالیات میگرفت.

ایلات که هر گونه دخالت مأمورین دولتی را در امور داخلی خود بسختی قبول میکردند حاضر میشدند جمعی از جوانان ایل را بعنوان سرباز تجهیز کنند و مالیاتی از بابت اراضی اشغالی خود بپردازند. مجموع این مالیاتها بوسیله رؤسای ایل در میان افراد سرشکن میشد و بتوسط حکام وصول میگشت. طرز وصول مالیات که از روی ممیزی‌های ادوار قدیم بعمل میآمد معایب فراوان داشت و این ترتیب ممیزی که بهیچوجه با حجم واقعی محصول تطبیق نمیکرد مایه اجحافات و زیاده رویهای بیشمار میگشت.

چنانکه گفته شد طرز وصول مالیات و نرخ آن در نواحی مختلف مملکت و حتی در قسمتهای مختلف يك ناحیه تغییر مییافت. حاکم که مأمور وصول مالیات بود مأمورین خود را برای دریافت آن بقصبات میفرستادند نمایندگان حاکم کوشش میکردند که هر قدر بتوانند اعمال زور کنند و بیشتر بگیرند زبرا علاوه بر دولت حاکم و نماینده وی نیز بایستی سهم خود را بردارند. باین ترتیب پس از چند روز چانه زدن مأمورین دوسوم آنچه را که در آغاز امر تقاضا کرده بودند وصول میکردند و در مراجعت سهم خود را برداشته مالیات وصول شده را تحویل حاکم میدادند - حاکم بنوبه خودش پس از پرداخت سهم رؤسای مافوق و برداشت حصه خود حداقل سهم را تسلیم خزانه دولت میکرد.

نصف مبالغی که باین ترتیب وارد خزانه سلطنتی میشد معمولاً بمصرف هزینه‌های ضروری میرسید. این هزینه‌ها عبارت بود از پرداخت مقرری چند وزیر و اعضاء دربار و نگهداری يك قشون بی معنی و تأمین هزینه‌های درباری و بلهوسی‌های پرخرج

سلطنتی مخصوصاً در دوره فتحعلی شاه که در آن زمان قصور سلطنتی از زنان متعدد
 و اولاد آنان مملو بود .

بقیه عایدات به شمش یا احجار و یا اشیاء دیگر ذی قیمتی که حمل آن نسبتاً
 آسان بود تبدیل می یافت . این ثروت در مواقع ضروری برای تنبیه رؤسای بزرگ و
 ایالات که دائماً مترصد بودند خود را از نفوذ و سلطه و قدرت مرکزی خلاص کنند
 بکار می رفت .

فصل دوم

سازمان نظامی ایران در اوایل قرن سیزدهم

اوایل قرن نوزدهم میلادی

معلمین و متخصصین نظامی که برای تعلیم و تربیت سپاهیان ایران از سال ۱۳۲۱ (۱۸۰۷) از کشور فرانسه بایران آمدند در سازمانهای نظامی ایران تغییراتی دادند. برای روشن شدن مطلب سازمان دستجات مختلف لشکریان ایرانرا در دو مرحله متمایز بشرح زیر مطالعه میکنیم:

الف - وضع نظامی ایران قبل از رسیدن مربیان و متخصصین اروپائی

ب - سازمان نظامی ایران پس از ورود مربیان و متخصصین اروپائی

الف - وضع نظامی ایران قبل از رسیدن مربیان و متخصصین اروپائی
هنگامیکه دولت ایران برضد دولت روسیه تزاری بجنگ پرداخت علاوه بر اینکه فاقد نیروی قابل توجه و سازمان صحیح نظامی بود بجرأت می توان گفت که در ایران آن زمان حتی دستگاهی که شبیه با سازمانهای اروپا باشد پیدا نمیشد. سپاهیان ایران بخصوص از سواران صحرا نشین تشکیل می یافت کسه وضع ایشان بی شباهت بوضع سواران قرون وسطائی اروپا نبود.

ایران سپاه دائمی و موطف نداشت - جنگجویان فقط هنگام جنگ و بروز خطر جمع آوری و متمرکز میشدند - برای جمع آوری و تمرکز آنان بودجه و اعتبار نبود و هزینه نگهداری این دستجات از طریق مصادره تأمین میگشت. تعداد لشکر بانیکه باین ترتیب ممکن بود جمع آوری شوند از یکصد و بیست هزار نمیکذشت - علاوه

براین سواران ، افراد چریك زیادی بوسیله شهرها و ایلات جمع آوری و نگهداری میشد چنانکه می بینیم پیش از ورود مریان نظامی اروپائی لشکریان ایران از عده سوار و افراد چریك تشکیل میشد :

۱ - سواران : دستجات سوار از میان افراد ایلات صحرائشین جمع آورد میشد . این دستجات مرکب از واحدهائی بود که هر کدام از يك رئیس اطاعت میکردند .

سواران فقط هنگام جنگ احضار میشدند و گارد سلطنتی را تشکیل میدادند . آدرین دوپره^(۱) فرانسوی که از سال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۲۴ (۱۸۰۷ - ۱۸۰۹) در نواحی مختلف ایران سیاحت کرده می نویسد که این سواران در حین تاخت و تاز مهارت در تمام جهات خواه بجلو و خواه بعقب تیراندازی میکنند .

این طرز جنگ سواران اشکانی را بخاطر می آورد که در حال فرار تیراندازی کرده و حملات ناگهانی آنان اثر بونهای رومی را که از تعاقب سواران ایرانی عاجز بودند مأیوس و ناامید میساخت .

دستجات سوار با واحدهای هزار نفری قسمت میشد . هر واحدی از ده گروه صد نفری تشکیل می یافت و هر گروه نیز بنوبه خود بده جوخه ده نفری تقسیم میشد . درجات نظامی رؤسائی که واحدهای مختلف در تحت فرمان آنان قرار داشت بهیچ وجه با ارزش نظامی فرماندهان تطبیق نمیکرد - عنوان و درجه افسران به تعداد نفرات که بلافاصله با کلمه ترکی « باشی » استعمال میشد معین و مشخص میگشت با این ترتیب فرمانده یکده سوار هزار نفری را « مین باشی » یعنی رئیس هزار نفر و فرمانده يك گروه صد نفری را « یوز باشی » یعنی فرمانده صد نفر و مسئول يك جوخه ده نفری را « اون باشی » یعنی رئیس ده نفر مینامیدند .

یک نفر « اون باشی » ممکن بود آناً مقام « یوز باشی » و حتی « مین باشی » را احراز کند زیرا برای بدست آوردن این عنوان کافی بود که صد یا هزار نفر گرد آورده و تحت

فرمان خود قرار دهد.

هر قبیله یعنی خانواده های مختلفی که از نظر اخلاق و عادت و زبان در تحت فرمان رئیسی قرار داشتند موظف بودند تعداد معین سوار تهیه کنند. کنت آلفر دو گاردان^(۱) میگوید «جیره این سواران یکنواخت نبود تسلیحات آنان عبارت از تفنگ دراز و سپری بقطر ۴ سانتیمتر بود که مانع از عبور گلوله نمیشد. تر کمانان هنوز هم تیرو کمان بکار میبردند و شمشیرهای بسیار خوب دارند و مانند اجداد خود نیزه های دراز و بسیار سبک بدست میگیرند که در کمال مهارت بکار میبرند. سواران معمولاً اسبان خوبی دارند که با يك لگام هدایت میشود».

ایران قادر بود در حدود یکصد و بیست هزار نفر از این سواران را که در مقابل امتیازات ارضی و آزادی مرتع خدمت نظام را انجام میداد بسیج نماید. هر رئیس ایل وظیفه داشت هنگام بروز جنگ سهمیه سوار متناسب با تعداد نفرات ایل را تهیه کند. هر سوار در حین جنگ برای خود و مرکبش آذوقه دریافت میکرد و جیره مختصری میگرفت که در سال از ۵ تا ۶ تومان بیشتر نبود. این مبلغ معمولاً از مالیات عمومی وصول میگشت. افراد سوار از روی استیصال غالباً همین مبلغ ناچیز را با ضرر زیادی تسعیر میکردند - علاوه بر جیره نقدی هر سوار سالیانه دو بار الاغ گندم دریافت میداشت.

جیره افسران نسبت بنفرت معمولاً بیشتر بود و در هر صورت جیره نقدی سالیانه از ۱۵ تا ۲۰ تومان و جیره جنسی از ۴ تا ۵ بار الاغ گندم تجاوز نمیکرد. در صورتیکه دولت میخواست جیره گندم را به پول نقد تبدیل کند هر بار الاغ را يك تومان منظور میداشت.

یکدسته سوار که تعداد آن از سه تا چهار هزار بیشتر نبود و غالباً افراد آن از میان غلامان گرجی و یاپسران نجبای کشور انتخاب میشدند گارد مخصوص سلطنتی را تشکیل میداد که غلامشاه می نامیدند - سواران گارد مخصوص اسبان ممتازی

داشتند. اسلحه ایشان از طرف دولت تهیه میشد و در سال از ۲۰ تا ۳۰ تومان جیره نقدی میگرفتند این مبلغ معمولاً از عایدات عمومی پرداخت میشد و افراد گارد مجاز بودند جیره خود را شخصاً وصول کنند سواران گارد مخصوص نیز هیچوقت فرصت را از دست نمیدادند و اصولاً بیش از آنچه داشتند تقاضا میکردند و برای رسیدن بمقصد اشکالی پیش نمیآمد زیرا این افراد فقط با اسم غلامشاه و با سوار گارد مخصوص سلطنتی ممکن بود يك يا چندین قصبه را تحت شکنجه و فشار قرار دهند.

۲ - چريك : تقریباً تمام افراد سالم کشور ممکن بود وارد دستجات چريك گردد. نیروی چريك در هر ناحیه یا از افراد طوایف کوه نشین و با ازاهالی شهرها و دهات تشکیل می یافت - نگهداری افراد چريك بعهده ایالت یا شهر یا دهکده ای بود که بوسیله این دستجات دفاع و حمایت میشد. ممکن بود عنداللزوم سپاهیان چريك بخدمت شاه دعوت شوند در اینصورت هر يك از افراد آن در سال از ۵ تا ۷ تومان جیره دریافت میداشت.

ملکم معتقد است که تعداد نفرات چريك بيكصد و پنجاه هزار نفر بالغ میگشت همین افراد چريك و سوارانی که توصیف کردیم وسیله اصلی فتوحات آغامحمدخان بود

ب - سازمان نظامی ایران پس از ورود مر بیان و متخصصین اروپائی

برای مقابله با روسها و تحکیم و تقویت نفوذ دولت ، فتحعلی شاه با کمک مر بیان اروپائی پیاده نظامی بسبك ارتشهای اروپائی بوجود آورد . افراد پیاده از دو قسمت مهم سرباز و جان باز تشکیل می یافت :

۱ - سرباز : پیاده نظام سرباز ۱۲ قسمت یا ۱۲ هنگ هزار نفری داشت که بوسیله عباس میرزا و لיעهد ایران تشکیل و نگهداری میشد . تمام افراد سرباز تحت فرمان ولیعهد و عموماً از اهالی آذربایجان بودند .

علاوه بر نفرات سرباز پیاده نظام. عباس میرزا يك سواره نظام هزار و دوست نفری و يك هنگ توپخانه سوار که از ۲۰ عراده توپ مرکب بود تهیه دیده بود . سازمان پیاده نظام و توپخانه در آغاز امر بوسیله افسران فرانسوی داده شد. پس

از حرکت ژنرال گاردان و میسیون فرانسوی از ایران انگلیسها برای تربیت سربازان جانشین فرانسویان گردیدند. اهمیتی که این قسمت از لشکریان ایران پیدا کرد در واقع مدیون شخصیت عباس میرزا بود زیرا اولی عهد ایران سعی و کوشش بسیار بکاربرد که لباس و تجهیزات سربازان ایران شبیه لباس و تجهیزات ارتشهای منظم اروپا باشد. میان تمام سپاهیان ایران افراد سرباز بهتر و بیشتر از سایرین غذا و جیره دریافت میداشتند.

جیره افسران متناسب درجرات آنان از ۴۰ تا ۵۰۰ تومان در سال بود بعلاوه غذا و لباس اضافی در هنگام وظیفه دریافت میکردند دستجات سرباز سربستی و فرماندهی اروپائیان را با میل و رغبت می پذیرفتند.

۴- جان باز: تعداد نفرات جان باز که مستقیماً در خدمت پادشاه بودند ظاهراً برابر تعداد نفرات سرباز بود ولی عملاً تعداد آنان از ۸ تا ۹ هزار تجاوز نمی کرد زیرا پرداخت حقوق و وضع لباس و جیره جانبازان مرتب نبود و انضباط آنان بپایه انضباط سربازانی که تحت فرماندهی عباس میرزا بود نمیرسید.

افراد پیاده نظام جوان که تازه با عملیات نظامی آشنائی پیدا کرده بودند نمیتوانستند در برابر حملات سپاهیان با انضباط و ورزیده مقاومت کنند و در نبرد های منظم با آنان دست و پنجه نرم نمایند.

این اقدامات برای تجدید سازمان نظامی ایران در آغاز امر نتایج خوبی نداد و چنانکه خواهیم دید بعدها نیز باعث زیاده رویها و احیافات گردید. گوبینو^(۱) در این خصوص میگوید تا وقتی که عباس میرزا زنده بود آزمایش تجدید سازمان نظامی را کم و بیش خوب عمل کردند ولی پس از مرگ ولیعهد ایران با توجه باینکه پیاده نظام را با نظر حقارت مینگریستند افراد صنف پیاده نظام بدبختترین افراد لشکریان ایران شدند. بعدها نیز تحولات اصلاحی و تجدید سازمان در ارتش جدیداً تأسیس ایران بقدری با تأانی انجام پذیرفت که بقول نویسندگان و جهانگردان و مستشاران و معلمین

مختلف نظامی که در طول قرن سیزدهم بایران آمده‌اند در جریان يك قرن هیچگونه اصلاح و بهبودی در وضع سازمان نظامی ایران روی نداده‌است.

از نوشته‌های این اشخاص چنین بر می‌آید که سربازان پیاده مبلغی ناچیز دریافت داشته و جیره آنان منحصر به چند کیلوان بوده است که هر دو روز با مختصر گوشتی بایشان داده میشد گوینو میگوید: « زندگی افراد دستجات سربازان پیاده نظام دشوارترین و پر مشقت‌ترین زندگی افراد جامعه ایران است اینک این سربازان زندگی اعیان سوارانرا ندارند اینست که طرز جمع آوری سربازان و سواران متفاوت است. حاکم هر ناحیه مجبور و موظف است همه ساله عده‌ای سرباز برای ارتش منظم جلب کند.

در عمل سربازی از هیچگونه تبعیضی مضایقه نمیشود تنه‌امیل و اراده حاکم خانواده‌ها را مجبور میکند که يك یا بیشتر از افراد خانواده خود را بنام سرباز تسلیم مأمورین دولت کنند، سهمیه سربازبایستی در تمام مناطقی که تحت فرمان حاکم قرار دارد تهیه شود ولی رؤسای کشوری بمیل خود آخوند ها و تجار و کسبه و منسوبین آنان را از خدمت سربازی معاف میکنند.

در میان طبقات ممتاز که از خدمت نظام معاف میشدند میتوان خانواده‌هایی را اسم برد که در خدمت اشخاص متنفذ بودند و یا آنهایی که میتوانستند هدایای خوبی بمأمورین عالیرتبه و یازیردستان آنان تقدیم کنند. وقتی افراد این طبقات ممتاز را از جامعه ایران منتزع کنیم بقیه فقیرترین قسمت اهالی کشور را تشکیل میدهد و در میان همین طبقه نیز بیچاره‌ای که هیچ چیز برای تقدیم و فرار از خدمت ندارد بخدمت سربازی جلب می‌گردد».

ژنرال گاردان که در سال ۱۲۲۲ (۱۸۰۷) برای تربیت افراد نظامی ایران مأموریت یافت نتایج مطالعات خود را شرح میدهد - این مطالعات کاملاً تطبیق میکند با نوشته‌های کونت دو گوینو که از ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۵ (۱۸۵۵ - ۱۸۵۸) یعنی تقریباً نیم قرن پس از ژنرال گاردان بایران مسافرت کرده است.

گوینو میگوید: وقتی يك خانواده نمیتواند خود را از قید دادن سرباز آزاد کند یقین دارد که بالاخره بدادن يك یا چند سرباز محکوم خواهد شد بنابراین طفلی که بایستی خدمت سربازی را انجام دهد از درون گهواره تعیین می شود و از همان تاریخ معلومست که آن بیچاره باید تمام عمر را در خدمت نظام بسربرد.

البته این سربازان دائماً زیر پرچم نبودند گاهی اتفاق می افتاد که دولت یک دسته سرباز را بدون پرداخت جیره برای مدت نسبتاً طولانی مرخص میکرد و گاهی فرماندهان اجازه میدادند سربازان صاحب حرفه سر خدمت حاضر نشوند. در این صورت جیره نقدی و جنسی سربازان غایب را فرماندهان می گرفتند. ولی از لحاظ قانون و مقررات هر سربازی مادام العمر سرباز بود و مجبور بود تا آخرین سال عمر خدمت کند با این ترتیب میان صفوف سربازان پیر مردانی که متجاوز از ۶۰ سال عمر داشتند پهلوی بچه های یازده ساله دیده میشدند.

هیچوقت سربازان ایرانی جیره ای را که دولت موظف بود در حق آنان بپردازد دریافت نمیداشتند مگر بر حسب تصادف و در موارد غیره مترقبه. جیره سرباز در خروج از خزانه دولت از زیر دست سرتیپ و سرهنگ و سلطان و نایب و وکیل می گذشت و آنچه بدست ذینفع میرسید بسیار ناچیز بود. سرباز نیز بنوبه خود کار خسته کننده ای نداشت در تابستان بعلت گرمی هوا از تمرین عملیات نظامی معاف بود و در زمستان بعلت سردی هوا کار نمیکرد. هنگامیکه برای پست پاسداری تعیین میشد تا وقتیکه پادگان در آن ناحیه اقامت داشت تغییر نمی باقت و برای همیشه در آن پست باقی میماند و غالباً تمام شب بایستی انجام وظیفه کند ولی درواقع هیچگونه مقرراتی وی را مجبور نمی کرد که تمام شب را سر یا در پست خود باشد بلکه براحتی می خفت و سیمیده دم با خیال فارغ بیدار میشد. اگر سرباز صاحب حرفه بود بحرفه خود مشغول میشد و از عایدات کار خود تحفه ای برای جلب حمایت رؤسای مافوق تهیه میدید. در غیر اینصورت سرباز نوکری و حمالی کرده و در نتیجه بقدر استعداد خویش وضع نسبتاً مطلوبی برای خود آماده میساخت.

نباید از نظر دور داشت که این خرابی تشکیلات نظامی تا آغاز قرن چهاردهم (قرن بیستم میلادی) باقی بود. پاولوویچ^(۱) که در سال ۱۳۲۳ (۱۹۰۵ میلادی) افسر بریگاد روس در ایران بود آنچه را که گوینو در سال ۱۲۷۰ (۱۸۵۴ میلادی) راجع باوضاع نظامی کشور ما نوشته با این عبارات تأیید میکند:

«عمل سربازگیری و مقررات مربوط به خدمت سربازی کاملاً ارادی و مستبدانه است سرباز باید برای تمام عمر خدمت کند هیچ قانونی سن سربازانی را که باید به خدمت احضار شوند تعیین نکرده است.

به همین مناسبت است که در صفوف لشکریان ایران پین مردان ۸۰ ساله تا ۹۰ ساله در پهلوی جوانان ۱۶ ساله خدمت میکنند. با نداشتن محل سکونت و غذا سربازان ایران مجبورند در خارج مشاغلی از قبیل درباری خانه‌های اعیان و یابیگان ممتول پیدا کنند.

عادت بر این جاری است که دو نفر سرباز یکی برای شب و دیگری برای روز اجیر کنند. سربازان تمام امور خانگی مثل بچه داری و آشپزی را انجام میدهند و غالباً در میدانه‌ها دنبال کار عملی میگردند - همچنین بشغل قصابی و عطاری و غیره مشغول هستند و با این ترتیب بشغل نظامی اهانت وارد آورده حرفه نظامی را شغل ثانوی و بی اهمیت تلقی میکنند.

کفش و لباس و سلاح سرباز مرتب نبود تا وقتی که سرباز دریادگان اقامت داشت زندگی وی نسبتاً قابل تحمل بود ولی هنگامیکه برای عملیات میرفت وضع زندگی او سخت میشد زیرا کارپردازی و آذوقه وجود نداشت بطوریکه غالباً سربازان برای سد جوع مجبور بودند علف بخورند - معه‌ذا ژنرال گاردن میگوید باینکه سربازان ایرانی به تحمل این زندگانی پر زحمت محکوم بود بندرت صبر و تحمل فوق العاده خود را از دست میداد - سرباز ایرانی قوی بنیه و خوش هیكل بود. قناعت و اطاعت

انجام تعهد^(۱) و تحمل خستگی از خصائل سرباز ایرانی بشمار میرود چنین سربازانی فقط احتیاج به ربی و رهبر خوب دارند.

کونت دو گوبینو نیز از تعریف و تمجید سربازان ایرانی کوتاهی نکرده و میگوید ذکاوت و جسارت سرباز ایرانی قابل تمجید است زیرا جای بسی تحسین است که انسان مشاهده کنده اشخاصی که بایشان چنین رفتار میشود در تحت سرپرستی افسرانی مانند خود پای برهنه با تفنگ بدون چخماق در جنگ اخیر با سر نیزه با انگلیسها حمله کنند.

توپخانه نواقص قسمت توپخانه از واحدهای دیگو کمتر نبود. توپها که در شیراز و مشهد و اصفهان ریخته شده بود بیاد گانهای مرزی و شهرها فرستاده شده بدون مواظبت و تقریباً بی مصرف مانده بود. در تهیه گلوله ها بهیچوجه دقت نمیشد و گلوله که معمولاً با گوگرد و سنک ریزه مخلوط بود هنگام استفاده یا لوله توپ را میترکانید و یا در حال خروج منفجر میشد. نظر باینکه توپها کالیبرهای مختلف داشت مصرف گلوله مشکل بود و در عمل اشتباهاتی رخ میداد. گاوهم که برای کشیدن توپ بکار میرفت حمل توپ را مشکل میکرد و حتی در بعضی قسمتهای کوهستانی غیر ممکن میساخت. تعداد نفرات توپخانه از ۸۴۰ نفر تجاوز نمیکرد و هیچیک از افراد توپخانه برای این کار تربیت نیافته بود.

دسته زنبورك چيها را بایستی باین توپخانه جدید اضافه کرد. زنبورك نوع توپ کوچکی بود که گلوله آن در حدود دو بست گرم وزن داشت و برد آن از برد تفنگ معمولی تجاوز نمیکرد این سلاح بوسیله پایه‌ای که تعبیه شده بود دور میزد

۱- در اینخصوص ژنرال گاردان میگوید: کنت دو ویلساک Le Comte de Willeseck دروین Vienne بمن حکایت کرد که در یک رژه نظامی امپراطور ژوزف دوم در حالیکه سربازی را نشان میداد گفت این سرباز یکنفر ایرانی است که بوی سه سال مرخصی دادم برای دیبن خانواده خود باصفهان رفت و درست در خانه مرخصی مراجعت کرد و بدسته خود پیوست

و تعداد آن به ۱۵۰۰ بالغ می‌گشت. زنبورک را بروی جهاز شتر سوار می‌کرد، زنبورکچی شتر را هدایت می‌نمود و زنبورک را پر کرده و آتش می‌کرد. همواره قتیله‌افروخته‌ای بکمر داشت که برای آتش زدن باروت بکار میرفت. این قتیله در طول کیسه‌های باروت و گلوله که به بغل شتر بار می‌شد آویزان بود و غالباً حریق و حوادث ناگواری ایجاد می‌کرد - در موقع حرکت گاهی شتر بصدای توپ رن می‌کرد و مایه‌ی توأید خطر تازه‌ای میشد.

بحریه : در میان واحد های نظامی ایران همواره توجه کمتری به نیروی دریائی معطوف گردیده است.

در آغاز قرن سیزدهم چند کشتی کوچک که مأمور حفاظت کرانه‌های خلیج فارس بود بحریه‌ایرانرا تشکیل میداد باید در نظر داشت که همین چند کشتی نیز بعلمت اغتشاشات داخلی و موانع سیاسی خارجی از میان رفت و برای حفاظت کرانه‌های دریای خزر دولت ایران هیچ نوع کشتی نداشت.

وضع ادارات مختلف نظام
وضع ادارات مختلف نظام رقت آور بود. اداره سر رشته‌داری وجود نداشت و در نتیجه ارتش فاقد انبار مخازن و ذخیره جنگی بود - برای مصرف اسبان بجمع آوری علوفه توجه نمیشد و فقط کاه را ذخیره می‌کردند و سربازان تنها در فصل علوفه بعملیات می‌رفتند - چنان که گفتیم میان تمام افراد نظامی ایران فقط جان بازان و سربازان لباس متحدالشکل داشتند بقیه سواران و پیاده ها لباس خود را بدلتخواه از حیره خود تهیه می‌کردند.

سربازخانه و مریضخانه وجود نداشت سرباز بیمار و یا زخمی وقتی وسیله‌ای برای معالجه پیدا نمی‌کرد سلاح خود را می‌فروخت گاردان می‌گوید جراح نظامیان همان سلمانی معمولی بود که می‌توانست فصد کند.

اگر وسایل لازم برای بهبود وضع و استراحت افراد نظامی وجود نداشت در عوض افراد و ملازمان فراوان که پادشاه و بزرگان فقط برای تفریح خود هنگام

اعزام نیرو و همراه میبردند اسباب مزاحمت دیگران میشد. پادشاه و بزرگان میل داشتند هنگام اعزام نیرو و همان تجملات درباری و زنگی شهری را در وسط اردوگاه آماده سازند. چادر شاه و بزرگان در واقع نمونه تجمل فوق العاده بود. در تهیه اشیاء و اسباب و اثاثیه ای که برای تفریحات آنان ضروری بود بهیچوجه چیزی فروگذار نمیشد. گاردان میگوید ظروف و مبل و اثاثیه و تمام اشیائی که برای بلهوسی شاه و اطرافیان وی ضروری است بار و بونه عجیب و غریب را تشکیل میداد. هر نوکری بر روی اسب خود دو کیسه چرمی داشت که در یکی از آنها قلیان و در دیگری ذغال میگذاشت. برای تهیه آتش از منقلی که بر زین اسب آویزان بود استفاده میشد. بسا این وضع تعداد فوق العاده زیاد نفرات غیر نظامی تحمیل ارتش میشد و هیچگونه حرکت دسته جمعی و متحدالشکلی انجام نمی گرفت.

فرامین معمولاً دیر بمقصد میرسید و بطرز بدی بموقع اجرا گذاشته میشد. بطوریکه در عمل همه چیز تصادفی بود و هیچکس قادر نبود این بی نظمی ها را علاج کند.

فنون جنگی : چنانکه تعریف آن گذشت سرباز ایرانی جسور و قانع و مطیع و با انضباط و خستگی ناپذیر بود. ولی این صفات پسندیده نمیتوانست وسیله فتح و پیروزی گردد. ارتش ایران هیچگونه اطلاعی از فنون مهندسی نداشت و بعلمت فقدان صنف مهندس از فنون سنگر بندی و استحکامات بکلی بی خبر بود.

استحکاماتی که میساختند عبارت بود از دیوارهای بلند گلی بابرجهای کنگره دار که بوسیله این دیوارها اطراف شهرها را محصور می کردند. اغلب شهرها بوسیله حفر خندقها حمایت میشد. تا کتیف و فن جنگی عبارت بود از حرکت سریع بی نقشه در پیرامون واحدهای دشمن و هجوم ناگهانی بار و گاهها و بغنیمت بردن آذوقه و تغییر مجاری آبها برای جلوگیری از استفاده آن و بالاخره پر کردن چاهها و حمله بواحدهائی که خستگی و احتیاج آنان را از پایداری در می آورد.

سواره نظام مانند تمام سواران نامنظم از انجام عملیات دسته جمعی و یکتا و اخت

بی اطلاع بود - تاکتیک سواره نظام عبارت بود از حمله و فرار - با اینکه فرد فرد سواران ایرانی در فن سواری نهایت مهارت را داشتند و حرکات آنان برای تغییر محل با سرعت فوق العاده ای انجام می یافت باز هم قادر نبودند واحدهای سوار نظامی را که بطرز اروپائی تعلیم و تربیت یافته بودند از پیا در آورده و بخطر بیاندازند - در اردوگاه هرج و مرج کلی حکمفرما بود - اردوگاهها همیشه باز بود و هیچگونه مانعی برای جلو گیری از حملات دشمن وجود نداشت و شب هنگام پستهای مقدم برای اطلاع از حرکات دشمن تعیین نمیشد .

طرز تشکیل شوری برای مطالعه و طرح نقشه عملیات نظامی نهایت تعجب آور بود .

نارسیس پرن^(۱) در کتاب خود *La perse* در وصف این شوری میگوید :
 « ممکن است تصور شود موقعیکه شاهزاده عباس میرزا میخواست طرح جنگی را تهیه کند مجرمانه باینکار اقدام میکند و تمام مسائلی که در این شوری مطرح میشود کاملاً سری است - در صورتیکه برعکس شاهزاده عباس میرزا بزرگان و شاهزادگان و وزیران را برای بحث راجع بموضوع جمع میکند ولی موضوع مورد بحث در شوری هر چه باشد و هر اندازه مهم و سری باشد رسم کشور ایجاب میکند که نوکران دائماً دم در و حتی در داخل اطاق بایستند در نتیجه دو ساعت بعد سر بازی نیست که از عملیات نظامی و سوق الجیشی که بر طبق تصمیم بایستی مجرمانه بماند بی اطلاع باشد .

باز کراین مطالب راجع بسازمان ارتش ایران در اوایل قرن سیزدهم که نمونه ای از جامعه ایران را تشکیل میداد از یکطرف میتوان بوضع اجتماعی آن زمان بی بردواز طرف دیگر نتیجه گرفت که از مدتها باینطرف تاکتیک نظامی ایران عوض نشده بود یکی از علل اساسی این وقفه و عدم تحول همان نقص تهیه و تربیت کادر است زیرا چنانکه دیدیم خان يك ایل بدون هیچ سابقه و بصیرت از عملیات نظامی از گله داری بفرماندهی عده خود منصوب میشد و همراهان وی نیز رؤسای مادون واحدها را تشکیل

میدادند . صدراعظم که غالباً عهده‌دار فرماندهی کل قوا بود هیئت وزیران را ترك گفته و برای هدایت عملیات نظامی بمیدان جنگ میرفت . بطوریکه ملاحظه می شود ارتش ایران باند داشتن سازمان منظم و وضع یکنواخت و عدم توجه بتعلیمات کادروبی اطلاعی فرماندهی قوی از فنون نظامی باطرز رقت باری اداره میشد باوجود این سپاهیان ایران مجبور بودند و توانستند قریب مدت ده سال بر ضد دستجات بانضباط ارتش تزاری که تحت نظر فرماندهان و ژنرالهای بصیر و ورزیده در فنون جنگی تعلیم یافته بود بجنگ ادامه دهند .

قسمت دوم

از آغاز جنگ‌های ایران و روس
تا معاهده گلستان

فصل اول

نخستین مراحل تیرگی روابط ایران و روس

۱ - الحاق گرجستان: فتحعلیشاه با سانی توانست قدرت خود را در داخله ایران مستقر سازد . ولی متأسفانه در عملیات بر ضد دولت روسیه تزاری که همواره برای تسریع اضمحلال ایران پی فرصت میگشت توفیقی حاصل نکرد . چنانکه دیدیم جنگ اول ایران و روس که بعثت انعقاد معاهده تحت الحمایگی میان هراکلیوس دوم والی گرجستان و دولت روسیه اتفاق افتاده بود بامر گئکانرین دوم و آغا محمدخان بدون انعقاد معاهده صالحی میان دو طرف خاتمه یافت . سیاست ظاهری صلح طلبانه پل اول امپراطور روسیه چندی عملیات تجاوز آمیز دولت تزاری را متوقف ساخت . ولی در دوران حکومت پل صلح طلب نیز دولت روسیه بیکار ننشسته بود زیرا در همین زمان گرجستان که از طرف دولت روسیه حمایت میشد اطاعت آن دولت را قبول کرد و حتی چنانکه خواهیم دید بفرمان پل اول رسماً ضمیمه امپراطوری روسیه گردید .

هراکلیوس در سال ۱۲۱۳ (۲۷۹۱) در گذشت و پسرش ژرژ سیزدهم که در ایران با اسم گرگین خان مشهور بود جانشین وی گشت .

در آغاز سلطنت فتحعلیشاه گرگین میخواست از رد و خورد با ایران اجتناب ورزد . لذا خود را مجامع دربار ایران خواند ولی وقتی فتحعلیشاه بوی دستور داد پسر ارشد خود را بعنوان گروگان بتهران بفرستد متمایل بدربار روسیه گشت . در این موقع بنماینده پل اول در گرجستان دستور داده شد که از نفوذ خود برای عقد معاهده ای استفاده نماید .

ژرژ سیزدهم که بمناسبت ولخرجی و نداشتن عایدات کافی احتیاج به پول داشت مبالغ زیادی از دولت روسیه قرض کرده و متعهد شده بود که در صورت عدم پرداخت قرضه در موعد معین شهر تفلیس را بآن دولت واگذار نماید. نظر باینکه ژرژ سیزدهم نتوانست قرض خود را بموقع بپردازد شهر تفلیس بوسیله قوای روس اشغال شد و ژنرال تسی تسی یانف^(۱) بحکومت گرجستان منصوب گشت و بنابستور دولت روسیه اعیان شهر و خانواده ژرژ سیزدهم را به سن پترزبورگ فرستاد و در تاریخ نهم جمادی الاول ۱۲۱۵ مطابق با ۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ معاهدهای میان دولت روسیه و ژرژ سیزدهم بامضاء رسید. مطابق مواد این معاهده ژرژ سیزدهم بنام خود و بنام جانشینانش بنفع امپراطور روسیه از حکومت گرجستان دست کشید. سپس پل اول امپراطور روسیه نیز عنوان تزار گرجستان بر خود نهاد و پسر ژرژ سیزدهم بسمت نایب السلطنه شناخته شد.

این عمل دولت روسیه و رفتار ژرژ سیزدهم باعث ایجاد خشم و اعتراض سخت اعیان گرجستان شد. برادران ژرژ سیزدهم که از این تصمیم متنفر بودند گرجستان را ترک گفتند. شاهزاده آلکساندر (در ایران با اسم اسکندر میرزا معروفست) برادر جوان ژرژ سیزدهم نهایت خشمگین و متأثر بود از اینکه خانواده پدرش بدون هیچگونه عکس العملی از حکومت گرجستان دست برمیدارد. این شاهزاده سعی داشت بلکه زمینه یک انقلاب عمومی را فراهم سازد ولی رؤسای نواحی عدم کامیابی در چنین انقلابی را بدون کمک مسلح دولتمندان ایران و عثمانی پیش بینی میکردند. بنابراین شاهزاده آلکساندر سعی میکرد بلکه ازدو کشور نامبرده بنفع خود استمداد کند - متأسفانه دولت عثمانی بامشغله زیادی که داشت نمیتوانست بتقاضای آلکساندر جواب مثبت بدهد. در ایران نیز فتحعلیشاه که گرفتار امور داخلی بود قادر بجلب رضایت آلکساندر نبود. باوجود این رؤسای قرهباغ و سایر نواحی قفقاز برای تهیه نهضتی بمنظور مقابله و اخراج روسها از زمین اجدادی بآلکساندر وعده مساعدت دادند ولی

بزودی حکومت تفلیس از اقدامات و نقشه های آلکساندر اطلاع یافت و تدابیر لازم برای دفع وی اتخاذ نمود - ژنرال کولیسکوف^(۱) و لازاروف^(۲) بادوهندك از سپاهیان روس در سواحل رود کر قوای الکساندر را بسختی درهم شکستند و کسان و همراهان وی را متفرق ساختند و از اقدام میهن پرستان قفقاز جلوگیری کردند .

ژرژسیزدهم در ۱۱ شعبان ۱۲۱۵ مطابق با ۲۸ دسامبر ۱۸۰۰ در تفلیس در گذشت و پسرش داوید رسماً نایب السلطنه گرجستان شد ولی دولت روسیه مدلول معاهده ای را که خود قبول و امضاء کرده بود محترم نشمرر و امپراطور پیل اول با صدور فرمانی در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۸۰۱ مطابق ۳ رمضان ۱۲۱۵ الحاق گرجستان را بروسیه رسماً اعلام نمود .

بدین ترتیب گرجستان ضمیمه امپراطوری روسیه شد و رابطه خود را با ایران قطع کرد . پس از شکست شاهزاده الکساندر سپاهیان روس در ۱۰ دسامبر ۱۸۰۲ رمضان ۱۲۱۸ شهر گنجه^(۳) را خنند و از آنجا ژنرال نسی نسی یانف در دوره سلطنت امپراطور آلکساندر اول مأموریت یافت بسمت ایروان پیشروی نماید .

1- Kuliskoff

2- Lazaroff

3- Elisabethpool

۲- اشغال گنجه و ازبین بردن آثار و تأسیسات ملی

و تعمیم نفوذ روس در نواحی اشغالی

گفتیم که بامرك كاترين دوم و آغامحمدخان جنگ ايران و روس بدون انعقاد معاهده‌ای خاتمه پذیرفت. همچنین اشاره کردیم که باسیاست صلح طلبانه ظاهری پل اول چندی در عملیات مهاجمین روس وقفه حاصل شد و فتحعلیشاه از این فرصت استفاده کرده آرامش را در داخله ایران برقرار ساخت و مدعیان خود را از میان برداشت.

قتل پل اول در شب اول ماه مارس ۱۸۰۱ (۱۵ شوال ۱۲۱۵) باسیاست صلح - طلبانه موهوم امپراطور روسیه نسبت بایران خاتمه داد و سیاستی که بوسیله پطر کبیر طرح و تهیه شده بود باجلوس الکساندر اول تجدید شد. پس از چند ماه امپراطور روسیه بانشر اعلامیه مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۸۰۱ مطابق ۴ جمادی الاول ۱۲۱۶ تاج و تخت گرجستان را که در زمان پل اول از طرف ژرژسزدهم در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ (۹ جمادی الاول ۱۲۱۵) بدولت روسیه واگذار شده بود قبول کرد. از این تاریخ روسها بایک اسلوب اساسی و قاعده صحیح به محوسازمانهای ملی مبادرت ورزیده زبان گرجی را در مدارس و دادگاهها و ادارات قدغن کردند و حتی روحانیون نیز در مقابل اشغالگران روسی آزادی و تأمین نداشتند.

دولت روسیه بالحق گرجستان که قرنهای امپراطوری ایران بود لطمه شدیدی به حیثیت این دولت وارد ساخت ولی جنگهای ایران و روس بدون اعلان رسمی باحرکت ژنرال تسی تسی یانف بطرف ایران آغاز شد.

چنانکه گفتیم ژنرال تسی تسی یانف بامهارت نظامی که داشت در تاریخ ۱۸۰۱ (۱۲۱۶) بفرماندهی کل قوای روس در قفقاز منصوب شد و در تفلیس اقامت گزید. ژنرال روسی که از نژاد گرجی بود اطلاعات کامل و صحیحی از ناحیه قفقاز داشت و بخوبی

متوجه بود که نگهداری گرجستان که تنها ارتباط آن با روسیه از راه معبر دریایال است کار آسانی نیست و در موقع مناسب از روسیه منتزع خواهد شد. بنابراین فرمانده کل قوای روس ارتباط از راه دریایار عامل مؤثر برای تقویت و محافظت فتوحات جدید دولت روسیه میدانست. کرانه‌های دریای سیاه در دست باب عالی بود و برای دست یافتن باین ناحیه دولت روسیه ناچار بود با دولت عثمانی وارد جنگ شود بنابراین نسی‌تسی‌یانف توجه خود را بسمت دریای خزر معطوف کرد.

برای اجرای نقشه خود فرماندهی روس شروع بدست اندازی و اشغال نواحی شمال غربی ایران نمود و به بهانه اینکه حکومت گنجه در زمان هرا کلیوس مالیات خود را بگرجستان میپرداخت تقاضای پرداخت مالیات نمود و بعلت وصول پاسخ منفی حاکم شهر نسی‌تسی‌یانف در دسامبر ۱۸۰۳ (رمضان ۱۲۱۸) بطرف گنجه حرکت کرده شهر را اشغال و بنام الیزابت پول^(۱) اسم روسی ضمیمه گرجستان ساخت. روسها بطرز فجیحی مقاومت کنندگان را تنبیه کردند و بکشتار عمومی مبادرت ورزیدند بطوریکه اطفال و زنان نیز از این رفتار وحشیانه سربازان تزار در امان نبودند.

پس از اشغال گنجه فرمانده قوای روس بسمت ایروان متوجه شد حاکم این شهر برای اغفال دشمن و ایجاد تشتت در میان قوای مهاجم وعده داده بود شهر را بدون مقاومت تسلیم کند.

در مقابل این حوادث دولت ایران مضطرب شد و فتحعلیشاه بمنظور نزدیک شدن بصحنه عملیات پایتخت را ترك کرد. بشاهزاده عباس میرزا دستور داده شد جنگ را شروع و بسمت ایروان حرکت کند. (ذیحجه ۱۲۱۸)

یکبار دیگر پس از شش سال متار که دولتین ایران و روس بجنگ مبادرت میکردند جنگی که در حدود ده سال بطول انجامید و با امضای معاهده ننگین گلستان موقتاً خاتمه پذیرفت.

برای روشن شدن موضوع ما شرح عملیات جنگی را بسه مرحله مشخص که با سیاستهای اروپائی و آسیائی دولت امپراطوری روس تطبیق میکند تقسیم کرده ایم.

- ۱ - مرحله اول از ۱۲۱۸ (۱۸۰۳) تا امضای معاهده تیلسیت^(۱) جمادی الاول ۱۲۲۲ (ژوئیه ۱۸۰۷) .
- ۲ - مرحله دوم از تیلسیت تا انعقاد معاهده بخارست ۱۲۲۷ (۱۸۱۲)
- ۳ - مرحله سوم از انعقاد معاهده بخارست تا انعقاد معاهده گلستان ذیقعدہ ۱۲۲۸ (اکتبر ۱۸۱۳)

فصل دوم

مرحله اول جنگهای ایران و روس

از ۱۲۱۸ (۱۸۰۴) تا امضای معاهده تیسیت

جمادی اول ۱۲۲۲ ژوئیه ۱۸۰۷

پس از تصرف گنجه دستجات سپاهیان روس در سمت ایروان پیشروی کرده و در اوچ کلیسا مقر خلیفه ارامنه باعباس میرزا که خود را برای اخذ تماس آماده کرده بود مواجه شدند و او را در ۱۲۱۸ (۱۸۰۴).

پس از جنگ خونین اوچ کلیسا قوای روس شکست خورد و عقب نشینی کرد و بمحاصره شهر ایروان مبادرت ورزید. ساکنین و سپاهیان باشجاعت فوق العاده ای از شهر و قلعه ایروان دفاع کردند و مدت یکسال سپاهیان ایران در زیر به باران آتشبارهای دشمن رنج و زحمت فراوان متحمل شده و دلیرانه پایداری کردند. پس از زدو خورد های خونین بالاخره ایرانیان موفق شدند از رسیدن مهمات و آذوقه باردو گاه قوای روس جلوگیری کنند. ژنرال تسی تسی یانف ناچار از محاصره ایروان دست برداشت و عقب نشست بدین ترتیب دفاع و حفاظت ایروان برای مدت کوتاهی بدست سپاهیان ایران تأمین شد (شعبان ۱۲۱۹) (نوامبر ۱۸۰۴) سواران چابک ایران سپاهیان روسی را تعقیب کردند تا بالاخره قوای روس با تحمل مشقات و دادن تلفات سنگین بسمت تفلیس عقب نشست تا با تجدید سازمان و قوا خود را برای نبردهای بعدی آماده سازد.

این عقب نشینی تسی تسی یانف نتایج نامطلوبی در گرجستان ایجاد کرد خوانین دربند و باکو و قره باغ و شیروان فرصت را برای قیام مسلحانه مناسب یافتند زیرا در این موقع مقاصد و نظریات خصمانه باب عالی نیز بر ضد دولت روسیه تزاری علنی شده

بود. بارسیدن فصل بدنیه‌های درطرف درقرارگاه زمستانی خود تا ۱۲۱۹ (۱۸۰۵) مستقر گردید و در مدت چهارماه عملیات متوقف شد. ازوقایع مهم نظامی سال ۱۲۱۹ (۱۸۰۵) پیاده شدن سربازان نیروی دریائی دولت روسیه در کرانه‌های گیلان است. روسها تصمیم داشتند با اشغال بندر انزلی پایتخت ایرانرا تهدید کنند. وای فرمانده سپاهیان روس اشکالاتی را که این اقدام ممکن بود دربرداشته باشد مطالعه نکرده بود و در آغاز سال ۱۲۱۹ (۱۸۰۵) یکدسته نیروی دریائی روس مرکب از ۱۲ کشتی در تحت فرماندهی ژنرال شف^(۱) در بندر کوچک انزلی که به مدخل مرداب انزلی مسلط بود پیاده شد - فرمانده نیروی دریائی دولت روس در نظر داشت که از آنجا بطرف رشت پیشروی کند. طول مرداب انزلی در حدود ۲۰ کیلومتر بود و عمق قسمتی از این فاصله بعلىت رسوبات شن باندازه‌ای کم بود که فقط کشتی‌های کوچک سبك و کم ظرفیت میتوانستند در این فاصله حرکت کنند. فرمانده قوای روسی مصمم گردید نفرات خود را در ساحل مرداب حرکت دهد. خط سیر سپاهیان روس در این نقطه با تلاقی فوق العاده سخت و گل آلود و مستور از جنگلهای انبوه بود. در داخل جنگل بدستور موسی لاهیجی فرمانده قوای ایران که از کمک گیلک‌ها نیز استفاده میکرد طرف دشمن شلیک شد.

با این حمله غیرمنتظره سربازان روسی مضطرب و متوحش شدند و ناچار به سمت انزلی عقب‌نشینی کردند و از آنجا بطرف باکو گریختند. در جبهه شمالغربی نظر باینکه پیش‌بینی میشد ممکن است نیروی دریائی شکست خورده روس بیا کو متوجه گردد و این شهر را مورد تهدید قرار دهد بدستور عباس میرزا قوای امدادی برای تقویت یادگان این شهر فرستاده شده بود.

پس از شکست انزلی نیروی دریائی روس بیا کو حمله کرد. مستحقین بندر در برابر حملات اولیه دشمن مقاومت بخرج دادند ولی بالاخره روسها موفق گردیدند در مقابل قلعه پیاده شده و با کمک توپخانه تلفات سنگین بمدافعین قلعه وارد آوردند.

عباس میرزا برای ایجاد تشّت در قوای دشمن مصمم شد از سمت اردبیل بعقب داران سپاهیان روس حمله کند. ژنرال روسی جهت اجتناب از محاصره باحسینقلی خان حاکم باکو وارد مذاکره شد. حاکم باکو برای گستردن دامی بر ضد تسی تسی یانف پیشنهادات ویرا قبول کرد و برای مذاکره ژنرال روسی را بملاقات دعوت نمود و در جریان مذاکرات تسی تسی یانف بدست ابراهیم خان پسر عموی حسینقلی خان کشته شد (ذیقعدۀ ۱۲۲۰ ژانویه ۱۸۰۶) پس از مرگ ژنرال روسی فرماندهی سپاهیان قفقاز به ژنرال گودوویچ^(۱) تفویض گردید.

در سال ۱۲۲۱ (۱۸۰۶) پیشرفتهای مختلفی در ایالات شمالغربی ایران و در طول کرانه های رود ارس نصیب روسها شد و بالاخره دولت روسیه شهرهای دربند و باکو و شیروان و شکی را به تصرف درآورد ولی روسها بعلت فتوحات مشعشع ناپلئون اول از جبهه اروپا نگران بودند و بمناسبت شکستهای که در استرلیتز^(۲) و سپس در ایلو^(۳) نصیب آنان گردیده بود میخواستند در جبهه مشرق وقت بگذرانند.

برای اطلاع از وضع عمومی اروپا در مقابل فتوحات و سیاست ناپلئون^۱ لازم بود در فصل جداگانه ای از روابط دول معظم اروپائی و اتحادیه این دولتها بر ضد ناپلئون و نقشی که بخصوص روسیه تزاری در این سیاستها بازی میکرد بحث کنیم.

1 - Goudowitch

■ - Osterlitz

■ - Eylau

۲ = اوضاع اروپا و روسیه در برابر فتوحات ناپلئون

ناپلئون کنسول اول در سال ۱۲۱۹ (۱۸۰۴) امپراتور فرانسه شد وی از سال ۱۲۱۷ (۱۸۰۲) يك سياست صلح مسلط و توأم با فشار را در سوئیس و آلمان و ایتالیا تعقیب می‌کرد. اجرای این سیاست از طرف ناپلئون دول معظم اروپا را سخت در تشویش و اضطراب انداخته بود.

دولت انگلستان در سایهٔ صلح صنعت خود را بسط و ترقی داده و مخصوصاً مصمم بود تفوق بحری خود را که شرط اساسی توسعهٔ تجارتی بشمار میرود در دریای مدیترانه تأمین و محفوظ دارد زیرا دولت بریتانیای کبیر کاملاً متوجه بود که پیشرفت اقتصادی فرانسه آئینهٔ تجارتی انگلستان را جداً مورد تهدید قرار خواهد داد.

آلکساندر اول مغرور و از خود راضی، خودنما و جاه طلب، برای تظاهر و عوام فریبی و تهیهٔ وجههٔ ملی ذوق گزاف گوئی و آزادی خواهی و بشردوستی را در سیاست خارجی وارد کرده بود. بنای پارت از همان آغاز کار در نظری یکنفر رقیب جدی محسوس شده بود. بتدریج که امپراتور در این فکر خود ستائی غوطه ور میگشت خود را فرستادهٔ خدا و مسیح تازه ای تصور کرده و بدون تکلف این الهام و ارشاد یزدانی را بمیل و اراده ای که جهت حفظ و توسعهٔ ارث اجدادی خود داشت می آمیخت. این تصویر و تفسیر روحیهٔ آلکساندر بخوبی نشان میدهد بچه علت امپراتور؛ بسیار مایل بود در اروپا نقش میانچی بازی کند تا بتواند بتقلید از سیاست جد خود کاترین دوم بمشرق مسلط شود و امپراطوری های ایران و عثمانی را در تحت فرمان خود درآورد. بهمین مناسبت رد و ساطت دولت روسیه از طرف رئیس ملت انقلابی در مورد اختلاف میان دولتین انگلستان و فرانسه آلکساندر را عصبانی کرد.

مخصوصاً سیاست ارضی و استعماری که آلکساندر در مشرق تعقیب می‌کرد وی را برضد بنای پارت فاتح مصر برانگیخت. آلکساندر میدانست که اگر بنای پارت در آلمان

مستقر شود راه اسلامبول برای وی باز خواهد بود. آلکساندر هیچگاه تصور نکرد اروپا را با ناپلئون تقسیم کند مگر باین امید که در موقع فرصت از وی بازستاند. باین ترتیب دولت روسیه زمینه موافقی برای نزدیکی با سایر دول پیدا کرد و وقتی امپراطور خود را در رأس مخالفین خارجی ناپلئون اول قرارداد نقش فعالی در تشکیل سومین اتحادیه اروپا (از آغاز انقلاب باینطرف) بر ضد ناپلئون بازی کرد.

وحشت و نگرانیهای روسیه و انگلستان در مقابل ناپلئون موجب شروع مذاکره میان دودولت شد. در سالهای ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ (۱۸۰۵-۱۸۰۴) تزار آلکساندر اول معاهده اتحادی باپیت^(۱) امضاء کرد. بموجب این معاهده بایستی حدود کشور فرانسه بحدود قدیمی خود برگشته و این کشور از دول کوچی محصور گردد تا نتواند از حدود خود تجاوز کند. این مذاکرات مشکل بود و بطول میانجامید تا بالاخره وقتی ناپلئون خود را پادشاه ایتالیا خواند و دولتین روسیه و انگلستان تصمیم گرفتند قرارداد سن پترزبرگ را در تاریخ ۱۱ آوریل ۱۸۰۵ (۱۱ محرم ۱۲۲۰) امضاء کنند. با صدور فرمان اشغال و انضمام ژن از طرف ناپلئون با امپراطوری فرانسه بالاخره امید هر گونه اصلاح قطع شد و اتحاد دولتین انگلیس و روس در ماه ژوئیه همین سال با امضاء رسید دولت های ناپل و سوئدو اطریش نیز باین اتحادیه پیوستند و مخاصمات در ماه اوت ۱۸۰۵ آغاز شد.

مشعشع ترین دوران فتوحات ناپلئون دو ماه طول کشید. تسلیم لشکریان اطریش در باویر^(۲) در حوالی اوام^(۳) در ۲۰ اکتبر ۱۸۰۵ شکست روسها و اطریشی ها در استرلیتز^(۴) در ماه دسامبر اطریشی ها را مجبور کرد که معاهده پرسبورگ^(۵) را در ۲۶ دسامبر ۱۸۰۵ امضاء کنند و قوای روسیه را ناچار ساخت که بطرف لهستان عقب نشینی نمایند.

فتوحات استرلیتز و از مجددی با فکر بلند ناپلئون داد. ژوزف بناپارت^(۶) برادر

1- Pitt

2 - Baviere

3 - Ulm

4 - Austerlitz

5 - Presbourg

6 - Joseph . Bonaparte

ارشدامپراطور پادشاه ناپل شد. جمهوری باتاو^(۱) بعنوان پادشاهی هلند به لوئی بناپارت برادر کوچک ناپلئون تفویض گردید و بالاخره در ژانویه ۱۸۰۶ (ذیقعدۀ ۱۲۲۰) بناپارت ایجاد اتحادیۀ جدیدی را بنام اتحادیۀ رن^(۲) که حمایت آن بعهده بناپارت بود پیشنهاد نمود. در مقابل این موفقیت‌های جدید ناپلئون دولتین انگلستان و روس سعی کردند برای ایجاد یک آرامش عمومی باب مذاکرات را بادولت فرانسه باز کنند. در انگلستان پیت برمدعی و برتوقع در ژانویه ۱۸۰۶ در گذشت و فوکس^(۳) جانشین وی گشت. رئیس الوزرای جدید انگلستان با تالیران^(۴) داخل مذاکره شد درباره مسائل مربوط بقاره اروپا موافقت بسهولت بدست آمد ولی مسائل مربوط بشرق مانع از پیشرفت مقدمات صلح بود.

انگلیسها جزایر مالت^(۵) و سیسیل^(۶) را تصاحب کردند و روسها جزایر ایونین^(۷) و کاتارو^(۸) را در دریای آدریاتیک اشغال نموده بودند.

هر دو دولت مقتدر مصمم بودند بامحافظت این نقاط مانع راه مشرق گردند. ناپلئون بنوبۀ خود میخواست اینراه را که یگانه وسیله برای نیل به هدف اصلی و سیاست دائمی وی بود بهر قیمتی باز نماید.

مسئله هانور^(۹) باعث تشکیل اتحادیۀ چهارم شد و پروس نیز در صف دشمنان ناپلئون قرار گرفت. جنگ برضد اتحادیۀ چهارم در دو جبهه آغاز شد یکی در

1 - Batavc

2 - Rhin

3 - Fox

4 - Talleyrand

5 - Malte

6 - Ciciie

7 - Ioniennes

8 - Cattaro

9 - Hanovre

تورینگک (۱) برضد پروسی ها که بافتوحات درخشان اینا (۲) و اورستاد (۳) مشهور است (اکتبر ۱۸۰۶) شعبان ۱۲۲۰ - دیگری درلهستان برضد روسها که شش ماه بطول انجامید وبا فتوحات درخشان ایلو (۴) و فریدلاند (۵) خاتمه پذیرفت ژوئیه - دسامبر ۱۸۰۶

اروپا و روسیه درچنین وضعی قرارداشت وقتی که در جبهه مشرق مارشال گودوویچ (۶) جانشین تسی تسی یانف تصمیم گرفت معاهده صلح ویا قرارداد متار که بادولت ایران امضاء کند. بدین مناسبت چند روزپس ازخبرفتح بزرگ ایلواستیفانو (۷) نماینده مارشال گودوویچ که حامل پیشنهاد صلحی ازطرف دولت خود بود بدربار تهران رسید. ولی چون دولت ایران خواستار تخلیه تمام نواحی اشغالی از طرف سپاهیان روس بود نماینده دولت روس درمأموریت خود توفیق نیافت. بااین رفتار فتحعلیشاه در واقع وقت میگذرانید زیرا وی در این موقع با دولت انگلستان مذاکرات جدی آغاز کرده و با دولت فرانسه برای انعقاد معاهده اتحادی اقدام نموده بود.

1 - Thuring

2 - Iéna

3 - Aurestaed

4 - Eylau

5 - Friedland

6 - Goudowitch

7 - Istifanow

۳ = مذاکرات فتحعلیشاه با دولتین انگلستان و فرانسه رقابت انگلیس و فرانسه در ایران

موقع جغرافیائی ایران که در مشرق مانده بودی در مقابل جاه طلبی های دولتین انگلستان و روس قرار گرفته بود و توجه دول مقتدر اروپائی را بطرف این کشور معطوف ساخت. نقشی را که باید دولت ایران بدستور بیگانگان در این مرحله بازی کند باعث تخریب کات دولتهای معظم اروپائی در تهران گردید و دربار ایران بصحنه نمایشات رقابت انگیز سیاسی تبدیل یافت که بالاخره بضرر کشور خاتمه پذیرفت.

الف - مذاکرات با دولت انگلستان

در اواخر قرن هیجدهم دولت هند در زمان حکومت مارکی ولزلی^(۱) تصمیم گرفت با دولت ایران تماس حاصل کند.

بعلمت تجاوز متعدد زمان شاه کابل بسرحدات شمالغربی هندوستان توجه ولزلی بطرف ایران معطوف شد. تیمپو صاحب که قصد داشت با کمک فرانسویان انگلیسی ها را از هند بیرون کند با ولزلی در جنگ بود. تیمپو صاحب در ضمن زمان شاه را برای شغال پنجاب تحریص و تحریک میکرد.

ولزلی به مهدی علیخان ایرانی که تابعیت انگلستان را قبول کرده و نماینده کمپانی هند در بوشهر بود دستور داد بدربار ایران آمده و فتحعلیشاه را باشکر کشی بر ضد زمان شاه وادار کند. دولت هندوستان با اجرای این سیاست در نظر داشت با ایجاد گرفتاری در سرحدات غربی افغانستان از دست اندازی زمان شاه ب خاک هندوستان جلوگیری نماید. مأموریت نماینده ولزلی با موفقیت کامل انجام پذیرفت و چنانکه دیدیم فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۴ (۱۸۰۰) بخراسان لشکر کشید و متوجه سرحدات

افغانستان گشت. زمانشاه برای مقابله با فتحعلیشاه سپاهیان خود را از سرحدات هندوستان احضار کرد ولی در مقابل لشکریان ایران تاب مقاومت نیاورده و از قندهار بهرات گریخت از این لشکر کشی فتحعلیشاه هیچ نفعی عاید دولت ایران نگردید در صورتیکه کمپای هند نتایج بسیار خوبی از این اقدام بدست آورد زیرا در نتیجه احضار سپاهیان افغانی از سرحدات هندوستان کشور هند از خطر تهدید افغان نجات یافت.

در این موقع احساسات ضد فرانسوی در هندوستان شدت یافته و پیشرفت های ناپلئون مخصوصاً باعث ناراحتی خیال لرد ولزلی شده بود زیرا در نقشه سیاست جهانی ناپلئون کشور ایران وسیله ای برای اشغال هندوستان منظور گشته و مطالعه این طرح در سال ۱۸۰۰ (۱۲۱۴) پایان یافته بود. در همین سال از طرف پل اول^(۱) و کنسول اول قزاقها مأموریت داشتند بطرف ایران حرکت کنند ولی قتل تزار مانع انجام عملیات گردید.

مهدی علیخان در مراجعت از تهران با کلپین مالکولم^(۲) که برای اولین مأموریت خود در ساحل ایران در بوشهر پیاده شده بود ملاقات کرد. با در نظر گرفتن دستورات لرد ولزلی مالکولم اولین هیئت نمایندگی دولت انگلیس در ایران در زمان سلطنت شارل دوم مأموریت داشت که در برابر خیال بافیهای فتحعلیشاه اظهار تملق کرده و مخصوصاً سیاست ضد افغانه را در ایران تقویت کند بعلاوه مالکولم موظف بود تعهداتی بر ضد فعالیت فرانسویان در ایران از شاه بگیرد.

باجلب تمایل درباریان بوسیله هدایای قیمتی و پول مالکولم موفق شد يك معاهده تجارتي و سیاسی منعقد کند. مساعدت حاج ابراهیم خان اعتماد الدوله صدر اعظم فتحعلیشاه در انجام این امر فوق العاده مفید واقع شد. مطابق مواد این معاهده دولت ایران تعهد میکرد در صورتیکه امیر افغان از فکر تصرف هندوستان منصرف نگردد با امیر مزبور صلح نکند در مقابل، نماینده بریتانیای کبیر قبول میکرد اگر

1 - Paul 1

2 - Malcolm

چنانکه کشور ایران مورد حمله افغانه ویا دولت فرانسه قرار گیرد اسلحه و مهمات لازم بدولت ایران تحویل دهد این معاهده با تشریک فرمان سلطنتی در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۲۱۵ (۲۷ ژانویه ۱۸۰۱) تأیید شد^(۱)

در این فرمان به حکام و صاحبمنصبان و مأمورین بنادرو گمرک ایالات فارس و خوزستان دستور داده شد بمنظور ایجاد مزاحمت بر ضد فرانسویانی که میخواهند وارد ایران گردند تصمیماتی اتخاذ کنند . و همچنین تأکید شد فرانسویانی را که مایلند در بنادر و یاسرحدات ایران اقامت کنند اخراج نمایند . در نامه ای بتاريخ ۲۰ فوریه ۱۸۰۱ (۶ شوال ۱۲۱۵) مالکولم به لردولزی کامیابیهای دیپلماسی خود را شرح داده و متذکر میگردد که هدف تجارتي مأموریت وی باموفقیت انجام یافته است راجع بقسمت سیاسی مأموریت خود میگوید . مواد ۵ و ۶ معاهده که مربوط است بسیاست ضدافغان و فرانسه و از طرف دولت ایران بموقع اجرا گذارده خواهد شد باندازه ای صریح و واضح است که جای هیچگونه شك و تردیدی باقی نمیگذارد .

کمی پس از مراجعت مالکولم حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله متهم بخیانته شده و در تهران بقتل رسید .

باینکه اولین مأموریت مالکولم با توفیق کامل انجام یافت سایکس^(۲) و راولنسن^(۳) اظهار تأسف میکنند از اینکه این مأموریت ایرانیان را از موقع جغرافیائی کشور خود ونقشی را که میتوانند در آینده بازی کنند مطلع گردانیده و آنانرا با این سیاست آشنا ساخت . در جواب هیئت نمابندگی دولت هند که بانشریفات بسیار بایران آمده بود فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۷ (۱۸۰۲) حاج خلیل خان را بعنوان نمایندگی دولت ایران مأمور هند ساخت . در بین راه در نتیجه نزاعی که میان همراهان نماینده

۱ - نامه ۲۰ فوریه ۱۸۰۱ مالکولم به ولزی . London . P.R. O.P.Fo.60 . TI.

2 - Sykes

3 - Raw linson

ایران و سربازان هندی مأمور اسکورت حاج خلیل خان رخ داد نماینده ایران بقتل رسید .

در جریان سال ۱۲۲۰ (۱۸۰۵) در نتیجه تعرض و فشار سپاهیان دولت روس میرزا بزرگ^(۱) وزیر عباس میرزا بوسیله سرهارفورد جونز^(۲) نماینده سیاسی دولت انگلستان در بغداد کمک بریطانیارا نسبت بایران تقاضا کرد سرهارفورد جونز^(۳) در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۸۰۵ (۲۵ رمضان ۱۲۲۰) در پاسخ نامه میرزا بزرگ اطلاع داد که وی دولت بریطانیای کبیر را از مفاد نامه نماینده دولت ایران مستحضر ساخته است . ضمناً چون از ورود ژوبر^(۴) بدربار ایران اطلاع یافت تذکر داد که فرانسویان تنها بمنظور خلل وارد کردن بدوستی موجود میان پادشاه ایران و انگلستان بایران آمده اند زیرا کمک دولت فرانسه بایران امکان پذیر نیست برای کمک بایران دولت فرانسه ناچار است از خاک آلمان و متصرفات عثمانی و روسیه عبور کند از طرف دریانیز دولت فرانسه نمیتواند هیچگونه کمک دریائی بایران بفرستد .

باین ترتیب دولت فرانسه بوعده خود وفانکرده و بالاخره دولت ایران را بحال خود رها خواهد کرد^(۵)

در جریان سال ۱۲۲۰ فتحعلیشاه که از تجاوزات دولت روس سخت مضطرب بود مجدداً هیئتی بریاست محمدنبی خان برای دریافت کمک دولت انگلستان به هندوستان اعزام داشت ولی اقدامات نماینده دولت ایران هیچگونه نتیجه ای نداد و فتحعلیشاه در فرمانی که در ماه ربیع الاول ۱۲۲۱ (مه ۱۸۰۶) بنماینده خود دهنندوستان فرستاد ورود نمایندگان دولت فرانسه را اعلام نمود و بادر نظر گرفتن اتحاد دوستی

۱ - میرزا عیسی خان فراهانی ملقب به میرزا بزرگ که در سال ۱۲۲۴ (۱۷۰۹) عنوان قائم مقام یافت .

2 - Sir Harfaord Jones
London. P.R.O. P. F. Fo. 60. TI. - نامه میرزا بزرگ به سرهارفورد جونز

4 - Jaubert

۵ - نامه مورخ ۱۹ اکتبر ۱۸۰۵ سرهارفورد جونز به میرزا بزرگ
London. P.R.O. P. Fo. 60 TI.

موجود میان دولتین ایران و انگلیس کمک دولت اخیر را در مقابل تجاوزات دولت روس تقاضا کرد (۱)

ولی متأسفانه تمام اقدامات میرزا بزرگ در بغداد و اعزام هیئتهای نمایندگی بهند و تقاضاهای مودک و مکرر فتحعلشاه به نتیجه‌ای نرسید زیرا پس از عزیمت لرد اولزلی از هندوستان و آمدن لرد مینتو (۲) در کلکته یکنوع بی‌علاقگی نسبت بامور ایران حکمفرما بود. علت تغییر سیاست دولت انگلستان رامیتوان باین ترتیب بیان کرد که پس از پایان جنگهای فرانسه و انگلیس در مصر و سوریه و شکست فاحش قوای ناپلئون اهمیت اتحاد میان دولتین ایران و انگلیس از بین رفت بطوریکه محمدنبی خان سفیر ایران بدون اخذ کمترین نتیجه‌ای در ماه ذی‌قعدة ۱۲۲۰ (ژانویه ۱۸۰۷) بتهران مراجعت کرد.

۱ - فرمان مورخ ربیع الاول ۱۲۲۲ (م ۱۸۰۶) فتحعلشاه به محمدنبی خان

London.P.R.O.P.Fo-60-TI.

۲ - Lord.Minto

ب = مذاکرات با دولت فرانسه

دردوره سلطنت آغا محمدخان برای ایجاد روابط سیاسی و تجاری يك هیئت فرانسوی از اسلامبول بتهران آمد . سپس در سال ۱۲۱۵ (۱۸۰۱) یکنفر تاجرانمزی حامل مکاتبات رسمی از طرف دولت امپراطوری فرانسه با كمك روسو^(۱) كنسول آن دولت در بغداد بایران وارد شد .

ولی چون در تهران کسی نتوانست این نامه هارا بخواند اقدام روسویی نتیجه ماند لکن دربار تهران بدینوسیله از ورود قریب الوقوع نمایندگان دولت فرانسه اطلاع حاصل کرد .

معاهده آمین^(۲) در تاریخ ۲ ماه مارس ۱۸۰۲ (۲۷ شوال ۱۲۱۶) یعنی در واقع يك سال بعد از اقدام روسو بامضاء رسید . این معاهده دولت عثمانی را ملزم میساخت که با دولت فرانسه قراردادی راجع به بغازها منعقد سازد بهمین جهت مطابق مواد معاهده ای که در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۸۰۲ (۱۴ صفر ۱۲۱۷) میان دولتين عثمانی و فرانسه بامضاء رسید بغازها جهت عبور کشتی های فرانسوی آزاد شد .

روفن^(۳) از طرف ناپلئون مأموریت یافت کنسولگرهای مشرق را دایر کند . اسکالن^(۴) تاجر مقیم قسطنطنیه و روسو قبلاً توجه ناپلئون را نسبت بایران جلب کرده بود این دونفر مخصوصاً وضع جغرافیائی و سوق الجیشی ایرانرا شرح داده متذکر شده بودند که این کشور بمناسبت همسایه بودن با هندوستان تاجه حد ممکن است برای مغلوب ساختن دولت انگلستان دریکی از مهمترین مستعمرانش مؤثر واقع

1 - Rousseau

2 - Arniens

3 - Ruffin

4 - Escalon

گردد. این تلقین و نظریه مورد پسند فرمانده سابق قوای فرانسه در لشکر کشی های مصر قرار گرفته و کنسول اول همانوقت توجه خود را از آنسوی بوسفر و آناتولی بسمت ایران معطوف ساخت و بمارشال برون^(۱) در حین حرکت بطرف قسطنطنیه در تاریخ ۱۸۰۲ دستور داد که بادولت ایران وارد مذاکره شود.

در سال ۱۸۰۳ (۱۲۱۸) منظور دولت فرانسه عملی شد و در تاریخ دوم ماه اکتبر همین سال (۱۵ جمادی الثانی ۱۲۱۸) تالیران^(۲) به ژان فرانسو روسو^(۳) نماینده دولت فرانسه در بغداد اطلاع داد که کنسول اول مایل است که او جداً برای افتتاح باب مکاتبه بادولت ایران اقدام نماید و وسایل این امر را فراهم سازد. روسو نیز در نتیجه روابط خود با ایران در مأموریت خویش توفیق حاصل کرد.

اشغال ناگهانی اراضی ایران از طرف سپاهیان روسی و بی اعتنائی دولت هندو بریطانیای کبیر نسبت بایران روابط دولتین ایران و فرانسه را محکمتر ساخت. فتحعلیشاه فرصت را غنیمت شمرده تصمیم گرفت کمک ناپلئون را بر ضد دولت روسیه تزاری جلب کند. برای همین منظور نیز دولت ایران قبلاً دست بجانب دولت انگلستان دراز کرده کمک و مساعدت آن دولت را خواسته بود. دولت بریطانیای کبیر در برابر این مساعدت واگذاری بنادر بحر خزر و هرمز و بوشهر را در خلیج فارس میخواست. این بود که در مقابل توقعات فوق العاده سنگین و غیر قابل قبول دولت انگلستان دولت ایران بحکم اجبار از درخواست مساعدت صرف نظر کرد و توجه خود را بطرف دولت فرانسه معطوف داشت.

بموجب نامه ای^(۴) که میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به سرهارفورد جونس نماینده انگلستان در بغداد نوشته معلوم میشود که فتحعلیشاه در نبرد اول ایروان در

1 - Brune

2 - Talleyrand

3 - Jean François · Rousseau

۴ - نامه میرزا بزرگ ۴ سرهارفورد جونس.

سال ۱۲۱۹ (۱۸۰۴) نامه‌های امپراطور فرانسه را بوسیله دو نفر تاجر ارمنی دریافت کرد.

در این نامه‌ها از طرف دولت فرانسه به برقراری مجدد روابط دوستانه میان دو کشور اشاره شده و ناپلئون پیشنهاد کرده‌است که از دو طرف بزرزمین روسیه حمله شود. فتحعلیشاه در مقابل این اقدام و پیشقدمی دولت فرانسه نامه‌ای بوسیله مارشال برون سفیر دولت فرانسه در قسطنطنیه به ناپلئون ارسال داشت. فتحعلیشاه در این نامه بنوبه خود گوشزد میکند که عقد قرارداد اتحادی با دولت ایران ممکن است راه لشکرکشی به هندوستان را برای امپراطوری فرانسه بازو تأمین کند و بالااقل خاطر انگلیسی‌ها را نسبت به مستعمرات آسیائیشان نگران سازد (این پیشنهاد فتحعلیشاه و آشنائی دولت ایران بوضع جغرافیائی و اهمیت سوق الجیشی خود موضوع نگرانیهای سایکس (۱) و راولنسن (۲) را تأیید میکند).

نامه ارسالی بوسیله مارشال برون در تاریخ ژانویه ۱۸۰۵ (شوال ۱۲۱۹) به پاریس رسید. دولت فرانسه پس از دریافت نامه فتحعلی شاه مصمم گشت که دوهیئت بطرف ایران اعزام دارد. سرپرستی یکی از این هیئتها به آمده ژوبر (۳) منشی و مترجم السنه شرقی و دیگری به سروان رومیو (۴) سپرده شد.

دولت فرانسه مخصوصاً بنمایندگان خود دستور داد قبلاً به قسطنطنیه روند و از آنجا بدون آنکه کسی از نوع مأموریت و مقصد آنان اطلاع حاصل کند بسوی ایران عزیمت کنند.

ژوبر مینویسد برای اینکه این مسافرت با موفقیت تسام باشد بایستی دستور دولت فرانسه کاملاً رعایت گردد. پادشاه ایران نیز مخصوصاً باین نکته اهمیت زیادی قائل بود زیرا باب عالی نمیخواست و اجازه نمیداد که مسافرین اروپائی از ایالات

1 - Sykes

2 - Rawlinson

3 - Amédée Jaubert

4 - Romieux

آسیائی امپراطوری عثمانی عبور کنند. علاوه بر این بایستی متوجه بود که اتباع دولتمن روس و انگلیس که در امپراطوری عثمانی مشغول خدمت بودند اگر از هدف مأموریت نمایندگان دولت فرانسه اطلاع می یافتند برای جلوگیری از پیشرفت کار ایشان از هیچ اقدامی کوتاهی نمی کردند به همین علت بود که ژوهر در تاریخ ۷ ماه مارس ۱۸۰۵ مطابق ۲۳ ذیحجه پاریس را ترك گفت رعایت نهایت هزم و احتیاط بوی توصیه شد.

متأسفانه قبل از رسیدن نمایندگان فرانسه بتهران هرهارفورد جونز از موضوع مأموریت آنان مطلع شده بود. او انس پیتکارن^(۱) یکی از جاسوسان ارمنی انگلستان از تبس یز مقر حکومت عباس میرزا بنمایندۀ دولت انگلستان در بغداد اطلاع داد: «دو نفر سفیر از طرف دولت فرانسه قریباً بتهران خواهد رفت یکی از طریق قسطنطنیه دیگری از راه بغداد.

میرزا رضاخان که حامل نامه های دوستانه است برای انعقاد معاهده اتحادی با ناپلئون بفرانسه خواهد رفت. من جدیت فوق العاده بخرج دادم بلکه رونوشت یکی از پیشنهادها را برای اطلاع شما بدست بیاورم» باید متوجه بود که اگر پتیکارن موفق به تحصیل رونوشت مدارك و پیشنهادهای دولت فرانسه نگردد لااقل مطابق شرحی که به سرهارفورد جونز نوشته معلوم میشود که از مضمون آنها اطلاع کامل داشته زیرا پتیکارن چنین مینویسد: «دولت فرانسه در تمام ایران یکنفر نماینده خواهد داشت. دشمن یکی از دو دولت دشمن دیگری تلقی خواهد شد. اگر دولت فرانسه مایل باشد بطرف هندوستان لشکر کشی کند شاهنه تنهابسپاهیان فرانسه اجازه عبور خواهد داد بلکه تعهد کرده است باقوای نظامی باین لشکر کشی کمک نماید»^(۲)

پتیکارن اطلاعات خود را از منبع موثق بدست آورده بود زیرا مواد معاهده فین کن اشتاین که بعداً میان دولتمن ایران و فرانسه بامضاء رسید شاهد این مدعا است.

۱ - Owanes Pitarn

۱ - نامه مورخ ۱۱ مه ۱۸۰۶ اوانس پیتکارن به سرهارفورد جونز London P.R.O.P. Fo. 60, TI که در تاریخ ۲۶ همان ماه به بغداد رسید.

تشکیلات سری و مکمل جاسوسی دولت انگلستان در ایران سرهارفورد جونز را از کمترین اقدام دولت فرانسه باخبر میساخت.

نمایندگان دولت فرانسه در ماه آوریل به قسطنطنیه رسیدند و از طرف روفن (۱) مشاور سفارت فرانسه کمکهای لازم در حق آنان بعمل آمد. دولت انگلستان که بوسیله نمایندگان خود در بغداد از موضوع مسافرت مأمورین دولت فرانسه اطلاع حاصل کرده بود تمام مساعی خود را برای خنثی کردن اقدامات آنان بکاربرد.

نخست رومیواز طریق بغداد حرکت کرد و بابر خورد باشکالات فوق العاده زیاد در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۸۰۵ (۲۶ جمادی الثانی ۱۲۲۰) وارد تهران شد و بخدمت فتحعلیشاه رسید و نامه مورخ ۳۰ ماه مارس ۱۸۰۵ ناپلئون را تسلیم نمود:

«سلام بنایارت امپراطور فرانسویان بفتحعلیشاه امپراطور ایرانیان.

» باید باور کنم قوای مافوق الطبیعه‌یی که ناظر مقدرات کشورها میباشند میخواهند که من بکوششهایی که تو (۲) در راه تأمین قدرت امپراطوری خود بخرج میدهی یاری کنم. زیرا در یک موقع یک فکر بخاطر ما خطور کرد. مأمورین حامل نامه‌های ما همدیگر را در قسطنطنیه ملاقات کردند و درحین که حاکم تودرتبریر با نماینده من در حلب مکاتبه میکرد من بنماینده خود مأموریت دادم باحکام سرحدی ترك رابطه برقرار سازد.

» بایستی تابع الهامات یزدانی بود زیرا خداوند شاهزادگان را برای خوشبختی ملل آفریده است و وقتی در هر چند قری مردان بررگی را مبعوث میکند اراده خود را برای تطبیق نقشه‌های آنان به آنها تحمیل مینماید و افتخارات آنان را فزونی میدهد و اراده ایشانرا برای انجام عمل نیک قوی تر میسازد.

» ماچه اختلاف نظری میتوانیم داشته باشیم؟ ایران نجیب‌ترین ناحیه آسیا و فرانسه اولین امپراطوری مغرب است. آیا سلطنت کردن بر کشورهایی که طبیعت مایل است آنها را زینت داده و با محصولات فراوان ثروتمند سازد آیا فرمان دادن بمردان

صنعت گرو باهوش و جسوری که سکنه این کشورها را تشکیل میدهند بهترین تقدیر نیست ؟

« در روی زمین امپراطوری هایی وجود دارد که در آنجا طبیعت ناسازگار و بی ثمر مایحتاج ضروری ملتها را با دریغ تولید میکند . در این کشورها مردم مضطرب و حریص و حسود دنیا می آیند .

« بدبختان سکنه ممالکی که آنجا را خداوند شامل فیض خود قرار داده و از انواع نعم برخوردار میسازد ولی شاهزادگانی بآنها عنایت نمیکند ، که قادر باشند آنان را در مقابل اقدامات جاه طلبانه و حرص و ولع و فقر حمایت کنند .

« روسها که در صحرای خود در رنج و مالاند بهترین قسمتهای امپراطوری عثمانی دست اندازی میکنند ، انگلیسیان در جزیره ای که ارزش آن برابر کوچکترین ایالات امپراطوری تو نیست محبوس هستند حرص ثروت آنان را تحریک کرده است که در هندوستان قدرتی ایجاد کنند که روز بروز خطرناکتر میشود . اینها ممالکی هستند که بایستی مراقبت کرد و از آنها ترسید . نه از لحاظ اینکه قوی هستند بلکه برای اینکه احتیاج و علاقه مفراط دارند که قوی شوند .

« یکی از خدمتگزاران من اولین علائم دوستی مرا بتوا بلاغ کرد . شخصی را را که امروز پیش تو میفرستم بخصوص موظف است در پیرامون اختراعات و قدرت و احتیاجات و مخاطرات تو اطلاعاتی بدست بیاورد ، شخصی است جسور و عاقل احتیاجات رعایای تو را تشخیص خواهد داد تا بی باکی و شهادت آنان با کمک صناعی که هنوز در مشرق شناخته نشده و با وضع فعلی دنیا و مغرب زمین شناسایی آنها به تمام ملل جهان لازم و ضرور است مورد استفاده قرار گیرد .

« من اخلاق ایرانیان را میشناسم و میدانم که با نشاط و سهولت آنچه را که برای اختراعات و امنیت ایشان ضرور است می آموزند . ولی وقتی رعایای تو توانستند اسلحه بسازند ، وقتی سربازان تو تربیت یافتند تا بتوانند در یک مانور سریع جمع شوند و متفرق گردند ، وقتی یاد گرفتند که حمله شدیدی را با آتش توپخانه متحرک پیش ببرند

بالاخره وقتی سرحدات تو بوسیله قلاع متعدد محفوظ گردید و دریای خزر شاهد اهتزاز بیرق‌های نیروی دریائی ایران شد آنوقت تو بیک امپراطوری غیرقابل تعرض و رعایای شکست ناپذیر خواهی داشت .

«من باید روابط مفید را با تو ادامه دهم . من از تو خواهش میکنم خدمتگزاری را که برای تو میفرستم با محبت قبول کنی . من نیز اشخاصی را که بدربار من خواهی فرستاد با ملاحظت خواهی پذیرفت . من مجدداً برای تو عنایت یزدانی و یک سلطنت طولانی و متعالی و عاقبت مسعودی را آرزو میکنم .

«در کاخ امپراطوری من در توایلری^(۱) پاریس بتاریخ ۹ ژرمینال^(۲) سال ۱۳ (۳۰ مارس ۱۸۰۵) سال اول سلطنت من تحریر یافته (ناپلئون) . وزیر روابط خارجی شارل موریس تالیران^(۳)» .

ولی رومیو که برائش اشکالات مسافرت و زحمات راه خسته و فرسوده بود مریض شد و ده روز پس از ورودش بتهران در گذشت و در مدت کوتاه اقامت خود در تهران با وجود ضعف و ناتوانی گزارش قابل توجهی تهیه کرد و برای ناپلئون فرستاد .

ژوبر که از طریق ارز روم بمسافرت خود ادامه میداد بنا بدستور با بعلالی با تمام جاسوسی از طرف پاشای بایزید محبوس شد و چهار ماه در حبس بود تا بالاخره در نتیجه مداخله واعتراض دولت ایران پاشای بایزید آزاد شد و در پنجم مه ۱۸۰۵ (۷ ربیع الاول ۱۳۲۰) بتهران وارد شد و اعتبارنامه مورخ ۱۶ فوریه ۱۸۰۵ (۱۶ ذی قعدة ۱۲۱۹) خود را تقدیم فتحعلیشاه کرد :

«بنایارت امپراطور فرانسویان بفتحعلیشاه امپراطور ایران :

«من همه جا مأمورینی دارم تا آنچه را که برای شناسایی من لازمست اطلاع دهند . من بوسیله آنان میدانم در کدام محل و چه موقعی میتوانم بشاهزادگان و مللی

1-Tuileries

2 - Germinal

3-PaRis.A.E.P.dos.8.Fol.24

که مورد علاقه من هستند نصایح دوستانه ابلاغ کرده بانفوذ و قدرت خود مساعدت کنم.

«شهرت و افتخار که وسیله تبلیغ است شخصیت و کارهای مرا بتو شناسانده است. تو میدانی من چگونه ملت فرانسه را مافوق همه ملل مغرب قرار دادم و با چه علائم مشخصی توجه خود را نسبت بسلاطین مشرق زمین نشان دادم و چه عللی سبب شد که پنجاه سال قبل از تعقیب نقشه‌هایی که برای افتخار و خوشبختی ملل آنان داشتم صرف نظر کنم» (۱).

«ایران سرزمین نجیبی است که طبیعت آنرا از عطایای خود برخوردار ساخته است. سکنه آن مردم باهوش و بی باکی هستند که شایستگی حکومت شایسته دارند. معلوم میشود از یکقرن باین طرف عده زیادی از اسلاف تولیافت فرمانروائی به این ملت رسانده‌اند زیرا آنان این ملت را بحال خودرها کرده‌اند تا زجر بینند و در جنگهای خانگی از پای در آیند.

«نادر شاه جنگجوی بزرگی بود که موفق شد قدرت بزرگی تحصیل کند. وی در مقابل مفسده‌جویان سهمگین و در برابر همسایگان خود مهیب بود. بردشمنان خود غالب آمد و با افتخار سلطنت کرد وی این فرزاندی را داشت که هم‌بفکر حال و هم‌بفکر آینده باشد اخلاف وی جانشین وی نشدند. بنظر من تنها محمد شاه عموی تو مانند بك شاهزاده‌فکر کرده‌وزندگی نموده است. وی قسمت اعظم ایران را تحت فرمان خود قرار داد و سپس قدرت سلطنت را که بوسیله فتوحات خود بدست آورده بود بتو تفویض کرد. ترازوی تقلید کرده و از نمونه‌هایی که بتو داده‌جلوتر خواهی رفت. تو نیز مانند وی خود را از نصایح ملت تاجری که در هندوستان زندگی و تاج و تخت سلاطین را معامله می‌کند برکنار خواهی داشت. توارزش دولت خود را در مقابل دولت روسیه که اغلب بقسمتی از امپراطوری تو مجاور خاك آن دولت تجاوز می‌کند، قرار خواهی داد.»

۱- در اینجانبان بلژن بقتل پل اول امپراطور روسیه که در سال ۱۸۰۰ اتفاق افتاد اشاره می‌کند که نقشه اشغال هندوستان را از طریق ایران عقیم گذاشت.

« یکی از خدمتگزاران بسیار صدیق خود را که نزد من وظیفه مهمی راعهده دار است پیش تو میفرستم. بوی مأموریت داده‌ام که احساسات مرا برای توییان کند و آنچه را که بدو اظهار خواهی داشت بمن گزارش دهد. من بوی امر می‌کنم بقسطنطنیه برود زیرا میدانم که یوسف و اسیلویتز^(۱) یکی از رعایای تو که مأمور رساندن پیشنهادهای مودت آمیز تو است با آنجا رسیده است. خدمتگزار من ژوبر نسبت بمأموریت این ایرانی مطالعه خواهد کرد و از آنجا بی‌غداد خواهد رفت و در آنجا رومیو یکی از نمایندگان باوفای من دستورات و سفارشهای لازم بوی خواهد داد تا دربارت را مطلع سازد و وقتی ترتیب این ارتباط برای یک مرتبه داده شد هیچ مانع وجود نخواهد داشت که همواره ادامه یابد .

« تمام ملل محتاج یکدیگرند - مردم مشرق زمین ذکاوت و جسارت دارند ولی عدم اطلاع از بعضی صنایع و بی‌اهمیت شمردن بعضی قواعد انضباطی که قدرت و فعالیت سپاه را چندین برابر میکنند به آنان ضررهای جبران‌ناپذیر هنگام جنگ بر ضد شمالی‌ها و مغرب‌زمینی‌ها میرساند - امپراطوری نیرومند چین سه بار فتح شده و امروز نیز يك ملت شمالی در آنجا حکومت میکند .

« توبچشم خود می‌بینی انگلستان، يك ملت غربی ، که میان ما تعداد جمعیتش از همه کمتر و وسعت اراضیش از دیگران کوچکتر است چگونه تمام دولتهای هندوستان را بلرزده در آورده است .

« تو آنچه را که مایل هستی بمن اطلاع خواهی داد و ما روابط دوستی و تجاری را که سابقاً میان امپراطوری تو و من وجود داشت تجدید خواهیم کرد - متحد آبرای ازدیاد قدرت و ثروت ملت‌های خودمان اقدام خواهیم نمود .

« از تو خواهش می‌کنم از خدمتگزار باوفای من که پیش تو میفرستم خوب پذیرایی کنی من بتو عنایات یزدانی يك سلطنت طولانی و با افتخار و يك عاقبت سعادت مند آرزو می‌کنم^(۱) .»

1- Osseph - Vassilovitz

2- Paris. A.E.P. dos. 8. FoI. 227-222

در این نامه‌ها ناپلئون از برقراری روابط دوستانه صحبت می‌کند و نشان می‌دهد دولت ایران با استفاده از تسلیحات اروپائی در ارتش خود چه قدرتی می‌تواند بدست بیاورد. ولی در واقع مأمورین فرانسوی موظف بودند فقط از وضع ایران اطلاع حاصل کنند. ژوبر از فرط خستگی مسافرت باخوش بود فتح‌علیشاه از ترس اینکه مبادا وی نیز مانند رومیو تلف شود با عجله نماینده فرانس را مرخص کرد ژوبر اطلاعات مفیدی با خود همراه داشت و در آغاز سال ۱۸۰۷ (۱۲۲۱) وارد پاریس شد وی توانسته بود روابط حسنه با دربار تهران برقرار سازد بدون آنکه تصمیم مفیدی درباره ایران گرفته شود.

معاهده فین کن اشتاین^(۱) و هیئت نمایندگی ژنرال گاردان^(۲)

فتحعلیشاه پیشنهاداتی بوسیله ژوبر بدولت فرانسه تسلیم کرد - سرهارفورد جونز کنسول انگلیس در بغداد بفاصله چندروزی موفق شد اطلاعات دقیقی درباره این پیشنهادها که برای دولت انگلیس فوق العاده مفید بود بدست بیاورد - پس از فتح ایلو^(۳) تصمیم ناپلئون در انجام نقشه خود یعنی وارد کردن ایران در مدار سیاست جهانی راسخ گردید. زیرا با این ترتیب دولت ایران از یکطرف در سمت جنوب قفقاز بتعرض مبادرت میوزیدو این تعرض بمنفع ارتشهای فرانسه و بضرر دولت روسیه تمام میشد از طرف دیگر با اجرای این سیاست ممکن بود نقشه حمله به هندوستان بکمک ایرانیان عملی گردد. این بود که پس از فتح ایلو ناپلئون امپراطور فرانسه لازم دانست در نامه مورخ ۱۷ ژانویه ۱۸۰۷ (۸ ذی قعدة ۱۲۲۱) که بوسیله دولابلاش به فتحعلیشاه فرستاده شد فتوحات خود را در پروس و روسیه اعلام کرده احیاء مجدد دولت لهستان را اطلاع دهد و پادشاه ایران را برای حمله بگرجستان ترغیب کند ما از لحاظ اهمیت تاریخی در زیر ترجمه نامه ناپلئون را درج میکنیم:

«سلام ناپلئون امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا بفتحعلیشاه پادشاه ایرانیان من مراتب مودت خود را بتو تقدیم داشته و دوتن از خدمتگذاران باوفای خود را پیش تو فرستادم. جسد یکی از آنان در حین انجام مأموریت بعنوان وثیقه پیش تو ماند دیگری مأموریت خود را کاملاً بجا آورد و من از افکار تو نسبت بخودم و از مساعی متهورانه

1 - Finkenstein

2 - Gardane

3 - Eylau

و پیروزیهای تو بر ضد دولت روسیه مطلع گردیدم. از پیشرفت‌ها و توفیقهایی من نیز اطلاع حاصل کن شاید این موفقیتها برای تو منبع الهام اعتماد جدید باشد. من امپراطوری خود را برای استقبال دشمنان خود ترك کردم. لشکریان آنان تار و مار شد و در يك حرکت پانصد فرسخی من تمام نواحی را تحت اطاعت خود در آوردم. پروس فتح شد و شکستهای خونین روسها مرا بتو نزدیک کرد دشمنان من همه جا مواجه باشکست شده و در حال فرار بآنطرف نیمن^(۱) رانده شدند و در سرحدات خود که لشکریان من در تعقیب آنان هستند محصور میباشند و رشو^(۲) آنجا که من هستم پایتخت يك امپراطوری بزرگی بود که سابقاً روسیه را تحت سلطه خود داشت و لحظه ای تحت الشعاع قرار گرفته بود میتواند اکنون مجدداً شکوه خود را از نو تحصیل کند. لهستان دوباره سلاح بدست گرفت و لشکریان وی فاتح هستند و دولت جدید لهستان تشکیل یافته است. تواز جانب خود بدشمنانی که فتوحات من آنان را در کمال ضعف و نومیدی تسلیم میکنند بشدت حمله کن. دوباره از آنان گرجستان و تمام ایالات را که جزء امپراطوری تو بود پس بگیر و دروازه های خزر را که مدتها مدخل این ایالات را حراست و نگهبانی میکرد بزوی آنان به بند - اقبال تو چشم دشمنان تو را نابینا کرد - باینکه آنان در مشرق و در مغرب تحت فشار قرار گرفته اند جرأت کرده اند جنک را بر ضد بابعالی اعلام کنند - شك نیست که يك قوه نامرئی همان قوه ای که باعث فتوحات من گردیده و بافتخار تو مراقبت و نظاره میکند میخواهد دشمنان را که کور کورانه بر ضد قوای سه دولت مقتدر مسلح شده اند با نهدام سوق دهد - هر سه مشورت کنیم و يك اتحاد دائمی برقرار سازیم من برای انعقاد این اتحاد منتظر سفیر تو هستم - در آئینای فتوحات خود مراتب مودت خود را نسبت بتو تجدید میکنم - من شمول عنایات یردانی و يك سلطنت بافتخار و طولانی و سرانجام با سعادت تو را بتو آرزو میکنم.

در کاخ امپراطوری من در ورشو بتاريخ ۱۷ ژانویه ۱۸۰۷ از سال سوم سلطنتم
تحریر یافت^(۳).

1 - Niemen

2 - Varsovie

3 - Paris. A. E. P. dos. 9. fol. 103

فتحعلیشاه با عازم محمد رضا خان بعنوان سفارت که حامل هدایای گرانبھائی بارزش ۳۳۲۶۰۰ فرانک بود^(۱) بنامه ناپلئون جوابداد. سفیر ایران در قرار گاه فین کن اشتاین در پروس شرقی بحضور ناپلئون رسید. در نتیجه این اقدامات و اعزام نماینده از طرف دولت ایران معاهده ای میان دولتین ایران و فرانسه در تاریخ چهارم ماه مه ۱۸۰۷ (۲۵ صفر ۱۲۲۲) در فین کن اشتاین باضاء رسید که بهمین اسم معروفست. مادر زیر مواد مهم این معاهده را شرح میدھیم.

الف - تعهدات دولت فرانسه نسبت بدولت ایران : مطابق مواد این معاهده ناپلئون تمامیت ارضی ایرانرا تضمین کرده و قبول دارد که گرجستان متعلق بایران و حق مسلم ایران است - مطابق ماده ۴ معاهده امپراطور تعهد میکند تمام مساعی خود را بکاربرد تا دولت روسیه را با عقد معاهده ای وادار کند که گرجستان و اراضی ایران را تخلیه کند. این مسئله موضوع سیاست دائمی اوست و عملی شدن آن را مصلحتاً تقاضا خواهد کرد.

ناپلئون همچنین تعهد میکند توپ و تفنگ بدولت ایران تحویل دهد و افراد و افسران لازم برای تربیت ارتش ایران اعزام دارد.

ب - تعهدات دولت ایران در برابر دولت فرانسه: فتحعلیشاه تعهد میکند بامپراتوری کبیر قطع رابطه کند و بلافاصله بآن دولت اعلان جنگ بدهد. مطابق ماده ۱۰ این معاهده اعلیحضرت پادشاه ایران تعهد میکند تمام نفوذ خود را بکاربرد تا آفاغنه و سایر طوایف قندهار را برضد دولت انگلستان متحد گرداند. پادشاه ایران همچنین متعهد میشود که قوای دریائی دولت فرانسه را در بندر خود قبول کرده و بتمام لشگریانی که ناپلئون از راه خشکی برضد دولت انگلستان بھندوستان خواهد فرستاد اجازه عبور دهد.

۱ - سیامه هدایای قدیمی از طرف سفیر ایران باعلیحضرت امپراطور فرانسه

ج - مواد مشترك : در ماده ۱ قید شده که صلح و دوستی و اتحاد دائم میان اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا و اعلیحضرت امپراطور ایران برقرار خواهد شد. این اتحاد در عین حال بر ضد دولتمین انگلستان و روسیه متوجه میباشد زیرا در ماده ۹ این معاهده مقرر است در هر جنگی که دولتمین انگلستان و روسیه بر ضد دولتمین ایران و فرانسه متحد گردند دولتمین فرانسه و ایران نیز متحد خواهند شد و بلافاصله پس از اعلام رسمی جنگ از طرف یکی از دو دولت امضاء کننده که مورد تهدید یا حمله قرار گیرد دو دولت متفقاً بر ضد دشمن مشترك اقدام خواهند کرد .

نایبئون در دستوری که بتاريخ ۲۲ آوریل ۱۸۰۷ (۱۲ صفر ۱۲۲۲) بآمیرال دو کرس^(۱) وزیر دریاداری امپراطوری داده تعداد نفرات و مقدار اسلحه‌ای را که می‌خواهد بایران بفرستد بشرح زیر تعیین میکند :

چهار هزار پیاده . ده هزار تفنگ ، و پنجاه عراده توپ . نایبئون همچنین ژنرال سوار گاردان را در رأس هیئتی مأمور ایران کرده و حرکت ویرادرنامه مورخ ۲۲ آوریل پیداشاه ایران اطلاع داد :

« سلام نایبئون امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا بفتحعلیشاه امپراطور ایران :

شاهزاده بسیار بزرگ و بسیار توانا و بی‌وزمند - میلی که ما برای تحکیم روابط دوستی موجود میان امپراطوری خود و اعلیحضرت شما داریم ما را بر آن داشت که ژنرال گاردان را بعنوان وزیر مختار بحضور آن اعلیحضرت بفرستیم . اجدادش افسر دربار امپراطوری در گذشته برای نزدیکی دو امپراطوری خدمت کرده‌اند وی نیز دنباله کار آنان را تعقیب خواهد کرد . بعلت فداکاری بشخص ما و بمناسبت خدمات نظامی خویش گاردان خود را شایسته انتخاب ماقرار داد - ما افسرانی را که همراه وی

هستند در ارتش خود انتخاب کردیم همگی در فتوحات ما بر ضد روسیه سهیم بوده و با همان همت و پشتکار عملیات اعلیحضرت شما را بر ضد دشمن مشترك یاری خواهند کرد.

با تشخیص اینکه انتخاب چنین وزیر مختار ممتازی خوش آیند اعلیحضرت شما واقع خواهد شد تمنی دارم آنچه را از طرف ما با اعلیحضرت شما اظهار خواهند داشت با کمال اعتماد قبول فرمایند. بخصوص وقتی که وی مراتب دوستی دائمی و علاقه ما را برای اعتلای اعلیحضرت و ممالک اعلیحضرت و به برقراری يك اتحاد محکم میان دو امپراطوری تجدید خواهد کرد. ما با اعلیحضرت شما شمول عنایات یزدانی و يك سلطنت طولانی و پرافتخار و سر انجام سعادت مند را آرزو مندیم.

بتاریخ ۲۰ آوریل ۱۸۰۷ از سال سوم سلطنت مادر قرارگاه امپراطوری مادر فین کن اشتاین تسلیم گردید. (نایپئون) وزیر اعلیحضرت امپراطوری فرانسه و پادشاه ایتالیا شارل موریس تالیران^(۱)

باهیئت اعزامی ژنرال گاردان دوازده نفر غیر نظامی همراه بودند از این قرار: برادر گاردان - روسو - لازار^(۲) - منشی ژوآن^(۳) - مسشرق اسکالن^(۴) - مترجم - یکنفر طبیب و چهار نفر کشیش. پانزده نفر نظامی، اعضاء این هیئت نیز عبارت بودند از: نزول^(۵) (که بعدها بدرجه مارشالی فرانسه نایل شد) آجودان گاردان، سروان لامی^(۶) ستوان فابویه^(۷) برتران^(۸) و دو نفر افسر پیاده - نکته قابل توجه اینست که روسو طرز تشکیل و اعزام این هیئت را در گزارشی که در تاریخ اول ماه مه ۱۸۰۶ (۱۲ صفر ۱۲۲۱) از حاکم به تالیران فرستاده تلقین کرده است: در صورتیکه اعلیحضرت بخواهند اشخاص را

1 - Paris. A.E p. dos. 9. fol. 147

2 - Lazard

3 - Iouanin

4 - Escalon

5 - Trezel

6 - Lamy

7 - Fabvier

8 - Bertrand

باسمت‌های رسمی برای بستن قرارداد با شاه ایران بدربار تهران اعزام دارند ممکن است مذاکرات تهران شامل دربار شاهزادگان افغان نیز بشود تا از طرف آن ملت جسور و جنگجو در ناحیه بنگال بیک حمله عمومی مبادرت گردد. و این ناحیه از تصرف دشمنان ما خارج شود.

پس من نظر خود را راجع باعضاء سفارتی که در صورت تمایل اعلیحضرت بایستی بایران اعزام گردد باطلاع جنابعالی میرسانم: بیک رئیس بااختیارات تام چند معاون بیک منشی بیک افسر مهندس بیک افسر نیروی دریائی بیک عالم طبیعی دان بیک طبیب بیک نقاش بیک گارد احترام مرکب از ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر سرباز و سایر خدمتگذاران (۱)

دستورات و تعلیماتی که به گاردان داده شده بتاريخ ۱۰مه ۱۸۰۷ است: گاردان مأموریت داشت دشمنی ایرانیان را برضد روسیه و انگلستان تشدید کند و آتش کینه ایرانیان را برضد روسیه تندتر بسازد - ایران بایستی روسها را دشمنان طبیعی خود بداند.

روسها گرجستان را از ایران منتزع ساخته و بهترین ایالات ایران را مورد تهدید قرار داده اند. سلسله قاجار را هنوز برسمیت نشناخته و از آغاز تأسیس این سلسله همواره باوی درجنگ بوده اند - ژنرال گاردان موظف بود تمام این بد رفتاریها و خسارات را تذکر دهد.

وی همچنین دشمنی ایرانیان را برضد روسیه دامن زند و آنان را به بذل مساعی جدید برای تهیه لشکر زیاد ترغیب کند. دولت ایران بایستی تعرض شدید در سرحدات روسیه آغاز نماید. و مخصوصاً بایستی از موقعیتی که روسها را مجبور ساخته است قسمتی از سپاهیان خود را با اروپا اعزام داشته و جبهه قفقاز را ضعیف کرده استفاده کنند و ایالاتی را که روسها بزور اسلحه و تحریکات از ایران منتزع ساخته اند باز گیرد.

گاردان بایستی سعی کند بیک پیمان اتحاد مثلث میان دولت‌های فرانسه و عثمانی

وایران منعقد سازد تا اینکه بابعالی وایران بتوانند عملیات خود را میان دریای سیاه و دریای خزر متمرکز سازند. گاردان همچنین موظف بود سازمانهای نظامی ایران را منظم سازد و با مشاوره خود بارش ایران کمک کند.

بالاخره مأموریت داشت درباره نقشه اشغال هند با ۴۰ یا ۵۰ هزار نفر فرانسوی و همان عده سر باز از دستجات ایرانی و سیخ مطالعه کند.

هیئت نظامی فرانسوی در تاریخ ۲۵ شوال ۱۲۲۲ (۲۴ دسامبر ۱۸۰۷) بتهران وارد شد و معاهده فن کن اشتاین در میان احساسات مردم و دربار بامضاء رسید و در ۲۲ ذی قعدة (۲۱ ژانویه ۱۸۰۸) قرار داد دیگری متضمن شش ماده دایر بتسلیم ۲۰ هزار قبضه تفنگ از طرف دولت فرانسه میان دولتین ایران و فرانسه منعقد شد (۱) و در ۲۷ همین ماه (۲۶ ژانویه) يك معاهده تجارتي در ۲۳ ماده تنظیم و بامضای میرزا شفیع صدراعظم و ژنرال گاردان نمایندگان دو دولت رسید (۲) مادر زیرا هم مطالب این معاهده را درج میکنیم:

مواد يك، دو، سه، چهار، شش، ده، یازده، دوازده، سیزده، چهارده، پانزده، بیست، بیست و يك، بیست و دو و بیست و سه مربوطست بتنظیم مسائل دیپلماتی، حقوقی، تجاری، اقتصادی، مذهبی اتباع دولت فرانسه ساکن ایران و روابط میان ایرانیان و فرانسویان.

مواد پنج و هشت و نه میزان عوارض گمرکی را تعیین میکنند.

مواد هفت و شانزده و هیجده مقررات مربوط بمحمولات دریائی و کشتیهای تجارتي و کشتیهای جنگی را روشن میسازد. بالاخره مطابق ماده ۱۷ این معاهده جزیره خارک بدولت فرانسه واگذار میشود بشرطی که با مساعی این دولت ایالت گرجستان و شهرهای قفقاز که از طرف روسها اشغال شده بدولت ایران مسترد گردد.

دولت انگلستان در این موقع تمام فعالیتها و مساعی خود را بکاربرد تا اقدامات هیئتی را که شهرت آن مدیون معروفیت دولت فرانسه و افتخارات ناپلئون است مواجهه باشکست کند.

پس از ورود بتهران گاردان تمام هم خود را برای انجام وظیفه اصلی خود که لشکر کشی بطرف هندوستان بود مصرف کرد تا این مأموریت را بنحو احسن انجام دهد. تمام راهها و نقاط سوق الجیشی مطالعه شد.

خط سیر دستجات ترسیم و بنادر دو دریا با نهایت دقت از طرف هیئت دولت فرانسه مورد بازدید قرار گرفت - برای جلب حمایت کامل فتحعلیشاه لازم بود که دولت فرانسه دولت ایران را در مسئله گرجستان کاملاً راضی کند. بدین منظور گاردان با کوشش خستگی ناپذیر بتجدید سازمان ارتش ایران همت گماشت - يك کارخانه توپ ریزی در اصفهان ایجاد شد، فابوبه (۱) بتأسیس يك توپخانه صحرائی موفق گشت و در تهران زرادخانه‌ای تأسیس کرد و بیست عراده توپ مجهز ساخت و رد به (۲) که در تبریز تحت تعلیمات عباس میرزا کار می‌کرد در مدت خیلی کوتاه چهار هزار سرباز بطرز اروپائی تربیت کرد

1 - Fabvier

2 - Verdier

فصل سوم

۲ = مرحله دوم جنگهای ایران و روس

از معاهده تیلسیت (۱) ژوئیه ۱۸۰۷ (ج ۱۰-۱۳۲۳) تا معاهده
بخارست مه ۱۸۱۳ (ج ۱۰-۱۳۲۷)

تا اواخر سال ۱۲۲۱ (۱۷۰۶) سپاهیان ایران در جبهه شمال غربی و جبهه دریای خزر بخصوص عملیات تدافعی انجام داده بودند. پس از شکست لشکریان ایران در سال ۱۲۲۱ (۱۰۰۸) روسها موفق باسغال شهرهای باکو و دربندوشیروان و شکی و گنجه شدند. ولی با وجود این فتوحات "روسها موفقیت‌های خود را جداً تعقیب نکردند زیرا جنگ برضد ناپلئون در جبهه غرب تمام مساعی اطرافیان تزار را بخود معطوف ساخته بود بنابراین روسها در جبهه مشرق یک وضع تدافعی پیش گرفتند و این وضع تا انعقاد معاهده تیلسیت ادامه داشت.

ملاقات و مذاکرات تیلسیت باعث بهبود روابط دولتين فرانسه و روسیه شد. در نتیجه این مذاکرات تغییرات زیادی در اوضاع ایران چه در صحنه عملیات نظامی و چه در زمینه روابط سیاسی و دیپلوماسی بوجود آمد.

معاهده تیلسیت که در ژوئیه ۱۷۰۷ (ج ۱۰ « ۱۱۲۳) میان دو دولت روسیه و فرانسه با امضاء رسید صلح را برای کشور فرانسه تأمین کرد و ناپلئون را جهت اجرای نقشه‌های اروپائی خود تشویق نمود. ولی باید گفت که امضای این معاهده رضایت کامل امپراطور را تأمین نکرد و نتیجه‌ای که ناپلئون در نظر داشت از این صلح بدست بیاورد حاصل نشد. زیرا ناپلئون تصمیم داشت با فکر آسوده از جانب اروپا مجدداً جنگ دریائی را بر ضد امپراطوری انگلستان تجدید کند. ولی وی فرصت تهدید

کردن دولت اخیر را در دریا و بلاد جزیره نیافت زیرا اتحادیه اروپا قبل از آنکه تکمیل شود تجزیه شد و اولین اختلافات از مشرق پدید آمد و در واقع همینکه ناپلئون با تزار معاهده اتحاد را امضاء کرد سیاست وی در مشرق قهراً مواجه با شکست گردید زیرا دولتین عثمانی و ایران فقط بمنظور اقدام مشترك بر ضد دولت روسیه با دولت فرانسه نزدیک شده بود.

هنگام امضاء معاهده تیلسیت ناپلئون بی اعتنائی کرد و مسئله ایران را بمیان نیاورد و کمترین توجهی درباره گرفتاریهای فتحعلیشاه، مبذول نداشت. اطلاع از این معاهده برای شاه ایران فوق العاده ناگوار بوده و انعقاد این معاهده برای دولت ایران نتایج شوم و خطرناک داشت و این عمل ناپلئون را فتحعلیشاه در باره ایران خیانت می دانست زیرا لشکریان تزار که از جبهه جنگ لهستان آسوده و آزاد شده بودند جنگ را با شدت هر چه تمامتر بر ضد دولتین ایران و عثمانی آغاز کردند.

دولت عثمانی در نتیجه مساعی سباستیانی^(۱) سفیر کبیر فرانسه در قسطنطنیه در شوال ۱۲۲۱ (دسامبر ۱۸۰۶) بر ضد دولتین روسیه و انگلستان در یک موقع اعلان جنگ داده بود. پس از قضایای تیلسیت عثمانیها تصمیم گرفتند با ایرانیان همکاری کنند و بمنظور مقابله با حملات سپاهیان روسی در جبهه مشرق متفقاً مقاومتی ایجاد نمایند. در نتیجه این تصمیم عباس میرزا و یوسف پاشا سر عسکر ارزروم هر یک در رأس بیست هزار نفر بدشت آرپا جای نزدیک شدند نقشه فرماندهان دو دولت این بود که سپاهیان عثمانی از سمت مشرق و لشکریان ایران از سمت مغرب وارد گرجستان گردند.

گودوویچ^(۲) که از این نقشه اطلاع حاصل کرده بود پیشدستی کرده و با عجله برای مقابله با سپاهیان ایران و عثمانی حرکت نمود و در نزدیکی آریاچای شکست سختی به لشکریان سر عسکر که هنوز با دستجات عباس میرزا تماس حاصل نکرده بودند وارد ساخت. توپخانه عثمانیها منهدم شد و لشکریان سر عسکر متفرق شدند.

1 - Sebastiani

2 - Goudowitch

وقتی سپاهیان عباس میرزا بکمک عثمانیها رسیدند ناظر شکست متفقین خود بودند و ناچار شدند در سمت ایروان عقب‌نشینی اجباری کنند .
 این شکست لشکریان عثمانی و تصرف شهر آنایا^(۱) از طرف نیروی دریائی روس عثمانیهارا بامضای متارکه اوزون کلیسا در تاریخ ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۲۲۲ (۲ سپتامبر ۱۸۰۷) مجبور ساخت در حالیکه جنک با ایران تا ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بدون وقفه ادامه داشت .

Anapa-1 شهری بندر قفقاز در ساحل شمالی دریای سیاه بندر مستحکمی که بوسیله عثمانیها بنا شده و پس از امضای معاهده بخارست بدست روسها افتاد .

۳ = شکست نقشه و وساطت دولت فرانسه و عزیمت ژنرال گاردان

گودوویچ از نفوذ دولت فرانسه در دربار ایران سخت نگران بود لذا بمنظور از بین بردن این نفوذ نماینده خود بارون ورد^(۱) را در روزهای اول بهار سال ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بانامه دوستانه ای بتاريخ ۲۵ مارس ۱۸۰۸ نزد ژنرال گاردان فرستاد. در این نامه گودوویچ بر رئیس هیئت اعزامی فرانسه چنین مینوشت: «ژنرال گمان میکنم شما بعنوان سفیر امپراطوری که اکنون با امپراطوری روسیه متحد و روابط دوستی نزدیکی دارد دولت ایران را از اشتباه بیرون خواهید آورد زیرا یقین دارم که به شما تعلیماتی داده شده که در خط مشی دولت ایران که بر ضد مصالح دولت روسیه تشخیص داده میشود دخالت نکنید»

ژنرال گاردان پس از دریافت نامه گودوویچ گزارشی بفتحعلیشاه داد. شاه در جواب گاردان خاطر نشان ساخت که گودوویچ با این اقدام دسیسه میکند و میخواهد حواس زمام داران ایران را مختل سازد. در همان موقعی که ورد در تهران مشغول مذاکره با گاردان بود دستجات روسی لاینقطع بشهر ایران حمله میکردند - تا بالاخره در نتیجه مداخلات و تقاضای مکرر ژنرال گاردان و با وجود مخالفت عباس میرزا قرارداد متارکهای برای تسهیل جریان مذاکرات میان دولتین ایران و روس امضاء شد - لازار منشی سفارت فرانسه برای اعتراض نسبت با اقدامات دولت روسیه و امضای قرار داد متارکهای از تهران جهت ملاقات فلدمارشال گودوویچ فرمانده کل ارتش گرجستان حرکت کرد. و یکماه پس از حرکتش در اواخر اکتبر ۱۸۰۸ (رمضان ۱۲۲۳) بقرارگاه گودوویچ در نزدیکی ایروان رسید. ولی وقتی لازار از تحول اوضاع اروپا اطلاع حاصل کرد و از مذاکرات ارفورت^(۲) که در واقع متمم و مکمل قطعی صلح تیلسیت بود باخبر

1 - Wrede

2 - Erfurt

شد دیگر برای وی تردیدی باقی نماند که دیر با زرد ایران بحال خود رها خواهد شد. آندره دلریو^(۱) در مجلهٔ بریطانیائی جلد پانزدهم سال هفتم مورخ ۲۵ مارس ۱۷۵۴ در این باره چنین می‌نویسد: «لازار اعتراض بی‌ارزش را که قرار بود ارائه دهد برای ابد در جیب خود پنهان کرد. عضو آیندهٔ آکادمی فرانسه مانند هنر پیشه‌ای که نقش خود را در تئاتر کم‌دی بازی می‌کند نه تنها دست گودوویچ را فشرد بلکه مانند دیپلماتی که حواسش جمع بود رفتار کرد و چنانکه فلدمارشال ایروان را در حضور نمایندهٔ دولت فرانسه بایک حملد اشغال می‌کرد وی کلمه‌ای نمی‌گفت مثلاً اینکه ناپلئون شخصاً در برابر او حاضر بود.

پس از مراجعت ورداز ایران ژنرال گاردان نامه‌ای بتاریخ ۲ ژوئن ۱۸۰۸ (۷ ربیع‌الثانی ۱۲۲۳) به شامپانی^(۲) وزیر خارجهٔ فرانسه نوشت. در این نامه گاردان بمذاکرات میان دولتین ایران و روس اشاره کرده تذکر داد که این مذاکرات بدون دخالت یک دولت ثالث به نتیجه نخواهد رسید. بهمین جهت تقاضا کرد که مذاکرات در پاریس انجام یابد «بارون ورد ستوان توپخانه که از طرف فلدمارشال گودوویچ فرمانده ارتش روس در گرجستان بدربار ایران آمده بود نامهٔ مودت آمیز مورخ ۲۱ ماهه (۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۲۳) کنت گودوویچ را بمن تسلیم کرد ...

واضحست که ادعاهای دولت روسیه با ادعاهای دولت ایران وفق نمیدهد و مذاکرات بدون مداخله دولت سومی خاتمه پذیر نیست». در همین نامه ژنرال گاردان تصریح کرده که فتح‌محمد شاه منافع خود را در اختیار پادشاه عظیم‌الشان فرانسه قرار داده و راضی شده است که مذاکرات در پاریس میان عسکرخان و کنت تولستوی^(۳) با وساطت اعلیحضرت ادامیدایب.

ژنرال گاردان همچنین نامه‌ای بعنوان مارشال گودوویچ ارسال داشت در این نامه

1 - André - Delrieux

2 - Champany

3 - Conte Tolstoy

نماینده دولت فرانسه از مارشال روسی تقاضا کرد که رضایت تزار را برای انعقاد معاهده صلحی میان دولتین ایران و روسیه در پاریس جلب کند. در این مورد فتحعلیشاه نیز تعلیماتی بسفیر خود در پاریس داد و بوی اختیارات تام تفویض کرد تا مذاکرات را بطور رضایتبخشی در پاریس خاتمه دهد. در همین فرمان فتحعلیشاه از امضای معاهده میان دولتین ایران و فرانسه صحبت کرده و به عسکر خان فرمانده لشکریان ایران و سفیر ایران در پاریس خاطرات نشان میکند که امضای معاهده صلح میان دولتین روسیه و فرانسه بانجام وعده‌های مکرر امپراتور دایر باخراج سپاهیان روسی از ابالات ایران کمک کرده و اشکالات موجود میان دو کشور را به سبب برطرف خواهد کرد. فتحعلیشاه بخصوص این نکته را تذکر میدهد که نظر بعلاقه و اعتماد کامل نسبت بشخص ژنرال گاردان و بنابتوصیئوی منافع کشور ایران بدست توانای اعلیحضرت امپراتور فرانسه سپرده شده سفیر ایران بایستی تمام هم خود را مصروف کند تا مأموریتش بنحوا حسن انجام یابد (۱)

ژنرال گاردان قبل از اینکه به تقاضاهای دولت ایران جواب بدهد منتظر نتیجه اقدامات خود در پاریس نزد گودوویچ بود.

لازار از مارشال گودوویچ در خواست کرد اقداماتی بعمل آورد تا دستورات جدیدی از طرف تزار برای تمدید مدت متار که تا شوال ۱۲۲۳ نوامبر ۱۸۰۸ صادر گردد شاید در فاصله این مدت از تصمیمات ناپلئون و سن پترزبرگ در خصوص ایران اطلاع حاصل شود.

دولت انگلستان بنوبه خود تشخیص داد که بعد از معاهده تیلسیت موقع مناسبی است که وارد عمل گردد و دربار ایران را بطرف خود جلب کند. دولت بریتانیا در این اقدام باندازه‌ای عجله کرد که در بگ وقت دوهیئت از طرف آندولت بخلیج فارس رسیدند.

هیئتی از طرف فرمانفرمای هندوستان بر باست سر جان ملکم (۲) و هیئت دیگر

1 - Paris : A.E.P. 9 fol. 119

2 - Sir John Malcolm

از طرف دولت انگلستان بریاست سرهارفورد جونز^(۱) نماینده انگلستان از جریان حوادثی که به نفوذ و اعتبار نمایندگان دولت فرانسه در نزد فتحعلیشاه لطمه وارد آورده بود استفاده کرد و پیشنهاد نمود که گرجستان را بزور از تصرف سپاهیان گودوویچ خارج سازد.

نظر باینکه جوابی از طرف ناپلئون بگزارشهای ژنرال گاردان و تقاضاهای دولت ایران نرسیده بود فتحعلیشاه اصرار داشت در صورتیکه دولت ایران بخواهد کمک دولت انگلستان را دریافت دارد ژنرال گاردان مخالفت نکند. نماینده دولت فرانسه در برابر اصرار شاه دولت ایران را تهدید کرد که اگر بکنفرانگلیسی وارد پایتخت گردد روابط دیپلماتی میان دولتین ایران و فرانسه قطع خواهد شد. فتحعلیشاه از جوابی که دولت عثمانی به سباستیاتی داده بود استفاده کرده و اظهار داشت:

اگر فرانسویان بجای اینکه فاتح بشوند مغلوب میگردیدند چه حادثه‌ای بدتر از این برای ما رخ میداد؟

فتحعلیشاه نمیدانست در مقابل پیشنهادهای دولتین فرانسه و انگلستان که هر دو میخواستند دولت ایران را برضد دیگری و برضد روسها حمایت کنند چه رویه‌ای اتخاذ نماید تا بالاخره در برابر تهدید نماینده دولت فرانسه خاطر نشان ساخت که گاردان نیز بایستی از بی طرفی در بارهای دول اروپائی و دولت عثمانی که آزادانه نمایندگان دول مختلف را میپذیرند متابعت کند.

در جبهه جنگ با اطمینانی که ژنرال گاردان به فتحعلیشاه داده بود که سپاهیان روسی بدون اجازه ناپلئون مجدداً تعرض نخواهند کرد قسمتی از لشکریان تحت فرماندهی عباس میرزا و با وجود مخالفت شدیدی مرخص شده بود. گودوویچ از این فرصت استفاده کرده و علی رغم وعده‌های صریح گاردان در ناحیه ایروان بتعرض شدیدی مبادرت ورزید. در اینخصوص قسمتی از گزارش مورخ ۱۹ اکتبر ۱۸۰۸ (۱۸ شعبان

(۱۲۲۳) سروان لامی افسر توپخانه را دایر بتهیه مقدمات تعرض مجدد روسها و وضع لشکریان در دو طرف که بژنرال گاردان فرستاده شد درج میکنیم - «تعرض مجدد روسها ایرانیان را متحیر و متوحش کرد - با اطمینان اینکه جنگ تجدید نخواهد شد و سایل هیچ نوع مقاومتی فراهم نگردیده بود - بسواران و سربازان اجازه داده بودند بولایات خود مراجعت کنند تا بتوانند محصول خود را مراقبت و جمع آوری نمایند - این محصول که در دشت حاصلخیز ایروان پختی شده بود بدست روسها افتاد و آنوقت لشکریان دشمن را تأمین کرد - قلعه ایروان که از حیث وسایل دفاعی ضعیف بود اسباب نگرانی و ناراحتی بود ..» (۱)

از یکطرف ژنرال گاردان در تهران دولت را مطمئن ساخته و وعده مساعدت میداد از طرف دیگر بافرسانی که در خدمت ارتش ایران بودند دستور میداد پستهای خود را ترك کنند بطوریکه هنگام حمله روسها در ناحیه ایروان و نخجوان افسران فرانسوی جداً از شرکت در عملیات برضد روسها خودداری کردند . پس از تسلیمیت رفتار افسران فرانسوی در میان سپاهیان تحت فرماندهی عباس میرزا بعدی ناشابسته و تأثر آور بود که شاهزاده عباس میرزا مجبور شد چندین مرتبه احضار ورده را که مأمور تعلیمات سربازان ایران بود تقاضا کند - در این خصوص نکریتا (۲) یکی از اعضای هیئت نظامی فرانسه در نامه ای که در تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۸۰۹ (۳۰ ذی قعدة ۱۲۲۳) بعنوان روفن (۳) نوشته به بی مهری ولیعهد ایران نسبت به وردیه اشاره کرده میگوید نظر باینکه وی نتوانست هنگام حمله روسها سربازان ایران را بمیدان جنگ هدایت کند مورد بی مهری شاهزاده قرار گرفت ...

۳۱ اکتبر ۱۸۰۸ (۲۲ رمضان ۱۲۲۳) صدر اعظم نامه عباس میرزا را در تهران با اطلاع ژنرال گاردان رسانید و تقاضا کرد بسروان لامی و وردیه که در تبریز هستند اجازه داده شود در جنگ برضد روسها همکاری و مساعدت کنند زیرا این افسران در برابر

1 - Paris A.E.P. dos .10.fol . 299 - 302

2 - Necrita

3 - Ruffin

تقاضای عباس میرزا از ابراز مساعدت در اوضاع و شرایط حاضر خودداری کرده‌اند
در این هنگام یعنی تمام ماه اکتبر (شعبان و رمضان ۱۲۲۴) مطابق گزارش سروان
لامی روسها بتهیه وسایل يك حمله دامنه‌داری در طول سرحدات ایران بعملیات مشغول
بودند. در روز هفتم اکتبر عملیات روسها نشان میداد که برای گذشتن از رود ارس
تهیه می‌بینند روز هشتم حرکت کرده و وارد دهکده ساملو درشش فرسخی شهر
ایروان گردیدند.

با این ترتیب قصد مارشال معلوم است و با ورودی بخاک ایران هیچگونه تردیدی
برای شروع جنگ باقی نمی‌ماند (۱) چنانکه سروان لامی در گزارش خود پیش‌بینی
کرده بود جنگ در روزهای اول نوامبر ۱۸۰۸ (رمضان ۱۲۲۳) شروع شود و قبلاً
مارشال گودوویچ در نامه مورخ ۲ سپتامبر (۱۱ رجب) به ژنرال گاردان اطلاع داده
بود که تزار الکساندر وساطت دولت فرانسه را رد کرده و مایل است مستقیماً با دولت
ایران داخل مذاکره شود.

آقای سفیر کبیر

«در نتیجه گزارشات اینجانب باعلیحضرت امپراطور که جنابعالی را بوسیله
فتحعلیخان نوری از مضمون آنها مطلع ساختم او امر مؤکد دریافت داشته‌ام و افتخار
دارم با اطلاع جنابعالی برسانم که باعلیحضرت امپراطور رویه مرا مبنی بر اینکه حاضر
نشدم متار که یکساله‌ای را که از طرف دولت ایران پیشنهاد شده بود قبول کنم کاملاً
تأیید کرده است زیرا من برای قبول این پیشنهاد اختیارات تام نداشتم و این اختیارات
فقط برای انعقاد پیمان صلحی بر اساس پیشنهادات خود اینجانب بود. باعلیحضرت
امپراطور نمیتواند ادامه مذاکرات را در یاریس قبول کنند با اینکه باعلیحضرت
امپراطور نمیتوانست منافع خود را بشخص بهتری جز امپراطور فرانسه و پادشاه
ایتالیادوست و متحد خود بسیار دو بدر نظر گرفتن مراتب دوستی عمیقی که باشواهد
و دلایل متقابل بثبوت رسیده و با وجود مناسف بزرگی که ممکن بود از وساطت

دولت فرانسه عاید امپراطوری روسیه گردد علیحضرت امپراطور نمیتواند باین وساطت استعانت جوید زیرا موقعیت جغرافیائی سه دولت باین عمل اجازه نمیدهد - فواصل زیادی که میان کشور فرانسه و دولت دیگر وجود دارد تمام مزایای این وساطت را برطرف میسازد و مذاکرات را طولانی تر میکند. با نبودن این موانع و با اینکه پیشنهاد انعقاد پیمان صلح، اول از طرف دولت ایران داده شد بمناسبت اینکه آن دولت تصمیمی اتخاذ نکرد مذاکرات دو سال بطول انجامید. علیحضرت امپراطور نسبت به پیشنهادات من که طبق آن سرحدات تعیین گردیده و ممکن است پایه و اساس مذاکرات صلح قرار گیرد بی علاقه نمیباشد و توقع دارد در صورت رضای دولت ایران پیمان صلح بوسیله مأمورین مجاز به ترتیبی که من بولیعهد و میزاشفیع صدراعظم پیشنهاد کرده ام منعقد شود و گرنه علیحضرت امپراطور بمن اجازه داده در صورت لزوم جنگ را شروع کنم - نظر باینکه جناب عالی نماینده مختار دولتی هستید که دوست روسیه است و با ارادتی که بشما دارم برای اثبات مراتب صمیمیت خود نسبت بشما، افتخار دارم به بیوست و بطور محرمانه رونوشت نامه کنت رومانزوف^(۱) وزیر امور خارجه را که بعنوان من نوشته ارسال دارم.^(۲)

1 - Nicolas de Romanzoff

۲ - «آقای کنت. من گزارش شما را مشعر به پیشنهاد وزیر ایران برای امضای قرار داد متارکه یکساله و احاله مذاکرات صلح بیاریس و تقاضای انعقاد پیمان صلح در آن شهر بوسیله کنت تولستوی و عسکرخان بوساطت امپراطور ناپلئون از نظر علیحضرت گذراندم. رد امضای يك قرارداد طولانی منار که از طرف شما مورد تأیید علیحضرت است.»

اما در خصوص پیشنهادی که از طرف دولت ایران برای تعقیب مذاکرات در بیاریس شده امپراطور تشخیص داد باینکه ناپلئون را مانند دوستی تلقی می کنند میان تمام سلاطین که امروز در دنیا حکومت میکنند هیچکدام باین اندازه طرف اعتماد امپراطور نیستند و بنوبه خود این شاهزاده کسی است که میان تمام سلاطین نسبت بامپراطور روسیه اظهار دوستی می کند و امپراطور نمی تواند منافع خود را بشخص بهتری جز ناپلئون بسپارد و باوجود منافع زیادی که ممکن بود از وساطت دولت فرانسه عاید امپراطوری روسیه گردد علیحضرت امپراطور نمیتواند باین اقدام توسل جوید زیرا موقعیت جغرافیائی سه کشور

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

این نامه بشما نشان خواهد داد که من از تذکر خدمات شایان شما نسبت باسرای جنگی ما وهمچنین از یادآوری مساعی شما در نزدیک ساختن ما وایرانیها کوتاهی نکرده‌ام من باهمین وسیله نامه هائی بعنوان ولیعهد ایران عباس میرزا و شفیع صدراعظم میفرستم ودراین مراسلات آنرا ازتصمیم اخیراعلیحضرت امپراطور که بازهم حاضر است بدون فوت وقت پیمان صلح را منعقد کند مطلع میسازم» کنت گودوویچ .

بادریافت این نامه ژنرال گاردان درنامه^(۱) مورخ ۳ اکتبر ۱۸۰۸ (۱۲ شعبان ۱۲۴۳) به شامپانی^(۲) وزیرامور خارجه فرانسه شروع مجدد وقریب الوقوع جنگ ایران وروس را که درنامه فلدمارشال گودوویچ پیش بینی شده بود اطلاع داده وگفت : « دولت ایران دراثروعهدهای ما ازحمالات دولت روس ایمن بود ..

جنابعالی که ازوحدت ویگانگی امپراطورفرانسه وپادشاه ایتالیاوالکساندر امپراطور روسیه مطلع بودید اظهار میداشتید که الکساندر امپراطور روسیه وساطت پادشاه عظیم الشان مرا قبول خواهد کرد ومعهاده صلح میان دربار ایران و دربار سن پترزبرگ درپاریس منعقد خواهد شد. وصول نامه های مارشال گودوویچ پادشاه ایران ودرباررا دچار وحشت کرده است »

1 - Paris : A.E p. dos. .10. Fol . 263

2 - Champagny

بقیه حاشیه از صفحه قبل

این عمل را اجازه نمیدهد وفواصل زیادی که کشور فرانسه را از دو کشور دیگر جدا میکند تمام نفعی را که ازاین اقدام متصور است برطرف می سازد و بناچار وبرخلاف میل سه سلطان بجای اینکه استقرار صلح را تسریع کنده مانع پیشرفت مذاکره می گردد اعلیحضرت شخصاً دراینجا باسفیر فرانسه که در دربار روسیه است مذاکره کرده ومایل است که شما ازطرف خود این موضوع را باطلاع ژنرال گاردان برسانید وبایشان ابلاغ کنید اعلیحضرت ازمایلی که برای نزدیک کردن ما وایرانیان نشان می دهند وجدیتی که در تمام موارد برای حسن خدمت بما مهتول میدارند کمال رضایت را دارند .

امضاء

دولت ایران که از تدارکات روسها در جبهه عملیات نگران بود و وصول یادداشت گودوویچ بیشتر مایه وحشت واضطرارش شده بود مصمم گردید یکبار دیگر توجه دولت فرانسه را بخود جلب و احترامی را که دولت ایران نسبت بتعهدات خود قائل است گوشزد کند و در ضمن چگونگی اتحاد و روابط میان دولتین را پس از معاهده فن کن اشتاین یاد آور شود و مجدداً مساعدتهائی را که دولت فرانسه مطابق مواد این معاهده بایستی در حق دولت ایران بعمل آورد تقاضا کند .

نامه مورخ ۲۶ شعبان ۱۲۲۳ (۱۶ اکتبر ۱۸۰۸) میرزا شفیع صدراعظم ایران به شامپانی وزیر خارجه دولت فرانسه بهمین منظور تهیه شده و مامضمون اهم مطالب این نامه را در زیر درج میکنیم :

در این نامه صدر اعظم ایران مینویسد که مدت هشت ماه است عسکر خان بعنوان سفیر فوق العاده بدربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا فرستاده شده .

پس از ورود آقابان گاردان واو گوست بن تان نامه های متعدد بعنوان جنابعالی ارسال شده ولی تاکنون یعنی ۲۶ ماه شعبان (۱۶ اکتبر) هیچ پاسخی بمانر سبده و ما نمیدانیم آیا پیشنهادات ما مبنی بر تفویض اختیارات تام باعلیحضرت امپراطور فرانسه مورد قبول واقع شده است یا نه ؟

در بهار همین سال فصلی که معمولاً عملیات نظامی شروع میگردد بعات تأخیر وصول اخبار ، ژنرال گاردان از ماقول وتعهد قطعی گرفت که تا وصول تعلیمات دولت فرانسه ارتش ایران تعرض را برضد لشکریان روس شروع نکند . در همین حال بنا به پیشنهاد دوستانه و عاقلانه سفیر آندولت بکی از شخصیت های برجسته دربار فتحعلی خان نوری بحضور فلدمارشال گنت گودوویچ ژنرال فرمانده روس اعزام شد و با کمال احترام حقیقت اوضاع بشرح زیر بیان گردید :

نظر باینکه اعلیحضرت امپراطور فرانسه دوست پادشاه روسیه است و نسبت بایران نیز حسن نیت دارند و دربار ایران حفظ منافع حیاتی خود را بعهدۀ ایشان واگذار کرده بهتر است پیمان صلح درپاریس بوسیله سفرای دو دولت و صوابدید

اعلیحضرت امپراطور فرانسه منعقد گردد. تا وصول خبر رسمی از طرف دولت فرانسه هر گونه عملیات خصمانه در سرحدات مایان یافته و در این مدت طرفین شرایط مودت متقابل را رعایت خواهند کرد.

امروز جواب قطعی کنت گودویچ^(۱) و نامه جناب کنت نیکولارومانزوف در دست ما است. در این نامه ها بطور صریح اعلام شده که دولت روسیه و سلطنت امپراطور فرانسه راز کرده و نمیخواهد معاهده صلح دائمی در پاریس منعقد گردد.

وزیر خارجه دولت روسیه بر عکس میخواست پیمان صلح در ایران امضاء شود و تصریح میکند اگر این پیشنهاد از طرف دولت ایران قبول نشود مجدداً جنگ شروع خواهد شد. بالاخره فتحعلیشاه در این نامه بمواد معاهده فن کن اشتاین اشاره کرده تذکر میدهد در ماده دوم این معاهده استقلال و تمامیت ارضی ایران از طرف امپراطور فرانسه تضمین شده و مطابق ماده سوم اعلیحضرت امپراطور فرانسه ایالت گرجستان را متعلق بایران می شناسد.

در ماده چهارم اعلیحضرت امپراطور فرانسه استرداد تمام ایالات ایران را که امروز از طرف قوای روس اشغال گردیده از طریق اقدامات دوستانه و بوسیله اعمال زور تعهد کرده است.

۱ - قسمتی از نامه مورخ ۱۴۰۴ سپتامبر ۱۸۰۸ کنت گودویچ به عباس میرزا که بعدها بایستی اساس مذاکرات و مبنای معاهده گلستان قرار گیرد درج میشود. ولیعهد ایران بعزت لحن شدید یادداشت و اهانتی که نسبت بوی شده بود آنرا پاره کرد: «من برای آخرین بار بوالا حضرت ولا بته عهد بیان میکنم که دولت بهیه دوس نمیتواند امضای نهائی معاهده را قبول کند مگر بر اساس شرایطی که قبلاً بدولت ایران پیشنهاد کرده ام یعنی بایستی خط مرزی بامسیر رودخانه کر وارس و آراپاچای تعیین گردیده و بدون فوت وقت پیمان صلح از طرف دو دولت امضاء شود.

راجع با اعتراضاتی که والا حضرت در خصوص تعیین سرحدات بمن میکنند می توانم پاسخ دهم که تمام ایالت گیلان سابقاً بوسیله اعلیحضرت فقید امپراطور کبیر فتح شده بود ولی پادشاه عظیم الشان من بادر نظر گرفتن وضع حاضر ایران و بخصوص با توجه بعدل و انصاف خود فقط به پیشنهاداتی قناعت میکنند که من امروز بوالا حضرت میدهم و بایستی بی چون و چرا اساس معاهده صلح قرار گیرد.

ودولت را از موضوع مأموریتش آگاه سازد . تقاضاهای ملکم فوق العاده سنگین بود و علاوه بر درخواستهای سال ۱۸۰۱ و اگذاری جزیره خارک را بدولت انگلستان تقاضا میکرد و پیشنهاد مینمود که پنج مؤسسه یا نمایندگی تجارتنی در سواحل خلیج فارس دایر گردد و دولت ایران اجازه دهد استحکامات از طرف دولت هندوستان در آن نقاط ایجاد و از طرف آندولت محافظت شود .

در نتیجه مخالفت دولت ایران ملکم ناچار ایران را ترک گفت - نماینده دولت هندوستان در مراجعت خود وهابی ها و طوایف متعصب نجد را که ایرانیان از خلیج فارس بیرون رانده بودند بر ضد دولت ایران تحریک نمود .

این طوایف مخصوصاً وهابی ها در دست مأمورین سیاسی دولت انگلستان حربۀ خطرناکی بودند و بتحریر ملکم در ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بازاضی ایران تجاوز کردند . پس از این اقدامات ماهرانه ملکم به هندوستان بازگشت و چون از طرز رفتار دولت ایران متأثر و خشمگین بود بفرمانروای کل هندوستان اصرار کرد که جزیره خارک را بوسیله سپاهیان هند اشغال کند و بنادر خلیج فارس را محاصره نماید . بعقیده ملکم جزیره خارک ممکن بود در آتیه مبدأ حمله و پایگاه نظامی برای اقدام بر ضد دولت ایران گردد . محمدعلی خان نام از مدعیان تاج و تخت ایران راهم که از طایفه زند پسرعلی مرادخان و از بستگان کریم خان زند بود و در هندوستان مقام نوابی داشت آماده کرد تا در موقع مناسب برای تهدید دولت ایران از وجود وی استفاده کنند . گاردان در این خصوص ضمن نامه مورخ ۲۶ نوامبر ۱۸۰۸ (۷ شوال ۱۲۲۳) به شامپانی وزیر امور خارجه فرانسه مینویسد : « انگلیسها اغلب وزراء دربار را بوسیله پول بخود جلب کرده اند . در صورتیکه دولت ایران از قبول آنان خودداری کند تهدید میکنند بجنوب ایران حمله برند و یکی از نوادگان کریمخان موسوم به محمدعلی خان پسرعلی مرادخان را بیادشاهی ایران انتخاب کنند .

اطلاعاتی که بمن رسیده حاکی است دولت هندوستان شاهزاده جوان را از دکن که در آنجا سمت نوابی داشت به بمبئی احضار کرده و تدارکات مفصلی می بینند .

پیشنهاد ملکم برای اشغال جزیره خارک و اعزام قوا از طرف لرد میتو قبول شد زیرا بدین وسیله حکومت هندوستان ممکن بود از عملیات قوای فرانسوی جلوگیری کند. ولی درست در موقع حرکت قوای هند اوضاع اروپا روشن تر گردید زیرا دیگر برای دولت فرانسه میسر نبود که از قسمتی از لشکریان خود برفع ایران صرف نظر کند بنابراین دولت هندوستان از اعزام قوا بسوی ایران منصرف شد.

دوش بدوش اقدامات دولت هندوستان دولت انگلستان نیز تصمیم گرفت در ایران اقداماتی کند. این تصمیم بر اثر نامه مورخ ۲۰ اوت ۱۸۰۷ (۱۵ جمادی الثانی ۱۲۲۲) روبردندر (۱) به ژورژ کانینگ (۲) وزیر امور خارجه انگلستان اتخاذ شد.

در این نامه روبردندر از روم اعزام هیئتی را بایران در تحت سرپرستی سرهارفورد جونز تذکر داد و چنین مینویسد: «بخصوص مساعی جونز نه تنها برای جلوگیری از تحریکات دولت فرانسه مفید خواهد شد بلکه در صورت امکان ایشان دامنه وسعت این تحریکات را کشف خواهند کرد و همچنین تعهداتی را که دولتین ایران و فرانسه و یا هر دولت دیگری که با آنها در جنگی برضد ما متحد خواهد شد روشن خواهد ساخت اعم از اینکه این تعهدات قبول شده و یا در آتیه مورد قبول واقع گردد...»

«اطلاع از وسعت و دامنه تمام پیشنهادهائی که از طرف دولت فرانسه بدولت ایران شده اهمیت فوق العاده خواهد داشت زیرا با بدست آوردن این اطلاعات دقیقاً نوع و ترکیب حملاتی که برضد متصرفات ما در هندوستان در نظر گرفته شده است روشن میشود (۳)».

انتخاب سرهارفورد جونز برای این مأموریت فوق العاده مناسب بود زیرا وی از ۱۷۸۴ تا ۱۷۹۴ (۱۲۰۹-۱۱۹۸) در بصره مقیم بود و هنگامی که شاهزادگان زند در شیراز حکومت میکردند بآن شهر مسافرت کرده بود. بعلاوه جونز از ۱۷۹۸ تا ۱۸۰۶

1 - Robert Dunders

2 - G. Canning

۳ - نامه مورخ ۲۰ اوت ۱۸۰۷ روبردندر به ژورژ کانینگ

(۱۲۲۱-۱۲۱۲) کنسول بریطانیای کبیر در بغداد بود و در جریان این مأموریت‌های مختلف اطلاعات عمیقی از امور مشرق بدست آورده بود. پس از پیشنهاد رو بردن در سرهارفورد جونز از طرف ژورژ کانینگ وزیر خارجه انگلستان مأموریت یافت که بعنوان سفارت تهران حرکت کند. بموجب تعلیماتی که بنمایندۀ دولت انگلستان داد شده بود وی بایستی اتحادی بادولت ایران و پیمان مودتی باپاشای بغداد منعقد سازد. در نامه مورخه ۱۲ فوریه خود کانینگ به سرهارفورد جونز چنین دستور میدهد: «چنانکه در مأموریت خویش با عدم توفیق مواجه شدید در صورت امکان صلاحست بنام دولت هندوستان بارؤسای وهابی روابط دوستانه دایر کنید ولی چون تعرضات و اقدامات افراد این طایفه برخلاف مصالح پاشای بغداد و دولت ایرانست بایستی این روابط با نهایت مهارت صورت گیرد بخصوص اگر از طرف دودولت یایکی از آنها امیدی برای تأمین منافع بریطانیای کبیر باشد» (۱).

کشتی‌های ندرید (۲) و سافیر (۳) که حامل اعضای هیئت نمایندگی سرهارفورد جونز بود روز ۱۴ اکتبر ۱۸۰۸ (۲۳ شوال ۱۲۲۳) در خلیج فارس در بندر بوشهر لنگر انداخت. پس از مکاتبات زیاد میان سرهارفورد جونز و لرد مینتو (۴) فرمانروای کل هندوستان بادر نظر گرفتن اوضاع اروپا و گرفتاریهای دولت فرانسه از نقشه ملکم دایر باشغال جزیره خارک منصرف شد و بنمایندۀ اعزامی از لندن اختیارات تام داد. هنگام پیاده شدن نمایندۀ بریطانیای کبیر در بندر بوشهر نظاهرات برضد فرانسویان بشدت ادامه داشت.

ایرانیان متوجه شده بودند که ژنرال گاردان تا آن زمان بیش از آنچه عمل کرده وعده داده است ولی در حقیقت بازی را باخته بود. سرهارفورد جونز بخصوص نشان داد که وساطت دولت فرانسه برای ممانعت از روسها کافی نبود.

۱ - نامه مورخ ۲۱ فوریه ۱۸۰۷ کانینگ به سرهارفورد جونز

London : P.R. O. P.Fo.60 T I

2 - Nedreid

3 - Saphir

4 - Lord minto

نماینده دولت انگلستان پیشنهاد کرد پیمان اتحادی میان دولتين ایران و بریطانیای کبیر با مضاء برسد و وعده داد مادامیکه دولت انگلستان با دولت فرانسه در حال جنگ است سالیانه مبلغ یکصد و شصت هزار تومان (معادل ۱۲۰ هزار لیره بدولت ایران کمک خواهد شد و افسران انگلیسی تعلیم ارتش ایران را عهده دار خواهند بود. فتحعلیشاه نظریات نماینده دولت انگلستان را قبول کرد و بژنرال گاردان اجازه مرخصی داد. باین ترتیب بی‌علاقگی وعدم توجه دولت فرانسه و طلای بریطانیای کبیر یکبار دیگر بر تحکیم نفوذ دولت انگلستان در ایران کمک کرد. در ماه دسامبر ۱۸۰۸ (شوال ۱۲۲۳) سرهارفورد جونز بوشهر را ترک گفت و در تاریخ ۱۴ فوریه ۱۸۰۹ (۲۸ ذیحجه ۱۲۲۳) یعنی دوز پس از جلسه خدا حافظی ژنرال گاردان، وارد تهران شد و در ۱۷ فوریه (۲ محرم ۱۲۲۴) اعتبار نامه های خود را تقدیم فتحعلیشاه کرد (۱)

نماینده بریطانیای کبیر که حامل هدایای زیاد و گرانبها برای پادشاه و وزراء برده و مورد استقبال شایان قرار گرفت. در میان هدایا الماس خالصی که از طرف ژورژ (۲) سوم پادشاه انگلستان برای فتحعلیشاه ارسال شده بود توجه شاه را جلب کرد. چند روز پس از رسیدن نماینده انگلستان میرزا شفیع صدراعظم مأمور شد معاهده ای با هیئت اعزامی دولت انگلستان منعقد سازد. در خلال این احوال لرد مینتو که از تغییر اوضاع سیاسی تهران و جریان حوادث بی اطلاع بود بتصور اینکه اقدامات دولت انگلستان به نتیجه مطلوب نخراند رسید اختیاراتی را که سرهارفورد جونز تفویض کرده بود پس گرفت - نماینده انگلستان بدون توجه بدستور لرد مینتو بنام نماینده مختار ژورژ سوم پادشاه انگلستان با دولت ایران داخل مذاکره شد و معاهده مقدمه مانی منعقد کرد که در تاریخ ۲۵ محرم ۱۲۲۴ (۱۲ مارس ۱۸۰۹) با مضاء رسید.

در جریان مذاکرات میان دولتين ایران و انگلستان چندین مرتبه وقفه حاصل

۱ - نامه مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۰۹ سرهارفورد جونز به کانیک

در انتظار وصول پاسخ سریع و اجرای تعهدات از طرف دولت فرانسه^(۱) متأسفانه دولت فرانسه صراحتاً میانجی‌گری خود را رد کرد و برای احترام از بحثی که دیگر بهیچوجه طرف توجه دولت ناپلئون نبود شامپانی در نامه مورخ دوم نوامبر ۱۸۰۸ (۱۳ رمضان ۱۲۲۳) به ژنرال گاردان چنین مینویسد: «در نامه‌های اخیر شما بمن اطلاع دادید که دولت ایران مایل است مذاکرات صلح را با دولت روسیه در پاریس ادامه دهد. آقای سفیر کبیر ایران در این زمینه با من صحبت کرده و تقاضا دارد بلافاصله با کنت تولستوی داخل مذاکره شود. ولی سفیر دولت روس هیچ دستوری از طرف دولت خود در این خصوص دریافت نداشته است.

انجام مذاکرات در این مسافت طولانی امر عادی نیست و این اقدام تأخیر مجددی در جریان مذاکرات ایجاد خواهد کرد. کوشش نمائید بدون آنکه برای دولت فرانسه دردسر و کشمکش ایجاد کنید که در آن منع و علاقه‌ای ندارد و دولت را بیکدیگر نزدیک سازید.

چیزی که در این نامه جلب توجه میکند اینست که جواب دولت فرانسه شبیه جواب دولت روسیه است چنانکه دیدیم تزار نیز وساطت دولت فرانسه را بعد از اینکه پایتخت‌های سه کشور از یکدیگر فاصله زیاد دارد رد کرد. این عمل ثابت میکند که نامه وزیر خارجه فرانسه با مشورت قبلی دولت سن پترزبرگ تهیه شده است.

تاریخ اولتیماتوم دولت روس منقضی شد و در روزهای اول ماه نوامبر ۱۸۰۸ (شوال ۱۲۲۳) بدستور گودوویچ حملات سپاهیان روس از سمت ایروان آغاز گردید. توپخانه دهمین پسر از بمباران شدید بدیوارهای قلعه ایروان شکست وارد آوورد و فرماندهی روس بتصور اینکه قلعه خراب شده دستور داد نارنجک اندازها در بستر رودخانه که در آن زمان آبش رو بنقصان بود داخل شوند و فرمان حمله عمومی با مشارکت چندین ستون صادر شد. ایرانیان مستحقظین قلعه بهیچ وجه از این حمله دستجات سپاهیان روس مضطرب نشدند و گودوویچ با وجود فداکاری و کوشش فوق العاده نارنجک انداز ها و تحمل تلفات سنگین کمترین توفیقی بدست نیاورد.

فرماندهان و افراد قلعه‌ایروان استقامت و تهور فوق‌العاده از خود نشان دادند و در مقابل حملات سواران آزموده ایرانی قوای روس مجبور شدند تا اوج کلیسا عقب‌نشینی کنند. پس از شکست در مقابل ایروان فرمانده ارتش روس قوای زیادی برای جلوگیری از پیشرفت لشکریان ایران که از خوی مقر فراهی عباس میرزا حرکت کرده بودند اعزام داشت جنک در طول تمام جبهه‌ها بشدت شروع شد و در حالیکه ایروان با نهایت شهامت در مقابل حملات روس ایستادگی میکرد عباس میرزا ناچار شد نخجوان را تخلیه کند.

در خلال سال ۱۸۰۸ (۱۲۲۳) نخجوان چندین بار تخلیه و مجدداً از طرف سپاهیان ایران تصرف شد در سال ۱۸۰۸ مخصوصاً بعالت تعرضی که دولت عثمانی در جبهه بالکان و آسیای صغیر بر ضد دولت روسیه مینمود عملیات جنگی بیشتر بنفع سپاهیان ایران بود.

در مقابل تعرض ناگهانی دولت روسیه دولت ایران به ژنرال گاردان مراجعه کرد نماینده دولت فرانسه اظهار داشت حتی در وضع حاضر و با وجود اشکالات دیپلماتی امیدوار است تعرضات روس‌ها را متوقف سازد و خاطر نشان ساخت که هنوز هم لازار منشی سفارت فرانسه نزد مارشال گودوویچ است و مجدداً شصت روز مهلت خواسته و در پایان این مدت بنابعد عوت الکساندر فتحعلیشاه با دولت روسیه داخل مذاکره خواهد شد. بعلاوه گاردان بدولت ایران اطمینان داد همینکه امپراطور از رفتار روس‌ها اطلاع پیدا کند مانند صاعقه‌ای دشمن را از پای در خواهد آورد. فتحعلیشاه جواب داد چرا در ظرف مدت ده‌ماه این صاعقه تأثیر خود را نبخشیده است. پادشاه ایران از اتحاد واقعی دولتین روسیه و فرانسه تردید داشت و برای اثبات این نظریه دلایل زیادی اقامه کرد و مخصوصاً متذکر شد که رفتار ترارد در گرجستان میرساند دولت روسیه نسبت بناپلئون تاچه حد احترام قائل است.

بالاخره گاردان نتوانست بوعده خود وفا کند و اقدام دولت فرانسه برای میانجیگری مواجه باشکست شد و در تاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۲۲۳ (۱۲ فوریه ۱۸۰۹)

ظربا اینکه دربار ایران تصمیم گرفت نمایندگان بریطانیای کبیر را قبول کند ژنرال گاردان اجازه مرخصی گرفت . فتحعلیشاه از ژنرال گاردان تقاضا کرد تا وصول اخبار از طرف دولت فرانسه در تبریز اقامت کند . نماینده دولت فرانسه این پیشنهاد را قبول کرد و تهران را ترك گفت و در تاریخ ۲۲ محرم ۱۲۲۴ (۹ مارس ۱۸۰۹) هیئت نظامی فرانسه وارد شهر تبریز شد . و پس از یکماه مذاکره و معطلی در این شهر بالاخره در تاریخ ۳ ربیع الاول ۱۲۲۴ (۱۷ آوریل ۱۸۰۹) دربار عباس میرزا را ترك کرد .

ژنرال گاردان با احضار افسران فرانسوی از ارتش ایران در چنین موقعی بمیشرفت دولت روسیه کمک کرد . امتناع دولت فرانسه از قبول وساطت و مذاکرات میان دولتم ایران و روس باعث بار آمدن دولت لطمه وارد آورد و زمامداران ایران نسبت بحسن نیت ژنرال گاردان مردد شدند . این رفتار دولت فرانسه و نمایندگانش وظیفه مأمورین انگلیسی را که از سال ۱۸۰۷ (۱۲۲۲) منتظر فرصت نشسته بودند و گاردان تصور میکرد که ایشانرا از صحنه سیاست دور ساخته است بی نهایت آسان کرد بطوریکه هر قدر بمیشرفت سپاهیان روس در خاک ایران برای آنان دلیل قاطعی بر ضد اتحاد دولتم ایران و فرانسه بود . دولت ایران مایوس از اقدامات دولت ناپلئون و برای اجتناب از حملات لشکریان تزار مجدداً متوسل بدولت انگلستان گردید . با این ترتیب امپراطور فرانسه در تیلسیمت ایرانرا مانند سوئد و عثمانی فدای سیاست غلط خود کرد و بعدها در سال ۱۸۱۳ (۱۲۲۷) از تعقیب این سیاست تأسف خورد .

۴۳- تجدید نفوذ دولت انگلستان و معاهده انگلیس و ایران در ۱۲۳۴ (۱۸۰۹)

آغاز حملات مجدد سپاهیان روس با وجود اظهارات صریح و وعده‌های نماینده دولت فرانسه لطمه‌شدیدی به حیثیت آن دولت در دربار ایران وارد ساخت. انگلیسها برای ازدیاد نفوذ خود و بیرون راندن فرانسویان بفعالیتهای سیاسی و دیپلوماسی شدید در تهران پرداختند. اعزام رومیو^(۱) و ژوبر^(۲) نمایندگان نظامی دولت فرانسه که مقدمات ورود هیئت نظامی ژنرال گاردان را بدربار ایران فراهم ساخت دولت بریطانیای کبیر و هندوستان را دچار وحشت و اضطراب کرد. سابقاً دیدیم که سرهارفورد جونز نماینده دولت انگلستان در بغداد برای جلوگیری از نزدیکی دولتین فرانسه و ایران بچه اقداماتی متوسل شد. پس برای مقابله و عقیم ساختن اقدامات دولت فرانسه در دربار ایران لرد مینتو^(۳) فرمانروای کل هندوستان در ماه مه ۱۸۰۸ نیروی دریائی نیرومندی را با هیئتی بریاست ملکم که در مأموریت ۱۸۰۱ توفیق شایانی بدست آورده بود بخلیج فارس اعزام داشت. چون نفوذ نمایندگان دولت فرانسه و مخصوصاً ژنرال گاردان در این موقع در تهران فوق العاده زیاد و مؤثر بود ملکم در مأموریت دوم خود با مقاومت شدید دولت ایران مواجه گردید. بدولت هندوستان مخصوصاً ایراد می‌گرفتند که محمدنبی خان سفیر ایران را در هندوستان بسر دی پذیرفته است و در نتیجه اقدامات نماینده دولت فرانسه به ملکم اجازه ورود بتهران داده نشد^(۴) و نماینده هندوستان ناچار در شیراز توقف کرد و بجا کم شیراز دستور داده شد که او را پذیرفته

1 - Romieux

2 - Jaubert

3 - Lord Minto

۴ - نامه میرزا شفیع به شامپانی مورخ ۲۶ نوامبر ۱۸۰۸

زیرا از یکطرف کالکته بموازگشت سرهارفورد جونس اصرار داشت و از طرف دیگر لندن اقدامات ویرا تأیید نموده و دستور اقامت صادر می‌کرد. تا اینکه بالاخره نماینده انگلستان در تاریخ ۱۵ ماه مارس ۱۸۰۹ (۲۸ محرم ۱۲۲۴) ضمن گزارشی پیشرفت کامل مأموریت خود را به ژورژ کانینگ اطلاع داد^(۱)

این معاهده مقدماتی بوسیله جمس موریه^(۲) (مؤلف کتاب حاجی بابا در انگلستان) بلندن فرستاده شد.

حاجی میرزا ابوالحسنخان^(۳) هم که بعنوان سفیر ایران نزد ژرژ سوم پادشاه انگلستان تعیین شده بود همراه موریه حرکت کرد. مقصود اصلی این سفارت تقاضای پرداخت کمکی بود که مطابق معاهده مورخ ۱۲ مارس ۱۸۰۹. دولت انگلستان متعهد شده بود دولت ایران بپردازد. لرد مینتو و فرمانروای کل هندوستان بالاخره قرار منعقد بوسیله سرهارفورد جونس را قبول کرد ولی اصرار داشت که اجرای این معاهده با فاسری که از طرف حکومت هندوستان تعیین خواهد شد محول گردد. و بهمین منظور ملکم در رأس هیئت مهمی سومین بار بایران اعزام گردید. سفیر اعزامی از طرف حکومت هندوستان بطرز مجملی مجهز بود و ستاد مفصلی با خود همراه داشت. دولت ایران از شتابزدگی دولت انگلستان و حکومت هندوستان برای اعزام نمایندگان در حیرت بود زیرا موقع ورود ملکم سرهارفورد جونس بعنوان سفیر دولت انگلستان مسئول اداره کردن روابط سیاسی و دیپلوماسی در تهران بود.

دولت ایران همچنین از اصراری که دولت بریطانیای کبیر برای از بین بردن نفوذ دولت فرانسه و جلب اتحاد دولت ایران داشت سخت در شگفت بود.

فتحعلیشاه بنماینده خود در آمدن دستور داد که وضع نمایندگی آن دولت را

۱ - نامه مورخ ۱۵ مارس ۱۸۰۹ سرهارفورد جونس به ژورژ کانینگ

London: P. R. O P. Fo. 60. T II

2 - James morier

۳- میرزا ابوالحسن خان خواهرزاده حاجی ابراهیم کلانتر (اعتمادالدوله) و نیز

بقیه پاورقی در صفحه ۱۴۸

در ایران روشن کند و اطلاع حاصل نماید کدامیک از دو نفر، نماینده واقعی و معرف دولت بر بطنانیا میباشد. نظر باینکه معاهده منعقد بوسیله سرهارفورد جونز درلندن بامضاء رسید دولت بریطانیا بالاخره سرهارفورد جونز را بعنوان نماینده تام الاختیار خود در تهران معرفی کرد تا مسئولیت روابط سیاسی و دیپلماسی میان تهران و لندن را عهده دار گردد و باین ترتیب ملوک دربار ایران را ترک کرد و به هندوستان مراجعت نمود. در سال ۱۸۱۱ (۱۱۲۶) سرگور اوزلی^(۱) جانشین سرهارفورد جونز گردید و ماژور داری معروف به داری تاد^(۲) و عده ای از سربازان درجه داران هنگ ۴۷ انگلستان نیز جزء ملتزمین رکاب سفیر بودند، سر ویلیام اوزلی^(۳) که نوشته های وی راجع بایران در ردیف کتابهای کلاسیک قرار گرفته همراه این هیئت بود.

بقیه پاورقی از صفحه قبل

داماد او بوده در سال ۱۲۱۵ که فتحعلیشاه فرمان قتل عام خانوادۀ حاجی ابراهیم خان را داد مهرزا ابوالحسن خان بوساطت درباریان از مرگ نجات یافت در مسافرت بلندن بهات آشنا نبودن او بآداب اروپائی بعضی حرکات و اطواری که پیش اروپائیان مضحک جلوه میکرد از او ناشی شد جیمز موریه انگلیسی که در این سفر همراه او بوده کتابی بنام (حاجی بابا درلندن) نوشته که بسیار غرض آلود است و حرکات سفیر را صد چندان بزرگتر جلوه داده در صورتیکه میرزا ابوالحسن خان مردی مدبر و مبادی آداب بوده است میرزا ابوالحسن خان نیز راجع باین مسافرت کتابی نوشته بنام حیرت نامه سفرا که یک نسخه از آن در کتابخانه موزه بریتانیا درلندن موجود است میرزا ابوالحسن خان پس از این مسافرت مشهور به ایلچی شده و چنانکه خواهیم گفت برای رفتن بروسیه نیز انتخاب شده است.

- 1 - Sir Gore Ouseley
- 2 - D' Arcy Tadd
- 3- Sir - William Ouseley

۴ = بی نتیجه ماندن مذاکرات عسکران و نقشی که سرها را آورد چون در این مذاکرات بازی کرد

با اینکه دولت عثمانی نیز در جنگ بود اتحاد دولت ایران با انگلستان در برابر تجاوزات دولت تزاری از اتحاد با ناپلئون مفیدتر و مؤثرتر نشد.

در ماههای اخیر ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) نیروی دریایی دولت روس کرانه های دریای خزر را دائماً بمباران کرده و جنگ در طول تمام جبهه های شمال غربی ادامه داشت ولی با وجود این روسها نتوانستند از حملات و اقدامات خود نتیجه قطعی بگیرند. دوام جنگ و کندی عملیات موجب تغییرانی در فرماندهی عالی روس در جبهه قفقاز گردید. روسها قلعه ایروان را از شش ماه قبل محاصره کرده بودند ولی چنانکه دیدیم حمله های آنان از طرف قوای ایران دفع شد و ناچار مجبور بعقب نشینی شدند.

این عدم توفیق و تأخیر در پیشرفت عملیات جنگی سبب شد که دولت روسیه ژنرال گودوویچ را از فرماندهی قوای روس بردارد و ژنرال تورموسوف را در جبهه قفقاز بجای او بگمارد. در ارتش ایران نیز پسر ارشد فتحعلشاه محمد علی میرزای دولت شاه حاکم کرمانشاه مأمور شد که در عملیات بر ضد روسها شرکت کند ربیع الثانی ۱۲۲۴ (مه ۱۸۰۹).

جنگ روس و عثمانی در جبهه بالکان مجدداً در آوریل ۱۸۰۹ (صفر ۱۲۲۴) شروع شده بود و دولت عثمانی ناچار بود در دو جبهه بالکان و قفقاز با قوای روسیه مقابله کند نظر با اهمیتی که جنگ بالکان داشت دولت عثمانی نمیتوانست باشکریان خود در قفقاز که دور از قسطنطنیه بودند کمکهای مؤثر برساند و به همین جهت آن دولت

ناچار بود درجههٔ ففقا ز حالت دفاعی اتخاذ کند و بعملیات جناح چپ لشکریان ایران کمک نماید .

در این هنگام اتحادیهٔ پنجم در اروپا بر ضد دولت فرانسه در شرف تشکیل و توجه نزار باین امر مهم معطوف بود .

آلکساندر در آغاز امر داخل در این اتحادیه نشد و خود را برای جنگ بر ضد ناپلئون حاضر کرد و عملیات درجههٔ ایران با تأانی پیش میرفت . دولت روس در ماههای آخر سال ۱۲۲۴ (۱۸۰۹) بایجاد شورش و انقلابات در ناحیهٔ طالش بریاست مصطفی خان طالش کمک میکرد و بوی اسلحه و آذوقه و مهمات تحویل میداد^(۱) در نتیجه دولت ایران برای ریشه کن ساختن این انقلابات اقدام بلشکر کشی کرد و بدینوسیله دولت روس موفق شد که قسمتی از قوای ایران را فلج سازد .

جهت تطبیق عملیات نظامی دو کشور ایران و عثمانی بر ضد روسها ، نمایندهٔ بریطانیای کبیر در تهران بدولت ایران تلقین نمود که یک اتحاد نظامی میان دو کشور منعقد گردد . بهمین مناسبت سرهارفورد جونز در نامهٔ مورخ ۲۰ مه ۱۸۰۹ به روبر آدر^(۲) نمایندهٔ دولت انگلستان در قسطنطنیه از تمایل دولت ایران برای عقد چنین اتحادی صحبت میکند : « دونهکتهٔ اساسی توجه شاه را جلب میکند : اقدام بتعرض از طرف عثمانیها در ناحیهٔ قارص و تعیین یکنفر وزیر مختار از طرف دربار عثمانی در تهران^(۳) » . دیپلمات انگلیسی که سیاست اصلی وی حتی الامکان تبدیل جنگ روس و ایران بیک جنگ مذهبی بود و در این سیاست نیز تاحدی تسو فیق یافته بود در همین نامه مینویسد : « من بیادشاه خاطر نشان کرده‌ام که جنگ روس و عثمانی جنبهٔ مذهبی دارد » .

بنوبهٔ خود دولت روسیه مایل بود جنگ را هر چه زودتر بادولتین ایران و عثمانی

۱ - نامهٔ مورخ ۶ دسامبر ۱۸۰۹ ژنرال تور موسوف

London : P.R.O.P.Fo.60.T.III

2 - Robert Adair

۳ - نامهٔ مورخ ۲۰ ماه مه سرهارفورد جونز به روبر آدر

London : P.R.O.P.Fo.60.T.II

خاتمه دهد تا با خیال آسوده از جانب مشرق بتواند مقدمات حمله و اشغال لهستان را فراهم سازد و بر ضد ناپلئون رسماً وارد جنگ شود بنابراین فرماندهان لشکریان قفقاز از جانب تزار دستور داده شد که در انعقاد معاهده صلح با دولتین ایران و عثمانی تعجیل کنند.

در عرض نیمه دوم سال ۱۸۰۹ (۱۲۲۴) و شش ماه اول سال ۱۸۱۰ (۱۲۲۵) برای پایان دادن به جنگ با ایران ژنرال تورموسوف پیشنهادهای متعدد کرد^(۱) چون عباس میرزا نیز از ماه اوت باینطرف (جمادی الثانی ۱۲۲۴) تمایل خود را نسبت به انعقاد صلح اظهار داشته بود ژنرال تورموسوف پیشنهاد کرد که یک نفر نماینده از طرف دولت ایران برای مذاکره درباره مواد معاهده به سن پترزبرگ اعزام گردد^(۲) ژنرال روسی در نامه مورخ اوت ۱۸۰۹ از عباس میرزا تقاضا نمود که «شماسپاهیان خود را از اراضی ما احضار کنید و بزجر دادن و اسیر کردن رعایای ما خاتمه دهید».

تورموسوف همچنین از پیشرفت محمدعلی میرزای دولت شاه در سمت گرجستان شکایت کرد و حرکت بارون ورد^(۳) و تورموسوف را برای مذاکره بنزد عباس میرزا اعلام نمود.

نمایندگان اعزامی دولت روسیه در نخجوان بقرارگاه شاهزاده عباس میرزا رسیدند و لیعهد ایران نامه مفصلی در جواب ژنرال تورموسوف ارسال داشت که مابعد خلاصه آن را در اینجا درج میکنیم: «شما اگر حقیقاً مایل به صلح هستید این صلح باید طوری برقرار گردد که منافع طرفین را تأمین کند.

در ایام گذشته که اختلافی میان ما وجود نداشت دولتین برای هر ناحیه حدودی تعیین کرده بودند

این سرحدات تا شش یا هفت سال قبل مورد احترام و قبول طرفین و صلح میان

۱ - مکاتبات تورموسوف و عباس میرزا

London : P.R.O . P . Fo . 60 T . III

۲ - نامه مورخ ۲۰ اوت تورموسوف به عباس میرزا

London: P.R.O. P. Fo. 60 T. III

3 - Baron Vrede

دو کشور برقرار بود. اگر دولت روسیه مایل بصلح است و می‌خواهد دشمنی مابین دوستی مبدل گردد باید فوراً سپاهیان خود را از کشور ایران احضار کند بدین ترتیب و بخواست خداوندی، رعایای ما، در صلح زندگی کرده و سر بازان ما از مرگ نجات خواهند یافت (۱). ژنرال تور موسوف که جداً مایل بود بجنک با ایران خاتمه دهد وصول نامه شاهزاده عباس میرزا را اعلام کرد و در نامه مورخ ۳۰ اوت ۱۸۰۹ بوی چنین نوشت: «پیشنهادهای صلح شما نشان میدهد که والا حضرت مایل است منافع کشور خود را حفظ کند (۲).

در همین نامه فرمانده کل قوای روس می‌گوید برای امضای قرارداد متار که و یا صلح قطعی با ایران اختیارات تام دارد و اطمینان میدهد که طی پیامی دربار سن پترزبرگ را از تمایلات شاهزاده مطلع ساخته و یقین دارد که جواب دولت روسیه با نظریات و تقاضاهای شاهزاده مساعد خواهد بود.

فعالیّت و نفوذ سر هارفورد جونز مایه شکست و وقفه اقدامات تور موسوف و پیشنهادهای صلح طرفین گردید. این پیشنهادها بشهادت اسناد وزارت امور خارجه انگلستان برای ایران بمراتب مفیدتر از پیشنهادهایی بود که در سال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) بامساعی و وساطت سر گوراولی (۳) برخلاف منافع و مصالح دولت ایران در گلستان مورد قبول واقع شد.

وضع اروپا رفتار و معامله سر هارفورد جونز را ایجاب میکرد زیرا دولت انگلستان می‌ترسید که اگر دولت روسیه از جانب ایران آسوده خاطر شود برای مستعمره هندوستان خطرناک گردد.

بس از ورود نمایندگان دولت روسیه بدتبریز سر هارفورد جونز در نامه مورخ اکتبر ۱۸۰۹ (رمضان ۱۲۲۴) از میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا تقاضا کرد که رونوشت

۱ - نامه عباس میرزا به تور موسوف

London: P.R.O.P.Fo.60.T . II

۲ - نامه مورخ ۳۰ اوت ۱۸۰۹ تور موسوف به عباس میرزا

London : P.R.O.P.Fo.60.T.II

3- Sir - Gore - Ouseley

مکاتبات متبادله میان ژنرال تورموسوف و ولیعهد ایران را برای اطلاع وی بفرستد. در ضمن سفیر کبیر انگلستان نظریات و دلایل چهار گانه خود را بر ضد انعقاد امضای قرارداد متار که یا انعقاد صلح با دولت روسیه چنین شرح میدهد: «اولاً اصرار تورموسوف برای انعقاد معاهده صلح ثابت میکند که قوای روس برای ادامه جنگ کافی و مجهز نیست ثانیاً برای اثبات همین موضوع توجه میرزا بزرگ را بشکایت تورموسوف درباره پیشرفت یکدسته از لشکریان ایران تحت فرماندهی محمدعلی میرزا دولت‌شاه جلب کرده و این مطلب را دلیل دیگری بعدم قدرت نظامی دولت روسیه باده جنگ میداند ثالثاً سرهارفورد جونز نشان میدهد که بر طبق نوشته‌جات تورموسوف دولت روسیه بهیچوجه حاضر نیست شرایط صلحی را که قبلاً از طرف گودوویچ پیشنهاد شده تغییر دهد - آخرین دلیل سفیر انگلیس اینست که دعوت دولت روسیه از دولت ایران برای اعزام یککنفر نماینده به دربار سن پترزبرگ ممکن است بروابط تهران و قسطنطنیه خللی وارد کند.

سرهارفورد جونز در نامه مورخ سپتامبر ۱۸۰۹ (شعبان ۱۲۲۴) خود به روبرت آدر^(۱) وزیر مختار بریتانیای کبیر در قسطنطنیه تعقیب سیاست دوپهلوی خود را چنین توجیه میکند «هرگاه دولت روسیه بسیاست خود ادامه دهد و با انعقاد صلح با ایران موفق گردد بر نفوذ و تفوق ما در تهران و قسطنطنیه لطمه خواهد زد»^(۲) در همین نامه در جواب سؤالات روبرت آدر راجع به پیشنهاد باب عالی برای ایجاد اتحاد میان دو کشور ایران و عثمانی و تأثیر آن در تهران سرهارفورد جونز میگوید: «این پیشنهاد از طرف دولت ایران با حسن قبول تلقی خواهد شد زیرا ایرانیان عثمانیها را ملت مسلمان و هم کیش خود میدانند.»

نمایندگان اعزامی دولت روس نزد عباس میرزا پس از ملاقات با میرزا بزرگ پیشنهاد کردند قرار ملاقاتی برای تهیه کنفرانس مقدماتی میان میرزا بزرگ و ژنرال

1- Robert Adair

۲ - نامه مورخ سپتامبر سرهارفورد جونز بر روبرت آدر
London : p.R.O.p.Fo.60.T.II

تر موسوف داده شود. دربار تهران نظر نمایندهٔ بریطانیای کبیر را راجع باین ملاقات سؤال کرد سرهارفورد جونس جواب داد - «هیچگونه جواب مثبتی قبل از نوروز نباید به بارون ورد داده شود»^(۱). در همین نامه سفیر انگلستان پس از بیان دلایل زیادی برای مخالفت با مکاتبه و اعزام نماینده از طرف دولت ایران برای انعقاد معاهدهٔ تعرضی و تدافعی میان دولتین ایران و روس میگوید وی نمیتواند قبل از وصول نظر دولت متبوع خود در این مورد اظهار نظر کند. راجع باصرار بارون ورد برای فراهم آوردن وسایل ملاقات میان میرزا برك و ترمرسوف برای تهیهٔ مقدمات کنفرانس صلح سرهارفورد جونس عقیده دارد که نتایج چنین کنفرانسی بضرر دولت ایران خواهد بود زیرا سیاست تحريك حس حسادت و دشمنی میان دولتین ایران و عثمانی بنفع دولت روسیه تزاری است. مساعی سرهارفورد جونس برای ممانعت از نزديك شدن دولتین ایران و روس به نتیجه رسید و مذاکرات و ملاقاتهای نمایندگان دودولت بالاخره میسر نشد.

تأثیر عقیده و نفوذ سرهارفورد جونس در دربار ایران از مضمون فرمانی که فتحعلی شاه بعنوان عباس میرزا فرستاده بخوبی معلوم میگردد در این فرمان پادشاه ملاقات میرزا بزرگ را با ترمرسوف اجازه داده و دستور میدهد نمایندهٔ ایران باید سعی کند که در این کنفرانس مقصود واقعی و میل دولت روسیه را بفهمد و مذاکرات را با نهایت احتیاط و فطانت و دوربینی ادامه دهد و بدون هیچگونه ابهامی به ترمرسوف اظهار کند که دولت ایران متحد دولتین انگلستان و عثمانی است بنابراین تمام تصمیماتی که اتخاذ خواهد شد بایستی بر اساس تأمین منافع سه کشور متحد انجام پذیرد^(۲). بالاخره پس از مذاکرات زیاد میان نمایندگان دولت روس و دولت ایران مقرر شد ملاقاتی میان ژنرال ترموف و میرزا بزرگ در عسکران انجام گیرد.^(۳)

۱ - نامهٔ سرهارفورد جونس به میرزا شفیخ بتاریخ ۱۸ فوریه ۱۸۰۹

Lon don : p.R.O.p.Fo.60.T.III

۲ - فرمان مورخ ۶ صفر ۱۲۲۵ (۱۶ مارس ۱۸۱۰ فتحعلی شاه به عباس میرزا

Lon don : P.R.O.P.Fo.60.T.III

۳ - نامهٔ مورخ ۱۷ مه ۱۸۱۰ سرهارفورد جونس به کنت باترست Bathurst

وزیر مستعمرات دولت انگلستان Lon don : P.R.O.P.Fo.60.T.III

بمحضراطلاع ازاینکه تشکیل کنفرانس میان سیاستمدارایرانی و ژنرال روسی حتمی است نماینده انگلستان از میرزا بزرگ تأمین و تعهد گرفت در صورت انعقاد پیمان متار که میان دولتین ایران و روس منافع دولت عثمانی تضمین و منظور گردد^(۱). باین ترتیب در تاریخ ۱۰ ربیع الاول ۱۲۲۵ (۱۵ آوریل ۱۹۱۰) میرزا بزرگ برای حضور در محل کنفرانس تبر بزرگ ترک گفت.

برای مطمئن ساختن دولت عثمانی از جریان مذاکرات دولتین روس و ایران سرهارفورد جونز در نامه خود به روبرت آدر که در تاریخ اول آوریل از تبریز نوشته شده تصریح میکند که میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا را رضی شده است که در صورت انعقاد معاهده صلح یا پیمان متار که با دولت روسیه ماده ای بگنجانند که مطابق آن روسها از هر گونه تعرضی باراضی دولت عثمانی خودداری کنند، با اطمینان ازاینکه مذاکرات میان دولتین ایران و روس بنتیجه نخواهد رسید سرهارفورد جونز در همین نامه به روبرت آدر اعلام میدارد «نظر باینکه منظور و هدف نهائی ترموسوف پس از انعقاد معاهده صلح و یا امضای پیمان متار که با دولت ایران حمله بخاک عثمانی است پس فرمانده کل قوای روس بگنجانیدن ماده بیستنهادی از طرف نماینده دولت ایران رضا نخواهد داد»^(۲).

نماینده بر بطنای کبیر در پیشرفت مقصود خود تردیدی نداشت برای احتراز از هر گونه بیش آمدن غیر متركب هنگامی که میرزا بزرگ در عسکرن بود سرهارفورد جونز جهت تهیه متن و مواد پیمان متار که ای که بایستی بوسیله میرزا بزرگ بژنرال ترموسوف تسلیم گردد در تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۲۲۵ (۱۵ مه ۱۸۱۰) به تبریز نزد عباس میرزا رفت^(۳).

۱ - نامه مورخ ۱ آوریل ۱۸۱۰ سرهارفورد جونز به روبرت آدر
Lon don :P.R.O.P.Fo 6o.T.III

۲ - نامه سرهارفورد جونز به روبرت آدر
L ondon:P.R.O.P.Fo.6oT.III

۳ - نامه مورخ ۲۷ مه ۱۸۱۰ سرهارفورد جونز به باتر
London: P.R.O.P.Fo.6oT.III

برای اینکه طرح مزبور مورد قبول دولت روسیه واقع نشود نماینده بریتانیای کبیر مواد آنرا طوری تنظیم کرد و در متن آن اصطلاحاتی بکاربرد که منظور سیاسی دولت انگلستان را تأمین می نمود. این طرح در شش ماده تهیه شده بود و مواد ۶ و ۷ آنرا که باعث شکست مذاکرات عسکران گردید در اینجا ذکر میکنیم:

ماده ۵: در مدت اعتبار این قرارداد قوای ایران در آذربایجان و قوای روس در گرجستان نباید اضافه و یا تعویض شود.

بادر نظر گرفتن اتحاد میان دولتمین ایران و عثمانی در مدت اعتبار این قرارداد هر گاه قوای روس بنقاطی از سرحدات حمله کنند این حمله اختلاف نظر میان دربارهای ایران و عثمانی ایجاد خواهد نمود. بنابراین نمایندگان مختار موافقت میکنند که در طول مدت این قرارداد قوای روس بهیچ یک از نقاط سرحدی عثمانی بخصوص شهرهای قارص و وان و آلکالسیکه^(۱) حمله نکنند.

ماده ۶: هر گاه در مدت اعتبار این قرارداد پادشاه ایران مناسب دانست سفیری برای پیشنهاد صلح به سن پترز برگ بفرستد دولت روسیه تخیله تمام گرجستان و استرداد تمام ایالات اشغالی ایران را بعنوان اساس معاهده صلح قبول میکند^(۲).

ولی چنانکه سرهاردورد جونس پیش بینی کرده بود زمامداران روس پیشنهاد های دولت ایران را قبول نکردند و قراردادی در ۱۲ ماده بنمایند ایران ارائه دادند. مواد این قرارداد باندازه ای بامواد پیشنهادی دولت ایران مغایرت و مباينت داشت که بالاخره مذاکرات عسکران سرنگرفت و میرزا بزرگ بدون اخذ کمترین نتیجه به تبریز مراجعت کرد و ژنرال ترموسوف عازم تفلیس شد. جمادی اول ۱۲۲۵ (ژوین ۱۸۱۰) نماینده بریتانیای کبیر وقتی از نتیجه مذاکرات عسکران اطلاع حاصل کرد

1 -- Alkalsikeh

۲ - طرح يك قرارداد متار که میان دولتمین روس و ایران که از طرف سرهاردورد جونس تهیه و در تاریخ ۱۵ مه ۱۸۱۰ تقدیم گردیده است

بلافاصله وزارت امور خارجه انگلستان را از قطع مذاکرات میان دولتین ایران و روس در جریان گذاشت. (۱)

سرهارفورد جونز در تاریخ ۲۴ مه نیز استراتفورد (۲) کانینگ سفیر کبیر انگلستان را در قسطنطنیه که جانشین روبرت آدر شده بود از قطع مذاکرات میان دولتین ایران و روس مطلع ساخت (۳).

استراتفورد کانینگ بنوبه خود خلاصه چند نامه مجرمانه را که روش و سیاست کلی دولت روسیه را روشن میسازد برای اطلاع سفیر انگلستان در ایران ارسال داشته (۴) و از موقعیتی که در مسائل ایران و روس نصیب وی شده تبریک میگوید:

۱ - نامه مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۸۱۰ سرهارفورد جونز به ولزلی

London : P.R.O.P.Fo.60.T.III

2 - stratford - Canning

۳ - نامه مورخ ۲۴ مه سرهارفورد جونز به استراتفورد کانینگ

London: P.R.O.P.Fo.60.T.III

۱ - خلاصه چند نامه مجرمانه که از سن پترز برگ بدست استراتفورد کانینگ رسیده و وی رونوشت آنها را برای اطلاع سرهارفورد جونز ارسال داشته بود: «در روسیه بعلمت خرابی فوق العاده اوضاع مالی که مواجه باورش کسب است امیدوارند چنگ را خاتمه دهند. نتیجه این جنگها و مخصوصاً ادامه دوجنگ عثمانی و ایران که فعلاً در جریان است محتاج بمقادیر فوق العاده زیاد پول است که در حال حاضر در روسیه کمیاب میباشد. بطوریکه ادامه این دوجنگ با وضعی که مالیه دولت روسیه گرفتار شده برای این دولت غیر ممکن است».

«برای انعقاد معاهده صلح با ایران منتظر امضای پیمان متار که هستند که بعلمت اشغال ایمرسی از طرف سپاهیان امپراطوری و حبس پادشاه سلیمان بعلمت خیانت بدولت روسیه بتأخیر افتاده است - اشغال ایمرسی هنوز اعلام نشده ولی میگویند با انضمام این ناحیه علاوه بر اینکه دولت روسیه بقلاع مستحکمی دست خواهد یافت که برای ادامه جنگ باعثمانیها درجهه طراپوزان بی نهایت مفید است چهل هزار نفر نیز بجمعیت آن دولت اضافه خواهد شد - واگذاری دویالت همجوار گرجستان را از ایران میخواهند البته این امر بنظر هر شخص فهمیده نامعقول بنظر میرسد زیرا روسها که توانستند ایران را متصرف شوند چگونه میخواهند که پادشاه ایران این ایالت را با انعقاد معاهده صلحی بدولت روسیه واگذار کند؟ مسیولان از متصدی امور فرانسه در دربار ایران در اینجا است و طرف توجه

بقیه حاشیه در صفحه ۸۹

« شما می‌توانید متوجه خدمت مهمی باشید که با ممانعت از امضای قرار متار که و یا پیمان صلح میان دولتین ایران و روس بمنافع عمومی انجام داده‌اید. » استراتفورڈ کانینگ از نظر یک نفر بریطانیائی چنین قضاوت می‌کند : « بزرگترین خدمتی که شما انجام داده‌اید اینست که توانسته‌اید جنگ را باشدت هرچه تمامتر میان ایران و روس ادامه دهید آلکساندر از انعقاد پیمان صلح میان دولتین روس و ایران مأیوس و ناامید شده‌است » (۱)

بقیه حاشیه از صفحه قبل

امپراطور آلکساندر نیز می‌باشد - وی منتظر ورود سفیر ایرانست معلوم نیست بچه علت پادشاه ایران بایستی نماینده‌ای باینجا بفرستد در صورتیکه وی می‌تواند معاهده صلح را در همان سرحدات خود منعقد کند . این نکته نیز شایان توجه است که در بار روسیه محکوم به تعقیب یک سیاست ناپایدار و تغییر پذیر و غیر مطمئنی است که بهیچوجه با منافع آندولت و منافع اروپا تطبیق نمی‌کند .

« در اینجا هنوز هم زیاد علاقمند با اصول سیاست فرانسه هستند . امیدوارند بزودی بدو جنگ ایران و عثمانی بزور اسلحه خاتمه داده خواهد شد . با وجود تمام ملاحظات که بایستی در نظر گرفت روسها در عقیده خود راجع بآن عقاد قریب الوقوع پیمان صلح با ایران راسخ می‌باشند و امیدوارند که این صلح با ورود نماینده ایران عملی خواهد شد . همچنین انتظار دارند که پس از عبور لشکریان روس از رود دانوب جنگ با عثمانیها نیز بزودی خاتمه خواهد یافت .

استاد منظم بنامه استراتفورڈ کانینگ که در اول اوت ۱۸۱۰ به سرهارفورڈ جونس فرستاده شد .

London: P. R. O. P. Fo. 60. T. III

۱ - نامه مورخ ۱۱ اوت ۱۸۱۰ استراتفورڈ کانینگ به سرهارفورڈ جونس

London: P. R. O. P. Fo. 60. T. III

۵ = اتحاد ایران و عثمانی از رجب ۱۲۲۵ تا معاهده بخارست جمادی الاول ۱۲۲۷ (اوت ۱۸۱۰-۱۸۱۲)

در نتیجه اقدامات سرهارفورد جونز و استراتفورد کاینک بالاخره پیمان اتحادی
میان دولتین ایران و عثمانی در ماه رجب ۱۲۲۵ (اوت ۱۸۱۰) بامضاء رسید.
پس از قطع مذاکرات صلح با روسها جنگ در طول تمام جبهه‌های ایران و عثمانی
از نو بدست آغاز شد (۱).

بعد از مستشاران نظامی انگلیس و وصول توپ و مهمات مختصر بهبودی در وضع
سپاهیان ایران حاصل شد. مهندسین انگلیسی در طول کرانه‌های رودارس به تحکیم
نقاط سوق الجیشی پرداختند. از طرف لشکران در کنار دریای خزر بیک حمله لشکریان
روس با موفقیت جواب داده شد و اقدامات دشمن عقیم ماند.

سال ۱۲۲۶ (۱۸۱۱) نسبتاً آرام بود زیرا دولت روسیه از یکطرف مصمم بود
پنهانی و ناگهانی به لهستان حمله کند.

از طرف دیگر میخواست جنگ را بدست بر ضد عثمانیها ادامه دهد. و با این ترتیب
تمام فعالیت زمامداران روسیه از طرف دانوب بر ضد عثمانیها و از سمت مغرب بر ضد
دولت لهستان متوجه بود نیات خصمانه آلکساندر از همان ملاقات ارفورت (۲) بر ضد
ناپلئون معلوم بود بطوریکه در تاریخ ۳۱ دسامبر بنادر روسیه را بروی کشتیهای تجارتنی
با انگلستان باز کرد و دستور داد بحقوق گمرکی مال التجارهائی که از فرانسه وارد
میشود بیفزایند و با ادامه این روش از طرف دولت روسیه سیاست محاصره ناپلئون

۱ - نامه مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۸۱۰ سرهارفورد جونز به ولزلی

برضد دولت انگلستان ضربه شدیدی وارد آمد .

پس از این اقدام آلکساندر موفق شد سوئدیها ودانمارکی ها را نیز از فرانسه دور کند . مترنیخ^(۱) با اینکه همه گونه وعده مساعدت به ناپلئون داده بود با آلکساندر اطمینان داد که در صورت ظاهر جنگ را برضد دولت روسیه اعلام خواهد کرد بدون اینکه بهیچوجه بر تعداد سپاهیان اطریش بیفزاید . علاوه بر این يك قرارداد سری در تاریخ ۲ ژوئن ۱۸۱۱ میان دولتین روسیه و اطریش باهضاء رسید و مترنیخ با اتخاذ این روش یعنی تعقیب يك سیاست دوپهلو استقلال اطریش را تأمین نمود و منتظر شد تا فرصت مناسب تری بدست آید .

در جنگ با عثمانیها روسها موفقیت بیشتری داشتند پس از شکست های پی در پی در جبهه دانوب که از طرف ژنرال باگراسیون به عثمانیها وارد آمد آندولت در تلاش بود که بحمله سختی در جبهه قفقاز برضد دولت روسیه اقدام نماید .

بهین مناسبت در ماه ربیع الثانی ۱۲۲۶ (آوریل ۱۸۸۱) هیئتی از طرف دولت عثمانی مرکب از سید عبدالوهاب افندی و حیرت افندی به همراهی چهار نفر افسر مهندس برای حل يك اختلاف مرزی و بمنظور تشدید اتحاد نظامی میان دو دولت بتهران وارد شد.

پس از تبادل افکار و جلب نظر افسران تصمیم گرفته شد که سپاهیان ایران و عثمانی از ماه جمادی الثانی (ژوئن) حملات خود را متحداً در سمت تفلیس ادامه دهند.

متأسفانه نقصان وسایل حمل و نقل جریان عملیات را کند ساخته و نقشه روسها را که ممانعت از الحاق قوای ایران و عثمانی بود بی نهایت آسان میکرد تازه لشکریان ایران از شوره گل و سپاهیان عثمانی از قرارگاه خود از قارص حرکت کرده بودند که بواسطه حملات شدید ژنرال پولوچی^(۲) مجبور شدند بقارص عقب نشینی کنند و لشکریان ایران پس از چند روز مقاومت بسمت ایران پس نشستند.

اوضاع اروپا با سرعت فوق العاده دگرگون میشد. دولت روسیه مصمم بود که

1 - Metternich

۲ - Paulucci

بلهستان حمله کند و با ناپلئون از در جنگ در آید. بهمین جهت آلکساندر تعجیل داشت که بجنگ با دولت عثمانی هر چه زودتر خاتمه دهد بخصوص که این دولت در جبهه دانوب و قفقاز باشکست های شدیدی مواجه گردیده بود. سرانجام هنگامی که نزدیک بود حمله ناپلئون بروسیه آغاز گردد آلکساندر اجازه داد پیمان صلح با دولت عثمانی منعقد شود و عهدنامه صلح بخارست در تاریخ ۲۸ مه ۱۸۱۲ جمادی الاول ۱۲۲۷) میان دو دولت با امضاء رسید. و با این ترتیب ژنرال چیت چاقوو^(۱) که جانشین ژنرال کوتوزوو^(۲) شده بود موفق شد بسمت شمال پیشروی کند در صورتیکه لشکریان آسیائی تزار که از جانب دولت عثمانی آسوده خاطر شده بود برضد دولت ایران بمشرق جبهه قفقاز متوجه شدند

1 - Tchitchacow

2 - Koutosow

فصل چهارم

۱- مرحله سوم جنگهای ایران و روس از امضای معاهده بخارست

جمادی الاول ۱۲۴۷ (۱۸۱۴م) تا امضای معاهده گلستان

ذی‌قعدة ۱۲۴۸ (اکتبر ۱۸۱۳)

با امضای پیمان صلح بخارست جنگ میان دولتهای روس و عثمانی پایان یافت و سپاهیان عثمانی در جبهه‌های اروپا و قفقاز دست از تعرض برضد قوای روسیه برداشتند. لشکریان تزار چون از جانب عثمانی آزاد و آسوده خاطر شدند بحملات جدی بر ولایات ایران پرداختند. تخلیه جناح چپ جبهه قفقاز از طرف لشکریان عثمانی صدمه جبران ناپذیری بوضع نظامی سپاهیان ایران وارد ساخت. روسها در جبهه ایران از سمت شوره گل بحملات و پیشرفتهای خود ادامه دادند.

در ضمن پیشرفت، مأمورین و نظامیان روس، اهالی تمام نقاطی را که از آغاز جنگ برای حفظ منافع وطن خود برضد روسها اقدام کرده بودند مورد شکنجه قرار دادند. بچه‌های خردسال را در آبخوش انداختند و مردان و زنان را بچهارمیخ کشیدند؛ سکنه ایالات سرحدی شمالغربی قفقاز بخصوص مردم قره‌باغ در مقابل فجایع و تعدیات روسها بقرارگاه عباس‌میرزا پناه آوردند. ولیعهد ایران مجبور شد پناهندگان را از صحنه عملیات دور سازد و در آذربایجان سکونت دهد. این نقل و انتقالات مستلزم صرف هزینه‌های فوق‌العاده بود که بناچار از جیره و اعتبار سر بازان تأمین شد.

تعدی و بدرفتاری روسها از ماه جمادی‌الثانی باینطرف یعنی یکماه پس از امضای معاهده بخارست شروع شد.

این طرز رفتار و اوجافات روسها باعث ایجاد شورش و انقلاب عمومی در تمام

نواحی اشغالی گردید. عصیان و انقلاب بگرجستان نیز سرایت کرده و در آنجا اسکندر میرزا از اولاد هراکلیوس که نسبت بدولت ایران وفادار مانده بود در راس شورشیان قرار گرفت. روسها همه جامورد حملات مسلمانانی قرار گرفتند که از فجایع و مظالم ایشان جان بدر برده بودند.

سر گوراوزلی^(۱) سفیر بریطانیای کیمیر در ایران و یکونت کاسلره^(۲) وزیر امور خارجه انگلستان را باین عبارات از جریان اوضاع نواحی اشغالی روسیه مستحضر میسازد: «از وقتی که اسکندر میرزا والی گرجستان که نسبت بدولت ایران وفادار مانده شورش و انقلابات عمومی بر پا کرده است قسمت اعظم نواحی اشغالی دولت روسیه با عصیان و انقلابات عمومی و مداوم مواجه است و باین ترتیب دولت ایران حاضر نخواهد شد قبل از تصرف گرجستان بادولت روسیه کنار بیاید.»^(۳)

1 - Sir - Gore - Ouseley.

2 - Viconte - Castlercagh.

۳ - نامه سر گوراوزلی به ویکونت کاسلره

London: P. R. O. P. Fo. 60, T. VII

۲ = مقدمات انعقاد معاهده گلستان

بی نتیجه بودن وساطت انگلستان و مذاکرات اعلان دوز

سیاستمداران انگلیسی که در سال ۱۸۱۲ (۱۲۲۷) از فتوحات ناپلئون در اروپا فوق العاده نگران بودند، سعی داشتند که دولتهای سوئد و روسیه را از دولت فرانسه جدا سازند. بارسیدن کاسلره، بوزارت امور خارجه بالاخره دولت انگلستان موفق شد در ۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ (۶ رجب ۱۲۲۷) پیمان اتحادی باتزار آلکساندر امضاء کند.

در جریان ماه آوریل یعنی دوماه قبل از امضای پیمان اتحاد دولت روسیه بوسیله سفیر اسپانیا کمک دولت انگلستان را تقاضا کرده و از آندوات مخصوصاً درخواست نمود که آلمانها و اسلاوهای آدریاتیک را مسلح کند و ارتشهای اسپانیا و سوئد را تقویت نماید و عملایشان دهد که جنگ جدید بر ضد دولت فرانسه اصولاً جنگ برای استخلاص و استقلال ملت هاست.

در مشرق نیز به همین منوال دولت روسیه میانجی گری انگلستان را تقاضا کرد. قیامها و اغتشاشات مداوم در نواحی متصرفی روس، تهیه و تجهیزات قوای ابران برای حمله و مخصوصاً عزیمت ارتش بزرگ ناپلئون بطرف روسیه، ژنرال نیکولا دوریچف^(۱) جانشین ژنرال ترموسوف را مجبور و وادار کرد که تا وصول اخبار صحیح از هجوم و استیلاي فرانسویان از حملات خود در جبهه ابروان بکاهد.

در نتیجه همین تحولات سیاسی و نظامی و وضع جبهه های غربی روسیه بود که ژنرال نیکولا دوریچف فرمانده کل قوای قفقاز کلنل فریقان^(۲) مشاور در باروماژور

1- Nicolas-De-Ritcheff.

2- Colenel-Freygang.

پاپف^(۱) را برای ملاقات سرگوراوزلی سفیر انگلستان بایران فرستاد.^(۲) هیئت نمایندگان روس حامل نامه‌هائی از طرف دوک دوسراکاپریولا^(۳) نماینده پادشاه دوسیسیل^(۴) در دربار سن پترزبرگ بود. در این نامه‌ها تصریح شده بود که استرانفورد کانینگ سفیر بریطانیا در باب عالی از نماینده دوسیسیل در دربار آلکساندر تقاضا کرد ماست که از بذل مساعدت برای پابان دادن بجنگ روس و ایران مضایقه ننماید.^(۵)

1 - Papoff

۲ - نامه مورخ ۲۷ ژوئن ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به دوک دوسراکاپریولا

London: P.R.O: P.Fo 60T.VI

3 - Duc - De - Serra CaprioIa.

4 - Deux - Siciles.

۵ - بمناسبت ارزش تاریخی نامه مطول دوک دوسراکاپریولا به سرگوراوزلی که سیاست کاسلره را روشن کرده و اهمیت جنگ ایران را از نظر دولت روس نشان می‌دهد بترجمه قسمتی از آن مبادرت می‌کنیم.

«من که این نامه را بدون داشتن افتخار شناسائی بشما مینویسم امیدوارم آثار غیر عادی تلقی نفرمائید. فوریت امور که دولت انگلستان اینهمه بدان اهمیت می‌دهد و مایست که انعقاد پیمان صلح را میان دولتین ایران و روس مشاهده کند، خوشبختی که با جلب اعتماد سفیر انگلستان نصیب من گردید و توانستم بنام وزیر اعلیحضرت پادشاه دوسیسیل تمایلات دولت شما را نزد اعلیحضرت امپراطور روسیه ابراز دارم، دلایلی است که بمن اجازه داد باین اقدام مبادرت کنم و اطلاعات مهمی حاکی از وسعت دامنه تسکینات برای انعقاد پیمان صلح مفید بحال دولتین ایران و روس که دولت انگلستان نیز جداً طالب آنست در دسترس شما بگذارم.

«مسیو کانینگ سفیر انگلستان در قسطنطنیه که باوی افتخار مکاتبه را دارم از هنگامیکه استقرار صلح دولتین روسیه و باب عالی بمعهده ایشان محول گردیده آثار جدیت خود را نشان داده و موضوع مأموریت محوله را بجائی که مورد علاقه بود رسانیده است و در تاریخ ۱۹ فوریه بمحت نوشته که ضمن مسائل مورد بحث که عثمانیها مطرح می‌کنند می‌خواهند پیمان صلح با آن دولت مضمن صلح میان دولتین ایران و روس نیز باشد.

«من که افتخار داشتم در چندین جلسه کنفرانس با کنت دورومانزوف Conte-Romanzoff صدراعظم امپراطوری روسیه شرکت کنم همین موضوع را با ایشان در میان گذاشتم - جناب ایشان اظهار داشتند که جنگ با ایران کاهلا مشخص و متفاوت با جنگی است که اعلیحضرت امپراطوری باتر که دارد، ازومی ندارد و حتی خوش آیند هم نیست که این دو جنگ باهم مخلوط شود. این عمل برای دولت مقتدری مانند ایران یکنوع

بقیه حاشیه در صفحه بعد

نمایندگان روسیه در تاریخ ۱۲ جمادی الاول ۱۲۲۷ (۲۴ مه ۱۸۱۲) به تبریز

بقیه حاشیه از صفحه قبل

تحقیرویی احترامی است که بدون اطلاع و برای آن دولت معاهده‌ای بامضاء برسد که دولت ایران را تحت حمایت و تابع سیاست دولت عثمانی قرار دهد ولی اعلیحضرت امپراطور حاضر است با دولت ایران صلحی براساس وضع حاضر و بوسیلهٔ سفیر انگلستان در ایران منعقد سازد ...

«تصدیق میکنید که من مضایقه نکردم چنین خبری را فوراً با اطلاع مسیو کانینک برسانم تا مشاوریه باب عالی را از موضوع مستحضر سازد و به شما نیز اطلاع دهد تا در نتیجه بتوانید اقدام کنید .

« اکنون افتخار دارم این خبر را بشما مستقیماً ابلاغ کنم که در ضمن ملاقات دیگری که با صدر اعظم امپراطوری کردم بمن اظهار داشت علاوه بر آنچه که بمسیو کانینک نوشته شده برای اثبات تمایلی که اعلیحضرت امپراطور جهت امضای معاهدهٔ صلح با پادشاه ایران دارد نه تنها حاضر است پیشنهاد های خود را با تقلیل آنها بوضع حاضر تعدیل کنند بلکه میخواهد تمام اختیارات سلطان فعلی و تمام عناوین را بشناسد ... اقدامات مفید شما مورد قبول بوده و فرمانده کل قوا در گرجستان دستور داده شده است که مذاکرات را بوسیله شما شروع کند .

« گمان میکنم ناچارم بشما اطلاع دهم که در دوم ماه جاری امپراطور بوسیلهٔ صدر اعظم بمن اجازه داد جوابی بمسیو کانینک بدهم که مضمون آن نه تنها تسهیلات مهمی برای انعقاد پیمان صلح با امپراطوری عثمانی را فراهم میسازد بلکه امپراطور امضای يك پیمان اتحاد تعرضی و دفاعی را باتضمن متقابل در برابر حملهٔ یکی از دول اروپائی پیشنهاد میکند این رویه بطور کامل و صریح ثابت میکنند که دولت روسیه به بقای امپراطوری های عثمانی و ایران تاجه حد علاقمند است دریافت این خبر از پیش بشما کمک خواهد کرد که پادشاه ایران را متقاعد کنید و مذاکرات صلح را که این همه مورد توجه دولت شماست و در وضع حاضر تا این حد ضروریست تسریع نمایند .

« ملاحظه میکنید که وضع فعلی روسیه و ساطت صریحی را اجازه نمیدهد ولی اقدامات مفید و دخالت شما این موضوع را جبران خواهد کرد . مخصوصاً اگر توجه داشته باشید که با هم آهنگ کردن این اقدامات مفید با اساس طرحی که از طرف دولتین روس و انگلیس در دست تهیه است کمک خواهد شد من هیچ تردید ندارم که شما با اهمیت این حقیقت پی برده اید و هیچ اشکالی در این خصوص مشاهده نمی کنید و اگر با اشکالی مواجه شوید در رفع آن ابداء کوتاهی نخواهید فرمود تا بسهم خود در این کار مهم که تا این حد مقصود نفع مصالح عمومی است توفیق یابید .

« قبلاً بشما اطلاع میدهم حدس میزنند که در ضمن پیشنهادهای مختلفی که بنابارت در

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

وارد و منتظر ورود سرگوراوزلی سفیر کبیر انگلستان شدند.

علاوه بر این اقدامات "ژنرال دوریچف" مأمور گرداندهای بعنوان عباس میرزا تسلیم نماید که در آن نامه مجدداً برای ختم غائله پیشنهاد سازش شده بود. در این موقع با امضای معاهده اتحاد میان دولتین روس و انگلیس منافع بریتانیای کبیرایجاب میکرد که قوای روس از سرحدات قفقاز آزاد گردد تا نقشه بزرگ دفاعی بر ضد ناپلئون و منفعت عملیات مهمتری که برای تأمین مصالح عمومی ضرورت داشت تکمیل شود. در تعقیب همین سیاست بود که بالاخره سفیر انگلستان پس از اصرار زیاد در ماه جمادی الثانی ۱۲۲۷ به تحصیل اجازه از طرف فتحعلی شاه موفق شد که برای عقد قرارداد صلح با روسها داخل مذاکره شود. (۱)

نماینده بریتانیای کبیر در تاریخ ۸ جمادی الثانی ۱۲۲۷ (۱۹ ژوئن ۱۸۱۲) وارد تبریز شد و پس از مذاکرات و ملاقاتهای متعدد با نمایندگان دولت روس و عباس میرزا رضایت و لیعهد ایرانرا برای انعقاد معاهده صلح بفرمانده کل قوای روس اطلاع داد و بهمین منظور روبرو گردید (۲) را که مورد اعتمادی بود برای مذاکرات صلح میان دولتین روس و ایران نزد ژنرال دوریچف فرستاد (۳). جمیع مودیه (۴) وابسته

آخرین مرحله برای اجتناب از جنگ بدولت روسیه خواهد کرد یکی تقسیم امپراطوری عثمانی و منظور کردن ماده مخصوصی است برای اجازه عبور ارتشی از اراضی امپراطوری عثمانی که باید از راه ایران برای حمله به هندوستان اعزام گردد. بنا بر این برای جنگ کاملاً آماده است باز هم میخواهد تمام وسایل را برای اجتناب از جنگی که نتیجه آن قابل تردید است بکار برد. بنا بر این فوق العاده اهمیت دارد که قبلاً و سائلی که بنا بر این با اینهمه مهارت از آنها استفاده میکنند از بین برداشته شود و خاتمه دادن باختلافی که میان دولتین روس و ایران حکم فرماست از جمله این وسایل بشمار میرود.

« لازم میدانم مسیو کابینک و وزارت خارجه انگلستان را از این اقدام خود مطلع نمایم.

سن بطر زبرگ ۱۵ آوریل ۱۸۱۲

دوک دوسرا کاپریولا London: P.R.O.P.Fo. 60.T.VI

۱ - نامه مورخ ۲۷ ژوئن ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به وولزلی

London: P.R.O.P.Fo. 60.T.VI

2 - Robert Gordon.

۳ - نامه مورخ ۲۱ ژوئن سرگوراوزلی به ژنرال دوریچف

London: P.R.O.P.Fo. 60.T.V

4 - James Morier.

سفارت انگلیس در کتاب مسافرت خود بایران جریان اوضاع را چنین شرح میدهد: «در موقع ورود به تبریز در این شهر يك افسر روسی دیدم که از طرف ژنرال دوریچف فرمانده کل گرجستان برای ملاقات سرگوراوزلی آمده و حامل نامه‌هایی بود که تصمیم دولت سن پترزبرگ را برای شروع مذاکرات با دولت ایران بوسیله بریطانیای کمبر شرح میداد.

انقلابات جدید گرجستان که بنفع ایران بود بطوری غرور آندولت راز یاد کرده بود که بهیچ وجه حاضر نمیشد پیشنهادهای حریف را گوش بدهد. ولی با وجود دخالت و وساطت دولت انگلستان شاهزاده نتوانست تقاضای او را رد کند.

بنابر این سفیر انگلستان با رضایت شاهزاده، روبرگوردون را با افسر روسی به تفلیس فرستاد تا از ژنرال دوریچف مفهوم صریح یادداشت روس را سؤال کند و اطلاع حاصل نماید که دولت روس یک نفر نماینده تام‌الاختیار برای صلح در نظر دارد بانه «در اوایل ماه اوت ۱۹۱۲ (شعبان ۱۳۲۷) مراسلات روبرگوردون به تبریز رسید. جمش موریه مامور شد آنها را بعباس میرزا که در اردوگاه یام (۴۰ کیلومتری تبریز) اقامت داشت برساند.

جمش موریه میگوید یکی از نامه‌های فرمانده کل قوای روس حاوی رونوشت معاهده‌ای بود که جدیداً میان دولتین روسیه و عثمانی (مقصود معاهده بخارست میباشد) بامضاء رسیده بود^(۱) عباس میرزا این معاهده را در کمال سکوت و به تفصیل مطالعه کرد و ملاحظات و یادداشت‌های فوق‌العاده دقیقی در خصوص بعضی از مواد معاهده نمود. معلوم بود که شاهزاده اطلاع کامل از کیفیت روابط سیاسی موجود میان دو دولت دارد. علاوه بر این ژنرال دوریچف در مکاتبات تقاضای متار که جنگ را کرده و اطلاع داده بود که اختیارات تمام برای عقد قرارداد صلح دارد «در صورتیکه دولت ایران برای برداشتن اولین قدم صمیمانه مایلست من حاضر در نقطه‌ای از سرحد که از جانب طرفین تعیین خواهد شد حضور یافته در خصوص متار که جنگ مذاکره کنم و در ضمن

۱ - مکاتبات روبرگوردون با سرگوراوزلی

با نمایندگان نام‌الاختیار پادشاه ایران عباس میرزا و جنابعالی مذاکرات مربوط
باساس صالح را شروع نمایم. (۱)

دولت روس تقاضا کرده بود جنگ برای مدت چهل روز متار که شود در ماه
شعبان ۱۲۲۷ (اوت ۱۸۱۲) از طرف دولت ایران باین تقاضا موافقت شد و جنگ در
طول تمام جبهه متوقف گردید باستثنای ناحیه طالش که در آنجا مصطفی خان طالش
با کمک روسها اغتشاشاتی بر ضد دولت ایران بر پا کرده بود. فرمانده کل قوای روس
و عباس میرزا قرار بود یکدیگر را پس از انقضای مدت متار که در سلطان حصاری در
کنار رود ارس ملاقات نمایند ولی در اوایل ماه رمضان ۱۲۲۷ (سپتامبر ۱۸۱۲) ژنرال
حق وردی (۲) بمرکز ستاد عباس میرزا آمده و اظهار داشت نظر باینکه ایرانیان
بدستیاری اسکندر میرزا اغتشاشات گرجستان را برپا ساخته شروط متار که جنگ را
رعایت نکرده و محترم نشمرده اند ملاقات سلطان حصاری مورد نخواهد داشت، صاحب
ناسخ التواریخ در حسن نیت ژنرال روس بدون دلیل تردید دارد ولی بنظر می‌رسید که
این تغییر سیاست دولت روس با اوضاع مسکو که در دست سپاهیان ناپلئون بود بستگی
داشته است.

بدین معنی که فرماندهی روس گمان داشت فرارسیدن فصل زمستان با ایجاد
هرج و مرج و انحلال لشکریان فرانسه کمک کرده و در نتیجه فتح قطعی بادولت روسیه
خواهد بود بنابراین روسها حق داشتند که در برابر ایران پرتوقع باشند و همین انتظار
و بیش بینی عاقبت لشکریان فرانسه در روسیه از اهمیت و ضرورت صالح بادولت ابرانرا
میکاست. بعلاوه ژنرال حق وردی اظهار میداشت که ژنرال دوریچف دیگر اختبارات
نام برای امضاء و انعقاد معاهده صلحی که منافع دو کشور را تأمین کند ندارد. برای
حفظ ظاهر ژنرال حق وردی پیشنهاد کرد نمایندگانی از طرف دولت ابران برای
ملاقات با نمایندگان دولت روس باصلان دوزواقع در کنار رود ارس اعزام شوند.

۱- نامه مورخ ژوئیه ۱۸۱۲ ژنرال دوریچف بمرگوراولی

London: P.R.O.P.F. o. 60. T. VII

2 - Akwerdoff.

سرگوراوزلی که برای تسریع انعقاد معاهده صلح اصرار داشت عباس میرزا را باعزام میرزا ابوالحسن خان نماینده سابق ایران درلندن برای مذاکرات مقدماتی صلح مصمم گردانید. جمس موریه نماینده ایران برای شرکت در کنفرانس اعلان دوز حرکت کرد و دستورداشت قبلاً درضمن کنفرانس محرمانه‌ای با فرمانده کل قسوی روس ملاقات کند.

نمایندگان در تاریخ ۱۳ رمضان (۲۰ سپتامبر) از آق‌تپه مرکز ستاد ولیعهد ایران که از اعلان دوز چندان فاصله‌ای نداشت حرکت کردند و در همان وقت میرزا بزرگ وزیرعباس میرزا نیز مامور شد که دولت روسیه را از بی طرفی دولت ایران در اغتشاشات گرجستان مطمئن سازد.

جمس موریه پس از جلسات متعدد و تبادل نظر با روسها قرارگاه ژنرال دوریچف را در معیت ژنرال حق‌وردی که نماینده گی دولت روسیه را در مذاکرات عهده‌دار بود ترك گفت.

مذاکرات نمایندگان دو دولت فوق‌العاده دشوار و طولانی شد زیرا روسها به هیچ وجه نمیخواستند از پیشنهادهای سابق خود صرف نظر کنند و ایرانها حاضر نبودند بر اساس وضع حاضر^(۱) سازش نمایند بطوریکه از کنفرانس اعلان دوز نتیجه مطلوب بدست نیامد و امید انعقاد معاهده صلح قطع گردید و مذاکرات بدون نتیجه خاتمه یافت و در روز ۲۹ رمضان (۲۷ سپتامبر ۱۸۱۲) صورت مجلسی تنظیم شد که علت شکست مذاکرات را روشن میکند^(۲).

دولت روسیه شرایط آتی را که ممکن بود اساس معاهده صلح قرار گیرد پیشنهاد میکرد: نواحی که با نیروی سپاهیان روس فتح شده و همچنین مناطقی که تحت حمایت دولت روسیه قرار گرفته‌اند در تحت نفوذ و قدرت تزار باقی میماند. ناحیه طالش که بتازگی تحت حمایت دولت روس درآمده و سابقاً متعلق بدولت ایران بود از دولت ایران خواهد بود.

1 - Statu - Quo.

۲ - صورت مجلس مورخ ۲۷ سپتامبر مربوط به کنفرانس اعلان دوز

London : P.R.O.P.Fo.6o.T.VII

در صورتیکه ایرانیان این شرایط را قبول کنند امپراطور روسیه در حین انعقاد قرارداد فرمانفرمای فعلی ایران را بسمت پادشاه قانونی ایران شناخته^۱ عباس میرزا را بعنوان جانشین تاج و تخت ایران خواهد شناخت دولت روسیه همچنین تعهد میکند که در مقابل دشمنان دولت ایران با دولت کمک کند.

در مقابل پیشنهادهای نمایندگان دولت روس نماینده دولت ایران شرایطی را که ممکن بود از طرف دولت ایران پذیرفته شود بدین شرح بیان نمود: نواحی که سابقاً متعلق بایران بود و دولت روسیه بزور اشغال کرده و همچنین نواحی که سکنه آن در تحت حمایت دولت روس قرار گرفته اند بایستی بدولت ایران مسترد گردد. دولت ایران تعهد میکند پولی بدولت روسیه بپردازد و در مقابل دشمنان دولت روسیه نیرو به کمک آن دولت بفرستد.

با این ترتیب تباین و اختلاف نظر لایحل بود و چنانکه گفتیم کنفرانس اصلان دوز بدون اخذ نتیجه خاتمه پذیرفت.

مؤلف ناسخ التواریخ میگوید ایرانیان که تا کنفرانس اصلان دوز باقید و انتظار ملاقات عباس میرزا و ژنرال دوریچف بودند ملتفت شدند که تمام این ملاقاتها و مذاکرات تزویر و برای اغفال دولت ایران است. سرگوراوزای در نامه ای که بعنوان کاسلره^(۱) بلندن فرستاده عدم میل بسازش و لحن محکم نمایندگان ایران را در کنفرانس اصلان دوز بیشتر به نفوذ نمایندگان دولت فرانسه در بغداد متوجه میسازد و معتقد است نمایندگان دولت فرانسه که با اطرافبان و وزرای عباس میرزا مربوط هستند از پیشرفتهای درخشان بنای پارتسختن گفته و وعده میدهند که بزودی ایران را از دست روسها خلاص خواهد کرد.^(۱) در همین نامه نماینده دولت انگلستان از روابط میرزا بزرگ با نمایندگان دولت فرانسه در اسلامبول اظهار نگرانی کرده و میگوید که این وزیر مشغول عملیاتی بر ضد دولت انگلستان و بنفع دولت فرانسه است. وی تمام مساعی خود را برای برکنار ساختن میرزا بزرگ که مانع انعقاد پیمان صلح است بکار برده ولی باخذ نتیجه موفوق نگردیده است

1 - Castlereagh

۲ - نامه مورخ ۲۴ دسامبر ۱۸۱۲ سرگوراوزای به ویکونت کاسلیر

۳ - آخرین زدو خورد های سال ۱۲۲۷ (۱۸۱۲)

قبل از حرکت از اصلان دوز نمایندگان مقرر داشتند که در انقضای مدت معین جنگ مجدداً شروع شود .

امضاء کنندگان متار که ماه اوت ۱۸۱۲ (شعبان ۱۲۲۷) از عملیات مصطفی خان در طالش که از طرف روسها کمک و حمایت میشد (۱) اسمی نبرده بودند و اوضاع طالش رفته رفته بدتر میشد بطوریکه در رمضان ۱۲۲۷ (سپتامبر ۱۸۱۲) عباس میرزا تصمیم گرفت با انقلابات طالش خاتمه دهد . در این موقع سپاهیان روس از بل سالیان عبور کرده و به لنکران که در دست مصطفی خان بود رسیده بودند . عباس میرزا قسمتی از نیروهای جبهه شمال غرب را که در آنجا مخاصمه متوقف شده بود بطرف لنکران اعزام داشت . مصطفی خان که نمیتوانست به تنهایی در مقابل لشکریان ایران مقاومت کند بد هکده گامیشاوان حرکت کرد و این نقطه از طرف قوای ایران محاصره شد .

۱ - راجع بدخالت روسیه در ناحیه طالش بدرج خلاصه ای از نامه ژنرال ترموسوف به عباس میرزا که در آن رابطه آشوبگران طالش با دولت روس بیان شده مبادرت میکنیم: «... شمالشکری بطالش فرستاد بد که مطابق میل سکنة آن ناحیه در تحت حمایت دولت روسیه قرار گرفته است .. اکنون میتوانم رسید که من بایاد در امور این ایالت دخالت کنم زیرا این ایالت هیچ گاه تحت حمایت روسیه نبوده است .

» من چندین مرتبه وضع مصطفی خان را بشما بیان کردم . . تمام اهالی طالش حمایت دولت روسیه را خواستار شده اند و چندین کشتی جنگی امپراطوری هم اکنون برای حمایت ساکنین در ساحل این ناحیه لنکران داخته است .

«در سال ۱۸۰۲ هنگامیکه مصطفی خان برادرزاده خویش محمد بیگ را نزد ژنرال لیدمان گوازینین Leedmand - Gouzeen - اعزام داشت خود را تحت حمایت دولت روس قرار داده و معاهدای امضاء کرد و سوگند وفاداری نسبت باین دولت یاد نمود .

بعهدۀ اینجانب میباشد که بنام فرماندهی کل قوی و بموجب معاهده ای که میان مصطفی خان و دولت روسیه بامضاء رسیده از ناحیه طالش دفاع کنم .

نامه مورخ ۷ دسامبر ۱۸۰۹ ژنرال ترموسوف به عباس میرزا

هنگامیکه مذاکرات صلح میان نمایندگان دولتن روس و ایران در ماه اوت ۱۸۱۲ ادامه داشت لشکریان روس در جبهه قفقاز تقویت یافت زیرا شکست‌های پی‌درپی نیروهای ناپلئون در جبهه غربی روسیه با دولت اجازه میداد بفشار خود در جبهه قفقاز نسبت بدولت ایران بیفزاید. مدت متار که جنگ سپری شده بود ژنرال دوریچف به جبهه شمال‌غرب که عباس میرزا آنجا را برای قلع و قمع شورشیان ناحیه طالش ضعیف کرده بود حمله نمود. سپاهیان ایران در مقابل فشار قوای روس تا اصلان دوز عقب‌نشینی کردند و مدت ده روز در همان جا استقرار یافتند شوال ۱۲۲۷ (مطابق اکتبر ۱۸۱۲).

عباس میرزا وقتی از پیشرفت قوای روس اطلاع حاصل نمود بانیروی خود از اهر نقطه سوق الجیشی که مشرف با جلگه اصلان دوز و طالش میباشد حرکت کرد و با اصلان دوز رسید و قسمت اعظم لشکریان وی در سمت قره‌باغ بطرف شکی حرکت کرد. نماینده دولت انگلستان که بوسیله فرمانده نیروهای روس در گرجستان از امضای پیمان اتحاد میان دولتن روس و انگلیس اطلاع حاصل کرده بود^(۱) با فرمان انگلیسی که در ارتش ایران خدمت میکردند دستور داد پستهای خود را ترک گفته و بعداً نیز در عملیات نظامی بر ضد دولت روسیه شرکت نکنند^(۲).

بدین ترتیب یکبار دیگر ایران بانکاء اتحاد خود با دولت انگلستان فریب خورده و در یک همچو موقع سختی خیانت افسرانی را که عهده‌دار تعلیم سر بازاری بودند مشاهده میکرد. بی‌جهت نیست که میرزا بزرگ قائم مقام دریکی از نامه‌های خود سفیر انگلستان را متهم ساخته میگوید که انگلستان دوست سابق ایران و متحد فعلی دولت روسیه باعث شکست ایران گردید^(۳).

عباس میرزا تازه در اصلان دوز موضع گرفته بود که ژنرال کوتلور وویسکی^(۴)

۱ - نامه مورخ ۲۵ اکتبر ۱۸۱۲ سرگور او زلی به ویکونت کاسلیر

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VII

۲ - نامه مورخ ۳۶ نوامبر ۱۸۱۲ سرگور او زلی به ژنرال کوتلور وویسکی

London . P . R . O . P . FO . 60 . T . VII

۳ - نامه مورخ ۲۴ دسامبر ۱۸۱۲ سرگور او زلی به ویکونت کاسلیر

London : P . R . O . P . FO . 60 T . VII

4- Kutloroviski

بجمله مبادرت کرد. ولی با وجود نبردهای خونین جنگ بطول انجامید و عباس میرزا بایک حرکت ماهرانه تپدای را که از نظر نظامی به مواضع لشگریان روس مسلط بود اشغال کرد ولی در شب ۱۲ شوال ۱۲۲۷ (اکتبر ۱۸۱۲) روسها بوسیله جاسوسان خود از موضع نظامی عباس میرزا اطلاع یافتند و بجمله مبادرت نمودند. این بار شکست جبران ناپذیری بلشگریان عباس میرزا وارد آمد و سپاهیان وی در کمال آشفتگی متفرق شدند.

بنابر گزارشی که ژنرال دوریچف در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۸۱۲ بامپراطور داده است پس از این شکست: «فوجهای پیاده نظام جدید دولت ایران از پای درآمدند یا زده عراده توپ بغنیمت گرفته شد و در حدود ۵۰۰ نفر سرباز و عده زیادی افسر اسیر شدند» (۱) پس از این شکست ولیعهد بالهایت اشکال توانست از رودارس بگذرد و خود را نجات دهد.

نبرد اصلان دوز در واقع علامت شروع حملات عمومی و عملیات سریع در طول جبهه بود زیرا در همان موقع ژنرال کلوٹ (۲) که در گنجه بود سپاهیان سلیمان خان را درهم شکست و از رود کر عبور کرد. قوای مازور ژنرال لیسانیوویچ (۳) هم که نواحی پمباک را گرفته بودند لشگریان ایران را عقب زدند و بشهر ایروان حمله بردند. شهر ایروان که بوسیله سردار حسین خان «قهرمان صد جنگ» از سال ۱۲۱۸ (۱۸۰۳) دفاع میشد این بار نیز در مقابل حمله سپاهیان روس مقاومت کرد و آنانرا بمواضع نخستین خود عقب راند.

همینکه عباس میرزا پس از شکست اصلان دوز بطرف تبریز رفت تادر آنجا مقدمات مقاومت خود را برای سال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) فراهم سازد مازور ژنرال کوتلور و یسکی بجانب بحر خزر متوجه شد تا گامی شاون را که در آنجا سپاهیان روس و مصطفی خان محصور بودند نجات دهد. در نتیجه رسیدن قوای تازه نفس و کمک نیروی دریائی دولت روس لشکران پس از چهار ماه مقاومت در تاربخ ۹ محرم ۱۲۲۸ (۱۲ ژانویه ۱۸۱۳) سقوط کرد و با اشغال لشکران تمام ساحل طالش بتصرف سپاهیان روس درآمد.

۱ - گزارش مورخ ۳۱ اکتبر ژنرال دوریچف بامپراطور روسیه

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VI

2 - Klot

3 - Lissaniewitch

دهماه پس از سقوط لشکران سپاهیان دشمن کاملاً در مواضع خود مستقر شدند .
 لشکریان ایران در نتیجه شکست های پیاپی تقریباً منحل شده بود . سرگوراولی
 ادامه جنگ را مصلحت نمیدید . روسها نیز نمیخواستند بعمليات جدیدی مبادرت ورزند
 زیرا در سیاست اروپا و اتحاد عمومی که بر ضد ناپلئون منعقد میشد گرفتار و با دولت
 انگلستان در تاریخ ۵ ژوئن ۱۸۱۳ (۱۵ جمادی الثانی ۱۲۲۸) در ریشن باخ^(۱) پیمان
 اتحادی امضاء کرده بودند .

ناپلئون نیز که بنوبه خود میخواست بر ضد روسیه اقداماتی نماید سعی میکرد بلکه
 پیمان اتحاد جدیدی با دولت ایران منعقد سازد . به همین منظور دولت فرانسه نماینده ای بنام
 ونستروم و موتیزو^(۲) که اصلاً ایتالیائی و از اهالی روم بود و مدت ها در آسیای صغیر و عربستان
 هم مسافرت کرده بود بانزلی آمد تا از نظریات دولت ایران در این خصوص اطلاع حاصل^(۳)
 کند ولی اقدامات سرگوراولی عملیات نماینده فرانسه را عقیم گذاشت .

دولت روسیه نیز برای اینکه در اتحادیه بر ضد ناپلئون موثر واقع شود و با قدرت
 بیشتری باین اتحادیه کمک کند مایل بود که بجنگ با ایران خاتمه دهد . چندین بار
 ژنرال دوریچف ماموریت یافت که برای عقد قرارداد صلح با ایران نامه ای بسفیر انگلستان
 بنویسد زیرا فرمانده کل قوای روس بخوبی متوجه بود که با وجود این همه فتوحات ، دولت
 روسیه هنوز موفق نشده است که به هدف اصلی خود یعنی سرحدارس برسد . سفیر انگلستان
 از ومانعاً معاهده صلح را به فتحعلی شاه گوشزد کرد و میرزا شفیع صدراعظم در حضور
 شاه نظریه سفیر انگلستان را بصلاح ایران تشخیص داد بخصوص که سفیر دولت انگلیس
 قول میداد که مواعید نامه مطابق میل زمامداران دولت ایران تنظیم خواهد شد .

بالاخره فتحعلی شاه با وجود مقاومت عباس میرزا با انعقاد پیمان صلح تن داد و با
 این ترتیب سرگوراولی بیك توفیق سیاسی جدید دیگر نایل آمد .

1 - Reichenbach

2 - Vineintro - Morizzio

۳ - نامه مورخ ۴ مه ۱۸۱۳ سرگوراولی به ویکونت کاسلره

فصل پنجم

۱ = معاهده گلستان

سرگور او زلی پس از آنکه نتوانست از کنفرانس اعلان دوز نتیجه بگیرد به تهران مراجعت کرد و پس از توقف کوتاهی در پایتخت بهمدان رفت تا رابطه خود را با فتحعلی شاه که در سلطانیه بود باآسانی برقرار سازد. وی ازوفتی که تبریر را ترك کرده بود رابطه خود را بافرمانده کل قوای روس قطع ننموده بود و برای برقرار کردن صلح با دولت روسیه به فتحعلی شاه اصرار میورزید. (۱)

سفیر انگلستان در تعقیب تقاضای مجدد فرمانده کل قوای روس برای وساطت میان دولتین ایران و روس همدان را ترك گفت و در تاریخ ۱۲۲۸ = ۱۲ رجب ۱۲۲۸ (۹ ژوئیه ۱۸۱۳) وارد تبریز شد تا بانمایندگان دولت روسیه در تماس باشد (۲) وقتی سفیر انگلستان بسمت تبریز رهسپار شد فتحعلی شاه نیز از سلطانیه بسمت او جان در صد کیلومتری تبریز حرکت کرد و در تاریخ ۲۴ بهمن ماه (۲۳ ژوئیه) با او جان رسید. (۳)

سفیر انگلستان فرمای ورود خود به تبریز به کاسلره وزیر خارجه انگلستان چنین گزارش داد: با تهدید قطع پرداخت کمک مالی بالاخره موفق شدم اجازه پادشاه را تحصیل کنم که بانمایندگان دولت روس بدون دخالت میرزا بزرگ و اطرافیان داخل مذاکره شوم اکنون افتخار دارم با اطلاع شما برسانم که ما توافق یافتیم بر فیق و متحد خود روسیه حتی از این ناحیه دور کمک کنیم زیرا من اختیار تمام دارم متار که جنگ میان دولتین ایران و

۱ - مکاتبات سرگور او زلی با وزارت خارجه انگلستان

London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲ - نامه مورخ ۱۰ ژوئیه سرگور او زلی به ویکیونت کاسلره

Ledon : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۳ - یادداشت ۱۰ ژوئیه سرگور او زلی به ژنرال ریچف فرمانده کل قوای روس

London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

روس را برای مدت یکسال بمرحله قطعی برسانم باین ترتیب روسها خواهند توانست از سپاهیان قفقاز برضد دشمن مشترك استفاده نمایند. (۱)

در جواب نامه ژنرال دوریچف سفیر انگلستان شخص مورد اعتماد خود د کتر کامپیل (۲) را با نامه ای باردوگاه روس فرستاد. سرگوراوزلی در این نامه بفرمانده کل قوای روس اطلاع داد که قریباً طرح سازشی پیشنهاد خواهد کرد که با نظریات دوات روسیه مطابقت میکند.

متار که پنجاه روز جنگ برای شروع مذاکرات مورد قبول واقع شد و مذاکرات میان دودولت آغاز گردید. این مذاکرات که بوسیله مکانبه ازراه دور وبدون داشتن وسایل سریع انجام مییافت بسیار کند صورت میگرفت. برای سرعت در جریان مذاکرات مقرر شد نمایندگان مختار دودولت مجدداً برای کنفرانسی جمع شوند و مقدمات صلح را تهیه کنند. ژنرال دوریچف از طرف سن پترزبرگ و میرزا ابوالحسن خان از طرف ایران بنمایندگی انتخاب شدند. چنانکه سفیر انگلستان بوزارت خارجه آندولت اطلاع داده بود میرزا بزرگ قائم مقام که بکی از سیاستمداران زبردست ایران بود در مذاکرات دخالت نداشت. قصبه گلستان در کنار رود سیرا در قره باغ برای انعقاد جلسات کنفرانس صلح تعیین شد. آجودان ژنرال دوریچف با عده قزاق برای هدایت نماینده ایران بمحل کنفرانس به تبریز وارد شد و پس از ملاقات فتحعلی شاه در اوجان و مذاکرات زیاد بهمراهی میرزا ابوالحسن خان بطرف گلستان حرکت کرد. سفیر دولت انگلستان که اینهمه برای عقد پیمان صلح جدیت بخرج داده بود از حضور در مذاکرات گلستان خودداری نمود. شاید علت استنکاف سرگوراوزلی از شرکت در مذاکرات صلح این بود که نمایندگان دولت روسیه در مقابل نماینده ایران که از فهم مسائل سیاسی بکافی بی بهره و بی اطلاع بود آزادی عمل داشته باشند.

نمایندگان یس از تبادل اعتبار نامدهای خود در گلستان مذاکرات را شروع

۱ نامه مورخ ۱ ژوئیه سرگوراوزلی به ویکونت کاسلره

کردند پس از مباحثات طولانی بالاخره در تاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ (۲۵ اکتبر ۱۸۱۳) موافقت حاصل شد که یک معاهدهٔ مقدماتی بامضاء برسد.

انعقاد این معاهده برای بریتانیای کبیر اهمیت بسیار داشت زیرا در نتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ صلح با دولت ایران یک قسمت از سپاهیان روس آزاد شد و تزار توانست با خاطر آسوده در اروپا بر ضد فرانسه اقدام کند. سرگوراولزی در نامهٔ مورخ ۳۰ اکتبر بکاسلره خدمات خود را شرح داده و مخصوصاً می‌خواهد لیاقت و استعداد سیاسی خویش را تعریف کند و نشان دهد که در نتیجهٔ اقدامات مؤثر و مفید وی نه تنها دولت انگلستان دولت روسیه را ممنون و سپاسگذار کرده بلکه ایرانیان را نیز که به زبردستی و بازی ماهرانهٔ دیپلمات انگلیسی پی برده‌اند راضی نموده است (۱). برای اینکه وزیر خارجهٔ انگلستان را مطمئن سازد که سیاست وی مورد تأیید دولت ایران نیز هست در تاریخ ۱۰ نوامبر ۱۸۱۳ چنین مینویسد: «اگر توهم حاصل نه‌میشد که ممکن است تصور کنید مجاهدتهای من برای انعقاد پیمان صلح میان دولتین روس و ایران یک نوع تخطی از اختیارات و قدرت خود در مقابل دولت اخیر بود و یا اینکه از نفوذ خود در نزد شاه استفاده کرده و منافع حقیقی ایران را فراموش کرده باشم علت نداشت که باین طرز رفتار و سیاست خود شمارا تصدیق دهم...»

«همانوقت که آخرین نامهٔ خود را از اقامتگاه مراغه برای شما فرستادم تبریکاتی برای شاه بهتان نوشتم که جواب آنرا برای اطلاع شما باین نامه میفرستم. می‌خواهم شمارا مطمئن سازم که نامه‌هایی از وزراء و اعیان دربار دریافت کرده‌ام که همگی تسکیر و قدردانی خود را اظهار داشته‌اند.... (۲)

۱ - نامه مورخ ۳۰ اکتبر سرگوراولزی به ویکونت کاسلره

London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲ - نامه مورخ ۱۰ نوامبر سرگوراولزی به ویکونت کاسلره

London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲- بررسی مواد معاهده گلستان

پیمان صلح گلستان در عقیب سیاست روز و موقع شناسی دولت انگلستان و با در نظر گرفتن اوضاعی که ناپلئون در اروپا بوجود آورده بود بامضاء رسید. این پیمان را در حقیقت نمیتوان معاهده صلح گفت بلکه باید آنرا قرار داد متارکه‌ای نامید که روابط میان دولتین ایران و روس در مدت ۱۳ سال بر آن استوار بود. اصطلاحات مبهم و عدم وضوح و نارسا بودن حدود ارضی این معاهده را می‌توان بهترین مثال ابهام یک سند سیاسی دانست. بدو دلیل مواد ارضی این معاهده مبهم و تاریک تهیه و تنظیم شده بود دلیل اول آنکه روسها ناچار بودند قوای خود را برای تصفیه حساب با ناپلئون در اروپا بکار ببرند تعهد داشتند تا نیل به هدف اصلی از تقاضاهای ارضی خود در ایران صرف نظر نکنند و برای همین منظور بهر گونه علت و عنوانی تشبث می‌جستند که با آنان اجازه دهد در آتیه و در فرصت مناسبتر و بهتری بتوانند رود ارس را سرحد طبیعی متصرفات خود در قفقازیه قرار دهند. دلیل دوم با سیاست اروپائی دولت انگلستان روشن میگردد باین معنی انگلیسها که برای پیشرفت سیاست اروپائی خود احتیاج مبرم بقوای روسیه داشتند سعی میکردند نتیجه سریعی از امضای پیمان صلح بگیرند و لو متن معاهده پس از روشن شدن اوضاع اروپا ایجاد اشکالاتی برای دولت ایران بکنند. با این ترتیب ایرانیان کور کورانه راهنمایی و نصایح انگلیسها را قبول کردند و در مقابل اظهار دوستی سیاستمداران آن دولت حس تنقید را از دست دادند و معاهده گلستان باصرار سیاستمداران انگلیسی بمنفع دولت روسیه بامضاء رسید ولی چنانکه خواهیم دید طولی نکشید که روابط دولتین روس و ایران بعلت وضع تاریک و نامعلوم مواد ارضی معاهده تیر میشد و دولت روسیه برای بسط متصرفات خود در جنوب قفقاز و رسیدن بسرحد ارس به بهانه‌های گوناگون باشغال و احی جدید در خاک ایران مبادرت ورزید.

معاهده گلستان حاوی بازده ماده و یک مقدمه طولانی است که میل دیادشاه را

نه تنها باستقرار صلح میان دو کشور نشان میدهد بلکه برقراری روابط دوستی دیرین موجود میان دو کشور را نیز تأیید میکند. همین نظریه در ماده اول تصریح شده و دو دولت متعاهد اعلام میدارند که بمخاصمه و سوء تفاهماتی که تا کنون میان امپراطوری های ایران و روس رخ داده با انعقاد این معاهده خاتمه داده میشود و صلح دائم میان امپراطور روسیه و پادشاه ایران و جانشینان آنان برقرار میگردد.

معاهده گلستان نه تنها صلح رامیان دو دولت متخاصم برقرار میسازد بلکه مطابق مواد ۸ و ۹ و ۱۰ این معاهده روابط تجارتنی که بعلت بروز جنگ قطع شده بود مجدداً برقرار میگردد:

در ماده ۸ علاوه بر استقرار مجدد روابط تجارتنی طرز مسافرت تجار و اقامت و مراجعت آنان در ممالک روسیه و ایران تعیین و مشخص گردیده است.

در ماده ۹ مقرر است: «حقوق گمرکی برای مال التجاره هائی که ازدو کشور وارد میشود گرفته شود».

در ماده ۱۰ آزادی عمل تجار هر یک ازدو دولت مصرح است.

روسها بدون آنکه صراحتاً میل مداخله خود را در کارهای داخلی ایران اعلام دارند در ماده چهار این حق را که نتایج آن برای دولت ایران بسیار وخیم و سنگین بود قائل شده اند. مطابق این ماده علیه حضرت امپراطور روسیه بمنظور ابراز احساسات دوستانه و میل واقعی خود به برقراری قدرت پادشاه ایران همسایه دولت روسیه از طرف خود و جانشینانش رسماً تعهد میکنند در صورت لزوم بیکی از اولاد شاه که وایعهد تعیین خواهد شد کمک کنند و بمنظور آنکه هیچ دولت اجنبی نتواند در کارهای دولت ایران دخالت کند دربار ایران از طرف دربار روس تقویت خواهد شد و اگر اختلافی میان پسران شاه رخ دهد دولت روسیه دخالتی نخواهد کرد مگر بتقاضای پادشاه وقت.

ماده ۶ وضع اسرا و کسانی را که از شهرهای خود دور افتاده اند روشن می کند. علاوه بر مواد تجاری و سیاسی مطابق ماده ۵ معاهده شرایط کشتی رانی بازرگانی دو دلت را در دریای خزر مشخص کرده و حق داشتن نیروی دریائی را در بحر خزر

منحصراً بدولت روسیه واگذار میکند. مطابق این ماده کشتی‌های روس مثل سابق مجاز خواهند بود در کرانه‌های خزر آمدوشد کرده و لنگر بیندازند. کشتیهای تجارتی ایران نیز مانند سابق حق خواهند داشت در کرانه‌های روس آمدوشد نمایند اما «در خصوص کشتی‌های عسکر به جنگی روسیه بطریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیرق در دریای خزر بوده‌اند حال نیز محض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشد.» چنانکه می‌بینیم این حق انحصار برای نیروی دریائی دولت روس مستند بهیچ دلیلی نبود و این طرز استدلال فقط برای این بود که دولت ایران هیچگاه نتواند کشتی جنگی در دریای خزر داشته باشد باستناد همین ماده از تاریخ امضای پیمان گلستان بحر خزر در واقع يك دریای روس محسوب شد و دولت ایران از کلیه حقوق و مزایای خود در این دریا صرف‌نظر کرد. مواد ارضی معاهده اهمیت فوق‌العاده‌ای در روابط آینده دو کشور داشت و برای مدت کوتاهی بیک بحران طولانی خاتمه داد که تا کنون نکات بر جسته آنرا شرح دادیم ماده ۲ تصریح میکند که قرارداد صلح بر اساس وضع حاضر^(۱) منعقد خواهد شد بدین معنی که طرفین نواحی و خانات و اراضی که در موقع امضای پیمان در اختیار دارند متصرف خواهند بود. خطی که مسیر سرحدی میان دو کشور را تعیین و تحدید میکنند نهایت مبهم و قابل تفسیر و تردید است این خط: «از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط مستقیم از راه صحرای مغان تا به معبریدی بلوک رود ارس و از بالای کنار رود ارس تا اتصال و الحاق رودخانه کپنک‌چای به پشت کوه مقری و از آنجا خط حدود سامان و لابات قرا باغ و نخجوان و ایروان و نیز رسی از سنور^(۲) گنجه جمع و متصل گردیده بعد از آن حدود که بولایات ایروان و گنجه و هم حدود قراق و شمس‌الدین لو تا مکان ایشک میدان مشخص و مفصل می‌سازد و از ایشک میدان تا بالای سر کوه‌های طرف راست طرق و رودخانه‌های حمزه چمن و از سر کوه‌های پنبک‌الی گوشه مجال

1 - Statu-Quo

۲- سنور بمعنی مضافات و توابع ولایت باشهری است

شوره گل و از گوشه شوره گل از بالای کوه برف آلا گوز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانه حدود قریه سدره برودخانه آریاچای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون ولایات خوانین نشین طالش در هنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده و بجهت زیاده صدق و راستی، حدود ولایات طالش مزبور را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلحنامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مأموره که بموجب قبول و موافق یکدیگری و معرفت سرداران جانبین جبال و رودخانهها و دریاچهها و امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً تحریر و تمیز و تشخیص میسارند، آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در دست و در تحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خط حدود ولایت طالش نیز در بنای اسطاطسکوا و پر زندیم مستقر و معین ساخته هر يك از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند همچنان در سر حدات مزبوره فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأمور طرفین هر يك طرف موافق اسطاطسکوا و پر زندیم رضا خواهد بود.» چنانکه گفتیم متن ماده ۲ معاهده گلستان که در نظم و انشاء آن تعدد بکار رفته نمونه ابهام يك سند سیاسی است. مشخص نبودن خطوط سرحدی معین نبودن حدود طالش « که در هنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده » ابهام جملات و استعمال اصطلاحات دوپهلو نشان میدهد و روسها برای تأمین دعاوی ارضی خود در آتیه چگونه فکر میکردند. در واقع میتوان گفت که درهم و برهمی و ابهام ماده ارضی معاهده زمینه را برای ادعاهای بعدی آزاد گذاشت و اختلافات جدیدی را بوجود آورد که منجر بجنک دوم ایران و روس گردید.

بالاخره مطابق خط سرحدی که در ماده ۲ تعیین شده و بموجب ماده ۳ معاهده گلستان دولت ایران تملك خانات و اراضی آتی را بدولت روسیه واگذار میکرد. خانات قره باغ و گنجه که اکنون ابن دوناحیه بنام الیزابت یول^(۱) معروفست همچنین خوانین نشین شکلی و شیروان و قبه و دربند و باد کوبه و قسمتی از اراضی متعلقه به طالش

که در موقع انعقاد قرارداد در تصرف دولت روس بود. بعلاوه تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و آچوق باشی و کورنه و منکر یل و ابخازی «تمامی اولگا»^(۱) و اراضی که در میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحالیه بوده و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقازیه الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق بممالک انمپریه روسیه میدانند. در تاریخ ۷ شوال ۱۲۲۸ (۱۳ اکتبر ۱۸۱۳) این معاهده مقدماتی در قصبه گلستان بامضاء رسید. نماینده ایران که حامل متن معاهده بود در ماه ذیحجه به تهران وارد شد. در تهران مباحثات زیادی قبل از امضای قطعی معاهده بعمل آمد ولی بطوریکه جمیع موارد^(۲) اظهار میدارد این مباحثات مربوط بمطالب اساسی معاهده نبود بلکه راجع بعبارت و عناوین نمایندگان و مطالب بی اهمیت صحبت میشد. مطالعه مقدمه معاهده بطول انجامید زیرا قبلاً بایستی عناوین نمایندگان مختار دولتمن رانعیین کنند. برعکس مطالعه مواد مربوط بکشتی رانی دریایچه خزر بسرعت خاتمه پذیرفت حاجی میرزا آغاسی که بعدها وزیر محمدشاه شد با اظهار جمله تاریخی خود «ما چدا احتیاجی بآب شور داریم» بمباحثات خاتمه داد و بالاخره دولت ایران معاهده را بنحوی که در گلستان تنظیم گردیده بود امضاء نمود. بی اطلاعی سیاستمداران ایران از اوضاع آن زمان اعتماد زعمای دولت ایران نسبت بسرگوراوزای سفیر انگلستان و بخصوص امیدواری زمامداران ایران بوعده های صریح نماینده دولت انگلستان راجع بتجدید نظر در مواد ارضی معاهده گلستان غلطی است که تأیید و امضای معاهده گلستان را از طرف دولت ایران روشن و بیان میکند.

میرزا ابوالحسن خان مأمور شد معاهده را بسن بطرز برگ برده و تقاضای تجدید نظر در مواد ارضی معاهده کرده پس از موافقت پیمان صالح را مبادله کند. سفیر انگلستان پس از انجام مأموریت خود قصد حرکت بطرف لندن داشت. فتحعلیشاه از وی خواهش کرد که بمنظور تأمین منافع ایران در دربار سن بطرز برگ

۱- اولگا، کلمه مغولی بمعنی دهات و زمین آمده

از طریق روسیه بانگلستان مراجعت کند و از حفظ منافع ایران در دربار روسیه مضایقه ننماید. در جریان ماه جمادی الثانی ۱۲۲۹ (مه ۱۸۱۴) سرگوراولی ایران را ترك کرده و از راه تبریز بمن پطرزبرك حركت كرد. سفير انگلستان با احترامات زیادی از طرف تزار پذیرائی شد زیرا نقشی که وی در عقد قرارداد ایران و روس بازی کرده بود بجدی مورد توجه تزار قرار گرفت که عنوانی بسفیر انگلستان از طرف او اعطاء شد و تجلیلات فوق العاده ای از وی دریافت نمود روسیه بعمل آمد.

دوماه پس از حركت سفير انگلستان میرزا ابوالحسن خان بطرف روسیه حركت كرد. آلکساندر همواره وعده استرداد اراضی اشغالی را بایران میداد و هنوز در رمضان ۱۲۲۹ (سپتامبر ۱۸۱۴) تشریفات مبادله معاهده انجام نیافته بود. باتعقیب این روش روسیه در حقیقت میخواست به تعلل گذرانیده و از فرصت استفاده کند تا اینکه پس از استعفاء و کناره گیری ناپلئون ناگهان آلکساندر تغییر روش داده و بالجن خشن و محکم اظهار داشت که این اراضی بارضای سکنه آن اشغال شده و دولت ایران نباید امید استرداد يك وجب از این اراضی را داشته باشد. ایرانیان که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته بودند جز قبول چاره ای نداشتند^(۱). نمایندگان مختار دو دولت بالاخره در تفلیس متن معاهده امضاء شده را مبادله نمودند. روسها باتحصول رضایت کامل مترصد بودند در اولین فرصت مناسب همسایه ضعیف و مغلوب خود را از پای در آورند.

۱- صورت هدایائی که میرزا ابوالحسن خان تقدیم تزار کرده در فارس نامه ناصری چنین تفصیل شده ده هزار تومان وجه نقد دوزنجیر فیل ده اسب بی عدیل صد طاقه شال کشمیر ده رشته مروارید بی نظیر چند دانه لعل بدخشان و یاقوت زمانی و شمشیرهای خراسانی و زریهای مفتول باف اصفهانی و قوطی های مرصع با دزهر. حیوانی شبانکاره و قالیه های هراتی (جلد ۲ ص ۱۰۶).

۳- نتایج معاهده گلستان در اوضاع داخلی ایران

جنگ دهساله بین ایران و روسیه اولین جنگ طولانی قاره آسیا است. این جنگ با کمال خسارت و سببیت اجرا شد. تلفات ایرانیها به دو بیست هزار تخمین زده شد تعداد تلفات روسها به حدود همین رقم میرسید؛ ساکنین مناطق جنگی در طول جنگ از هستی بکلی ساقط شدند و یا تلف گردیدند و یا مهاجرت کردند و نتایج آن برای ایران بسیار سنگین و وخیم بود.

معاهده گلستان چه از نظر سیاست داخلی و چه از نظر سیاست خارجی آغاز دوران جدیدی را در ناربخ ایران نشان میدهد.

جنگ طولانی و بالاخره شکست قوای ایران، اشکالات مالی فراوان در داخله ایران ایجاد کرد و در نتیجه شاه و دولت مرکزی را ضعیف نموده و باعث سرپیچی و شورش رؤسای قبایل گردید. در سیاست خارجی نیز وضع نوین ایجاد گشت و فعالیت جدیدی در روابط دولت ایران با دول انگلستان و روسیه و عثمانی آغاز شد.

اشکالات مالی که در نتیجه جنگ بوجود آمده بود مبنای مختلف داشت. ده سال جنگ خزانه فتحعلیشاه را خالی کرده و ذخیره عباس میرزا را از میان برده بود. زیرا شاه و ولیعهد هر یک مستقیماً مسئول نگهداری لشکریان خود بودند.

بعلاوه دربار عباس میرزا مانند تمام ولیعهدهای خانواده قاجار در آذربایجان بود و عایدات وی از مالیاتهای وصولی این ایالت تأمین میشد و خزانه ولیعهد از خزانه سلطنتی مجزی بود. بنابراین جنگهای ایران و روس که صحنه آن آذربایجان بود بالطبع نقصان قابل توجهی در میزان مالیاتها بوجود آورده و مالیاتهای وصولی بزرگتر از هزینههای جنگ بود. عباس میرزا را تکافو میکرد بخصوص که تمام سنگینی جنگ بدوش ولیعهد بوده و از هیچیک از ایالات دیگر ایران هیچگونه کمکی بآذربایجان نمیشد. بهزینههای کمر شکن جنگ با بستی خرابکارها و ویرانیها را که در اثر و نمندترین نواحی ایران رخ داده بود اضافه نمود.

پس از امضای پیمان صلح خرابیها در نتیجه مساعدی و زحمات سکنه آذربایجان

بتأنی ترمیم یافت . دولت مر کزی حتی فکر نکرد که يك سیاست اصولی از روی اساس وقاعدۀ صحیحی برای ترمیم خرابیهای ناشیه از جنگ اتخاذ نماید . دولت تنها باسکان موقتی سکنة آن نواحی که نمیخواستند تسلیم دشمن شوند وسلطۀ دولت روس را قبول کنند قناعت کرد . اغلب نواحی که مطابق معاهدۀ گلستان تسلیم روسها شد جزء ایالت آذربایجان بود که سابقاً مالیات آن نواحی بنفع خزانه ولیعهد ایران وصول میشد . علاوه بر این چون ایالت ایروان در جنگ صدمات فراوان دیده و در مقابل حملات شدید روسها مقاومت دلیرانه کرده بود در حین جنگ از پرداخت مالیات معاف شده بود . چنانکه می بینیم با این ترتیب تمام سنگینی هزینه جنگی و کمک بخزانۀ فقط متوجه شهر تبریز و ایالت آذربایجان بود . بنابراین برای جبران نقصان عایدات با افزایش مالیات مبادرت ورزیدند و نتیجۀ این عمل از صدمات جنگ کمتر نبود بطوری که ادامه این سیاست نارضایتی هایی ایجاد کرد مخصوصاً در تبریز الله یار خان آصف الدواہ حاکم شهر نسبت باهالی ستم دیده آسمان از اعمال هیچگونه اجحاف و تعدی خودداری نکرد . در نتیجۀ این خلافکارها و سیاست های ناشایست دولت در حین بروز جنگ دوم ایران و روس در سال ۱۲۴۴ (۱۸۳۷) بخوبی مشاهده گردید .

رؤسای عشایر که اصولاً مقرر شد فرصت بودند موقع را برای تحصیل آزادی مناسب یافتند این بود که پس از شکست اعلان دوز و بعد پس از امضای معاهدۀ ننگین گلستان رؤسای ایالات انقلابات متعددی در نواحی مختلف کشور مخصوصاً در قسمتهای مشرق دریای خزر در میان ترکمانان و در نواحی شمال شرقی (خراسان) برپا کردند . در سال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) حاجی یوسف نامی از اهالی آسیای مرکزی تراکمه را بر ضد دولت شورانید ولی پس از مرگ وی دستجات ترکمن متفرق شدند و یاغی گری خاتمه پذیرفت . رؤسای ایالات خراسان نیز بر ضد دولت قیام کردند و یاغیگری آنان از ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۹ (۱۸۱۳-۱۸۲۴) بطول انجامید محمدولی میرزا یکی از پسران فتحعلیشاه که بحکومت این ایالت منصوب شده بود نسبت باهالی نهایت بد رفتاری را میکرد . سکنة خراسان بسرپرستی اسحق خان قرائی احضار محمد ولی میرزا را از

مرکز تقاضا کردند ولی در نتیجه اقدامات حاکم خراسان و وعده هائی که بر رئیس ایل قرائی داد وضع خراسان نسبتاً آرام شد. سایر رؤسای عشایر که از عاقبت کار خود مضطرب بودند از محمد رحیم خان حاکم خوارزم کمک خواسته و از وی تقاضا کردند خراسانرا اشغال و تصرف نماید. وقتی محمد رحیم خان اطلاع حاصل کرد که قدرت و نفوذ حاکم خراسان در نتیجه سازش با رئیس ایل قرائی تقویت یافته از تصمیم خود منصرف شد. خان خیوه نیز چون از خرابی اوضاع خراسان مطلع گردید تا استرآباد پیشروی کرد ولی نظر باختلافاتی که میان عشایر رخ داد کاری از پیش نبرد و یکی از کسان خود را برای تقاضای عفو نزد محمد ولی میرزا فرستاد حاکم خراسان تقاضای ویرا قبول نکرد. تا بالاخره در نتیجه شکست سپاهیاناش خان خیوه فرار اختیار کرد.

با استفاده از اوضاع هرج و مرج خراسان محمد زمان عزالدین لوی قاجار حاکم بسطام که بایغیان خراسان در تماس بود بخیال خود سری افتاده و در حدود سی هزار نفر از تر کمانان لایموت و کوکلان را دور خود جمع کرده بالاخره وی نیز دستگیر و زندانی شده و بابرادرش بههران اعزام گردید و تر کمانان چون خود را بی سرپرست دیدند بدره اثرک عب نشینی کردند.

این اغتشاشات راههای بازرگانی بین چین و ایران را نا امن کرد و ارتباط تجارتی بین این دو کشور را که دهها قرن برقرار بود برای همیشه قطع کرد که دیگر هیچگاه مفتوح نشد.

با وجود تفرقه‌ای که میان رؤسای عشایر خراسان حکمفرما بود انقلابات این ناحیه باسانی خاتمه نیافت.

اسحق خان قرائی مجدداً علم طغیان برافراشت. محمدولی میرزا که از وجهه رئیس ایل قرائی هراسان بود وی و پسرش را با حبله و تزویز دستگیر کرد. این عمل بشخصیت محمدولی میرزا در برابر مردم خراسان لطمه زد و عدم اطمینان رؤسای ایالات نسبت بوی زیادتر شد. بالاخره محمدولی میرزا که موفق بقلع و قمع باغیان و تسکین

انقلابات خراسان نگردیده بود بتهران احضار گشت و حسنعلی میرزا شجاع السلطنه
 حاکم شیراز بحکومت خراسان منصوب شد. و در اوایل محرم ۱۳۲۲ (نوامبر ۱۸۱۶)
 وارد مشهد گردید در نتیجه کاردانی اقدامات حاکم جدیدیانی گری طایفه قرائی پایان
 یافت و شهر هرات از طرف شجاع السلطنه تحت محاصره قرار گرفت و بالاخره مطیع
 گردید باین اقدام جنگهای جدیدی بر ضد رؤسای افغان آغاز شد.

۴ - نتایج معاهده گلستان در روابط خارجی ایران

در تاریخ ۲۹ صفر ۱۲۲۷ (مطابق ۱۲ ماه مارس ۱۸۱۲) عهدنامه مودتی در دوازده فصل میان دولتین ایران و انگلیس بوسیله سرگوراوزلی نماینده دولت بریتانیای کبیر در تهران بامضاء رسید که بعهدنامه مفصل معروفست^(۱). مطابق فصل اول این معاهده دولت ایران متعهد میشد که تمام معاهداتی را که تا تاریخ امضای این معاهده با دول اروپائی منعقد کرده لغو و بی اعتبار تلقی کند و بهیچ يك از نمایندگان دول بیگانه اجازه ورود بخاك ایرانرا ندهد.

در فصل دوم معاهده مقرر بود «اگر دشمنی از طوایف فرنك بمملکت ایران آمده باشد یا بیاید و اولیای دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش اعانت و امداد نماید فرمانفرمای مملکت هند یا از جانب دولت بهیه انگلیس هرگاه امکان و قدرت داشته باشد بقدریکه خواهش دولت علیه ایران باشد عسکر و سپاه از مملکت هندوستان روانه سمت ایران نماید» و اگر بعللی اعزام قوای امدادی میسر نباشد در سال دویست هزار تومان برای نگهداری قشون ایران بدپردازد برای حصول اطمینان که این وجه بمصرف هزینه های نظامی میرسد سفیر انگلستان در خرج آن حق نظارت خواهد داشت.

در فصل سوم انگلستان قبول میکرد اگر بادولای که دولت ایران در حال جنك میباشد معاهده ای منعقد کند جدیت خواهد کرد که پیمان صلح میان دولت ایران و دولت متخاصم نیز بامضاء برسد و الا دولت انگلستان بایستی با اعزام قوا و یا پرداخت دویست هزار تومان در سال دولت ایرانرا کمک کند.

در فصل چهارم طرز و ترتیب پرداخت کمک مالی تعیین گردیده

۱ - رونوشت معاهده ای که از وزارت خارجه ایران بدست آمده و ضمیمه کتابست

فصول پنجم و ششم مربوطست بافغانستان مطابق فصل پنجم دولت ایران متعهد میشود در صورتیکه امیر افغان قصد تجاوز بمتصرفات انگلستان در هندوستان داشته باشد دولت ایران بافغانستان حمله کند در فصل ششم دولت انگلستان تعهد میکرد که در جنگهای میان ایران و افغانستان مداخله نسکرده و بیطرفی خود را کاملاً رعایت کند.

فصل هفتم مربوطست به تأسیسات کشتی سازی .
در فصل هشتم مقررات اگر یانگیان ایرانی بمستملکات انگلیسی فرار کنند بمجرد تقاضا تحویل دولت ایران گردند .

فصل نهم مربوطست به کمک دریائی انگلستان بایران در خلیج فارس
در فصل دهم حقوق و مقرری صاحب منصبان و معلمانی که از طرف دولت انگلستان برای تعلیم و تربیت سربازان ایران اعزام میشوند مشخص و معین گردیده است.
در فصل یازدهم تصریح شده که ولیعهدهای دولتمن مدلول مواد این عهدنامه را محترم خواهند شمرد .

فصل دوازدهم مربوطست به تقویت دولت ایران از طرف دولت انگلستان و استفاده از کمکهای متقابل وعدم مداخله دولت انگلستان در مناقشاتی که میان شاهزادگان در داخله ایران رخ میدهد .

یکسال پس از امضای معاهده گلستان هانری الیس^(۱) و جمس موریه^(۲) مأموریت یافتند در مواد معاهده بوسیله سرگوراولی تجدید نظر نمایند در نتیجه در تاریخ ۱۲ ذیحجه الحرام ۱۲۲۹ (۲۵ نوامبر ۱۸۱۴) معاهده قطعی مشتمل بر یازده ماده در تهران میان نمایندگان دولت انگلستان و دولت ایران بامضاء رسید که بمعاهده تهران معروف است^(۳).

1 - Henry Ellis

2 - James Morier

۳ - رونوشت معاهده ای که از وزارت نخاعه ایران بدست آمده رجوع شود بضمیمه کتاب .

معاهده تهران در حقیقت بر اساس مواد معاهده مفصل که بوسیله سرگوراولی بامضاء رسیده بود تنظیم یافت. تغییراتی که در بعضی مواد این معاهده بعمل آمد بامواد معاهده گلستان ارتباط مستقیم داشت زیرا دولت انگلستان چون از نفوذ روز افزون دولت روسیه تزاری در دربار ایران نگران بود سعی داشت با برقرار کردن نفوذ خود حتی الامکان سلطه سیاسی دولت روسیه را تعدیل کند.

در فصل اول معاهده تهران تصریح شده که تمام عهدنامه‌های اتحاد میان دولت ایران و دول دشمن بریطانیای کبیر از درجه اعتبار ساقط است و عبور سپاهیان دول دشمن بریطانیای کبیر از خاک ایران بسمت هندوستان و بنادر هند قدغن می‌باشد.

این ماده در حقیقت جواب معاهده ایران و فرانسه بود که در تاریخ ۲۵ صفر ۱۲۲۲ (۴ ماهه ۱۸۰۷) میان فتحعلیشاه و ناپلئون در فرین کن اشتاین بسته شد. باید بداند است که در موقع انعقاد معاهده تهران میان دولتین ایران و انگلیس هنوز هم خطر ناپلئون در اروپا بکلی از بین نرفته بود و دولت انگلستان همچنان بفعالیت خود برضد ناپلئون در اروپا و در آسیا ادامه میداد و اطمینان نداشت که ممکن است جنگهای اروپا بشفع انگلستان خاتمه پذیرد باصطلاح قضایای ۱۸۱۵ و شکست ناپلئون رایش بینی نمیکرد.

در فصل سوم دولتین انگلیس و ایران تعهد میکنند که در برابر حمله دشمنان بیکدیگر کمک متقابل نمایند: «این عهدنامه محض از برای رفع سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه بخود و قصد مملکت خارج از خود نمودن است و خاک متعلقه بهر یک از دولتین ایران و روس از اقرار است که باطلاع و کلاء دولتین ایران و انگلتره و دولت روس بعد از این معین و مشخص گردد.» باین ترتیب دولت انگلستان که از نفوذ روز افزون دولت روسیه در دربار ایران بسیار مضطرب و نگران بود میخواست در مقابل تعدی روسها بتواند دولت ایران کمک کند. و مخصوصاً با ذکر این جمله که خط سرحدی میان ایران و روس با اطلاع نمایندگان دولت بریطانیای کبیر و ایران و روسیه تعیین خواهد شد انگلیسها قصد

داشتند در کارهای ایران و روس مداخله کرده و امیدوار بودند بلکه بدین وسیله از نفوذ دولت روسیه حتی الامکان در دربار ایران بکاهند.

در فصل چهارم راجع به پرداخت دویست هزار تومان سالانه شرطی قائل شدند بدین معنی که دولت انگلستان مبلغ تعهدی را بشرطی پرداخت خواهد کرد که دولت ایران برضد دولت اروپائی مبادرت نکند.

فصول هشتم و نهم معاهده تهران مربوطست با افغانستان و در متن آن نسبت به معاهده‌ای که بوسیله سرگوراولی بسته شد تغییری رخ نداد. چنانکه می بینیم دولت ایران در تمام معاهدات خود با انگلستان مخصوصاً بموضوع افغانستان اهمیت فوق العاده‌ای قائل شده و موضوع افغانستان را همواره از کارهای داخلی ایران شمرده و بهیچوجه بنمایندگان انگلستان اجازه دخالت در امور افغانستان را نمی دهد.

پس از امضای معاهده گلستان دولت ایران بمساعدتهای دولت انگلستان مطمئن بود و انتظار داشت قسمتی از اراضی ایران که پس از امضای پیمان صلح بتصرف دولت روسیه درآمده بدولت ایران مسترد گردد ولی متأسفانه تقاضای مکرر میرزا ابوالحسنخان سفیر ایران و کمکهای لرد کاتکار^(۱) نماینده دولت انگلستان در دربار سن پترزبورگ ب نتیجه‌ای نرسید.

در فصل دوم معاهده گلستان که مربوط بمسائل ارضی و سرحدی است مقرر بود بمهندسمین و نمایندگان معتمد دو دولت مأموریت داده شود که پس از امضای پیمان صلح بمسائل مبهم و متنازع فیه رسیدگی کرده و بارضایت طرفین خاتمه دهند.

آلکساندر یرملوف^(۲) حاکم جدید گرجستان و فرمانده کل قوای قفقاز بمست سفیر فوق العاده مأموریت یافت که بتهران آمده و اختلافات موجوده را برطرف سازد. یرملوف پس از دو ماه اقامت در تفلیس و قره باغ که جهت رسیدگی باوضاع نواحی متصرفی جدید خود مصروف داشت در تاریخ ۱۷ شعبان ۱۲۳۲ (۲ ژوئیه ۱۸۱۷) بتهران وارد شد.

1 - Lord Cathcart

2 - Alexandre Yermoloff

سفیر دولت روسیه پیشنهاد کرد معاهده اتحادی میان دو دولت بامضاء برسد و از فتحعلیشاه تقاضا کرد با دولت روسیه متفقاً بخاک دولت عثمانی حمله کند ولی پادشاه ایران را جع بی پیشنهاد دولت روسیه تعمق کرد. فتحعلیشاه از جریان روابط خود با دولتین فرانسه و انگلستان درس خوبی گرفته بود و کاملاً بخاطر داشت که دولت فرانسه در تیلسیت^(۱) برای جلب دوستی نزار منافع ایران را پایمال کرد. و همچنین خوب متوجه بود که عمال دولت انگلستان با در نظر گرفتن اوضاع اروپا منافع حیاتی دولت ایران را فدای سیاست اتحاد اروپا نمودند. با این رفتار دولتهای بیگانه که يك حس عدم اعتماد در فتحعلیشاه نسبت با اروپائیان تولید کرده بود پیشنهاد سفیر دولت روس برای دولت ایران قابل قبول نبود بهمین مناسبت فتحعلیشاه بدون تردید تقاضای شرکت در جنگ با دولت عثمانی را رد کرد.

بر ملافه همچنین تقاضا کرد که لشکریان ایران بخوارزم رفته به تاخت و تازهای ازبکان که بتجار روس ضمد وارد میآوردند خاتمه دهد در صورتیکه دولت ایران با این اقدام موافقت نکند بدولت روس اجازه داده شود که در استرآباد قوا پیاده کرده و از آنجا برای قلع و قمع و خاتمه دادن بغارت ازبکان مبادت ورزد. فتحعلیشاه جواب داد که در فصول یازده گانه معاهده گلستان چنین وضعی پیش بینی نشده و بنا بر این نمیتواند با این پیشنهاد موافقت کند. ولی بسفیر روس اطمینان داده شد به مجرد اینکه اغتشاشات هرات خاتمه پیدا کند دولت ایران باین لشکر کشی مبادرت خواهد کرد.

باز هم بدون اخذ نتیجه سفیر دولت روس تقاضا کرد يك نمایندگی تجارتي در رشت دایر گردد و همچنین پیشنهاد نمود از طرف دولت روس افسرانی برای تعلیم سپاهیان ایران اعزام گردد.

در مقابل رفتار دولت ایران هنگامیکه راجع به مواد ارضی معاهده گلستان مذاکره شد سفیر روس فوق العاده سخت گیری کرده و اظهار داشت که وی حتی با استرداد يك متر زمین که بانپروی قوای روس بدست آمده موافقت نخواهد کرد.

با این اظهار امیدواریهای دربار ایران برای بدست آوردن قسمتی از متصرفات قدیم خاتمه داده شد.

بالاخره تقاضا کرد که مطابق فصل دوم معاهده گلستان سرحد ناحیه طالش تعیین و تجدید گردد. دولت ایران انجام این مأموریت را بعهدۀ عباس میرزا واگذار نمود. یرملوف اظهار داشت حضور کمیسرها و دولت جهت تعیین حدود الزامی است دولت ایران بسفیر روس پیشنهاد کرد که پس از مراجعت به تفلیس نمایندهای بادستور مشروح مأموریتش بایران اعزام دارند.

سفیر دولت روسیه که باتجلیل تمام در تهران از وی پذیرائی شده بود با هدیای گرانبهایی که از طرف دولت ایران تقدیم امپراطور گردید بدون کمترین موفقیت دیپلوماسی پابتخت ایران را ترك گفت و همین عدم موفقیت کینهای برضد ایرانیان در قلب سفیر روس ایجاد کرد.

فتحعلیشاه که بوسیله یرملوف از نقشههای دولت روس برضد دولت عثمانی اطلاع حاصل کرده بود در اواخر شوال ۱۲۳۳ (اوایل سپتامبر ۱۸۱۷) محب علیخان حاکم ساوهر را باسلامبول نزد سلطان محمد روانه کرد و آندولت ایران را از امکان يك حمله ناگهانی دولت روسیه مستحضر گردانید. نماینده دولت ایران در ضمن پیشنهاد کرد در صورت وقوع حملهای از طرف روسها در سرحدات دو کشور متحداً از طرف دولتمین اقدام شود.

بارفتار محکم دولت ایران ورد کلیۀ پیشنهادهای یرملوف تجدید مخاصمات میان دو دولت روس و ایران بیش بینی میشد.

پس از مراجعت ژنرال یرملوف تزار الکساندر افکار و نیات خود را ضمن صدور بیانیۀ مورخ ۱۶ ژانویه ۱۸۱۸ با اطلاع ملت قفقاز رسانید و اعلام اینکه پیمان گلستان بیک معاهده قطعی بشمار میرود تمام امیدواریهای زمامداران ایران را نقش بر آب کرد.

«صلح با ایران امنیت را در سرحدات شرقی امپراطوری ما تأمین کرده. این صلح

قطعیت داشته و هنگامی بامضاء رسیده که در آن زمان مقدرات اروپا تعیین شده و کلیه آرزوهارا پاداش بخشیده است .

پس از برقراری این وضع جدید ملتها از مزایای صلح عمومی برخوردارند . روابط دوستی میان ایران و روس در ظرف چهار سال اخیر بیش از پیش تحکیم یافته و بر اساس خلل ناپذیری از طرف دودولت تقویت میشود .

بالاعلام این خبر خوش بر عیای باوفای خود که نتیجه و نشانه يك هم آهنگی و آرامش کامل مورد اطمینانست امر دادیم متن معاهده ای را که بادولت ایران در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ در گلستان منعقد گردیده منتشر نمایند»

سن پترزبرگ ۱۶ ژانویه ۱۸۱۸ آلکساندر (۱)

دولت انگلستان که بوسیله سفیر دولت روسیه از نیات تزار نسبت بدولت عثمانی اطلاع پیدا کرده بود از پیشنهاد یرملوف برای انعقاد پیمان اتحاد بادولت ایران بمنظور حمله بخاك عثمانی بسیار نگران بود . نمابنده دولت بر برطانیای کبیر در تهران جدیت داشت که از پیشرفت نفوذ و نقشه های دولت روسیه در دربار ایران جلوگیری کند . باید دانست که دولت انگلستان از یک طرف بامضای معاهده تهران در سال ۱۸۱۶ که در واقع پیمان اتحادی بود و بانفوذ زیادی که در دربار عثمانی داشت از طرف دیگر میخواست بهر قیمتی که باشد از وقوع جنگ میان دو متحد خود ممانعت نماید و بالا اقل عنداللزوم بتواند میانجی گری کند .

از وقتی که یرملوف بدون اخذ نتیجه برای ایجاد جنگ میان دو دولت ایران و عثمانی تهران را ترك گفت نمایندگان دولت روس لحظه ای در تعقیب سیاست دولت خود در دربار ایران بیکار نشستند - عمال تزار بخصوص مازاروویچ (۲) نائب سفارت دولت سن پترزبرگ در ایران دامن زدن بآتش نفاق میان دولتمندان ایران و عثمانی اعمال نفوذ فوق العاده ای در دربار ایران کردند - مازاروویچ که تمام هم خود را برای

1 - Demartens: supplement au recueil des principaux traités T. VIII p.95.

2- Mazarowitch

کاشتن تخم اختلافات مذهبی مصرف کرد و سعی داشت تحقیر و سرافکنندگی ملت ایران را از عدم موفقیت و شکستهای ناشی از جنگ ایران و روس را جبران کند. از ضعف امپراطوری عثمانی استفاده کرده و موقع را بسیار مناسب تشخیص داد که در طبیعت جاه طلب عباس میرزا اعمال نفوذ نماید و وی را با اشغال متصرفات عثمانی ترغیب و تحریص کند. تا بالاخره حمایت حاکم ارز روم از دوایل چادر نشین ایرانی که آذربایجان را ترك گفته و در خاک عثمانی اقامت گزیده بودند برای اعلان جنگ بدولت عثمانی بهانه بدست دولت ایران داد. تعقیب این سیاست از طرف نمایندگان دولت روس از متن نامه مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ هانری ویلوک^(۱) نایب سفارت انگلستان در تهران به ژورژ کائینک^(۲) روشن میگردد^(۳) با مشاهده تیرگی روابط دولتمین ایران و عثمانی هانری ویلوک تصمیم گرفت در مقابل مساعی روس از نفوذ دولت انگلستان دفاع کند و با متابعت از میل دولت خود سعی کرد بلکه ولیعهد ایران را به تعقیب یک سیاست مسالمت آمیز وادارد و وی را از شروع به جنگ با دولت عثمانی منصرف سازد. بهمین منظور پیشنهاد کرد مقداری وجه از کمک مالی که دولت انگلستان مطابق معاهده تهران متعهد گردیده است پرداخت کند.

وای اقدامات نماینده بریطانیا ب نتیجهای نرسید و چنانکه ذکر شد نمایندگان روس بخصوص مازاروویچ ولیعهد را بشروع جنگ تشویق میکردند. در حقیقت میتوان گفت که نماینده دولت روسیه عباس میرزا ولیعهد ایران را عامل و وسیله خویشی برای اجرای سیاست دولت خود تشخیص داده بود زیرا پس از شکست اعلان دوز و قبول معاهده ننگین گلستان عباس میرزا در نظر داشت بلکه با اقدام باین عمل نفوذ و قدرت خود را تحکیم نماید - جنگ با دولت عثمانی که از ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۸ (۱۸۲۱-۱۸۲۳) بطول انجامید با فتح دولت ایران و امضای معاهده ازروم خاتمه پذیرفت. باین ترتیب میتوان گفت که جنگ ایران و عثمانی از نتایج مستقیم معاهده گلستان در روابط ایران و عثمانی بشمار میرود.

1 - Henry-willolk

2 - G. Canning

۳- نامه مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ هانری ویلوک به کائینک

London: P.R.O. P.F.o 60.T.XXV

قسمت سوم
دوره فترت میان دو جنگ

فصل اول

۱- علل سیاسی و اجتماعی جنگ دوم ایران و روس

۱۴۴۱ ۱۴۴۳ (۱۸۴۶ - ۱۸۴۸)

علل سیاسی و اجتماعی را که در این فصل بیان خواهیم کرد نباید یگانه علل بروز جنگ دوم ایران و روس شمرد. گفتیم که سیاستمداران روس برای تکمیل فتوحات خود در ایران و رسیدن بسرحد رودارس چنین تشخیص داده بودند که اعمال يك سیاست تجاوزکارانه در حق کشور ایران ضروریست. حوادثی که مابینك نظر اجمالی در پیرامون آن مطالعه و به بحث خواهیم پرداخت در واقع علل دور و ثانوی جنگ دوم ایران و روس بشمار میرود و از همین لحاظ حائز اهمیت میباشد :

دیدیم که با امضای معاهده گلستان دولت ایران ایالات گرجستان و ایمرسی و مپن قره‌لی و دربندوبا کو و شیروان و شکی و گنجه و قره‌باغ و مغان و قسمتی از طالش را بدولت روسیه واگذار کرد سکنه سه ناحیه اولی مسیحیان گرجی و پیروان کلیسای ارتودوکس آرامنه بودند. ولی اکثریت سکنه سایر نواحی اشغالی با مسلمانان بود. در این نواحی يك رژیم سیاسی و اداری از قدیم برقرار بود که مابینکات برجسته آن در اینجا اشاره میکنیم. هر يك از این ایالات از دوران حکومت صفویه بوسیله يك نفر والی اداره میشد. در نتیجه تأموریت طولانی و اعمال نفوذ شغل و ایان این نواحی بالاخره موروثی شده بود. هر يك از پادشاهان ایران که بقدر کافی قدرت و نفوذ پیدا میکرد این حکام نیمه مستقل را ملزم مینمود سوگند وفاداری یاد کنند. حکام همچنین موظف بودند سالانه مالیاتی بپادشاه ایران بپردازند و نظر باینکه در حوزه فرمانروایی خود قدرت مطلقه داشتند همواره پی فرصت می گشتند بلکه خود را از سلطه حکومت مرکزی برهانند و همینکه بقدر کفایت قدرت می یافتند خود را مستقل میخواندند.

بهمین علت بود که والیان و فرماندهان مستقل این نواحی از پادشاهان با قدرت صفوی اطاعت کرده و از فرمانبرداری سلاطین ضعیف این سلسله استنکاف میورزیدند چنانکه در زمان حکومت ضعیف شاه سلطان حسین، پطر کبیر در بند و با کوو قسمتی از شیروان را اشغال کرد. این ایالات تا ظهور نادر مطیع روسها و عثمانیها بودند و با استقرار قدرت نادر شاه افشار مجدداً با طاعت دولت ایران درآمدند.

باهر جومرجی که پس از مرگ نادر در ایران رخ داد حکومت گرجستان خود را مستقل کرده و از اطاعت حکومت ایران سر باز زد و وقتی آغامحمدخان بقدرت رسید این ناحیه را مطیع ساخت ولی قتل ناگهانی سلطان قاجار دامنه فتوحات وی را ناقص گذاشت و با وقوع این حادثه نقشه‌های روسیه تزاری نسبت با ایالات شمال غربی ایران در نهایت سرعت و سهولت انجام یافت.

باید دانست کلیه نواحی که بموجب معاهده گلستان بدولت روسیه واگذار گردید بوسیله قوای نظامی آن دولت فتح نشده بود. مثلاً هر اکلیوس حاکم گرجستان که برای استخلاص خود از استبداد و مظالم دربار ایران حمایت تزار را درخواست کرد و ساکنین ناحیه اردوباد تصور کردند که با تقاضای حمایت دولت روسید از تعديات و اجحافات حاکم ایران نجات خواهند یافت. بنابراین پادشاهان قاجار بعزت وضع اسف‌آور سازمانهای اداری موفق نشدند رضایت و موافقت سکنة ناحیه قفقاز را نسبت بخود جلب کنند. در مقابل روسها که خود را ناجی ملل قفقاز معرفی کرده بودند ناراضیان و باغیان را برضد دربار تهران برانگیختند. سکنة این نواحی بامید اینکه مداخله دولت روسیه در امور داخلی قفقاز يك امر موقتی خواهد بود خط مللی را مرتکب شدند که برضد دشمن خانگی از بیگانگی باری میطلبند. اشغالگران نامدتی در نواحی متصرفی خوسر فتاری کردند و والیان و فرماندهان که قسمتی از امتیازات موروثی خود را محفوظ داشته بودند تصور می‌کردند این امتیازات را با عقب خود بارت و اگذار خواهند کرد. ولی بارتزیم جدیدی که پس از امضای معاهده گلستان بوجود آمد اساس تشکیلات اداری و سیاسی این نواحی بتدریج تغییر یافت بمرور افسران روسی نفوذ رؤسای محلی را از بین برده

و حکومت خود را محکمتر ساختند. کینه روسها در دل خوانین ایرانی جای گرفت و عکس العمل آن با ایجاد تحریکات و اخلاف بر ضد حکومت استبدادی روس که خود قبول کرده بودند ظاهر گشت روسها با اعمال زور و زجر و شکنجه با اقدامات حکام و رؤساء محلی قفقاز جواب دادند در نتیجه کلیه رؤسای مسلمان املاک و متصرفات خود را ترك گفته و با بران پناه بردند.

اگر حکام و رؤساء موفق شدند به سبب تسهولت از مناطق نفوذ روس دور شوند خوانین و نجبای محلی در مناطق مسکونی منافع زیادی داشتند و نمیتوانستند با سانی اوطان خود را ترك گویند بتدریج که قدرت و نفوذ آنان تحت الشعاع نفوذ و قدرت زمامداران روسیه قرار گرفت نتوانستند حتی عایدات املاک خود را نیز وصول کنند بعدها نیز برای ادامه زندگی جزئی اندوخته خودشان را از دست دادند. بد رفتاری و لحن آمرانه افسران روسی حشمت آنان را جریحه دار ساخت و بدون امید نجات در میان عامه مردم ناپدید گردیدند. ورود به خدمات دولتی تنها در محل تولد مجاز بود و ترقیات آنان خیلی محدود بود. دخول در ارتش روس موکول بود به چشم پوشی از کلیه مزایای حقوقی، آنانکه وارد خدمت نظام میگرددند مجبور بودند عادات محلی و بعضی از معتقدات مذهبی خود را نیز از دست بدهند تا بتوانند با افسران روسی معاشرت کنند. ولی این قبیل محرومیتها و فداکاریها نیز زندگی آنانرا آسانتر نساخت بطوریکه حتی ارامنه مسیحی غیر ارتودوکس و گرجیان از سختگیریهای زمامداران روس برای قبول آداب و رسوم روسی بستره آمدند با قبول عادات و رسوم دولت غالب از طرف مسلمانان، مانند پوشیدن لباس و تطبیق رفتار زنان و کودکان با عادات و رسوم روسی بدگمانی روسها نسبت بساکنین نواحی اشغالی بر طرف نشد بلکه ناراضیاتیها باز هم شدت یافت.

نسلی که در حال رشد بود نظر باینکه از وضع گذشته اطلاعی نداشت نفوذ روس را متحمل میشد ولی قبول این وضع برای نسل حاضر نهایت دشوار و نامطلوب بود. از قرنهای شانزدهم و هجدهم تا اواخر قرن نوزدهم روسیه در اغلب ایالات متصرفی تنها طبقه مسلمان صاحب نفوذ و امتیاز بود و وضع اجتماعی مسیحیان نسبت بمسلمانان پست تر بود ولی با تحکیم و استقرار نفوذ دولت روسیه وضع مسیحیان تغییر یافت و مسلمانان حتی در تحت فشار قرار گرفتند.

مکرر مسیحیان بآداب مذهبی مسلمانان اهانت کرده و آنرا مورد استهزا قرار دادند و حتی خواستند از انجام تشریفات مذهبی مسلمانان جلوگیری کنند. وقتی علمای دینی ملاحظه کردند که نفوذ شاه بشدریج کاسته میشود و منافعی که در خطر است ناچار با رژیم روس آغاز مخالفت کردند. روسها باین موضوع بی اعتنائی کامل بخرج دادند و علما سعی داشتند کینه معتقدین خود را بر ضد دولت روس شدیدتر نمایند. متنفذین مذهبی تحمل ظلم جنبی و اطاعت از بیگانه و غیر مسلمان را که باعث وهن و سرافکنندگی بود اساس تبلیغات و شکایات خود قرار دادند. روحانیون نه تنها به پیروان خود زیاده رویهای عمال تزار را گوشزد کردند بلکه بی اعتنائی و حس بدبینی و اقدامات اصولی و خطرناک آنان را بر ضد اسلام اعلام داشتند.

رفتار افسران روسی و افراد نظامی و حتی رفتار دولت روس شایسته رفتار یک دولت غالب نبود. سکنه نواحی متصرفی که برای زیارت مشاهد متبر که مسافرت میکردند بدر رفتاریهای عمال روسی را شرح میدادند و از خطرات متوجه با افراد مسلمانی که زیر یوغ دولت تزاری روس قرار گرفته بودند صحبت میکردند با ادامه این وضع روز بروز وحشت علمای شیعه زبادت میگردید. اخراج دسته جمعی مسلمانان کریمه بر نگرانی روحانیون افزود و این رفتار دولت روس شاهد بارز پیشبینی های آنان قرار گرفت.

با اینکه قدرت در دست دولت روس بود و حکام ایرانی که مانع تحولات بنفع دهقانان بودند نواحی اشغالی را ترك گفته بودند، بهیچوجه در وضع دهقانان تغییری حاصل نشد و اقدامی بنفع آنان از طرف دولت روس بعمل نیامد و وضع زندگی دهاتیها در رژیم استبدادی دولت تزاری بهتر از حکومت خوانین قفقاز نگردید.

نظر باینکه خدمت در ایالات جنوبی قفقاز از طرف دولت روس یکنوع تمیمی تلقی میشد لذا دولت سن پترزبرگ کارمندان فاسد و نالایق را برای اشتغال باین ناحیه اعزام میداشت. افسران جزء ارتش معمولاً بی سواد و بی تربیت و نسبت بزیر دستان بیرحم بودند جمع آوری مالیات در این نواحی بدست این قبیل افراد بالطبع باعث ایجاد تعدیات

و بدرفتاریها میشد و دهقانان بیچاره دائماً در تحت فشار مأمورین خشن دولت روس قرار داشتند.

اجحافات و رفتار بی رویه مأمورین دولت روس که باعث تنفر مردم در ایالات متصرفی گردیده بود از همان سال ۱۲۳۰ (۱۸۱۵) سکنه این نواحی را تکان داد و بالاخره در سال ۱۲۴۱ (۱۸۲۶) مبدل بیک شورش و هیجان عمومی گردید که بانیات و سیاست انتقام جویانه زمامداران ایرانی تطبیق میکرد.

۲- علل آنی جنگ دوم ایران و روس

مذاکرات در باره تعیین سرحدات

در موقع تنظیم پیمان گلستان روسها تعمد بخرج دادند که حتی الامکان از اتخاذ تصمیم قطعی برای تعیین سرحدات میان دودولت جلو گیری کنند. اتخاذ این رویه و تعقیب چنین سیاستی از طرف زمامداران دولت روس اختلافاتی میان دو کشور بوجود آورد که نتیجه آن منتهی به آغاز جنگ دوم ایران و روس از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ (۱۸۲۶-۱۸۲۸) گردید.

هنگام حرکت از تهران ژنرال یرملوف وعده داده بود نماینده ای برای حل مسائل متنازع فیه میان دودولت تعیین واعزام دارد. بهمن مناسبت در سال ۱۲۳۳ (۱۸۱۸) مازاروویچ بعنوان نماینده دولت روسیه بایران آمد و پس از اقامت خیلی کوتاه در تهران به تبریز مسافرت کرد تا از نزد بك باعباس میرزا که از طرف دولت ایران برای حل اختلافات سرحدی نمایندگی داشت در تماس باشد. عباس میرزا نمایندگانی از طرف خود جهت تعیین و تجدید حدود مناطق متنازع فیه تعیین کرد. هنگامیکه نمایندگان طرفین در محل حضور یافتند و از نزدیک وضع مناطق مورد اختلاف را بازدید کردند با اشکالات جدید مواجه شدند.

نمایندگان دولت روس مواد اداری پیمان گلستان را بنبع دولت خود تعبیر میسر دهند و نمایندگان دولت ایران از واگذاری مناطقی که بعقیده آنان بدولت ایران تعلق داشت امتناع میورزیدند. باین ترتیب حل اختلاف مشکل بنظر میرسید و نمایندگان ایران هنوز از حدود قره باغ جلونر نرفته بودند که از طرف ولیعهد احضار شدند.

هنگامیکه مذاکرات جهت تعیین سرحدات ادامه داشت دولت روس در ناحیه کو گچه واقع در طول سواحل شمالی و شمال غربی در باجه کو گچه و همچنین در سرحدات قره باغ مشغول تأسیس باسگاههای نظامی بود.

پس از شکست مذاکرات، عباس میرزا در سال ۱۲۳۵ (۱۸۲۰) مهندس میرزا مسعود یکی از منشیان خود را جهت حل اختلافات و ملاقات ژنرال یرملوف به تفلیس فرستاد ولی فرمانده کل قوای روس حاضر نشد بهیچوجه تغییری در تصمیمات دولت خود نسبت بمواد معاهده گلستان قائل شود. نظر باینکه دولت روسیه هنوز از گرفتاریهای اروپا آسوده نشده بود و قصد تعرض برضد دولت عثمانی را داشت لذا برای گذراندن وقت و بدست آوردن فرصت مناسب تری ژنرال یرملوف شروع مذاکرات را به سال بعد موکول نمود. پس از مراجعت نماینده دوات ایران مکانات زیادی تا شروع جنگ ایران و عثمانی ۱۲۳۶-۱۲۳۸ (۱۸۲۱-۱۸۲۳) میان عباس میرزا و فرمانده کل قوای گرجستان مبادله گردید.

در آئینای جنگ ژنرال یرملوف از فرصت استفاده کرده چندین نقطه از اراضی ایران را اشغال و بعد در سال ۱۲۴۰ (۱۸۲۴) دولت روسیه نواحی بالغ او و گونی و گوگچه را متصرف گردید.

دولت ایران رسماً بدست اندازیهای جدید دولت روسیه اعتراض کرد. نمایندگان دودوات لاینقطع وبدون هیچ نتیجه برای تعیین نقاط سرحدی و حل اختلاف بمحل حرکت میکردند.

مازاروویچ نماینده دولت روسیه در برابر اعتراضات دولت ایران برای حل اختلافات سرحدی پیشنهادهایی تسلیم کرد که مورد موافقت فتحعلیشاه و عباس میرزا قرار گرفت ولی هنگامیکه ژنرال یرملوف از اقدامات نماینده خود در تهران اطلاع حاصل کرد اظهار داشت تعهدات مازاروویچ خارج از حدود اختیارات وی بوده و مورد قبول دوات روسیه نیست. وقتی عباس میرزا از رد پیشنهادهای مازاروویچ مطلع شد فتعلی خان حاکم تبریز را در تاریخ ۱۱ جمادی الثانی ۱۲۴۰ (ژانویه ۱۸۲۵) بنماینده گئی از طرف دولت ایران به تفلیس روانه کرد^(۱). در تفلیس موافقت نامه ای میان ژنرال یرملوف و نماینده دولت ایران بامضاء رسید. فتعلی خان پس از ورود به تبریز گزارش مأموریت خود را

۱- نامه مورخ ۵ فوریه ۱۸۲۵ هانری و بلوک به ژورژ کانینگ

عباس میرزا داد ولی نظر باینکه مواد موافقت نامه نظریات دولت ایران را تأمین نمی‌کرد
بتصویب نرسید.

در ماه رجب ۱۲۴۰ (فوریه ۱۸۲۵) مذاکرات مجدداً آغاز شد و ملاقاتی میان
عباس میرزا و ژنرال یرملوف بعمل آمد. در این ملاقات قرار شد فتحعلی خان دوباره برای حل
اختلاف به تفلیس نزد ژنرال یرملوف فرستاده شود^(۱). در نتیجه این مذاکرات نماینده
ایران برای بار دوم به تفلیس رفت و در تاریخ ۸ شعبان ۱۲۴۰ (۲۸ ماه مارس ۱۸۲۵)
موافقت نامه‌ای با حضور ژنرال ویله‌مینوف^(۲) و مدد اوف^(۳) با مضاع رسید که ما آنرا قرارداد
تفلیس خواهیم خواند. نماینده ایران قرارداد تفلیس را بشرطی امضاء کرده بود که از
طرف دولت ایران مورد قبول واقع گردد^(۴).

مطابق مواد قرارداد تفلیس ناحیه گوگچه بدولت روسیه تسلیم و در مقابل دولت
روسیه ناحیه قیان را بدولت ایران واگذار می‌کرد. ولی در حقیقت قرارداد تفلیس یک نیرنگ
سیاسی بیش نبود زیرا ناحیه گوگچه و ناحیه قیان هر دو متعلق با بران بود و روس‌ها
در مقابل اشغال یکی از نواحی ایران واگذاری ناحیه دیگری را که آنهم متعلق بدولت
ایران بود پیشنهاد می‌کردند با این وصف عباس میرزا و فتحعلیشاه ناچار از تأیید قرارداد
تفلیس خودداری کردند^(۵).

دولت روسیه از نیل بمقصود و حصول نتیجه ناامید نبود بطوریکه در ماه شوال
۱۲۴۰ (اواخر ماه مه) مازار وویچ بتهران آمد تا از فتحعلیشاه تأیید قرارداد تفلیس را
تقاضا کند. جلسات مشورتی برای مطالعه مواد قرارداد در تهران تشکیل گردید و
عباس میرزا نیز برای شرکت در این جلسات بتهران احضار شد.

۱- نامه مورخ ۱۶/۲۶ ژوئیه منچیکوف به قائم مقام

London : P. R. O. p. FO. 60. T. XXVII

2- Wilheminoff

3- Madadoff

۴- ترجمه نامه ژنرال یرملوف به عباس میرزا

London : p. R. O. p. Fo. 60. T. xxv

۵- نامه مورخ ۱۴ اکتبر ۱۸۲۵ مابری ویلک به کانینگ

London : p. R. O p. Fo. 60. T. xxv

حسن خان صادی اصلان برادر حاکم ایروان نیز که در جنگ اول ایران و روس شرکت کرده بود به تهران خوانده شد تا نظریات و تجارب وی مورد استفاده قرار گیرد. وی که بنواحی سرحدی ایروان آشنائی کامل داشت ثابت کرد که ادعای دولت روسیه مورد ندارد و با واگذاری ناحیه گوگچه امنیت شهر ایروان در خطر خواهد بود. دربار ایران بالاخره پس از مباحثات طولانی عدم امکان قبول مواد قرارداد تفلیس را رسماً با اطلاع نماینده دولت روسیه رسانید.

در برابر تصمیمات راسخ دولت ایران ژنرال یرملوف باتکاء قرارداد تفلیس يك هنگ سرباز ۱۸۰۰ نفری روس را با چهار عراده توپ برای اشغال و تصرف ناحیه گوگچه و اخراج سکنه ایرانی آن ناحیه مأمور ساخت (۱).

فتحعلی شاه که در مقابل عمل انجام یافته قرار گرفته بود میرزا صادق مروزی وقایع نگار دربار را مأمور کرد که در معیت مازار و ویج بملاقات ژنرال یرملوف برود. نمایندگان دودولت در اواخر ماه شوال ۱۲۴۰ (ژوئن ۱۸۲۵) تهران را ترك گفتند. نماینده دولت ایران مأموریت داشت با اشغال اراضی ایران از طرف قوای روس اعتراض کرده و در صورت لزوم بدربار سن پترزبرگ مراجعه و شکایت خود را تسلیم امپراطور کند.

پس از ورود به تبریز نماینده دولت روس پیش دستی کرده و قبل از نماینده ایران به نزد ژنرال یرملوف رفت تا وی را از جریان مذاکرات تهران مسبوق سازد. در نتیجه زمامداران روس تصمیم گرفتند قبل از ورود نماینده دولت ایران ناحیه بالغ لورانیز بوسیله قوای قراکلیسا اشغال کنند. این بود که در شب ۲۵ صفر ۱۲۴۱ (۱۹ اکتبر ۱۸۲۵) یک دسته از سربازان روس با دو عراده توپ بدهکده بالغ لو وارد شده ایلات ایرانی را بیرون کرده و محل های مسکونی آنها را خراب کردند (۲) ولی با ورود قوای سردار ابروان

۱- نامه مورخ ۲۸ نوامبر ۱۸۲۵ هانری ویلوك به کاتینك

London : p.R.O.p.Fo 60 T.xxv

۲- نامه مورخ اکتبر ۱۸۲۵ عباس میرزا به ژنرال یرملوف

Lodon : p.R.O.p.Fo.60 T.XXVII

روسها مجبور شدند ناحیه بالغلو را تخلیه کنند.

میرزا صادق مروزی در تاریخ ۱۰ ربیع الاول ۱۲۴۱ (۲۳ اکتبر ۱۲۸۵) از تبریز حرکت کرد و در تاریخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۴۱ (۲۳ نوامبر ۱۲۸۵) وارد تفلیس گردید^(۱). قبل از ورود نماینده ایران ژنرال یرملوف تفلیس را ترك گفته بود. میرزا صادق مروزی از طرف ژنرال ویلهیمینوف که مأمور رسیدگی باختلاف سرحدی بود پذیرائی شد مذاکرات میان نمایندگان دودولت بجائی نرسید و مرك آلكساندراول در تاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۴۱ اول دسامبر ۱۸۲۵ باعث قطع مذاکرات گردید^(۲)، نماینده ایران پس از دو ماه اقامت در تفلیس تقاضا کرد وی را از تصمیمات دولت روسیه مستحضر دارند ژنرال ویلهیمینوف ضمن یادداشت مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۲۶ (۱۲ جمادی الاول) اطلاع داد که ژنرال یرملوف فرمانده کل قوای گرجستان نمیتواند بدون اجازه امپراطوری اراضی اشغال شده را بدولت ایران مسترد دارد^(۳) بالاخره نماینده دولت ایران بدون موفقیت واخذ کمترین نتیجه تفلیس را ترك گفت و در رمضان ۱۲۴۱ (مارس ۱۸۲۶) وارد تهران گردید^(۴).

پس از مرك آلكساندراول تغییری در سیاست عباس میرزا پدید آمد و با عهد ایران که تا این تاریخ سیاست سازش و مسالمت آمیزی نسبت بدربار سن پترزبورگ پیش گرفته بود در نتیجه دخالت مأمورین سیاسی در تبریز تغییر روش داد و این تغییر سیاست آغاز جنگ دوم ایران و روس را تسریع کرد.

۱- نامه مورخ ۲۴ اکتبر هانری ویلوك به كانينك

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۲- نامه مورخ ۱۷ فوریه هانری ویلوك به كانينك

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۳- یادداشت مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۲۶ ویلهیمینوف به میرزا صادق مروزی

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۴- نامه مورخ ۳۱ مارس ۱۸۲۶ هانری ویلوك به ژورژ كانينك

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۲- تغییر سیاست عباس میرزا پس از مرگ آلکساندر اول و اعلان جهاد

اشغال نواحی گوگچه و بالغ لوو گونی از طرف روسها نوأم با انواع آزار و شکنجه نسبت به مسلمانان آن نواحی بود و چنانکه بدان اشاره شد ظلم و فجایع دولت روسیه علمای مسلمان را در مشاهد متبر که سخت مضطرب و نگران ساخته بود. دیپلماسی انگلستان برای اقدام بر ضد نفوذ روزافزون و تهدیدآمیز دولت روس از این فرصت مناسب استفاده کرد.

گفتیم که عباس میرزا نسبت بر رفتار ناهنجار عمال دولت روس با مسلمانان نواحی اشغالی بژنرال برملاف و سایر فرماندهان قوای قفقاز اعتراض کرد. ولی نظر باینکه ولعهد ایران پس از امضای معاهده گلستان مستقیماً تحت نفوذ دولت سن پترزبرگ قرار داشت نمیتوانست در مقابل روش دولت روس اقدام مؤثر و جدی کند^(۱). عباس میرزا در جریان مذاکرات برای تحدید حدود سرحدات، تمام هم خود را صرف کرد تا روابط میان دو دولت قطع نگردد و دیدیم که نمایندگان وی بکرات جهت حل اختلافات نزد فرمانده کل قوای گرجستان رهسپار شدند.

سیاست و آرزوی تزار این بود که متصرفات روسیه را تا سرحد ارس بسط دهد بدین منظور در معاهده گلستان قید شده بود از میان پسران شاه آنکه جانشین تاج و تخت ایران تعیین شود از طرف روسیه نیز بر رسمیت شناخته خواهد شد.

دولت روسیه باین عمل در حقیقت تعهد میکرد که از عباس میرزا در مقابل برادر ارشدش محمدعلی میرزای دولت شاه حمایت و جانبداری کند تزار با طرفداری و حمایت از منافع ولعهد در واقع یکنوع حق نظارت در سیاست داخلی ایران تحصیل کرده و

۱- گزارش سیاسی مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ هانری ویلوك به کاینک

امیدوار بود عباس میرزا بنوبه خود از پیشرفت سیاست دولت روسیه در ایران طرفداری نماید. پس عباس میرزا با اینکه نمیخواست بهیچوجه خود را کاملاً تحت نفوذ تزار قرار دهد مجبور بود قدرت و نفوذ دولت روسیه را بحساب بیاورد:

در مکاتبات عباس میرزا با تزار و دولت روسیه مشاهده میشود که ولیعهد ایران سعی و کوشش دارد احترام و قدرت و اختیارات خود را بابکار بردن عناوین و تعارفات رسمی و تشریفاتی که معمول دیپلماتهای ایران آن زمان بود حفظ کند.

محمدعلی میرزا در سال ۱۲۳۷ (۱۸۲۲) در حین جنگ ایران و عثمانی در گذشت و با مرگ وی عباس میرزا جانشین بالامعارض تاج و تخت ایران گردید و با این ترتیب کمک تزار برای تعیین ولیعهد ایران در درجه دوم اهمیت قرار گرفت.

در تاریخ شعبان ۱۲۴۱ (مارس ۱۸۲۶) شاهزاده منچیکوف^(۲) بعنوان نماینده فوق العاده بدربار ابران اعزام گردید^(۲).

سفیر دولت روسیه مأموریت داشت که جلوس نیکولای اول را رسماً با اطلاع دولت ایران برساند و ای در حقیقت منچیکوف موظف بود باختلافات سرحدی دو دولت خاتمه داده و دولت ایران را برای امضای معاهده اتحادی برضد دولت عثمانی حاضر کند.

وقتی دولت روسیه طالب اتحاد با دولت ایران بود دولت انگلستان بوسیله اقدامات و فعالیت مأمورین سیاسی خود در دربار عباس میرزا جدت داشت تشبثات دولت روسیه را عقیم سازد و نفوذ سیاسی خود را محکمتر و مؤثرتر بکند. ماثورهارت^(۳) و دکتر کرومک^(۴) اعمال انگلیسی که جریان حوادث نیز آنان کمک میکردند داطمینان شاهزاده عباس میرزا را بخود جلب کرده بودند و از مرگ آلکساندر اول برای تغییر سیاست عباس میرزا استفاده نمودند.

1- Menchikoff

۲- نامه مورخ ۲۰ مارس هانری و بلوک به کانینک

London ۱ p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

3- Major Hart

4- Gromk

(باید تذکر داد که علاوه بر مرثیة محمد علی میرزا دولت شاه در گذشت میرزا بزرگ قایم مقام نیز در سال ۱۲۳۷ (۱۸۲۲) که یکی از رجال سر سخت ضد سیاست انگلستان در دربار عباس میرزا بود در پیشرفت سیاست انگلستان فوق العاده تأثیر داشته و وظیفه اعمال انگلیسی را به نهایت آسان میکرد).

هانری ویلوك در نامه مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ (۱۰ شعبان ۱۲۴۱) بوزارت خارجه انگلستان گزارش میدهد که در نتیجه اقدامات مأمورین انگلیسی وقتی پرنس منچیکوف به تبریز رسید یک نفر نماینده طرف اطمینان از طرف شاهزاده عباس میرزا اعزام گردید که شاه را برای اعلان جنگ بر ضد دولت روس تشویق کند.

هانری ویلوك کاردار سفارت انگلیس در همین نامه تذکر میدهد که ورود پرنس منچیکوف وضع جدیدی در دربار عباس میرزا بوجود آورده است. ولیعهد ایران معتقد است مادامیکه قبلاً از مذاکرات در تبریز نتیجه ای گرفته نشود و دولت روسیه حاضر به تخلیه ناحیه گوگچه نگردد نماینده روسیه نباید بطرف تهران حرکت کند^(۱). کاردار سفارت در همین نامه اضافه میکند که پادشاه تردید دارد آیا بجنگ مبادرت ورزد یا ناحیه گوگچه را بتصرف روسها بدهد ولی توسل بجنگ حتمی بنظر میرسد زیرا در نظر زمامداران ابران استقرار روسها در ناحیه گوگچه و ایجاد پاسگاهها در نزدیکی ایروان حفظ و حراست این ایالت ثروتمند را بخطر خواهد انداخت^(۲).

پس از ورود منچیکوف آقاسید هاشم مجتهد برای تحریک احساسات مذهبی مردم پایتخت بر ضد روسها در تاریخ ۱۷ شوال ۱۲۴۱ (۲۵ مه ۱۸۲۶) وارد تهران شد تا فتحعلیشاه را بجنگ وادار کند^(۳).

۱- نامه مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ هانری ویلوك به کانتینک

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۲- نامه مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ هانری ویلوك به کانتینک

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۳- در اسناد و بایگانی وزارت خارجه انگلستان برای روشن کردن این مطلب که آیا رؤسای ایالات و علمای مذهبی بمیل خود میخواستند که جنگ بین دولین روس و ایران را بقیه حاشیه در صفحه ۱۸۱

چنانکه گفته شد مکاتبات و تقاضاهای زیادی از طرف ساکنین نواحی سرحدی و پیشوایان مذهبی بدولت ایران رسیده بود که درخواست میکردند دولت ایران برای رفع اهانت‌هایی که از طرف دولت روسیه بدین اسلام وارد آمده بود اقداماتی بعمل بیاورد. هنگامیکه در تبریز میان پرنس منچیکف و عباس میرزا و وزیرش میرزا ابوالقاسم قائم مقام مکاتبات زیادی راجع باختلافات سرحدی مبادله میشد^۱ فتحعلیشاه بمناسبت فصل تابستان تهران راترك وبسمت سلطانیه حرکت کرد شوال ۱۲۴۱ (ژوئن ۱۸۲۶) شاه که از جریان حوادث بسیار مضطرب بود برای تعیین خط مشی سیاسی تصمیم گرفت ضمن کنفرانسی نظر مشاورین خود را جلب کند.

در این کنفرانس هانری ویلوك كاردار سفارت انگلستان به فتحعلیشاه توصیه کرد روش مسالمت آمیزی اختیار کنند و آقاسید محمد مجتهد را که ممکن است گرفتاری‌هایی

بقیه از حاشیه صفحه قبل

بيك جنك مذهبی مبدل كنند با اینکه ما مورین يك دولت بیگانه در این مورد فعالیت بخرج میدادند سندی بدست نیامد ولی در مکاتبات سیاست مداران دولت روسیه علایم و اشاراتی موجود است که سیاست نخست وزیر انگلستان را در این مورد روشن میسازد: چنانکه كنت دونسلرود Conte-de-nesslrode صدراعظم دولت روسیه در جلد ششم صفحه ۲۵۹ مجموعه مکاتبات خود چنین بیان میکند: بنظر میآید کائینك وزیر خارجه انگلستان که از نفوذ و شهرت ژنرال برمفوف مضطرب و متحیر بود میخواست ایران را بجنك برضد ما وادار کند وقتی وزیر انگلستان از سیاست مسالمت آمیز امپراطور آلکساندر اطمینان حاصل نمود مصمم گردید از احساسات ضد روسی ایرانیان جلوگیری کند ولی جلوگیری از غلبان احساسات ملی برای وی غیر مقدور بود. همچنین دوشرودر De-shroeder که در نیمه اول قرن نوزدهم از طرف وزارت خارجه روسیه مأموریت‌های مختلف سیاسی داشته راجع به سیاست انگلستان نسبت به یونان و ایران چنین مینویسد: «بنظر میآید که سیاست انگلستان با ایجاد جنك جدیدی میان دولین روسیه و ایران دوهدف را تعقیب میکند تا از یکطرف از پیشرفت روسها بطرف مشرق ایران در سمت هندوستان جلوگیری کند از طرف دیگر برای تزار که در مسئله یونان گرفتار است اشکالانی تولید نماید تا بالاخره وی را مجبور کند که ازدولت انگلستان كمك طلبد و بالتیجه موضوع بنفع دولت انگلستان خاتمه پذیرد».

۱- مکاتبات عباس میرزا و منچیکف نامه مورخ ۹ ذی قعدة ۱۲۴۱ (۱۵ ژوئن ۱۸۲۶)

برای دولت ایران ایجاد نماید بحضور نپذیرد. هانری ویلوك در واقع يك سياست دوجانبه بازی میکرد. رسماً فتحعلیشاه را با اتخاذ رویه محتاطی توصیه میکرد در صورتیکه نمایندگان وی مازور هارت و د کتر کرومک در تبریز شاهزاده عباس میرزا را بجنک با دولت روسیه تحریک میکردند.

درنامه مورخ ذیقعدۀ ۱۲۴۱ (۲۷ ژوئن ۱۸۲۶) هانری ویلوك به ژورژ کانینک نظر سیاستمداران ایرانی را نسبت بدولت روسیه چنین شرح میدهد: «در نتیجه مذاکرات سری که باللهیارخان آصف الدوله داشتم وی مایل بجنک نیست ولسی مجبور است از نظر شاهزاده تبعیت کند... میرزا عبدالوهاب وزیر خارجه سابق که در موارد مهم باوی مشورت میشود و شاه بعقیده او اهمیت فوق العاده ای میدهد مایل است روابط با دولت روسیه اصلاح شود» (۱)

فتحعلیشاه مایل بود سیاست عباس میرزا را تعقیب کند ولی وزراء توصیه کردند که نماینده دولت روسیه را بپذیرد و الا ممکن است باعث رنجش امپراطور جدید که در اعزام نماینده پیشقدم بوده است گردد. بنابراین در تاریخ ۴ ذیحجه ۱۲۴۱ (۱۰ ژوئیه ۱۸۲۶) پرنس منچیکوف بقرارگاه سلطانیه وارد شد (۲)

پس از سه روز ورود، فتحعلیشاه به پرنس منچیکوف اجازه شرفیابی داد؛ در این شرفیابی پنج تن ازوزرا: آصف الدوله و امین الدوله و معتد الدوله و میرزا ابوالحسن خان و میرزا ابوالقاسم قائم مقام حضور داشتند (۳). مذاکرات با حضور شاهزاده عباس میرزا آغاز گردید (۴) نماینده دولت روسیه اظهار داشت که وی نمیتواند از مواد قرارداد تفلیس

۱- نامه مورخ ۱۷ ژوئن ۱۸۲۶ هانری ویلوك به ژورژ کانینک از سلطانیه
London: P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۲- نامه مورخ ۱۷ ژوئن ۱۸۲۶ هانری ویلوك به ژورژ کانینک از سلطانیه
London: P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۳- نامه مورخ ۱۵ ژوئیه هانری ویلوك از سلطانیه به کانینک
London: P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۴- نامه مورخ ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك از سلطانیه به کانینک
London: P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

مورخ ۸ شعبان ۱۲۴۰ (۲۸ مارس ۱۸۲۵) عدول کند. باین ترتیب مذاکرات به نتیجه‌ای نرسید و جواب صریح نماینده دولت سن پترز برگ، تمام طرفداران صلح رامایوس کرد^(۱) بکنوع احساسات هیجان آمیزی تمام کشور را فرا گرفت و سیاست عباس میرزا که بطور مؤثری در تحت نفوذ کتر کرومک و ماژور هارت قرار داشت قربن توفیق گردید. افکار مردم بجداعلا برضد روسیه تهییج شده بود. ملت و روحانیون و اغلب زمامداران تقاضای اعلان جنگ برضد دولت روسیه داشتند. در تاریخ ۵ ذیحجه ۱۲۴۱ (۱۱ ژوئیه ۱۸۲۹) آقاسید محمد مجتهد به همراهی یکصد تن از روحانیون وارد سلطانیه شد دسته دیگری از اهالی بسر پرستی ملا احمد نراقی نزد فتحعلیشاه آمدند و به تظاهرات پرداختند^(۲)

چند تن از وزراء که طرفدار صلح با دولت روسیه بودند در حال یاس و نا امیدی. آخرین بار با منچیکوف مذاکره و بوی خاطر نشان کردند که اگر دولت روسیه از استرداد گو گچه منصرف گردد جنگ بطور قطع شروع خواهد شد، زیرا امنیت ناحیه ایروان با اشغال گو گچه که ظاهراً بی اهمیت بنظر میآید در مخاطره خواهد افتاد ولی منچیکوف در روش خود تغییری نداد.

بالاخره در مجمع وزراء تصمیم گرفته شد در مقابل تظاهرات مردم و بمنظور حفظ حیثیت دربار سعی شود موافقتی ولو بی اهمیت هم باشد از نماینده دولت روسیه تحصیل گردد. منچیکوف اظهار داشت مذاکرات را قطع کنند تاوی از دولت خود دستورات جدیدی دریافت دارد و با صف الدوله پیشنهاد کرد هیئتی برای حل اختلافات از طرف دولت ایران بسن پترز برگ فرستاده شود^(۳)

دولت ایران موقتاً قطع مذاکرات را قبول کرد و اصرار ورزید تا وصول دستورات

۱- نامه مورخ ۱۴/۲۶ ژوئیه ۱۸۲۶ پرنس منچیکوف

London: P.R O.P.Fo 6o.T.XXVII

۲- نامه مورخ ۱۵ ژوئیه هانری ویلوك از سلطانیه به کاتینك

London: P.R O.P.Fo.T.XXVII

۳- نامه مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۸۲۶-۱۳ ذیحجه ۱۲۴۱ منچیکوف با صف الدوله

London: P.R O.P.Fo 6o.T.XXVII

از طرف دولت روسیه ناحیه گو گچه تخلیه گردد و دولت ایران تعهد کرد که تا وصول دستور از طرف دولت روسیه این ناحیه را اشغال نکند. منچیکوف بدون اجازه نمیتوانست پیشنهاد دولت ایران را بپذیرد.

در جریان این مذاکرات اعمال نفوذ نمایندگان سیاسی و دیپلماتهای انگلستان فوق العاده مؤثر بود. زمامداران بریتانیای کبیر با ایجاد جنک میان دولتین ایران و روس در نظر داشتند دولت روسیه را با جنک خسته کننده ای در سرحدات شمال غربی ایران مشغول سازند تا بتوانند از فعالیت روسها در مشرق ایران که برای دولت هند خطرناک بود بکاهند. این نظریه از مطالعه یادداشتهای سری سر جان ملکم که راجع به پیشرفتهای دولت روسیه در آسیا نوشته شده روشن میگردد. بنظر ملکم فعالیت روسها در مشرق ایران از سمت افغانستان بتدریج شدت می یافت و این فعالیت برای سیاست انگلستان فوق العاده خطرناک بنظر میرسید^(۱) همچنین دو نامه مورخ دسامبر ۱۸۲۵ هانری ویلوک یکی بعنوان ویلیام پیت لرد آمرست^(۲) فرمانفرمای کل هندوستان و دیگری بعنوان ژورژ کانینگ نشان میدهد که چگونه دولت انگلستان از نفوذ روزافزون و پیشرفتهای دولت روسیه در ایران وحشت و نگرانی داشت بالاخره در تعلیماتی که از طرف لرد کانکار سفیر انگلستان در سن پترزبرگ بکاردار سفارت انگلستان در تهران داده شد این نگرانی ظاهر میشود^(۳)

۱- یادداشتهای سری سر جان ملکم راجع به پیشرفتهای دولت روسیه در آسیا که بیشتر مربوط است بنواحی افغانستان و خراسان و ترکستان و کرانه های دریای خزر

London: P.R.O.P.Fo.60.T.XXV

2- William Pitt-Lord-Amhurst.

۳- نامه هانری ویلوک به ویلیام پیت لرد آمرست London: P.R.O.P.Fo.60T.XXV

در این نامه هانری ویلوک از فعالیت روسها در بخارا و افغانستان صحبت کرده و با اقدامات ژنرال برملوف در خراسان و توسعه و پیشرفت نفوذ دولت روس در مشرق ایران اشاره میکند و در ضمن تمایل رؤسای مستقل نواحی شمال شرقی ایران را به همکاری با دولت روسیه شرح میدهد هانری ویلوک همچنین در نامه مورخ ۲۳ دسامبر خود به ویلیام پیت لرد آمرست اشاره میکند که لرد کانکار Lord-cathcart سفیر انگلستان در روسیه از اقدامات دولت سن پترزبرگ در نزد عباس میرزا بسیار نگران و مضطرب است

دولت ایران که از هر طرف در تحت فشار قرار گرفته بود و اطمینان داشت که سکوت در مقابل تعدیات مأمورین دولت روس باعث سرافکندگی خواهد بود و از اجحافات دولت روسیه در آینده فوق العاده نگرانی داشت بالاخره تصمیم گرفت جنگ کند.

با اینکه موقتاً مذاکرات میان دودوات قطع شده بود هانری ویلوك مأموریت یافت که مذاکرات را با نماینده دولت روسیه ادامه دهد^(۱) ولی نظرباینکه فتحعلیشاه امیدی باین اقدامات نداشت بدون انتظار بنتیجه مذاکرات هانری ویلوك و منچیکوف در تاریخ ۱۵ ذیحجه ۱۲۴۱ (۲۱ ژوئیه ۱۸۲۶) از سلطانیه بسمت اردبیل حرکت کرد تا بصحنه عملیات نزدیک شود^(۲)

بالاخره منچیکوف بدون اخذ نتیجه در تاریخ ۱۸ ذیحجه (۲۶ ژوئیه ۱۸۲۶) اقامتگاه سلطانیه را ترک گفت و هانری ویلوك کاردار سفارت انگلیس نیز بار دبیل نزد فتحعلیشاه رهسپار شد^(۳)

بروچانیون ویشوایان مذهبی دستور داده شد احساسات مذهبی مردم را برضد روسها تحریک کنند و جنگ دوم ایران و روس با صدور فتوای جهاد آغاز گردید .
برای اینکه صحنه های مختلف جنگی روشن تر بیان گردد جنگ دوم ایران و روس را در سه مرحله بیان میکنیم :

مرحله اول : پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجه ۱۲۴۱ تا آخر محرم ۱۲۴۲ (ژوئیه ۱۸۲۶ سپتامبر ۱۸۲۶) در این مرحله تمام نواحی که مطابق معاهده گلستان

۱- نامه مورخ ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك به کانینك
London: P.R.O.P.Fo.6o.T.XXVII

۲- نامه مورخ ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك به کانینك
London: P.R.O.P.Fo.6o.T.XXVII

۳- نامه مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲۶ هانری ویلوك از اردبیل به کانینك
London: P.R.O.P.Fo.6o.T.XXII

تسلیم روسها شده بود از طرف قوای ایران اشغال شد .

مرحله دوم: شکستهای ایران از صفر ۱۲۴۲ تا سقوط در عباس آباد ۲۷ ذیحجه ۱۲۴۲ (سپتامبر ۱۸۲۶ - ۲۲ ژوئیه ۱۸۲۷)

مرحله سوم: سقوط ایروان و تبریز معاهده تر کمانچای شعبان ۱۲۴۳ (فوریه ۱۸۲۸) .

قسمت چہارم
جنگ دوم ایران و روس از
(۱۲۴۱-۱۲۴۳) (۱۸۲۶-۱۸۲۸)

فصل اول

مرحله اول: پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجه ۱۲۴۱ تا آخر محرم ۱۲۴۲ (ژوئیه ۱۸۲۶ سپتامبر ۱۸۲۶) در این مرحله تمام نواحی که مطابق معاهده گلستان تسلیم روسها شده بود از طرف قوای ایران اشغال گردید.

هنگامیکه مذاکرات بانمایندگان دولت روس در سلطانیه ادامه داشت هزاران نفر داوطلب سلطانیه آمده و بقرارگاه عباس میرزا که فرماندهی کل قوای ایران در جنگ منصوب شده بود متوجه گردیدند.

باید دانست که جنگ بدون اعلان رسمی آغاز شده بود. پس از شکست مذاکرات ویلوك-منچیکوف نماینده دولت روسیه قرارگاه سلطانیه را ترک گفت و شاهزاده عباس میرزا بطرف تبریز حرکت کرد تا در رأس لشکریان تحت فرماندهی خود قرار گیرد.

اسمعیل میرزا یکی از فرزندان فتحعلیشاه که با پانزده هزار نفر بکمک عباس میرزا مأموریت یافته بود بدستور ولیعهد بسمت ارس حرکت کرد^(۱) عباس میرزا در تبریز اسکندر میرزا نوّه هراکلیوس، مصطفی خان شیروانی و محمد حسینخان شکی، رؤسای نواحی اشغالی از طرف روسها را که ناراضی بودند بحضور خود پذیرفت. این سه نفر پس از مشورت با عباس میرزا و اخذ تصمیمات باو طان خود مراجعت کردند تا بمنظور مقاومت در مقابل روسها بایاغیان و نساراضیان همکاری نمایند. اقدامات این اشخاص فوق العاده مفید و مؤثر واقع شد^(۲)

۱- نامه مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۸۲۶ هانری ویلوك از سلطانیه به کاینک

London:P·R·D·P·Fo·60·T·X·XVII

۲- نامه مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲۶ هانری ویلوك از اردبیل به کاینک

London:P·R·O·P·Fo·60·T·XXVII

عباس میرزا تصمیم داشت که رود ارس را از پل خداآفرین عبور کند و قبل از آنکه ژنرال مسدووف بقره باغ مراجعت کرده و بمقاومت بپردازد وارد قره باغ گردد.

همچنین لازم بود هرچه زودتر قلعه شوشی از طرف لشکریان ایران اشغال گردد و این مسئله نهایت اهمیت را داشت که سپاهیان ایران قبل از آنکه وسائل دفاعی قلعه تکمیل گردد آنرا بتصرف خود درآورند. قبلاً نیز سکنه ناراضی نواحی قره باغ وعده داده بودند به مجرد رسیدن قوای ایران قلعه را تسلیم خواهند کرد. لشکریان عباس میرزا از رود ارس عبور نکرده بودند که عملیات جنگی در سواحل دریای خزر آغاز شد. میرحسنخان رئیس طوالتش مصمم بود به تسلط روسها در آن ناحیه خاتمه دهد بدین منظور خود را بادولت ایران در تماس گذاشت. فرمانده قوای روس در لشکران که از رابطه میرحسنخان بادولت ایران ظنین شده بود همسروی را بعنوان گروگان در ساری محبوس کرد (۱)

میرحسنخان در مقابل این رفتار دولت روس علناً بر ضد قوای روس قیام کرد و یکدسته از سربازان دشمن را که بسمت لشکران در حرکت بودند مورد حمله قرار داد. با این اقدام میرحسنخان جنک در طالتش آغاز گردید. میرحسنخان قوای جمع آوری کرده و از دولت ایران تقاضای کمک نمود. پس از وصول این خبر به محمدخان قاجار دستور داده شد که با عده ای سرباز و چهار عراده توپ برای کمک بقیام کنندگان بقوای میرحسنخان بپیوندند. ولی میان میرحسنخان و میرعباسخان که طرفدار روسها بود اختلاف و رقابتی وجود داشت (۲) میرعباسخان از فرمانده قوای روس در لشکران کمک خواست و قوای امدادی روس بسمت طالتش حرکت کردند. ولی پس از رسیدن قوای محمدخان قاجار وقتی میرعباسخان تشخیص داد قادر بمقاومت نیست به پسر

۱ - نامه مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲۶ هانری ویلک از اردبیل به کانینگ

London: P.R.O.P.Fo 60.T XXVII

۲ - نامه مورخ ۱۰ اوت هانری ویلک به کانینگ از اردبیل

London: P.R.O.P.Fo. 60.T. XXVII

عموی خود پیشنهاد کرد حاضر است بندر لنکران را تسلیم کند. بندر از سمت خشکی تحت محاصره قوای ایران در آمد روسها مجبور شدند در تاریخ ۱۹ ذیحجه ۱۲۴۱ (۲۵ ژوئن ۱۸۲۶) شبانه بندر را تخلیه کنند و در نتیجه شش عراده توپ و مقدار زیادی اسلحه و مهمات بدست ایرانیان افتاد (۱) با تخلیه لنکران تمام ناحیه طالش آزاد شد. پس از عزیمت روسها میر حسنخان و میر عباسخان که در ناحیه طالش نهایت قدرت و اقتدار را بدست آورده بودند بامر دم ناحیه بنای بدرفتاری را گذاشتند و بدین جهت مورد خشم و غضب رؤسای قبایل شدند.

عباس میرزا پس از عبور از رود ارس بجای اینکه بسرعت بسمت قلعه شوشی که بهیچوجه قادر بدفاع نبود حرکت کند وقت خود را چندین روز بیهوده تلف کرد و با ناراضیان تماس گرفت. ولیعهد پیسر ارشد خود محمد میرزا دستور داد از بیراهه از طریق نخجوان بسمت قره باغ حرکت کند. کلنل رویت (۲) که در غیاب ژنرال مدداوف عهده دار فرماندهی بود از فرصت استفاده کرده و برای محافظت و تقویت مدافعین قلعه شوشی قوای امدادی گسیل داشت. دسته دیگری از سپاهیان ایران در تحت فرماندهی اسمعیل میرزا برای کمک به محمد میرزا بسمت قره باغ متوجه گردید. در نتیجه فعالیت شورشیان قره باغ دو یست نفر از روسها کشته شده و ۷۵۰ نفر اسیر گردیده بودند و اهالی قره باغ برای ادامه مقاومت از عباس میرزا تقاضای کمک کرده بودند.

در تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۲۴۱ (۲۷ ژوئیه ۱۸۲۶) اسمعیل میرزا در خط سیر خود با یک دسته از سربازان روسی که بسمت شوشی در حرکت بودند در ناحیه خنزیرک روبرو شد. افراد اسمعیل میرزا با کمک ساکنین ناحیه از پیشروی روسها ممانعت کردند. قوای روس بسختی مقاومت نمودند ولی بالاخره در نتیجه فشار و خستگی و

۱ - نامه مورخ ۱۰ اوت هانری و بک به کانینک از اردبیل

London: P.R.O.P Fo. 6o. T XXVII

2 - Colnel Reuit

۳ - نامه مورخ ۱۰ اوت هانری و بک از اردبیل به کانینک

London: P.R.O.P. Fo 6o. T XXVII

شدت گرما تسلیم شدند و اسلحه خود را تحویل دادند.

پس از این موفقیت عباس میرزا مصمم گشت برای تسخیر قلعه شوشی بیشروی کند ولی در این مدت کلنل رویت وسایل دفاعی قلعه را تکمیل کرده بود بدین ترتیب اقدامی که در آغاز عملیات ممکن بود با موفقیت انجام یابد اکنون محکوم بشکست بود.

بمحض اینکه سپاهیان ایران در سمت قره باغ پیش رفتند نواحی گـو گـچـه و بالغ لوا از طرف لشکریان ایران مأمورایروان اشغال گردید^(۱) و سردارایروان دستجات روسی مأمور این دو ناحیه را مورد حمله قرارداد روسها با آنکه خوب مقاومت کردند بالاخره مجبور بتسلیم گردیدند. این ناحیه در سر راه تفلیس دارای موقع نظامی حساس و محکمی بود که در آنجا ژنرال سواردزامیدزوف^(۲) فرمانده ناحیه یمبک پس از تخریب قره کلیسا خود را برای دفاع آماده کرده بود. حسنخان که در مسیر خود تمام ناحیه را تازدیککی اردوگاه روس ویران کرده بود شیوه جنگ و گریز را بکار برد و بادستبردهای مداوم خود مانع شد که قوای سواردزامیدزوف بانفلیس مرکز فرماندهی روس ارتباط برقرار کند.

هنگامیکه لشکریان ایران بسمت شوشی پیشروی میکردند به ژنرال مدداوف فرمانده قوای روس در گنجه دستور داده شد تعداد زیادی از اهالی را بداخل قلعه گنجه پذیرفته و سپس باعمده قوای پادگان گنجه به کمک ژنرال سواردزامیدزوف که با پنجهزار نفر پیاده و تعداد کمی سوار در مقابل قوای حسنخان قادر بمقاومت نبودند بشتابند.

همینکه پادگان شهر گنجه ضعیف شد اهالی که بدستور ژنرال مدداوف در داخل قلعه جمع شده بودند قیام کرده و قسمت عده افراد روسی را بقتل رسانیدند

۱ - نامه مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك از اردبیل به کابینک

London : P. R O P. Fo. 60. T. XXVII

2 - Swardzamidzoff

چندتن از فراریان که بزحمت نجات یافته بودند خود را بتفلیس رسانیدند (۱)
اهالی گنجه که بنوبه خود بشهر تسلط یافته بودند از عباس میرزا که مشغول محاصره
بود استمداد کردند .

برای کمک باهالی گنجه بمحمد میرزا دستور داده شد با پنجهزار نفر بسمت
گنجه حرکت کنند. امیرخان سردار اغورلو خان پسر داودخان از رؤسای قدیم و محلی
گنجه در رکاب محمد میرزا بودند - اغورلوخان از طرف عباس میرزا بحکومت شهر
گنجه منصوب گردید (۲)

در اواخر محرم ۱۲۴۲ (اواخر اوت ۱۸۲۶) شاهزاده شیخعلی میرزا حکمران
ملایریکی از پسران فتحعلیشاه بایکدسته سوار درسرحد طالش بمحمد خان ملحق
گردید . شیخعلی میرزا در حین عبور از رود کر بوسیله پل متحرکی جزیره سالیان را
که در آنجا روسها آذوقه زیادی ذخیره کرده بودند بتصرف در آورد . سپس در سمت
شیروان پیشروی کرد تا باقیام کنندگان آن ناحیه بسرپرستی مصطفی خان که در آغاز
مخاصمات بدستور عباس میرزا بشیروان رفته بود همکاری کند مصطفی خان در شیروان
بایجاد مقاومتی در برابر روسها توفیق یافته بود و این اقدام مصطفی خان برای قوای
ایران بسیار مفید بود زیرا در نتیجه کمک شورشیان و فشار لشگریان ایران روسها
مجبور شدند شیروان را تخلیه کرده وبه سمت تفلیس عقب نشینی کنند

قیام و اغتشاش بتمام ایالات مسلمان نشین قفقاز سرایت کرد. کوه نشینان داغستان
بصحرای آمده و دستجات روسی را مرورد تعقیب قرار دادند روسها مجبور شدند
برای تجدید سازمان بشهرهای مستحکم در بند و باکو پناه ببرند . ولی شورشیان
بسرپرستی سرخای خان لرگی و ابراهیم خان بادکوبه ای روسها را در این دوشهر محاصره
کردند .

۱ - نامه مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك از اردبیل به کاینك

London: P. R. O. P. Fo. 60. T. XXVII

۲ - نامه مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك از اردبیل به کاینك

London: P. R. P. Fo. 60. T. XXVII

در ظرف سه هفته سپاهیان ایران موفق شده بودند اغلب نواحی را که بموجب معاهده گالستان تسلیم روسها شده بود پس بگیرند. لشکریان که از نقاط مختلف حرکت کرده بودند موفق شدند بایکدیگر تماس یابند و دره حرم ۱۲۴۲ (آخر اوت ۱۸۲۶) خط زنجیری تشکیل دادند که از ایروان و قره باغ و شیروان و شکلی و طالش میگذشت.

برای اینکه اشغال این نواحی مکمل گردد لازم بود قلعه شوشی نیز بمصرف قوای ایران درآید و سپس تمام لشکریان ایران بمقصد اصلی خود تفلیس که لشکریان روسی به آنجا عقب نشینی کرده بودند متوجه گردند. بنابراین عباس میرزا مصمم شد در تسلیم قلعه شوشی که در محاصره لشکریان ایران بود تعجیل کند. مذاکرات با کلنل رویت آغاز گردید و فرمانده روسی وعده داد در ظرف تثن روز قلعه را تسلیم کند برای تضمین این قرار گروه گانهائی از طرف روسها در اختیار قوای ایران قرار داده شد.

ولی بزودی مسلم گردید که کلنل رویت فقط برای امر اوقت این وعده را داده و بهیچوجه خیال تسلیم قلعه را ندارد.

جریان حوادث بسرعت مناظر صحنه جنگ را تغییر داد.

فصل دوم

مرحله دوم : جنگ ایران و روس

۱ - شکستهای ماه صفر ۱۲۴۲ (سپتامبر ۱۸۲۶) تاسقوط
قلعه عباس آباد ۲۷ ذیحجه ۱۲۴۲ (۲۲ ژوئیه ۱۸۲۷)

همینکه پیشروی لشکریان ایران آغاز شد ژنرال یرملوف تمام پستهای مقدم
ارتش روس را فرا خواند و کلیه پاسگاههای سرحدی را تخلیه کرد و بچند دسته از
سپاهیان روس که در ایالات اشغالی مقاومت میکردند دستور داد بسمت تفلیس
عقبنشینی کنند.

این تصمیم فرماندهی کل قوای روس علت اصلی پیشروی سهل و سریع لشکریان
ایران در آغاز مخاصمات میباشد. این موفقیتهای سریع روحیه سربازان ایران را
تقویت کرد و آنان را که معتقد بودند جنگ با دولت روسیه جز شکست و اضمحلال نتیجه
دیگری ندارد امیدوار ساخت.

تاخیر و لیتعهد ایران در برابر قلعه شوشی بفرماندهی کل قوای روس در تفلیس وقت
کافی داد تا سازمان نظامی خود را تکمیل و تجدید کند و قوای امدادی و افسران کاردان
و ورزیده از مسکو دریافت دارد. لشکریان ایران در حین پیشروی از قتل و غارت و
تعدی و بدرفتاری نسبت بسا کمین نواحی کوتاهی نکرده بودند این رفتار قوای ایران
باعث انزجار اهالی گردید بطوریکه در بعضی نقاط حتی از عزیمت سپاهیان روس
متأسف بودند و این پیش آمد وضع سپاهیان ایران را دشوار ساخت و لطمه شدیدی بوجه
عباس میرزا وارد آورد.

در اواخر محرم ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۶) پنجاه هزار نفر از لشکریان روس در تفلیس

متمم گز شد و مقدمات يك حمله عمومی و دامنه‌داری از هر جهت آماده شده بود. اولین دسته از لشکریان روس مرکب از چهار هزار نفر پیاده که بوسیله توپخانه و عده‌ای سوار تقویت میشد بسمت دهکده شمخور واقع در نزدیکی گنجه حرکت کرد.

محمد میرزا که عهده‌دار فرماندهی قوای گنجه بود خود را برای مقابله با روسها آماده ساخت - قوای طرفین در ناحیه شمخور تماس حاصل کردند و در تاریخ ۱۴ صفر ۱۲۴۲ (۱۷ سپتامبر ۱۸۲۶) قوای محمد میرزا با دادن تلفات سنگین باشکست سختی مواجه شد و امیرخان سردار در این زد و خورد بقتل رسید و خود محمد میرزا با مواجه اشکالات زیادی نجات یافت.

فراریان بسمت گنجه متوجه شدند و در نتیجه وحشت و اضطراب عجیبی در میان قوای مأمور شهر ایجاد شد.

نظر علیخان مرندی که مأمور دفاع قلعه بود بدون آنکه حتی ذخیره و آذوقه را خارج کند و یا آتش بزند تا بتصرف دشمن در نیاید قلعه را تخلیه کرد و در تابح ۱۴ صفر ۱۲۴۲ ژنرال مدد اوف شهر گنجه را اشغال و تصرف نمود.

نظر علیخان مرندی بدستور عباس میرزا تیرباران شد.

فتحعلیشاه که در حین سقوط شهر گنجه در اهر بود پیش‌بینی کرد که پس از اشغال شهر گنجه قوای روس متوجه قلعه شوشی خواهند شد. برای جلوگیری از حمله قریب الوقوع سپاهیان روس با الهیارخان آصف‌الدوله دستور دادند - وای عباس میرزا را که هنوز در برابر شوشی متوقف بودند تقویت کنند. با این ترتیب تعداد لشکریان ایران در شوشی به بیست هزار پیاده و ده هزار سوار و بیست عراده توپ رسید با این عده قلعه شوشی ممکن بود با آسانی مستخر گردد ولی عباس میرزا که از نتیجه يك حمله عمومی اطمینان نداشت چنین دستوری نداد - این عمل عباس میرزا يك خبط نظامی بود زیرا لشکریان ایران قادر بودند با يك حمله قلعه شوشی را بتصرف در آورده و سپس بشهر گنجه حمله کنند. حتی اگر قوای ایران در مقابل شهر گنجه باشکست مواجه میشد ممکن بود بسهولة مجدداً بسمت شوشی عقب نشینی کنند و روسها قادر بتعقیب

لشگریان ایران نبودند زیرا فاصله میان شوشی و گنجه بکلی ویران شده بود و تمام آنزوقه موجود در این ناحیه بمصرف سپاهیان عباس میرزا که چندین هفته در برابر شوشی معطل شده بودند رسیده بود .

در خلال این مدت قوای مدافع روس در شوشی بوسیله جاسوسان ارمنی با قوای گنجه ارتباط پیدا کردند . در نتیجه دسته‌ای از لشگریان روس از گنجه بسمت قلعه شوشی حرکت کرد . نفرات محاصره شده قلعه که از رسیدن قوای امدادی اطلاع یافتند بوسیله شکافی که در دیوار قلعه ایجاد کردند به لشگریان عباس میرزا حمله نمودند . در نتیجه این حمله ناگهانی وحشت و بی‌نظمی عجیبی در اردوگاه عباس میرزا رخ داد و سربازان ایرانی فرار کردند - وحشت و اضطراب طوری قوای ایران را درهم شکست که تمام اقدامات برای جلوگیری از این پیش آمد بی نتیجه ماند و سپاهیان ایران بابتی نظم کامل از رودارس گذشتند و عقب نشینی در جنگه اصلاندوز متوقف شده در اصلاندوز عباس میرزا توانست قوای فراری را متمرکز کند . این شکست روحیه و وضع لشگریان ایران را بکلی مختل کرد . اغلب سربازان که تجهیزات و حتی سلاح خود را از دست داده بودند با وطن خود مراجعت کردند .

چند روز پس از این شکست ولیعهد در تاریخ اول ربیع الاول ۱۲۴۲ (۸ اکتبر ۱۸۲۶) در اهر بخدمت فتحعلیشاه رسید که در آنجا آصف الدوله و افسران ارشد حضور داشتند پس از مباحثات طولانی راجع بعملیات نظامی در جبهه‌های جنگ بالاخره تصمیم گرفته شد دستجاتی را برای حفاظت کرانه‌های ارس مأمور بکنند تا یک خط دفاعی در مقابل روسها تشکیل بدهند .

فتحعلیشاه مقدمات مراجعت خود را به تهران در معیت کلنل ماكدونالد^(۱) وزیر

۱ - مطابق نامه مورخ ۲۰ مه ۱۸۲۶ هانری ویلوك به كائينك كلنل ماكدونالد Colenel-Macdonald در تاریخ ۱۱ آوریل به بوشهر رسیده بود و مطابق نامه ۱۴ اوت ۱۸۲۶ ژورژ کائینك باشارل وین Charles-wyn در بار ایران با این انتصاب که از طرف کمپانی هند بعمل آمده بود موافقت نکرده بود . پس از اقدامات زیاد از طریق
پیته حاشیه در صفحه ۸۸

مختار دولت انگلستان تهیه دیده بود . عباس میرزا برای تعیین دستجات محافظ کرانه های ارس قرارگاه سلطنتی را ترك گفت .

در ربیع الثانی ۱۲۴۲ (نوامبر ۱۸۲۶) وقتی عباس میرزا تشخیص داد فصل عملیات مناسب نیست و لشگریان روس مصمم اند تمام فصل زمستان را در ناحیه آق اوغلان نزدیکی رود ارس درازدوگاه بسر ببرند به تبریز مراجعت کرد .

شکست شوشی روحیه سایر فرماندهان نظامی ایران را خراب کرده بود بطوریکه اغلب آنان از مواضعی که بدست آورده بودند عقب نشینی کردند : لشگریان مأمور شیروان تا آن طرف رودخانه کرعقب نشستند و لشگریان لوری از سرحد ایران گذشتند و بالتسبیح دولت ایران تمام نواحی را که از آغاز جنگ بدست آورده بود باستثنای طالش و معان از دست داد . شروع فصل زمستان باعث وقفه عملیات گردید .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

دیپلماسی بالاخره انتصاب کلنل ماکدونالد مورد تأیید دولت ایران قرار گرفته و مطابق نامه مورخ ۱۷ سپتامبر هانری ویلوك به کاینك کلنل ماکدونالد در تاریخ دوم سپتامبر ۱۸۲۶ دراردبیل بحضور فتحعلیشاه بار یافته بود

نامه مورخ ۱۲۰ اوت ۱۸۲۶ ویلوك به کاینك و نامه مورخ ۱۲ اوت کاینك بشارل وین

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . XXVII

۲ - بی نتیجه ماندن آخرین اقدامات دولت ایران برای استقرار صلح

جنگ میان دولتین ایران و روس تازه شروع شده بود که فتحعلیشاه به عباس میرزا دستور داد نماینده‌ای برای مذاکره به سن پترزبرگ بفرستد. داودخان از طرف ولیعهد برای انجام این مأموریت در نظر گرفته شد. چون ژنرال یرملوف اجازه نمیداد که دولت ایران از طریق گرجستان با سن پترزبرگ تماس حاصل کند نماینده ایران در ماه محرم ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۶) از طریق قسطنطنیه عازم پایتخت روسیه گردید. داودخان مأمور بود چگونگی و علل اختلافات دو دولت را بعرض امپراطور برساند و در قسطنطنیه با نماینده دوات اتریش ملاقات کرده تقاضا کند که دولت اتریش در رفع اختلاف میان دواتهای ایران و روس میانجی گردد.

نماینده دوات ایران پس از ورود به قسطنطنیه در نامه مورخ ۱ ربیع الاول ۱۲۴۲ (۱۷ اکتبر ۱۸۶۶) که به یرنس مترنیخ^(۱) صدراعظم اتریش نوشت علل اختلافانی را که منتهی با آغاز جنگ میان دو دولت گردیده بود شرح داد. و بخصوص از اشغال اراضی ایران بدون مجوز و برخلاف مواد معاهده گلستان از جانب لشکریان روس و رفتار نمایندگان آن دولت شکایت کرد. داودخان از صدراعظم اتریش تقاضا کرد که بنماینده خود در قسطنطنیه که حافظ منافع دولت روسیه نیز بود دستور دهد گذرنامه‌ای برای مسافرت به روسیه بنماینده ایران تسلیم کند. داودخان همچنین از مترنیخ خواست که بنماینده خود در سن پترزبرگ توصیه کند که وسایل پیشرفت مأموریت و برادر دربارتزار فراهم سازد.

داودخان که در ۲۹ محرم ۱۲۴۲ (اول سپتامبر ۱۸۲۶) وارد قسطنطنیه شده بود

بیش از یکماه در پایتخت دولت عثمانی معطل شد نمایندگان دولت روس بعنوان اینکه جنگ میان دو دولت آغاز گردیده است بوی اجازهٔ مسافرت بسن پطرزبرگ را نمیدادند. نمایندهٔ ایران بالاخره مجبور شد علت و موضوع مأموریت خود را به کنت نسلرود (۱) صدراعظم روسیه اطلاع دهد تا وی دستور تهیه وسائل مسافرت نمایندهٔ دولت ایران را بمأمورین خویش صادر کند. نمایندهٔ ایران نامه‌ای از طرف شاهزاده عباس میرزا به پرنس کنستانتین (۲) داشت که قرار بود آنرا در حین عبور از سرحد لهستان تسلیم نماید.

در مدت اقامت داودخان در قسطنطنیه از طرف دولت روسیه جوابی نرسید پس او پایتخت دولت عثمانی را ترك گفت و بطرف سرحد لهستان حرکت کرد تا در آنجا منتظر وصول جواب دولت روسیه باشد. بالاخره کنت نسلرود در نامه‌ای به ژنرال گراف پلن (۳) حاکم عدسه دستور داد که بتوسط مأمورین سرحدی با اطلاع نمایندهٔ ایران برساند که جنگ در جبهه ایران و روس متوقف گشته و مأموری برای شروع مذاکرات از طرف دولت ایران تعیین شده و قریباً بسرحد خواهد آمد نظر باینکه امپراطور مسئولیت امور مربوط بایران را بعهدهٔ ژنرال فرمانده کل قوای قفقاز محول کرده است مسافرت داودخان بسن پطرزبرگ ضرورت ندارد.

نمایندهٔ ایران در تاریخ ۲۶ جمادی الاول ۱۲۴۲ (۲۶ دسامبر ۱۸۲۶) بدون اخذ نتیجه بایران بازگشت. مأموری که ورود وی را کنت نسلرود بدادوخان داده بود میرزا محمدعلی برادرزادهٔ ابوالحسنخان وزیر خارجه بود. فتحعلیشاه از متار که جنگ که بعلت فرارسیدن فصل زمستان پیش آمده بود استفاده کرده باصرار و صوابدید سر چون ما کدونالد وزیر مختار انگلستان نماینده‌ای بگرjestan فرستاده بود. میرزا محمدعلی مأموریت داشت که پس از کسب نظریات دولت روسیه بفرمانده کل قوای گرجستان اطلاع دهد در صورتیکه مذاکرات برای صلح آغاز گردد وی بعنوان

1 - Comte-nesselrode

۲ - پرنس کونستانتین Prince - constantin دوک ورشوی پسر دوم پل اول امپراطور روسیه بود که پس از آلکساندر بایستی بر تخت نشیند ولی از حقوق و مزایای سلطنتی استعفا داد و از سال ۱۸۱۶ باینطرف نایب السلطنهٔ لهستان بود.

3-General - Graff-plain

سفیر دولت ایران بسن پتارزبرگ حرکت خواهد کرد. میرزا محمدعلی حامل نامه‌هایی از طرف وزرای ایران به کنت نسلرود بود که در آن نامه‌ها به تمایل زمامداران ایران به برقرار گشتن مجدد روابط دوستانه میان دو دولت اشاره شده بود. فتحعلیشاه برای اثبات حسن نیت خود دستور داد ۳۰ نفر از اسیران جنگی روس هم به همراهی میرزا محمد علی حرکت کنند و در سرحد تسلیم زمامداران دولت روس شوند.

میرزا محمدعلی در ماه جمادی الاول ۱۲۴۲ (دسامبر ۱۸۲۶) از تهران حرکت کرد و مدتی در تبریز معطل شد زیرا بر خلاف انتظار، ژنرال مدداوف در او اسطماه دسامبر در بجنوبه سرما که معمولاً انجام عملیات نظامی متوقف میشد با شش هزار نفر از سپاهیان روس از رود ارس گذشت و بجانب تبریز پیش آمد. این اقدام روسها عباس میرزا را متعجب ساخت زیرا نظر بشدت سرما و لیعهد ایران اطمینان داشت که تا پایان فصل زمستان لشکریان روس از قرارگاه خود تجاوز نخواهند کرد و به همین گمان فرمانده قوای ایران قسمت اعظم سربازان پیاده و تمام لشکریان سوار خود را در فصل زمستان مرخص کرده بود و شهر تبریز قوای کافی برای دفاع نداشت.

در چنین وضعی بعلت اشکالات موجوده عباس میرزا بهیچوجه نمیتوانست در مدت کمی قوای کافی در برابر پیشرفت دشمن تجهیز کند. در مقابل پیشرفت سپاهیان مدداوف تهیه وسایل دفاعی شهر تبریز با شدت و سرعت هر چه تمامتر آغاز شد. وقتی اهالی تبریز اطلاع یافتند ناحیه مشکین که بوسیله قوای نیرومند شاهسون دفاع میشد سقوط کرده و بتصرف روسها درآمده است و افراد ایل شاهسون با دشمن همکاری نموده او را بتصرف تمام ایالت آذربایجان ترغیب و تحریص میکنند مضطرب و متوحش شدند. هرگاه روسها از این ضعف و هرج و مرج و اضطراب استفاده میکردند و به پیشروی خود ادامه میدادند قطعاً شهر تبریز بایک حمله سقوط میکرد و بتصرف روسها درمیآمد. وای فرماندهی قوای روس نتوانست از این فرصت مناسب و برتری قوای نظامی خویش استفاده کند. پیشروی روسها خیلی بتأنی انجام گرفت. تعلل روسها و تأخیر پیشروی ایشان روحیه اهالی را تقویت کرده و عباس میرزا موفق شد با کمک اهالی عده کافی برای دفاع تجهیز کند.

ولیعهد با اقدامات خود علاوه بر اینکه از پیشروی قوای ژنرال مدداوف ممانعت کرد دروسها را با دادن تلفات سنگین بعقب نشینی و ادار ساخت و با تسوی رودارس راند. جمادی الثانی ۱۲۴۲ (ژانویه ۱۸۲۷)

بلافاصله پس از عقب نشینی قوای روس میرزا محمدعلی به همراهی اسیران روس بسمت تفلیس حرکت کرد. پس از ورود با شهر با ژنرال یرملوف ملاقات نمود و نامه های کنت نسلرود را تسلیم وی کرد. از مذاکرات طولانی میان ژنرال یرملوف و نماینده دولت ایران نتیجه ای حاصل نشد و بالاخره میرزا محمدعلی مجبور شد ژنرال دبلیچ^(۱) که از سن پترزبرگ بتفلیس آمده بود مراجعه کند.

در تاریخ شعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) ژنرال دبلیچ و فرماندهان قفقاز اظهار داشتند در صورتیکه دولت ایران بقبول شرایط زیر رضایت دهد انعقاد پیمان صلح امکان پذیر خواهد بود:

- ۱ - دولت ایران متار که جنگ را برای مدت پنج هفته امضاء کند
- ۲ - تمام نواحی واقع در شمال رود ارس که از طرف لشکریان تراراشغال شده بدولت روس واگذار گردد.

۳ - دولت ایران هفتصد هزار تومان بابت غرامات جنگی بپردازد

اظهارات ژنرال دبلیچ و نظرات فرماندهان قوای قفقاز شرایط سنگین معااهدات ترکمانچای را که دولت ایران بایستی پس از دو سال جنگ تحمل کند نشان میداد

میرزا محمدعلی مجاز نبود چنین شرایطی را مورد بحث قرار دهد، نمایندگان دولت روس اطمینان دادند که جواب مراسلات ایران پس از وصول از طرف کنت نسلرود بدولت ایران ارسال خواهد شد و تادریافت دستور از سن پترزبرگ به هیچیک از سفرای ایران اجازه مسافرت بپایتخت روسیه داده نمیشود

باین ترتیب میرزا محمدعلی نیز مانند داودخان بدون اخذ کمترین نتیجه ای از مأموریت خود در شعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) بایران بازگشت. دره وقع حرکت از تفلیس بوی وعده دادند که در مقابل عمل دولت ایران ۳۰۰ نفر از اسیران جنگی ایران

آزاد خواهد شد پس از مراجعت میرزا محمدعلی کنت نسلرود در نامه‌ای بوزیر خارجه ایران اطلاع داد که تعلیمات لازم برای شروع مذاکرات بفرمانده کل قوای روس در قفقاز داده شده و راجع به استرداد اسرای جنگی ایران اعلام میداشت که دولت روسیه خود را با اقدام متقابل ملزم نمیداند .

شکست مأموریت نمایندگان ایران نشان میداد که دولت روسیه مشغول تهیه قوای تازه است و در پایان زمستان عملیات جنگی را مجدداً آغاز خواهد کرد

۳ - آغاز مجدد عملیات جنگی

دولت سن پترزبرگ کندی عملیات نظامی را بفرمانده کل قفقاز ایراد می گرفت بهمین مناسبت در ماه رمضان ۱۲۴۲ (آوریل ۱۸۲۷) ژنرال یرملوف وعده زیادی از افسران تحت فرماندهی وی بسن پترزبرگ احضار گردیدند و فرماندهی کل قوای قفقاز بعهدۀ ژنرال پاسکویچ^(۱) محول شد.

دولت روسیه قوای امدادی معتنا بهی بگر جستان فرستاد و آنوقت و مهمات از بنادر بحر خزر و دریای سیاه بداخلۀ قفقاز ارسال گردید. این اقدامات دولت روسیه و تهیه تدارکات آغاز عملیات جنگی را پیش بینی میکرد.

ژنرال دینیچ در اوایل ماه شوال ۱۲۴۲ قلعه سردار آباد ایروان را محاصره کرد. ژنرال بنکندورف^(۲) که در ابران باسم منخروف معروفست باهفت هزار پیاده و سه هزار سوار و ۱۸ عراده توپ در ناحیه باش آیاران از سرحد گذشته بی آنکه قراولان ایران از این اقدام اطلاع حاصل کنند بسمت اوچ کلیسا (اچمیادزن) پیشروی کرد و در اوایل ماه شوال ابن شهر را اشغال کرد و بتهیه استحکامات پرداخت.

پس از آنکه بیمارستان و آنوفه و مهمات افراد خود را در صومعه اوچ کلیسا دور از دستبرد لشکر بان ایران قرارداد در تاریخ ۸ شوال ۱۲۴۲ (۵ مه ۱۸۲۷) بسمت ایروان پیشرفت. پس از سه روز زد و خورد مختصری دشت ایروان بتصرف قوای روس درآمد (۱۱ شوال) و مقدمات سقوط شهر و قلعه ایروان فراهم شد.

حسینخان سردار بایکدسته سوار بر اردو گاههای روس حمله برد و سعی داشت رابطه لشکر بان روس را قطع کند و مانع رسیدن مهمات و قوای امدادی بسمت ایروان گردد. روسها سواران حسینخان سردار را مورد حمله قرار دادند و او ناچار بساحل

1 - Paskewitch

2 - Benkendorff

راست رودخانه ارس عقب‌نشینی کرد. در تاریخ ۲۴ شوال ۱۲۴۲ (۲۶ مه ۱۸۲۷) قوای قره باغ تحت فرماندهی ژنرال مدداوف تصمیم گرفت از پل خداآفرین که نصف آن خراب شده بود از رود ارس عبور کند.

بدین منظور روسها اقدام بتعمیر و مرمت پل کردند ولی در نتیجه عملیات توپخانه ایران که این نقطه را زیر آتش قرارداد مجبور شدند از تصمیم خود چشم‌پوشند.

در اوایل ذیحجه ۱۲۴۲ (ژوئن ۱۸۲۷) یک دسته از سربازان روسی مأمور محاصره قلعه ایروان برای حمله بدستجات حسینخان سردار از رود ارس گذشتند حسینخان که از این اقدام روسها بموقع باخبر شده بود خود را بدامنه کوههای آرات رسانید و موقع دفاعی محکمی انتخاب کرد بهمین سبب وقتی روسها بلشگریان وی حمله کردند شکست خوردند و مجدداً بسمت ایروان عقب نشستند.

فتحعلیشاه چون از عبور لشگریان روس از رود ارس اطلاع یافت برای نزدیک شدن بصحنه جنگ بطرف سلطانیه حرکت کرد و برای تقویت قوای ایران در جبهه جنگ بهمه سپاهیان دستور داده شد که در چمن سلطانیه متمرکز شوند. ولی قحطی عمومی که در نتیجه خشکسالی و خرابی محصول بخصوص در نواحی تبریز و تهران حکمفرما بود تهیه آذوقه افراد و علوفه دواب را فوق‌العاده مشکل کرده بود و بهمین مناسبت تمرکز قوی در چمن سلطانیه بتأخیر افتاد. فتحعلیشاه در اوایل ذیحجه (ژوئن ۱۸۲۷) بدشت اوجان پنجاه کیلومتری تبریز آمد و سپس بسمت خوی حرکت کرد.

در این مدت عباس میرزا لشگری از افراد زبده فراهم آورده و ستاد خود را در ناحیه چورس واقع میان خوی و عباس‌آباد دایر کرده بود.

فتحعلیشاه از اوجان حرکت کرد ولی هنوز وارد خوی نشده بود که خبر رسید ژنرال پاسکویچ در رأس لشگریان روس بسمت قلعه ایروان در حرکت است. ژنرال پاسکویچ پس از ورود بدشت ایروان دستورات قلعه و شهر را بسختی بمباران کنند ولی چون این اقدام نیز ب نتیجه نرسید در ۱۱ ذیحجه فرمانداد از محاصره ایروان دست بردارند پس از آن بهمراهی قوای ژنرال نیکندوزف بسمت عباس‌آباد قلعه مستحکم نخجوان

متوجه شد. احسان خان پسر حاکم سابق نخجوان که مأمور حفظ قلعه بود ژنرال پاسکویچ را باین اقدام دعوت کرده بود. هنگامیکه عباس میرزا متوجه شد که خطر بزرگی قلعه عباس آباد را تهدید میکند بسمت خوی مقرر فتحعلیشاه حرکت کرد. در آنجا جلسه مشورتی با حضور ولعهد ایران تشکیل یافت و تصمیم گرفته شد تمام قوا در ناحیه چورس مرکز فرماندهی عباس میرزا متمرکز شوند و از آنجا برای نجات قلعه عباس آباد حرکت کنند. در نتیجه وقتی شاهزاده علینقی میرزا پسر فتحعلیشاه حاکم قزوین با دوازده هزار نفر وارد خوی شد بلافاصله بسمت چورس حرکت کرد. آصفالدوله نیز با سواران خود دنبال شاهزاده علینقی میرزا بمحل تمرکز قوی رهسپار گردید. قوای حسینخان سردار هم که مأمور مراقبت لشگریان روس در ایروان بودند بس از پایان یافتن محاصره ایروان از رود ارس گذشتند و بقوای متمرکز در چورس ملحق شدند.

با این ترتیب عده سپاهیانی که برای استخلاص قلعه عباس آباد در مرکز ستاد عباس میرزا تمرکز یافته بود به ۲۵ هزار نفر میرسید. این عده با استفاده از دره های سمت راست رودخانه ارس شروع به پیشروی کردند. وقتی ژنرال پاسکویچ از نقشه عباس میرزا اطلاع کرد دستور داد یک دسته سوار با توپخانه سبک و پنج هنگ پیاده نظام روس با کمک آتش توپخانه بوسیله پلهای متحرک از رود ارس عبور کنند. عباس میرزا که در قلب سپاه ایران قرار داشت در یک تپه نسبتاً مرتفعی با عده قلیل پیاده و سوار موضع گرفته بود. جناح راست لشگریان ایران بوسیله سواران آصفالدوله که در دره ای مستقر شده بود حمایت میشد و دستجات حسینخان سردار جناح چپ را حفظ میکردند.

روسها باتأنی پیشرفت میکردند - توپخانه عباس میرزا شروع بفعالیت کرد. نفرات حسینخان سردار در آنها مواضع خود را حفظ کردند بلکه چندین بار حمله کردند و روسها را مجبور بعقب نشینی ساختند. در این نبرد خونین مادامیکه روسها با سواران آصفالدوله که در جای تنگ و دره ای موضع گرفته بودند تماس حاصل

نکرده بودند از شدت گرما و عطش در زحمت بودند و وضع جنگ روشن نبود .
 همینکه روسها باقوای آصف الدوله تماس گرفتند و سواران وی را در تنگنای
 دره زیر آتش توپخانه قرار دادند سواران ایرانی که وسعت کافی برای انجام عملیات
 نظامی نداشتند از شدت آتش توپخانه دشمن متوحش شدند و در کمال هرج و مرج و
 بدون نظم در تمام جهات فرار کردند . چون قدرت جنگی سواران آصف الدوله در هم
 شکست و از میدان جنگ خارج شدند وضع جبهه تغییر کرد . و حتی عقب نشینی عباس
 میرزا بسمت چورس فوق العاده دشوار شد .

نتایج این شکست برای ابرانیان فوق العاده وخیم و سنگین بود . در نتیجه این
 پیش آمد دژ مستحکم عباس آباد سقوط کرد و در تاریخ ۲۷ ذیحجه (۲۲ ژوئیه ۱۸۲۷)
 بدست احسان خان تسلیم ژنرال پاسکویچ گردید . شیخعلی خان برادر احسان خان
 فرمانده ساخلو اردو بادفنیزیس از استماع این خبر بتقلید برادر خود شهر و قلعه اردو باد
 را تسلیم دشمنان ایران کرد .

فصل سوم

مرحله سوم جنگ ایران و روس

سقوط ایروان و تبریز و آغاز مذاکرات صلح

با وجود فتوحاتی که نصیب لشکریان روس شده بود فرمانده کل قوی قفقاز از موقع استفاده نکرده و موفقیت‌های خود را جداً تعقیب ننمود. اگر روس‌ها به پیروی خود ادامه میدادند سهولت میتوانستند بدون برخورد باشکال، خوی اردوگاه سلطنتی را اشغال کنند. سقوط خوی ممکن بود هرج و مرج و بی‌نظمی عمومی در ارتش ایران ایجاد و بالنتیجه انعقاد پیمان صلح را تسریع کند. بر عکس ژنرال یاسکویچ قلعه عباس آباد را اشغال کرد و ساخلوی برای حفاظت آنجا گماشت و برای اینکه لشکریانش مدتی استراحت کنند بسمت سرحد عقب نشست.

شاهزاده عباس میرزا که مایل بود جنگ خانمه بابد میرزا صالح^(۱) نماینده مورد اطمینان خود را برای شروع مذاکرات نزد پاسکویچ فرستاد. میرزا صالح همچنین حامل نامه‌ای از طرف سرجون ما کدونالد به ژنرال پاسکویچ بود. از مذاکرات نماینده ایران و فرمانده کل قوای روس نتیجه‌ای حاصل نشد و ای

۱- میرزا صالح از جوانانی بود که از طرف عباس میرزا برای تحصیل بانگستان فرستاده شده بود کلنل دارسی Darcy افسر توپخانه سلطنتی و وابسته نظامی سفارت انگلستان در ایران موقع مراجعت بانگستان در سال ۱۸۱۵ بنا بر خواهش عباس میرزا و برخلاف میل سرگوداویلی وزیر خار انگلستان پنج نفر از جوانان ایرانی را در معیت کلنل دارسی برای تربیت و ادامه تحصیلات بانگستان فرستاد - این محصلین پس از پنج سال اقامت در انگلستان بدون آنکه نتیجه‌ای از مسافرت خود گرفته باشند و در رشته‌ای تحصیل کرده باشند در سال ۱۸۱۹ بایران مراجعت کردند.

برائراقدام میرزا صالح ژنرال پاسکویچ، گریبايوف^(۱) را برای ادامه مذاکرات بایران فرستاد. نماینده اعزامی دولت روسیه برای انعقاد پیمان صلح شرایط پنجگانه‌ای را که در تاریخ شعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) از طرف ژنرال دیبیچ به میرزا محمد علی پیشنهاد شده بود پایه مذاکرات قرار داده و اظهار داشت که دولت ایران تمام نواحی اشغالی در شمال رودارس را بدولت روسیه واگذار کند و هفتصد هزار تومان بابت غرامت جنگی بپردازد. عباس میرزا که نمیتوانست شرایط پیشنهادی دولت روسیه را اساس پیمان صلح قرار دهد از ادامه مذاکرات خودداری کرد و نماینده ژنرال پاسکویچ بدون اخذ نتیجه مجبور به مراجعت شد.

عباس میرزا ادامه عملیات جنگی را در طول جبهه‌ای که از قره باغ تا طالش امتداد داشت بعهده فرماندهان مسئول واگذار نمود و به همراهی سردار حسینخان در محرم ۱۲۴۳ (ژوئیه ۱۸۲۸) برای سرکشی باو ضاع ابروان از چورس حرکت کرد. در ابروان پس از رسیدگی بوسائل دفاعی شهر و قلعه، و بعهده سردار حسینخان برای محاصره شهر اوچ کلیسا (اچمیادزن) عزیمت نمودند. در ضمن محاصره شهر اطلاع رسید که فرماندهی روس از ساخلوقوای عابریان تقاضای کمک کرده است. برای ممانعت از رسیدن قوای امدادی دشمن، عباس میرزا چهار هزار نفر از افراد خود را مأمور محاصره شهر اوچ کلیسا کرد و با عدمای بمقابله لشگریان روسی که از عابریان حرکت کرده بودند شتافت و در ناحیه اشترک دره کبلومتری اوچ کلیسا بالشگریان ژنرال کراکوفسکی^(۲) مواجه شد.

پنجهزار نفر پیاده و پنجهزار نفر سوار و ۱۸ عراده توپ همراه عباس میرزا بود عده و نفرات ژنرال روسی عبارت بود از چهار هزار نفر پیاده و دو هزار نفر سوار و ۲۰ عراده توپ. دستجات حسینخان سردار نبرد را آغاز کردند و آتشبار توپخانه ایران که بوسیله افسران انگلیسی اداره میشد مؤثر واقع شد و روسها را مجبور به عقب نشینی کرد. توپخانه ایران سپاهیان روسی را در حین عقب نشینی زیر آتش خود قرار داد و

1- Griboydoff

2- Krakofsky

قوای عباس میرزا بكمك توپخانه، لشگریان روسی را تعقیب کردند و در صفر ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۷) شکست سختی بسپاهیان با انضباط روسی وارد آوردند تلفات دشمن در نبرد اشترك به ۱۲۰۰ نفر رسید. در تعقیب این پیشرفت لشگریان ایران در خنزیرك در حوالی نخجوان در جریان نبرد خونینی قوای ژنرال اریستوف^(۱) را نیز درهم شکستند برای اینکه عباس میرزا بتواند فتوحات خود را تعقیب کند احتیاج به كمك فتحعلیشاه داشت زیرا ولیعهد بدتنهائی قادر نبود سنگینی تمام هزینه جنگ را بدوش بگیرد. عباس میرزا بطور دقیق و روشن وضع جبهه‌های جنگ را به فتحعلیشاه گزارش داد و از وی تقاضای كمك کرد، ولی اصرار و درخواستهای مکرر ولیعهد در برابر خست و لثامت پدرش که نمیخواست بخزائن خود دست بزند مؤثر واقع نشد و فتحعلیشاه از باراز مساعدتی که ممکن بود وظیفه پسرش را تسهیل کند رسماً خودداری کرد و باین عمل فعالیت‌های خستگی ناپذیر عباس میرزا را مانند همیشه عقیم گذاشت و برای اینکه از صحنه عملیات جنگی دور باشد فتحعلیشاه در جریان ماه صفر ۱۲۴۲ قرارگاه خود را ترك گفت و در تاریخ ۱۲ ربیع الاول (۱۳ اکتبر ۱۸۲۷) به تهران بازگشت.

با قطع كمك مالی از طرف فتحعلیشاه عابدات عباس میرزا منحصراً بوصول مالیات‌های ایالت آذربایجان شد. بادر نظر گرفتن اینکه قسمت اعظم این ایالت در جنگ اول ایران و روس ویران شده و نواحی معمور آن بدست روسها افتاده بود وضع خزانه ولیعهد فوق العاده بد بود. چنانکه در نتیجه این بیش آمد، عباس میرزا مجبور شد قسمت عمده لشگریان تحت فرماندهی خود را مرخص کند. اجرای این تصمیم ساختن شهر تبریز را ضعیف کرد و پایتخت ایالت مهم آذربایجان بلا دفاع ماند.

فرمانده ساختن قلعه سردار آباد نیز در نتیجه تقلیل تعداد سربازان ناچار شد سردار آباد را تخلیه کند و در تاریخ ۹ ربیع الاول ۱۲۴۳ در محکم ابروان بدون مقاومت بتصرف روسها درآمد. پس از سقوط سردار آباد و عباس آباد و رسیدن پنج هزار نفر سرباز تازه نفس و تعداد زیادی نوپ^۲ ژنرال پاسکویچ یکبار دیگر شهر ابروان را که بکلی مجزی شده بود تحت محاصره درآورد. ابروان تنها نقطه‌ای بود که با اشغال آن تمام

ایالات واقع در شمال رودارس بتصرف روسها در میآمد.

مدافعین شهر ایروان که از آغاز جنگ دوم ایران و روس در برابر حملات دشمن مقاومت کرده بودند پس از محاصره مجدد و فعالیت شدید آتش توپخانه دشمن بسیار خسته و فرسوده بودند. رفتار ناپسند تهران و بیعلاقگی فتحعلیشاه اهالی غیور ایروان رانا امید کرده بود. پس از ۸ روز نبرد های خونین، شهری که اینهمه در برابر تمام فعالیتهای ارتش روس پافشاری کرده و شاهد اینهمه فتح و پیروزی بود در تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۱۲۴۳ (۱۵ اکتبر ۱۸۲۷) تسلیم دشمن گردید.

موازنه عملیات جنگی در سال ۱۲۴۳ (۱۸۲۷) بضرر و شکست قوای دولت ایران بود. این شکست بیشتر مدون ضعف و سستی و بیعلاقه گئی فتحعلیشاه بود و قریحه نظامی فرماندهان ارتش روس در این موفقیتهای تأثیر زیادی نداشت و در حقیقت میتوان گفت بدون خیانت فرماندهان ساخلوهای نقاط مختلف و فعالیت جاسوسان ارمنی و بعضی از صاحبمنصبان ایرانی هیچگونه تغییری در وضع جبهه جنگ بمنفع ارتش روس حاصل نمیشد. سعادت با ژنرال پاسکویچ یاری کرد و خیانتهای پی در پی و خودداری فتحعلیشاه از دادن کمک شکست سپاهیان ایران و پیشرفت سربازان روسی را تسهیل نمود. کشیش اوچ کلیسا که از سن پترزبرگ فرستاده شده و از طرف دولت روس حمایت میشد بوسیله جاسوسان ارمنی از اوضاع آذربایجان باخبر میشد و اطلاعات خود را در اختیار فرمانده کل قوای روس قرار میداد. بسدین نحو ژنرال پاسکویچ از نواقص وسایل دفاعی آذربایجان اطلاع یافت. چنانکه گفته شد نظر علیخان مرنندی بعزت خیانت بدستور عباس میرزا اعدام شده بود. اهالی مرنند که از این پیش آمد مضطرب و متوحش بودند با ژنرال آریستوف رابطه پیدا کردند و وی را به همکاری و اشغال شهر تبریز دعوت نمودند.

اللهیارخان آصف الدوله از ۱۱۴۳ (۱۸۲۷) باینطرف حاکم شهر تبریز بود. اهالی تبریز از این انتخاب ناراضی بودند زیرا مردم آذربایجان که قسمت مهم هزینه و صدمات جنگ اول ایران و روس را تحمل کرده بودند احتیاج بحاکمی داشتند که بتواند اوضاع مالی را بهبود بخشد و از فقر و بر بشارتی اهالی جلوگیری کند. برعکس

نظاره‌سکنه آذربایجان آصف‌الدوله بدرفتاری کرد و مردم را تحت فشار قرار داد و از هر گونه اجحافی در حق آنان خودداری ننمود. وقتی ژنرال آریستوف بسمت تبریز حرکت کرد آصف‌الدوله مصمم شد در مقابل سپاهیان روس مقاومت کند و وسایل دفاع شهر را آماده سازد. ولی اهالی که از رفتار حاکم تبریز فوق‌العاده ناراضی و خشمگین بودند حاضر همکاری با وی نشدند. بطوریکه وقتی سربازان روسی بدو کیلومتری تبریز به آجی‌چای رسیدند آصف‌الدوله نتوانست اقدام مؤثری برای جلوگیری از پیشرفت ایشان بکند. میرفتاح خائن و ماجراجو مردم تبریز را تحریک کرد که در برابر روسها مقاومت نکنند و باین عمل نیز اکتفا کرده همراه عده‌ای از اهالی شهر نزد ژنرال روسی رفت و سربازان روسی را با ورود شهر دعوت کرد. باین ترتیب ژنرال آریستوف در تاریخ سوم ربیع‌الثانی ۱۲۴۳ (۲۴ اکتبر ۱۸۲۷) بدون برخورد بکمترین مقاومتی شهر تبریز را اشغال کرد.

عباس میرزا پس از اینکه از تصمیم ژنرال آریستوف اطلاع یافت بتمرکز قوا پرداخت و از خوی بسمت تبریز حرکت نمود. و چون خبر خیانت میرفتاح و سقوط شهر تبریز بوی رسید چنین تشخیص داد که پیشروی بسمت تبریزی نتیجه خواهد بود لذا با سلب اسلحه رفت و مقر فرماندهی خود را در آنجا دایر ساخت و مشغول جمع‌آوری قوا شد.

ژنرال آریستوف پس از ورود به تبریز از ارتفاعات قلعه تاریخی ارک‌علیشاه را که کاملاً مسلط بشهر می‌باشد اشغال کرد و گزارش اقدامات خود را به پاسکویچ فرستاد. ساکین شهر تبریز که فریب خورده و کور کورانه تسلیم نظر بات میرفتاح ماجراجو گردیده بودند وقتی با همین موضوع پی‌بردند و از خطری که تمامیت ایران را تهدید میکرد مطلع شدند سربازان و افسران روسی را در کوچه‌های شهر مورد حمله قرار داده بقتل رسانیدند و ای چند روز بعد ژنرال پاسکویچ بعجله هر چه تمامتر جهت تقویت قوای ژنرال آریستوف به تبریز آمد و از اهالی داجوئی کرد.

باسقوط شهر تبریز استقلال ایران در خطر بود و دولت روسیه تهدید میکرد که به پیشروی خود تا تهران ادامه خواهد داد.

نتیجه آنی سقیط شهر تبریز بر وز قیام و انقلاب عمومی رؤسای ایالات در سراسر کشور بود. رؤسای ایل که بنفع پسران و نواده های فتحعلیشاه قدرت و نفوذ خود را از دست داده بودند بی فرصت مناسب می‌گشتند که مزایا و امتیازات سابق خود را مجدداً بدست بیاورند.

اغلب رؤسای ایالات آذربایجان بهمین منظور با روسها همکاری کردند. قسمت اعظم ایالات آذربایجان یعنی خوی و مرند و قره باغ و تبریز و مشگین و سراب و میانه و گرم رود و قسمتی از مراغه و خلخال بدست روسها افتاده بود. عباس میرزا با مشاهده این وضع فتحعلیخان و سپس میرزا ابوالقاسم قائم مقام را برای مذاکرات مقدماتی صالح نزد پاسکویچ فرستاد و در نتیجه مقرر گردید ولیعهد و پاسکویچ همدیگر را برای تشکیل کنفرانس صالح در تاریخ ۹ ربیع الثانی (۹ نوامبر) در دهخوارقان (آذرشهر) ملاقات کنند.

عباس میرزا به همراهی آصف الدوله به دهخوارقان رفت و پس از مذاکرات زیاد بالاخره فرمانده کل قوای روس اظهار داشت که دولت روسیه شهرهای ایروان و نخجوان و اردوباد را مسترد نخواهد داشت و رودارس سرحد دو کشور خواهد بود. بعلاوه دولت ایران باید ایالت مغان و ناحیه طالش را بدولت روسیه واگذار کند و ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ کرور تومان (حدود ۵۲۵۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی) بعنوان غرامات جنگی بپردازد.

شرایط پیشنهادی فرمانده کل قوای روس بتهران اطلاع داده شد ولی فتحعلی شاه که در تحت تلقینات دولت عثمانی قرار داشت امضای معاهده را بر اساس شرایط پیشنهادی دولت روسیه رد کرد. ضمناً بدون آنکه عباس میرزا را از اقدام خود مطلع گرداند قوایی تهیه نمود و در جمادی الثانی ۱۲۴۳ (ژانویه ۱۸۲۸) بسمت قزوین حرکت کرد. عباس میرزا که از تصمیمات فتحعلیشاهی خبر بود میرزا ابوالقاسم قائم مقام را از طرف خود و کلنل دالکورسکی را^(۱) بنمایندگی از طرف ژنرال پاسکویچ برای جلب رضایت فتحعلیشاه جهت امضای معاهده صالح بتهران فرستاد. در این هنگام در تهران شایع بود که فتحعلیشاه ناراضی از اقدامات و تصمیمات عباس میرزا وی را از ولایت عهد خلع

و حسنعلی میرزا شجاع السلطنه را بجانشینی خود انتخاب کرده است .

کشل دالقورسکی پس از ورود بتهران فرمانده کل قوای روس را از اوضاع مطلع گردانید و چون از فتحعلیشاه جوابی نرسید کنفرانس دهخوارقان بدون اخذ نتیجه پایان پذیرفت . عباس میرزا به گروس مراجعت کرد . ژنرال پاسکویچ و آصف الدوله نیز بسمت تبریز رفتند . ژنرال پاسکویچ پس از ورود به تبریز بکلیه فرماندهان دستورات داد مجدداً عملیات جنگی را آغاز کنند و در تمام جبهه ها به پیشروی خود ادامه دهند هدف نهائی سپاهیان روس تهران پایتخت ایران بود .

بفرمان ژنرال پاسکویچ لشکریان روس از تبریز تا پای قافلانکوه پیش رفتند . قوای مأمور گیلان در طول کرانه دریای خزر تا ناحیه طالش را متصرف شدند . يك لشکر روسی اردبیل را اشغال کرد و مقبره شیخ صفی و کتابخانه مهم و گرانبهای آن مورد تهاجم و غارت سربازان روسی قرار گرفت و آثار و تألیفات قیمتی آنجا باعث ازدیاد ثروت و شهرت موزه های سن پترزبورگ گردید .

پیشروی و تهدید لشکریان روس سر جان ماکدونالد نماینده بریتانیای کبیر را مضطرب کرده بود و بخوبی متوجه بود که این همه فتوحات و موفقیت های ارتش روس در ایران بآنتی نتیجه امنیت مستعمره بریتانیای کبیر در هندوستان تهدید میکند (۱) بنابراین برای جلوگیری از پیشرفت روسها نماینده انگلستان میانجیگری خود را به فتحعلیشاه پیشنهاد کرد و حتی پرداخت دوست هزار تومان از غرامات جنگی را تعهد کرد مشروط بر اینکه مواد ۳ و ۴ معاهده ایران و انگلیس مورخ سال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) لغو گردد : فتحعلیشاه با پیشنهاد نماینده دولت انگلستان موافقت کرد . این اقدام در واقع يك موفقیت سیاسی برای سر جان ماکدونالد بود زیرا وی بدین وسیله خطر بزرگی را که مستعمره هندوستان را تهدید میکرد مرتفع ساخته بود (۲)

۱ - نامه مورخ ۱۲ مارس سر جان ماکدونالد بفرمانفرمای کل هندوستان

London . P . R . O . P . FO . 60 . T . XXX

۲ - نامه مورخ ۱۲ مارس سر جان ماکدونالد بفرمانفرمای کل هندوستان

London : P . R . O . P . FO . 60 T . XXX

گرفتاریهای دولت روسیه در یونان و در بالکان که در آن نقاط مسیحیان از حمایت و پشتیبانی دول معظم اروپائی برخوردار بودند و ندوئیغه نماینده دولت انگلستان را آسان میکرد بخصوص انعقاد پیمان اتحاد مثلث لندن در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۷۲۷ که مسیحیان بالکان را از قید اسارت دولت عثمانی نجات داد باعث شد که نمایندگان دولت روس بپیشنهادهای سر جان ما کدونالد موافقت کنند. پس از حصول توافق میان فرماندهی کل قوای روس و نماینده بریطانیای کبیر ماک نیل^(۱) عضو سفارت انگلستان بتهران آمد تا موافقت و رضایت فتحعلیشاه را برای امضای پیمان صلح جلب کند.

فتحعلیشاه بالاخره حاضر شد مبلغی را که بعنوان غرامات جنگی از طرف دولت روسیه تعیین شده بود بپردازد بشرطی که نماینده بریطانیای کبیر تضمین و تعهد نماید که ژنرال پاسکویچ شرایط قرارداد را مراعات کرده و محترم خواهد شمرد.

سر جان ما کدونالد تقاضای فتحعلیشاه را قبول کرد و مقرر گردید مذاکرات مجدداً در میانه در قریه تر کمانچای که محل ملاقات نمایندگان مختار دولت تعیین شده بود آغاز گردد.

فصل چهارم

۱- معاهده تر کمانچای

وقتی سر جان ما کدونالد اطمینان داد که ژنرال پاسکویچ شرایط قرارداد پیشنهادی را محترم خواهد شمرد مالک نیل و میرزا ابوالقاسم قایم مقام در ماه رجب ۱۲۴۳ (اواخر ژانویه ۱۸۲۸) از تهران بسمت تر کمانچای حرکت کردند. میرزا ابوالحسن خان وزیر خارجه نیز در زنجان با آنها پیوست و عباس میرزا برای شرکت در کنفرانسی که قرار بود با حضور ژنرال پاسکویچ در تر کمانچای تشکیل گردد از گروس حرکت نمود. در اواخر رجب (اوایل فوریه) نمایندگان دودولت در قریه تر کمانچای واقع در چند کیلومتری میانه جمع شدند.

دو اطاق در خانه مشهدی محمد برای پذیرائی ولیعهد و ژنرال پاسکویچ آماده شده بود و در همین خانه محقر بود که سر نوشت کشور ایران در قرن نوزدهم تعیین گردید زیرا پس از امضای قرارداد صلح تر کمانچای در تمام معاهداتی که دولت ایران با دول بیگانه منعقد کرد مواد معاهده تر کمانچای مورد استناد قرار گرفت. پس از تهیه و تنظیم پیمان صلح بلافاصله يك معاهده تجارتي مكمل فصل دهم همان پیمان و يك صورت مجلس دایر بچگونگی تشریفات پذیرائی سفرا و مأمورین دیپلماسی خارجی مكمل فصل نهم پیمان صلح با مضاء رسید. معاهدات تر کمانچای به پیمان صلح و معاهده تجارتي و صورت مجلس منضم بمعاهدات اطلاق میگردد.

پیمان صلح تر کمانچای شامل شانزده فصل است. این پیمان مانند معاهده گلستان دارای مقدمه ایست دایر به خاتمه دادن بجنبش و میل دویادشاه به برقراری مجدد روابط حسنه همجواری میان دودولت.

فصل اول برقراری صلح را میان دو دولت تصریح میکند.

در فصل دوم بالغاء مواد معاهده گلستان اشاره شده است.

فصول سه و چهار و پنج مواد ارضی پیمان صلح تر کمانچای را تشکیل میدهد. مطابق فصل سوم این معاهده «اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود و اخلاف و وراث خود خانان ایران را که در روی رودارس واقع است و نیز خانان نخجوان را بملکیت مطلقه بدولت روس واگذار میکنند» باین ترتیب دولت ایران شهرها و نواحی ایران و نخجوان را که نمونه اینهمه دلاوریها و شهادتینهمه صحنههای زد و خورد های خونین بود برای همیشه از دست داد. در فصل چهارم سرحد جدید میان دو دولت بشرح و تفصیل ذکر شده و در فصل پنجم چنین قید گردیده که: «اعلیحضرت شاهنشاه ایران محض اثبات دوستی خالصانه که نسبت باعلیحضرت امپراطور کل روسیه دارند بموجب همین فصل از طرف خود و از طرف وراث و اخلاف خود واضحاً و علناً تصدیق مینمایند که ممالک و جزایری که ما بین خط تحدیدی فصل اخیر و تیزه جبال قفقاز و دریای خزر است و همچنین اهالی بدوی و غیره این نواحی متعلق بدولت روسیه است».

فصل هشتم مربوطست بمقررات کشتی رانی در دریای خزر. مفاد آن کاملاً شبیه بمفاد ماده ۶ معاهده گلستان میباشد: «سفاین تجارتی روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطور آزادی در دریای خزر و در امتداد سواحل آن سیر کرده و بکناره های آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت و سفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحر خزر سیر نموده و بسواحل روس بروند و در صورت غرق و شکست هم بآنها کمک و امداد خواهد شد.

اما در باب کشتیهای جنگی چون آنهاست که بیرق نظامی روس دارند از قدیم الایام بالانفراد حق سیر در بحر خزر را داشته اند حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر بهمان کشتیها خواهد بود بطوریکه بغیر از دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشد»

با این ترتیب دولت مغلوب تسلط کامل دولت نزار در دریای خزر قبول میگردود؛ نتیجه آخرین نشانه قدرت و نفوذ دولت ایران در این دریا بکلی از میان رفته و نواحی شمال ایران در برابر تعرضات احتمالی دولت مقتدر روسیه کاملاً بی دفاع میماند مطابق فصل هفتم پیمان صلح ترکمانچای موضوع جانشینی تاج و تخت ایران در شخص عباس میرزا محرز میگردد.

«چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس میرزا همایون فرزند خود را وارث و ولیعهد فرمایند لهذا اعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانه خود را مکشوف و میلی را که در مساعدت باستحکام این نوع وراثت دارد مشهود خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایند متعهد میشوند که از امروز شخص حضرت عباس میرزا را وارث و ولیعهد دولت ایران شناخته و ایشان را از جلوس بتخت سلطنت سلطان حق این مملکت بدانند».

فصول ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ مربوطست بوضع اسرای جنگی و نقل و انتقالات افراد و فراریها و متار که جنگ.

در فصل شانزدهم پایان مخاصمات میان طرفین و امضای پیمان صلح رسماً از طرف دو دولت اعلام شده.

دولت ایران با امضای این معاهده علاوه بر اینکه زر خیزترین و ثروتمندترین نواحی خود را از دست میداد و برای همیشه حق کشتی رانی را در دریای خزر از خود سلب میکرد بموجب فصل ششم متعهد میشد غرامات جنگی بدولت روسیه بپردازد؛ «محض تلافی مصارف کثیره که از این جنگ بین الدولین برای روسیه حاصل شده است و در عوض خسارات و ضرر هائیکه بدین جهت باتباع روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تأدیه کرده مصارف و ضررهای مزبور را جبران نمایند».

طرفین معظمین معاهدین این وجه خسارت را بده کر ورتومان رایج بایست مایون

مناط^(۱) نقره تعیین کرده و مقرر میدارند که ترتیب اقساط و تضمین تأدیة آن در قرارداد مخصوص مرتب شود. اعتبار و استحکام قرارداد مزبور کانه لفظ بلفظ در همین عهدنامه درج شده باشد.

فصل یازدهم مربوط بدعاوی اتباع طرفین است که بعلت وقوع جنک بعهده تعویق افتاده اعم از اینکه این دعاوی مربوط بمطالبات اتباع طرفین از یکدیگر و یا از خزانه دولتی باشد.

فصل دوازدهم مقرر میدارد که اموال غیر منقول اتباع طرفین بایستی در مدت سه سال بفروش رسیده و یا معاوضه گردد ولی اعلیحضرت امپراطور کل روسیه «حسینخان سردار سابق ایروان و برادرش حسنخان و کریمخان حاکم سابق نخجوان را از انتفاع مدلول شرط مزبور مستثنی میدارد» این کینه تزار نسبت بسردار حسینخان و برادرش حسنخان و کریمخان حاکم سابق نخجوان بعلت فداکاریها و رشادت هائی بود که این اشخاص در حق ایران کرده و مدتها لشگریان نیرومند روسی را در مقابل شهر و دژ ایروان مستأصل کرده بودند.

فصل نهم مربوط بتشریفات و مقررات نمایندگان سیاسی است که: «برای انجام مأموریت موقتی و خواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفراخور مقام خود و مطابق شأن و حیثیت طرفین و مطابق مودت و اتحاد بین الدولتین و نیز بر حسب عادت مملکتی مورد اعزاز و احترام شوند. علیهذا در باب تشریفات که باید از طرفین ملحوظ و منظور شود دستور العملی مخصوص مقرر خواهد شد».

برای شرح و تفسیر و تکمیل همین فصل است که صورت مجلسی در باب تشریفات پذیرائی سفرای کبار و مأمورین سیاسی در ترر کمانچای بامضاء رسید. مطابق این صورت مجلس مقرر است: «بمحض اینکه وزیران از ورور سفیر کبیر روس به تفلیس رسماً مطلع گردیدند بدون اتلاف وقت شخصی که رتبه او مناسب شأن سفیر بوده باشد منتخب نموده تا سرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد این شخص که در متن صورت مجلس

مهماندار نامیده شده مسئول حفظ جان و عزت و احترام سفیر کبیر خواهد بود در هر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب از رئیس یا معتبرترین آن محل و چند نفر از معارف است بامن تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد.

در هر شهری که سفیر کبیر توقف میکند هیئت مذکور در تحت ریاست حاکم بسفیر کبیر تبریک ورود خواهد گفت و اگر سفیر کبیر در شهری توقف کند که حاکم آنجا یکی از فرزندان شاه باشد شاهزاده وزیر خود را برای استقبال و عرض تبریک نزد سفیر کبیر خواهد فرستاد.

در مسیر سفیر کبیر قوای نظامی در حق وی احترامات نظامی معمول خواهند داشت «وقتیکه سفیر کبیر با آخرین منزل یا یتخت یا به آخرین منزل اردوی همایونی رسید شخص معتبر مشارالیه را از طرف اعلیحضرت همایونی خواهد پذیرفت».

«در نیمه راه الی پایتخت یا نیمه راه اردوی همایونی هیئت محترمی از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی بریاست یکی از رجال دربار باستقبال جناب معزی الیه خواهد آمد و عسا کر ساخلوی شهر با عسا کر اردو بجناب معزی الیه پیش فنک زده و احترامات نظامی لازمه را معمول خواهند داشت و رئیس مستقبلین همایونی فی الفور سفیر کبیر را بمنزلی که برای مشارالیه مهیا شده و در آنجا گارد دو نور گذاشته شده است راهنمایی خواهد نمود. فردای ورود سفیر کبیر، وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی الیه خواهند آمد و پس فردای آن جناب سفیر کبیر بحضور همایونی مشرف خواهد شد»

این بود مراسم و مقرراتی که زمامداران درنر کمانچای انجام آنرا بنمایند گان ملت مغلوب تحمیل کردند.

در فصل دهم پیمان صالح تر کمانچای حقوق نمایندگان سیاسی و تجار روسی تعیین شده و مواد شکایت از کنسول و نمایندگان روس شرح داده شده و مقرراتی بمنظور حمایت تجارت وضع گردیده است.

برای تکمیل همین فصل است که معاهده تجارتی در نه ماده متعاقب پیمان صالح

تر کمانچای در همان تاریخ بامضاء رسید .

بامضای همین معاهده تجارتنی است که دولت روسیه منظور سیاسی خود را کاملاً تأمین کرد و پایه و اساس قضاوت کنسولی را در ایران استوار ساخت و برای نمایندگان خود حقوق و اختیارات خارج از سرحد (برون مرزی) یا رژیم قضاوت کنسولی را در ایران دایر نمود .

در موقع مطالعه نتایج پیمان صلح تر کمانچای در این مورد مفصلاً بحث خواهیم کرد .

۳- نتیجه معاهدات تر کمانچای

مواد و شرایط معاهدات تر کمانچای در تمام جریانات تاریخی ایران در قرن نوزدهم مؤثر بود. در داخله کشور پس از عقد پیمان صلح احساسات مردم بر اثر خفت و توهینی که نسبت بملت و مردم ایران وارد آمد بر ضد دولت روسیه برانگیخته شد بطوریکه در تهران رفتار و حرکات بی رویه گریبایدوف سفیر دولت روسیه و قتل وی نزدیک بود صلح میان دو دولت را مختل سازد. در ولایات رؤساء طوایف و ایلات که همواره برای رهایی از نفوذ دولت مرکزی بی فرصت می گشتند از ضعف و ناتوانی دولت مرکزی استفاده کردند و بخصوص در مشرق ایران انقلاباتی برپا ساختند. معاهده تجارتی تر کمانچای از یک طرف به تجارت و عواید گمرکی ایران صدمه زد و از طرف دیگر یک رژیم قضایوت کنسولی را در ایران برقرار ساخت.

۱۳۰۰

حادثه قتل گریبایدوف : چند ماه پس از امضای معاهدات تر کمانچای دربار سن پترزبرگ گریبایدوف را بعنوان سفارت بایران فرستاد و بوی مأموریت داد. معاهداتی را که بامضای تزار نیکولای اول رسیده تسلیم دولت ایران کند. سفیر دولت روسیه از راه تبریز عازم محل مأموریت خود گردید. گریبایدوف پس از ورود به تبریز تصمیم گرفت چند روز در این شهر توقف کند ولی رفتار ناپسند و حرکات تند و خشن همراهان وی در تبریز شاهزاده عباس میرزا را فوق العاده نگران و مضطرب کرد. برای جلوگیری از وقوع حادثه ناگواری و لیعهد بوسیله مهماندار بسفیر روس اطلاع داد که اعمال ناشایست همراهان وی ممکن است عواقب وخیمی در برداشته باشد.

گریبایدوف در تاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۲۶۴ (۲۰ دسامبر ۱۸۲۸) به همراهی

چهل نفر خدمه خود شهر تبریز را ترك كرد . همراهان سفیر روس که نظم و انضباطی نداشتند در مسیر خود در شهرها و قصبات از انجام اعمال ناپسند و بی‌رویه بهیچوجه خودداری نکردند . رفتار ارمنیها و گرجیان بخصوص فوق‌العاده زننده و ناپسند بود (۱)

گر بیایدوف در تاریخ ۵ رجب ۱۲۴۰ (۱۶ ژانویه ۱۸۲۹) وارد تهران شد. در تهران بمناسبت ورود سفیر، استقبال شایانی بعمل آمد و مهمانیهای مجللی بافتخاروی داده شد. فردای ورود خود، سفیر کبیر سواد معاهدات امضاء شده را تقدیم فتح‌علی‌شاه کرد. باینکه گر بیایدوف در تبریز و در عرض راه از رفتار حركات ناپسند مأمورین سفارت اطلاع داشت در مدت توقف خود در تهران اقدامی بعمل نیاورد که تغییری در رفتار آنان حاصل گردد. همراهان سفیر بجای با مردم پایتخت با خشونت رفتار کردند که نزدیک بود چندین بار نزاع و کشمکش فوق‌العاده شدید میان مردم و مأمورین سفارت رخ دهد. قزاقها و پیشخدمتهای سفارت در حال مستی در بازارها و معابر هر نوع خفت و بی‌احترامی در حق مردم روا میداشتند.

۱- منشی مهماندار راجع به حرکات ناشایست اطرافیان گر بیایدوف و تقاضاهای پی‌مورد آنان چنین مینویسد :

«... سفیر روس به غذای روزانه خود و کسانی که گاویک گوساله و سی مرغ و دو بست تخم مرغ و پنجاه کیلو برنج و ۱۵ کیلو کره و ۱۸ کیلو ماست و ۶ کیلو پنیر و ۱۲ کیلو قند و یک کیلو نیم ادویه و یکصد و بیست کیلو نان و دو کیلو مغز بادام و ۹ کیلو پیاز و ۹ کیلو شمع و ۵ کیلو شیر و میوه جات مختلف و سیصد لیتر مشروبات مختلف و هزار و هشتصد کیلو گاه برای علیق اسبها تقاضا کرده بود. ارزش تمام این اجناس به ۶۰ تومان یا ۷۵ دکای Ducats هندی بالغ میشد.

البته این مقدار جنس خیلی بیش از حد مصرف روزانه بود و اغلب آنها در دهات پیدا نمشد. رستم بیک رئیس پیشخدمتها بهای اجناس نایاب و موادی را که اضافه بر مصرف غذای روزانه بود و بهای آن به ۱۰ تا ۱۵ تومان بالغ میشد تقدماً دریافت میداشت.

در یکی از دهات مسیر راه رستم بیک از این بابت بازده تومان مطالبه کرد پیرمردی به از زحمت و مشقت توانست هفت تومان تهیه کند. رستم بیک که از این عمل نهایت ناراضی و غضبناک بود در بهای پیرمرد وارد آورد این رفتار رستم بیک نزدیک بود شورش و انقلابی بر پا کند...»

گریبایدوف از مهاجرین نواحی جدیدی که بموجب پیمان صلح ترکمانچای بدولت روسیه واگذار شده بود حمایت میکرد.

میرزا یعقوب از اهالی ایران خزانهدار و ناظر و مباشر جواهرات حرمسرای فتحعلیشاه سی تا چهل هزار تومان پول دزدید و به بهانه آنکه مایل است بایران موطن اصلی خود مراجعت کند بسفارت روس پناهنده شد.

دربار ایران چندین مرتبه تسلیم میرزا یعقوب را از سفارت تقاضا کرد و چون سفیر روس بدرخواست های مکرر دربار ترتیب اثر نداد فتحعلی شاه دستور داد خانه میرزا یعقوب را اشغال و مهر و موم کنند. گریبایدوف شبانه بکسان خود دست داد تا مهرها را شکسته و مایحتاج و اثاثیه میرزا یعقوب را از خاندان خارج سازند. ولی در نتیجه مقاومت و جلوگیری مستحفظین، مأمورین سفارت موفق بانجام مقصود نشدند.

قضیه میرزا یعقوب هنوز خاتمه نیافته بود و مذاکرات میان دربار و سفارت روس جریان داشت وقتی گریبایدوف تقاضا کرد زنائی که از ایالات متصرفی روس در تهران اقامت دارند باید نزد سفیر رفته و اطمینان بدهند که رضای خود مایلند در تهران اقامت کنند.

گریبایدوف بخصوص اصرار داشت که دو نفر زن از اهالی ابروان که در خانه آصف الدوله اقامت داشتند بوطن اصلی خود مراجعت کنند. برای اجرای دستور مأمورین سفارت روس بخانه آصف الدوله رفتند و از دو نفر زن سؤال کردند آیا مایل بترك تهران هستند یا نه؛ زنان مورد توجه سفارت اظهار داشتند مایلند در تهران اقامت کنند. گریبایدوف که از این بش آمد ناراضی بود دستور داد بزور دو نفر زن را بسفارت روس جلب کنند تا سفیر شخصاً از صحت اظهارات و تمایل آنان اطمینان حاصل کند. این اقدام سفیر روس جنبش و هیجان عمومی در تهران ایجاد کرد - دولت که از جریان قضیه و خشم و غضب مردم باخبر بود چندین بار اقدام کرد بلکه سفیر از اقدام خود و نگهداری زنان در سفارت منصرف گردد ولی گریبایدوف به مجرد وقوعی باین

تقاضاها ننهاد .

در نتیجه احساسات مذهبی نیز بر ضد مأمورین دولت غالبی که این همه توهین و خفت درباره ملت مغلوب روا میداشت اضافه گردید .

علما و مجتهدین در روز دوم شعبان ۱۲۲۴ (۷ فوریه ۱۸۲۹) برهبری میرزا مسیح مجتهد در مسجد اجتماع کردند و اعلام داشتند که اجحافات و اقدامات خلاف رویه مأمورین سفارت روس مردم را بستوه آورده است . اجتماع کنندگان تصمیم گرفتند هیئتی بنمایندگی مردم نزد شاهزاده علیشاه حاکم تهران بفرستند و بوی اطلاع دهند اگر سفیر روس میرزا یعقوب و دونفر زن را تسلیم مقامات ایرانی نکند مردم مستقیماً اقدام کرده و آنانرا از سفارت خارج خواهند کرد . حاکم تهران تقاضای هیئت اعزامی را با اطلاع سفارت روس رسانید ولی گریبایدوف حاضر نشد مطلقاً این تقاضاها را اجابت کند . وقتی که اجتماع کنندگان در مسجد از بی اعتنائی سفیر روس اطلاع یافتند سیل جمعیت خشمگین و ناراضی و متعصب به تهییج و تشویق میرزا مسیح بسمت سفارت روانه گشت و ساختمان سفارت از طرف مردم محاصره شد تا بزور میرزا یعقوب و زنان را از آنجا خارج کنند .

فتحعلی شاه که از جریان قضیه بسیار مضطرب و نگران بود علیشاه و چند نفر از شاهزادگان را مأمور کرد بلکه با وعده و نصیحت از شدت احساسات مردم بکاهند و آنانرا بسکوت و آرامش دعوت کنند .

ولی جمعیت بطرز بدی از فرزندان فتحعلی شاه استقبال کرد فریاد زنان آنها را مخاطب قرار داده و میگفتند :

«بروید زنان خود را تسلیم روسها کنید چنین رفتار، لایق ریشی است که پدر شما هر روز با آب گلاب آنرا معطر میکند» .

بالاخره مردم بداخل سفارت حمله برده گریبایدوف و ۳۷ نفر از همراهان ویرا بقتل رسانیدند .

تنها مالتسوف^(۱) منشی اول سفارت از این کشتار جان سلامت برد.
 در بار فتحعلیشاه از وقوع این حادثه بسیار مضطرب و نگران بود و برای جلوگیری
 از عواقب وخیم این پیش آمد به عباس میرزا دستور داده شد اقدام لازم بعمل بیاورد -
 در این هنگام عباس میرزا تصمیم گرفته بود میرزا مسعود مستوفی را برای تقدیم نشان
 شیر و خورشید به ژنرال یاسکویچ به تفلیس بفرستد .

میرزا مسعود در ماه شعبان ۱۲۴۴ از تبریز حرکت کرد . وی حامل در
 مکتوب از طرف عباس میرزا یکی بعنوان امپراطور و دیگری بعنوان فرمانده کل
 قوای قفقاز بود که در آن نامه ها از پیش آمد حادثه ناگوار و تأثیر آور گریبایدوف
 معذرت خواسته بود .

مالتسوف بخصوص در این مورد نهایت مساعدت را کرد و بدولت متبوع خود ،
 خاطر نشان ساخت که رفتار و حرکات ناشایست گریبایدوف و اطرافیان من علیت بروز اصلی
 این حادثه ناگوار بشمار میرود .

دولت روسیه که در این زمان بادولت عثمانی بر سر قضایای بالکان اختلاف داشت
 برای اینکه مبدا مجدداً میان دولتین ایران و روس قطع رابطه گردد و یک نوع سیاست
 سازش و ملایمی نسبت بایران اتخاذ کرد و در نتیجه اقدامات عباس میرزا و مسافرت میرزا
 مسعود و اظهارات مالتسوف ، امپراطور بوسیله سفیر جدید خود ژنرال دالگوروکی^(۲)
 که پس از قتل گریبایدوف بایران آمد توصیه نمود که دولت ایران یکنفر از شاهزادگان
 درجه اول را برای عذرخواهی بدربار سن یطربزرگ اعزام دارد و بکنفر از مسبین
 اصلی قضیه را اعدام کند و میرزا مسیح مجتهد محرک این پیش آمد را تبعید نماید .
 دولت ایران پیشنهاد های دولت روسیه را پذیرفت و خسرو میرزا

1 - Maltsoff

2 - Dalgouroki

پسر عباس میرزا بعنوان سفیر فوق العاده در ماه ذی قعدة ۱۲۴۴ بسمت مسكو حر كت كرد . محمد خان امير نظام و محمد حسين خان ايشيك آقاسى باشى و ميرزا بابا حاكم باشى و ميرزا تقى خان فرهاى كه بعدها امير نظام و امير كبير شد همراه شاهزاده خسرو ميرزا بودند .

نماینده دولت ایران كه حامل نامه هاى معذرت خواهى فتحعلشاه و عباس میرزا بود با تجلیل و احترامات فراوان از طرف دولت روس مورد استقبال قرار گرفت . علاوه بر اینكه امپراطور از تعقیب قضیه گریبایدوف صرف نظر كرد حاضر شد حتى دو ملیون روبل از بقیه چهار ملیون روبل غرامات جنگى را بدولت ایران تخفیف دهد .

انقلابات مشرق ایران پرداخت غرامات و مبالغ زیادى كه برخلاف میل فتحعلشاه صرف هزینه هاى جنگى شده بود خزانه را ورشكست كرده بود . رؤسای قبائل و ایالات كه همواره برای مقاومت در مقابل قوای مركزى فرصت مناسب می گشتند از بحران مالی و شكست قوای نظامی و گرفتاری های دولت استفاده كرده و در مشرق ایران برضد حكومت مركزى قیام كردند .

در سال ۱۲۴۲ (۱۸۲۶) هنگامى كه دولت ایران گرفتار جنگ با دولت روس بود محمد قاسم خان در به علم طغیان برافراشته بودولى قوائى كه در تحت سرپرستى محمد ولى میرزا بآن صفحات اعزام گردید به فتنه محمد قاسم خان پایان داد .

در ۱۲۴۴ (۱۸۲۹) پس از امضای معاهدات تر كمانچای انقلابات دامنه دارى در تمام مشرق ایران برپا شد و قدرت و نفوذ دولت در نواحى بزدو كرمان و خراسان بكلى از میان رفت .

عباس میرزا برای فرو نشاندن انقلابات مشرق ایران مأموریت یافت و در رمضان ۱۲۴۶ (۱۸۳۱) از تهران حر كت كرد . ولیعهد در ۱۱ شوال ۱۲۴۶ (مارس ۱۸۳۱) یزد را اشغال كرد و پس از استقرار امنیت در آن ناحیه بسمت كرمان رهسپار شد و در تاریخ ۲۲ شوال (۵ آوریل) وارد كرمان شد . باغیان و گردنكشان در مقابل اقدامات

عباس میرزا از در اطاعت در آمدند و در نتیجه فعالیت و پیشرفت قوای دولتی شورشیان کرمان متواری گردیدند و سلطه و نفوذ دولت در آسمان نیز تقویت یافت.

عباس میرزا پس از فراغت از کار کرمان متوجه خراسان گردید تا در آنجا به انقلابات تراکمه خاتمه دهد .

قلعه سلطان میدان واقع در میان سبزوار و نیشابور که در آنجا رضاقلیخان و سائل مقاومت خود را فراهم کرده بود در تاریخ ۵ رجب ۱۲۴۷ (۱۰ دسامبر ۱۸۳۱) با آسانی اشغال شد . سپس ولیعهد بسمت مشهد پایتخت خراسان حرکت کرد و در تاریخ ۸ شعبان ۱۲۴۷ (۱۲ ژانویه ۱۸۳۲) وارد مشهد گردید و در مدت شش ماه تابستان و خزان سال ۱۲۴۷ - ۱۲۴۸ قوای تحت فرمان عباس میرزا ، قلعه امیرآباد و شهرهای ترشیز و خموشان و سرخس و تربت حیدریه را گرفتند و نظم و آراش را در تمام صفحات خراسان برقرار ساختند .

در سال ۱۲۴۸ (۱۸۳۳) اقدامات و عملیات نظامی در مشرق ایران خاتمه پذیرفت و عباس میرزا در مدت دو سال در سابقه فعالیت خستگی ناپذیر موفق شد تمام شورشیان را مطیع و منکوب کرده نواحی مشرق ایران را از وجود یاغیان و گزردنکشان پاک سازد .

بجریانات داخلی و اغتشاشات مشرق ایران موضوع افغانستان قضیه هرات و افغانستان

نیز اضافه شد. دولت ایران که نهر هرات را مرکز و پایتخت واقعی ناحیه خراسان میدانست نمیتوانست نسبت باین شهر بیعلاقه باشد . در آغاز قرن نوزدهم بعفیه زمامداران دولت انگلیس اشغال افغانستان از طرف دولت ایران از نظر امنیت امپراطوری هندوستان اقدام بس مفیدی بسود و چنانکه دیدیم فتحعلیشاه باتسویق و پشتیبانی فرستادگان فرمانفرمای کل هندوستان دوبار بسمت افغانستان لشکر کشید. ولی بعد از سال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) وبخصوص پس از انعقاد معاهدات ترکمانچای در ۱۲۴۳ (۱۸۲۸) که نفوذ دولت روسیه در ایران فوق العاده تقویت یافت بنظر زمامداران انگلستان و عمال آن دولت در هندوستان تصرف

و اشغال افغانستان از طرف دولت ایران برای مستعمرهٔ بریطانیای کمپیر عمل بس خطرناکی بود. باید تصدیق کرد که دولت تزار بخوبی متوجه این نکته بود که دولتی که در مشرق ایران نفوذ پیدا کند سهولت خواهد توانست سلسله جبال هندو کش را دور زده و بجنوب قندهار و باجنوب کشمیر دست رسی یابد. بنابراین کشور ایران بنظر زمامداران دولت روسیه و انگلستان بمنزلهٔ کلید هندوستان بود. بهمین مناسبت است که دولت بریطانیای کمپیر و فرمانفرمای کل هندوستان پس از امضای معاهدات گلستان و ترکمانچای میان دولتین ایران و روس چنین تشخیص دادند بهر قیمتی که باشد افغانستان را از حیطهٔ نفوذ روس و ایران دور نگه دارند.

از ۱۲۲۸ تا ۱۲۷۳ (۱۸۱۳-۱۸۵۷) زمامداران ایران که از طرف سن پترزبرگ حمایت و پشتیبانی میشدند توجه خود را بسمت هرات معطوف ساختند. عمال دولت روس مناسب و صلاح میدانستند که از هیل طبیعی زمامداران دولت ایران پشتیبانی کنند تا بتوانند درازاء ایالاتی که در شمالغرب از دست داده بود متصرفاتی در مشرق ایران بدست بیاورد و حیثیت از دست رفتهٔ خود را جبران کنند. با این ترتیب دولت روسیهٔ غالب سیاست عاقلانه‌ای در حق دولت مغلوب تعقیب مینمود و با تشویق دولت ایران به پیشروی در سمت افغانستان نقش مطمئنی بازی میکرد.

زمامداران دولت روس متوجه بودند اگر دولت ایران موفق باشغال شهر هرات گردد بلافاصله بتصرف شهرهای کابل و قندهار خواهد پرداخت در این صورت اگر دولت انگلستان در برابر اقدام دولت ایران سیاست بیطرفی پیش گیرد امنیت هندوستان بخطر خواهد افتاد و بطور قطع نفوذ دولت روس در سرحدات هندوستان زیاد خواهد شد. بالعکس هر گاه دولت انگلستان که همواره باسترداد ایالات از دست رفتهٔ ایران اظهار تمایل کرده، دفاع هرات و وسائل استقلال افغانستان را فراهم کند احساسات ملی ایرانیان را برضد خود جلب خواهد کرد. بنابراین پس از آنکه عباس میرزا خطهٔ خراسان را امن کرد بکمران میرزا حاکم هرات دستور داد بدولت ایران مالیات بپردازد. در برابر پاسخ نامساعدی که از طرف کامران میرزا رسید ولیعهد به پسر خود محمد میر زمامداریت

داد بهرات رفته و آن شهر را محاصره نماید .

لشگریان محمد میرزا در برابر شهر هرات بودند که خبر رسید عباس میرزا بر اثر ناخوشی کبد در تاریخ ۱۰ جمادی الثانی ۱۲۴۹ (۱۵ اکتبر ۱۸۳۳) در سن ۴۸ سالگی پس از سی سال خدمت بایران در خراسان در گذشت .

فتحعلی شاه در سال ۱۲۰۳ یعنی در سن ۱۸ سالگی دارای چهار پسر شد که بترتیب عبارتند از: محمدعلی میرزا دولت شاه، محمدقلی میرزا ملک آرا، محمدولی میرزا، عباس میرزا .

عباس میرزا با بزرگترین برادر خود بیش از ۸ ماه اختلاف سن نداشت ولی چون از بطن دختر فتحعلی خان قاجار دولوبود بنابر وصیت آغا محمد خان بولیعهی برگزیده شد .

از نتیجه مشاهدات و قضاوت های نمایندگان خارجی و مستشاران نظامی و مسافری بیگانه چنین استنباط میشود که عباس میرزا یکی از شاهزادگان لایق و شایان توجه و باشخصیت خانواده قاجار بود. فریکان^(۱) مستشار دربارسن پترزبرگ که در تاریخ ۲۰ جمادی الاول ۱۲۲۷ (مه ۱۸۱۲) بعنوان نماینده دولت روسیه برای مذاکرات صلح به تبریز آمد راجع به عباس میرزا چنین اظهار نظر میکند: «این شاهزاده قیافه نجیب و مردانه ای داشت . توانا و بااراده و آتشین و متین و فرزانه و باحزم و احتیاط که در کمتر شخصی یافت میشود ، از مزایای اخلاقی بود که در وجود عباس میرزا جمع بود . دارای احساسات نجیب و افکار بلند ، حریص یاد گرفتن تمام عواملی بود که باعث سیر سریع ترقیات در اروپا شده بود . نهایت سادگی را در رفتار و حرکات خود رعایت میکرد . بی باک و با تقوی ، عباس میرزا نجیب ترین شخصیت خانواده قاجار بود »
با اینکه روزگار او بیشتر بچنگ و لشگر کشی گذشت از هنر و ادب نیز بی بهره نبود خط نستعلیق را زیبا می نوشت و نظم و نثر را نیک میدانست .

پس از مرگ ولیعهد محمد میرزا از محاصره شهر هرات منصرف گردید و به تهران

احضار شد و بسمت ولیعهد و جانشین فتحعلیشاه تعیین گشت .

فتحعلیشاه یکسال پس از مرگ فرزند خود در ۱۹ جمادی الثانی ۱۲۵۰ (۲۳ اکتبر ۱۸۳۴) در ۶۸ سالگی در گذشت و شصت و شش و ۴۸ و دختر و ۱۵۸ زن از خود باقی گذاشت در دوران سلطنت این پادشاه شهوت پرست و متکبر و خسیس و خودخواه بدبختی های فراوان برای کشور ایران روی داد . فریکان راجع بصفات فتحعلیشاه چنین میگوید : « ضعیف و بی اراده و سست و بی حال بود . دائماً در عیش و طرب غوطه ور بود . از کار و فعالیت بیزار و تنفر داشت . در دوران سلطنت طولانی ۳۷ ساله وی مهمترین و حاصلخیزترین ایالات ایران از دست رفت .

فتحعلیشاه بجدی در اداره کشور ناشایستگی بخرج داد که نژاد قاجار مورد انزجار و تنفر عمومی قرار گرفت . نالایق در اداره مملکت ، فاقد ذوق نظامی ، خوشحال بود که شعر میگوید و بتاریخ و ادبیات علاقه دارد . »

قضیه هرات بامرک فتحعلیشاه خاتمه نیافت . سیمونیچ^(۱) نماینده دولت روس در تهران که نفوذ فوق العاده ای در شخص محمدشاه داشت بنوبه خود در ۱۲۵۳ (۱۸۳۷) محمدشاه را بمحاصره هرات تشویق کرد ولی پادشاه قاجار از اقدام خود طرفی نیست و بدون اخذ نتیجه از محاصره هرات دست کشید . بالاخره ناصرالدین شاه در ۱۲۷۲ (۱۸۵۶) هرات را اشغال کرد ولی در برابر تهدید دولت انگلستان در جنوب ایران ناچار شد از تصرف هرات منصرف گردد و در تاریخ ۸ رجب ۱۲۷۳ (۱۴ مارس ۱۸۵۷) معاهده ای میان دولتین ایران و انگلستان در پاریس بامضاء رسید که مطابق آن معاهده استقلال افغانستان برسمیت شناخته شد و دولت ایران از تمام دعای خود در افغانستان صرف نظر کرد .



تجارت و عواید گمرکی امضای معاهده تجارتي تر کمانچای صدمه زيادی
بتجارت ايران وارد آورد و عواید گمرکی ايران را

فوق العاده تقليل داد. در حقيقت معاهده تجارتي تر کمانچای برای مدت يک قرن تمام
پايه و اساس روابط دولت ايران با دول بيگانه قرار گرفت. در طی اين قرن دولت
ايران استقلال قضائی خود را از دست داد و دول خارجی با ما، مانند دولت ضعيف
و مغلوبی معامله کردند. امضای معاهده تجارتي تر کمانچای آغاز دوره ای را در
تاريخ ايران نشان میدهد که ما اين دوره را دوران معاهدات تحميلي و يکجانبه
میناميم.

دولت ايران قبل از انعقاد معاهدات گلستان و تر کمانچای از مال التجاره های
وارده حقی دریافت نمیکرد و فقط دو نوع مالیات يکی باسم دروازه بانی در موقع ورود
اجناس بشهرها و ديگری باسم عوارض راه داری در سراسر راه و گذر پلها از مال التجاره ها
گرفته میشد. اين عوارض بدون تشخيص مبدأ و مقصد مال التجاره از اجناس وارداتی
و صادراتی و ترانزیتی وصول ميشد و منبع عایدی بزرگی را تشکیل میداد. مطابق
اين اصل عوارض سنگين فوق العاده از مال التجاره های که بنواحی دور دست ارسال
میشد دریافت میگردد. وجود اين عوارض داخلی و هزينه بسيار گران حمل و نقل
از علل عمده ای بود که از رقابت مال التجاره های روس در جنوب و اجناس انگلیسی در
شمال ايران جلو گیری میکرد.

با امضای معاهده گلستان مقررات موجود از میان رفت و در سحدات ايران
وروس ۵٪ قيمت اجناس بعنوان عوارض گمرکی از مال التجاره های وارد و صادره
وصول شد. ماده سوم معاهده تجارتي تر کمانچای طرز وصول ۵٪ عوارض گمرکی
را چنین تأييد کرد: «از مال التجاره ای که اتباع روس بايران وارد و از آن مملکت
خارج میکنند و نیز از امتعه ايران که اتباع دولت عليه از راه بحر خزر و یا از سرحد
خشکی بين الدولتين بمملکت روسيه حمل می نمایند و هکذا از مملکت روسيه و از
طريق فوق الذکر خارج میکنند کمافی السابق حقوق صدي ینج فقط يک دفعه در موقع

ورود یا خروج دریافت شده و علاوه بر آن هیچ حقوق گمر کی مطالبه نشود . «
این ماده که اخذ هر گونه مالیاتی را از مال التجاره روس در داخله ایران جلوگیری
کرد وضع تجارت روسیه را در ایران ممتاز کرد و آن مساعدت نمود و رونق بسیار
بخشید .

این امتیازی که دولت ایران با عقد قرارداد مخصوصی نسبت به تجارت اتباع
روس قائل شد لطمه زیادی بموقعیت تجارتی انگلستان وارد ساخت ولی طولی نکشید
که دولت انگلستان نیز همان امتیازات را نسبت به تجارت اتباع خود در سال ۱۲۵۲
(۱۸۲۶) با فرمان محمد شاه بدست آورد . پس از دولت انگلستان سایر دولتهای خارجی
ذینفع در تجارت ایران بتدریج امتیازاتی شبیه بامتیازات تجاری دول روس و انگلیس
در ایران تحصیل کردند .

باجر قرائی رژیم گمر کی عایداتی که دولت ایران بابت عوارض از مال التجاره
های وارده و صادره دریافت میکرد از میان رفت و عواید ۰.۵٪ دریافتی از واردات و
صادرات بمراتب کمتر از عایدات عوارض داخلی بود که در سابق دریافت میشد .

دولت روسیه از مال التجاره های ایرانی که بنواحی ماورای بحر خزر بخارا و
ترکستان روس فرستاده میشد ۰.۵٪ عوارض گمر کی دریافت ولی از مال التجاره های
بمقصد روسیه اروپا ۲.۵٪ علاوه بر ۰.۵٪ دریافت میکرد .

دولت روسیه برای رقابت و ممانعت از دایر بودن راه ترانزیت طرابوزان بتمام
وسایل متشبه شد . بهمین منظور امتیازات مخصوصی بمال التجاره های که به بنادر
دریای سیاه میرسید قائل شد و راه های شوسه بداخله کشور ایجاد کرد . و حتی بعدها
مال التجاره های ایران را که از طریق عشق آباد یا سایر ایستگاههای ماوراء خزر بمقصد
اروپا حمل میشد بدون عوارض گمر کی بطور ترانزیت قبول میکرد .

دولت روسیه با اتخاذ این تدابیر ، تمام تجارت ترانزیت را که سابقاً از طریق
آسیای صغیر بعمل میآمد بطرف روسیه جلب کرد و در نتیجه تمام تجارت شمال ایران
از اواسط قرن نوزدهم در اختیار و تسلط کامل دولت روسیه درآمد و مقدرات تجار ایرانی
در تحت اراده زمامداران روس قرار گرفت . چنانکه اولیای دولت روسیه بعدها

اشکالات و اختلافات زیادی در تجارت ایران ایجاد کردند .



امتیازات کنسولی گرچه شرایط تجارتي و گمرکی معاهده تجارتي ترکمانچای فوق العاده سنگین و برای اقتصادیات ایران زیانبخش بود ولی مضار امتیازات قضائی معاهده مزبور بر مراتب بیشتر بود . زیرا دولت روسیه با تحمیل این مواد « حتی استقلال ایران را به خطر انداخت .

ماده ۷ معاهده تجارتي حقوق برون مرزی برای دولت و اتباع روس در ایران قائل بود . مطابق این ماده بایستی بتمام اختلافات و امور متنازع فیهمیان اتباع روس بوسیله مأمورین روس و مطابق قوانین روس قضاوت و رسیدگی شود .

اختلافات و یا محاکمه میان اتباع ایران و اتباع روس بحاکم مراجعه میشد . رسیدگی و صدور حکم بایستی در حضور دراکومان سفارت یا کنسول بعمل آید؛ « تمام امور متنازع فیها و مراعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین و رسوم دولت روسیه فقط برسدگی و حکم سفارت یا کنسولهای اعلی حضرت امپراطور روس رجوع خواهد شد .

و همچنین است اختلافات و دعاوی واقعه مابین اتباع روس و اتباع مملکت دیگری در صورتیکه طرفین بحکومت مشارالیه تراضی نمایند .

اختلافات و مراعاتیکه مابین اتباع ایران و روس بظهور میرسد مراجعه بحاکم شده رسیدگی و حکم آن باید در حضور دراکومان سفارت یا کنسولگری بعمل آید . «

مطابق ماده ۸ معاهده ترکمانچای رسیدگی به تخلفات جنائی و جنحه ای که میان اتباع روس و یامیان یکنفر تبعه روسی و یکنفر از اتباع دول بیگانه در ایران رخ میداد از صلاحیت محاکم ایرانی خارج بود : « چون وزیر مختار و شارژ دافز و کنسول

حق قضاوت دربارهٔ هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی و محاکمه آن راجع بمشارالیهم خواهد بود .

اگر شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید مورد هیچگونه تعرض و مزاحمت نخواهد بود مگر در صورتیکه شرکت او در جنایت مدلل و ثابت شود و در این صورت و نیز در صورتیکه تبعهٔ روس بشخصه منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا قنصل روس نباید بمسئلهٔ جنایت رسیدگی کرده و حکم دهند و اگر در محل وقوع جنحه سفارت یا قنصلوگری وجود ندارد کار گذاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد که در آنجا قونسل یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد . حاکم و قاضی محل استشهاداتی را که بر علیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده و امضاء مینمایند و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و بمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشتهٔ معتبر دعوی محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس از آنکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسیده و حکم صادر شد مومی الیه بوزیر مختاریا شارژ دافر یا قنصل روس تسلیم خواهد شد که بروسیه فرستاده شده و در آنجا موافق قوانین سیاست شود .

بانهیمیل این دو ماده در معاهدهٔ تجارتی تر کمانچای پایه و اساس رژیم قضاوت کنسولی در ایران گذاشته شد . بتدریج سلسله دیگری که بایران روابط دیپلماتی داشتند با استفاده از وضع حاضر همان امتیازاتی را که روسها و سپس انگلیسها تحصیل کرده بودند بوسیلهٔ عقد معاهدات جداگانه بدست آوردند و در مدت قریب یک قرن روابط ایران بامللی بیگانه بر اساس رژیم متقابلی که امتیاز بیگانگان را تأمین میکرد استوار گردید . استقرار رژیم قضاوت کنسولی در ایران بتمام دول حق دخالت در تدوین و اجرای قوانین ایران داد .

در مدت یک قرن فعالیت تجارتی ایران فلج شد . استقلال گمر کی ایران از دست

رفت و باستقلال قضائی ایران عملاً خاتمه داده شد بطوریکه در آغاز قرن بیستم نزدیک بود که ایران حقیقی استقلال ظاهری خود را نیز از دست بدهد. در نتیجه اقدامات و مجاهدات اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تغییرات مهمی در روابط خارجی ایران رخ داد که کشور ما را از پرتگاه خطر نجات بخشید. این تغییرات مهم لایق ملت کهنسالی بود که سوابق و تمدن درخشانی داشت و در جریان تاریخ فعالیت‌های فوق العاده‌ای از خود برورز داده بود.

دولت ایران هفت سال پس از جلوس اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر بر ژیم قضاوت کنسولی در ایران خاتمه داد.

در سال ۱۹۲۰ دولتین چین و افغانستان حقوق و امتیازات کنسولی خود را در ایران لغو کردند. دولت روسیه شوروی این امتیازات را با امضای معاهده ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ از بین برد بالاخره در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۷ بوسیله یادداشتی که از طرف کنفیل وزارت امور خارجه ایران ارسال شده بدول امضاء کننده معاهدات یکجانبه که به آنان حق قضاوت کنسولی در ایران میداد اعلام داشت که تمام این معاهدات لغو و بلا اثر بوده و پس از انقضای یکسال از تاریخ ارسال یادداشت هیچگونه حقی بدول خارجی در ایران قائل نخواهد بود.

نتیجه

ضعف و تجزیه دول اسلامی در قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) یکی از مسائل مهم و جالب توجه سیاسی جهان می باشد. موهوم پرستی و رضا بقضا و قدر و تلقینات مضر دردنیای باعظمت اسلام که پایه و اساس آن بر روی فضیلت و تقوی و سعی و عمل نهاده شده رخنه کرده و بتدریج مسلمانان را از جاده حقیقت که از ارکان مذهب اسلام بشمار میرود منحرف ساخت. تا وقتی که اروپائیان مرقی توجه خود را فقط با اروپا معطوف ساختند دنیای اسلام صدمه ای ندید و همچنان بزرگ ماند. ولی تماس با اروپا در قرن سیزدهم برای کشورهای اسلامی رقت بار و فوق العاده زبان بخش بود. این تماس علاوه بر رقابتهای سیاسی و نظامی صحنه های رقابت جدید در پیشرفت سیاست انبساط ارضی در خارج از قاره اروپا بوجود آورد.

چنانکه گفتیم قرن سیزدهم دوران انحطاط ممالک اسلامی بشمار میرود. علل اساسی این انحطاط تاحدی مربوط بمعتقداتی است که از جبر و تقدیر و تفویض الهام میگیرد. این انحطاط مواجه با جریان ترقیات فوق العاده و تمدن ملل مغرب زمین میگردد که در نتیجه علم و عمل قدرت عظیم صنعتی آنان روز بروز افزایش می یابد.

زمین میان مردان بااراده ای که علم و عمل و قدرت، آنان را باوج ترقی رسانیده تقسیم میگردد و غلبه علم و صنعت جدید در پیشرفت سیاست انبساط ارضی اروپائیان در عالم اسلام شاید بیشتر از سایر جاها مشهود می باشد. دولتی مانند ایران دوره فتوح علی شاه که وسائل کهنه و قدیمی در اختیار دارد و از رموز و فنون جنگی بی بهره است در برابر حملات قوای مسلح اروپائی که جنگهای انقلابی و سپس جنگهای ناپلئون آنان را تعلیم داده و ورزیده کرده است قادر بمقاومت نیست. «مسئله مشرق» یا تاریخ

تجزیه امپراطوری عثمانی یکی از مسائل مهم سیاسی قرن سیزدهم هجری است. در این قرن موضوع مهم سیاسی دیگری نیز وجود دارد که مربوط است باوضاع ایران. در صورتیکه در مسئله مشرق تمام دول معظم اروپا ذینفع هستند در موضوع ایران رقابت و اختلاف دو دولت انگلیس و روس روشن تر و شدیدتر از مسئله بالکان نمایان می شود.

دولت روسیه تزاری در سیاست انبساط ارضی خود مواجه با سیاست تعمیم نفوذ و بسط تسلط دولت انگلستان میشود. رفته رفته در برابر تزار که خود را حامی مسیحیان مینامد دولت بریتانیای کبیر قد علم میکند و خود را پشتیبان ملل مسلمان میخواند.

بنوبه خود بناپارت که مصمم بود بدولت انگلستان در مصر تعرض کند زمینه مساعدی برای اجرای این تصمیم یعنی ادامه جنگ برضد بریتانیای کبیر در ایران که بادولت روسیه در جنگ است پیدا میکند. با سقوط ناپلئون جنگ مجدداً میان دو دولت متحد سابق یعنی روسیه و انگلستان ادامه می یابد و رقابت میان آنان شدیدتر میشود.

با وضعی که دوات ایران داشت قادر بر جلوگیری از حرص و ولع دولت روسیه نبود. فتحعلیشاه در قصر فقط بدباریان و حرم سرا حکومت میکرد. این مرد خسیس و عیاش و فاسد الاخلاق معنی و مفهوم دوات و حکومت را طور دیگر درک و تعبیر نمیکرد. بدون ابراز کمترین علاقه بوظایف سنگین و پر مسئولیت مقام سلطنت میخواست از تمام مزایای حکومت استفاده کند.

اطرافیان وی جز جمع کردن و حفظ ثروت منظور و هدف دیگری نداشتند. علاوه بر این، طلای انگلستان نیز آنان را از جاده راست منحرف ساخته بکلی فاسد کرده بود. افکار و رفتار عباس میرزا و لعیهد ایران جلوس سلطان بزرگی را بر تخت سلطنت ایران نوید میداد. وی شاید قادر بود و موفق میشد که با وجود چنین دربار فاسدبی سیاستی را تعقیب کند که با منافع ایران منطبق باشد متأسفانه با مرگ نابهنگام وی

کشور ایران نتوانست از افکار بلند شاهزاده قاجار بهره‌مند گردد.

البته وظیفه سنگین بعهدۀ عباس میرزا محول بود زیرا در آغاز قرن سیزدهم در ایران تشکیلات دولتی بمفهوم واقعی وجود نداشت هیچ قوه‌ای اختیارات شاه را تعدیل نمیکرد مگر نفوذ چند نفر رئیس ایل که در رأس طوایف چادر نشین، شهر یا ایالت یا ناحیه‌ای را در تحت سلطه خود قرار میدادند. شاه نیز گاهی این عمل را رسماً تأیید کرده و آنان را در منطقه نفوذ خود بحکومت منصوب میکرد ولی غالباً همینکه قدرت مرکزی ضعیف میشد این رؤسا که در کمین نشستۀ و در پی فرصت مناسب بودند علم طغیان بر افراشته و تمام مساعی خود را برای رهائی از نفوذ و قدرت شاه بکار میبردند.

با آنکه سر بازان ایرانی بر دبار و جسور و قانع و متحمل بودند و در ارزش انفرادی آنان تردیدی نبود فتحعلیشاه با وضع نظامی موجود نمیتوانست بلشگریان روس فایق آید. بی انضباطی افراد و رؤسای آنان، بی بصیرتی فرماندهان نظامی از فنون جنگی که در ایران از قرن‌ها باینطرف تغییری نکرده بود بسهولت علاج پذیر و قابل ترمیم نبود.

بالاخر از تمام این معایب، ایران آن زمان تشکیلات اداری منظمی نداشت و خزانه دولتی و خزانه شاه با هم مخلوط بود.

فتحعلیشاه هیچگاه ندانست و نتوانست هزینه‌های ضروری را تشخیص داده و بالتسبیح سیاست روشنی را اتخاذ و تعقیب کند، اتخاذ و تعقیب سیاست روشن و مناسبی لازمه این بود که زمامداران ایران اطلاعات و تجارب سیاسی کافی داشته باشند ولی متأسفانه رجال آن زمان فاقد اطلاعات سیاسی بودند و بارهوز دیپلماسی و بازی‌های دقیق سیاستمداران مغرب زمین آشنائی نداشتند. از آنجاست که بی تجربگی و عدم بصیرت و اعتماد کور کورانه آنان در برابر اظهارات مأمورین دول بیگانه اغلب باعث حیرت و تعجب است.

فقدان نیروی نظامی، فقدان مردان بزرگ سیاسی "فقدان يك تشکیلات محکم

و منظم كشورى علل اساسى شكستهاى پى درپى دولت ايران بشماره يروود . بى اطلاعى زمامداران ايران از سياست جهانى ، كشور ما را در اين دوره باز يچه سياستمداران اروپائى گر دانيد . يكبار ناپلئون با مي دو اهي ايجاد يك اتحاد دائمي بسا دولت روسيه تزارى ايران را فدائى سياست جهانى خود كرد . بار ديگر دولت بر يطانيائى كمبر با براز دوستى و اغفال رجال ايران رضاى خاطر متحد خود دولت روسيه را جلب نمود . بالاخره زمام داران انگلستان ايران را وسيله دفاع مستعمره پرازش هندوستان قرار دادند و مطابق سياست روز ' كشور ما را بر ضد افغانستان يا بر ضد روسيه و ادار به جنگ كردند .

در نتيجه اين سياست ها و كشمكشها ، دولت ايران مستعد ترين و ثروتمند ترين ايالات خود را از دست داده و نفوذ و اعتبارش صدمهديد و از هر حيث ضعيف و ناتوان شد و در نتيجه زمينه پيشرفت رقابت هاى دول بيگانه در كشور ما تا سال ۱۳۴۰ (۱۹۲۱) با سائى فراهم گرديد .

ضمائم

I - معاهدات

II - منابع و مأخذ

III - فهرست اسامی

الف - اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات

ب - اسامی امکنه و بلاد

۱ - معاهدات منعقدہ بادولتین روس و انگلیس
از ۱۴۲۴ تا ۱۴۴۳

عهدنامه مجمل^(۱)

صورت عهدنامه مبارکه میمونیه که بوکالت سرهر فردجانس ایلچی مختار دولت انگلیس در دار الخلافه طهران صانها الله عن الحدثن سمت تحریر یافته باجناب صدراعظم میرزا شفیع وحاجی محمد حسینخان نظام الدوله .

چون در این اوان سعادت نشان سفیر بی نظیر روشن ضمیر صائب تدبیر صاحب نشان همایون هو الله عثمانیه عالیجاه عمدة الاعظم المسیحیه سرهر فردجانس برون از جانب سعادت جوانب شهریار کامکار خیر و عدل گستر مکارم شعار نظم آرای بناظم کشورستانی صدر نشین ارایک سلطنت و تاجداری شرف افزای سپهر جلال و بختیاری خدیو باذل عادل دارای ابر کف دریا دل پادشاه والجاه فلک دستگاه ممالک فسیح المالك انگلستان و هندوستان ادام الله تعالی ایام سلطنة الباهره برسم سفارت با نامه همایون پادشاهی وارد آستان سپهر نشان و شرف اندوز تقبیل عتبه علیه اعلی حضرت قدر قدرت قضا همت گردون حشمت جهاندار خدیو مکرم فلک یاور خسرو اعظم بلند اختر داور انجم خدم مالک رقاب الامم غوث الاسلام والمسلمین عون الملة والدين قهرمان الماء والطين شهریار عجم اقتدار کشور خجسته ایران و توران لازالت شارق اقباله مطاع کواکب الاجلال گردیده موافق و کالت نامه معتبره میمونیه مهوره بمهر مهر آئار پادشاه والجاه معظم الیه در تشدید مبانی یکجهتی والفت دولتین علیتین وکیل مطلق و معتمد مختار بود از طرف بهی الشرف شاهنشاه سپهر بارگاه ممالک ایران نیز عالیجاهان جلال و نبالت پناهان مجدت و حشمت همراهان مقرب الخاقان صدر الوزراء الفخام معتمد الدولة العلویه الباهره میرزا محمد شفیع وزیر و امیر الامراء العظام امین الحضرت البهیه القاهره

۱- وزارت خارجه ایران عهدنامهات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل

اداری دولت علیه سنه ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

حاجی محمدحسین خان مستوفی الممالک دیوان همایون از قرار فرمان اشرف جداگانه و کالت مطلقه تعویض رفته که باعالیجاه ایلچی مشارالیه بتمهید شرایط مودت و یکجهتی و وفاق دولتمین پرداخته ارکان اتحاد حضرتین را بنحویسکه متضمن صلاح طرفین باشد مستحکم و مشید ساخته باشند لهذا عالیجاهان مشارالیه بعد از انعقاد مجالس عدیده وطنی مقالات و مکالمات لازمه باستصواب و رضای یکدیگر بنای عهد و میثاق و ادای شروط یگانگی و وفاق فیما بین دولتمین باصول مفصله ذیل گذاشته بر ارباب هر دو دولت ثابت داشتند که ازین پس هر یک بنهج مسطور عمل را متروک و مهمل نگذارند.

فصل اول - چون تفصیل شروح و توضیح و تعیین مقاصد جانبین موقوف میبود بمکالمات گوناگون و مجالس متعدده عجلاله الوقت این وثیقه میمونه که عهد نامه مجمل است مرقوم میگردد تا کاخ دوستی و اتحاد را بنیادی متین باشد مکذوبات ضمایر جانبین بنیانی مبین و قرار اینکه من بعد عهدنامه مفصلی مشتمل بر جمیع مقاصد و حاکی تمامی شرایط و ضوابط مرقوم و بخط و مهر و کلاه ثلاثه مختوم گردد و مدار یکجهتی دولتمین بر آن باشد.

فصل دوم - باید که این عهد خجسته که در میان دو دولت بصدق و راستی بسته اند از هر گونه تغییر و تبدیل مصون و روز بروز ملزومات و مقتضیات یگانگی در میانه افزون باشد و پیوند موافقت و موافقت بین این دو پادشاه زاده همان الله ملکا و سلطاناً و ولیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزراء و ولات و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالابد استوار ماند.

فصل سوم - اولیای دولت علیه ایران برخود لازم داشته که از تاریخ این عهد نامه هر عهد و شرطی که باهریک از دولتهای فرنك بسته اند باطل سازند و لشکر فرنك را از حدود متعلقه بخاک ایران راه عبور بطرف مملکت هندوستان و سمت بنادر نخواهند داد

فصل چهارم - در اینصورت که لشکری از طوایف فرنك بمملکت ایران آمده

باشد یا در صورتیکه بیاید پادشاه انگلستان قشون و تدارك و اسباب یادرعوض وجه نقد توپ و تفنگ و معلم و عمله بقدری که صلاح دولتين باشد بخدمت شهریار سپهر اقتدار ایران بفرستد و در رفع و دفع ایشان بلشکریا پول کمال اعانت و امداد نمایند و بعد از این قشون بامبلغ وجه و مقدار تداركات و اسباب از قرار يست که در عهدنامه مفصل مشخص و معین خواهد شد و اگر احیاناً بنای مصالحه فیما بین الطایفه فرنك که بادولت ایران جنك دارند با اولیای دولت انگلیس اتفاق افتد پادشاه و الاجاء ممالک انگلستان کمال سعی و دقت و اهتمام نماید که فیما بین ایران و آنطایفه نیز رفع دشمنی شده صلح واقع گردد و اگر خدا نخواسته این سعی بجائی نرسد شاه انگلستان بطریقی که مرقوم شده در عهدنامه مفصل تشخیص داده خواهد شد قشون و لشکریا وجه نقد و اسباب بکومک ایران بدهند و این اعانت و کومک را مادام که جنك فیما بین ایران و آنطایفه باشد داده تاهنگامیکه رفع جدال بشود و آنطایفه با دولت ایران صلح نماید مضایقه در دادن کومک ننمایند و هر گاه افاغنه هندوستان را با اولیای انگلیس نزاعی و جدالی باشد اولیای دولت ایران از اینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتين باشد بدولت انگلیس اعانت و امداد نمایند از قراریکه در عهدنامه مشخص خواهد شد .

فصل پنجم - اگر از سواحل هندوستان قشون و لشکر وارد بحرالعجم شده

باشد قبل از آن و در وقت اولیای دولت ایران در جزیره خارک یا جای دیگر از سواحل عمان نزول کرده باشد بهیچوجه من الوجوه دخلی و تصرفی در آنجا نکرده از تاریخ عهدنامه میمونه قشون مذکوره در تحت اختیار اولیای دولت ایران باشد اگر عالیجاه حشمت دستگاه فرمانفرمای هندوستان قشون مزبور را برای حراست حدود هندوستان ضرور نداشته باشد و اولیای دولت ایران خواهند برای اداره خود همان قشون را نگاهدارند و اگر نخواهند روانه هندوستان نمایند و در عوض قشون بطریقی که سبق ذکر یافت و در عهدنامه مفصل مشخص خواهد شد وجه نقد برای اخراجات و تداركات باز یافت بنمایند .

فصل ششم - اگر قشون مذکور بخواهش اولیای دولت ایرات در جزیره خارک یا جای دیگر از سواحل عمان توقف نمایند باید از جانب کارگذاران ایران کمال شفقت و مهربانی نسبت بایشان بعمل آید و بحکام و مباشرین بنادر فارس قدغن نمایند که هر قدر سیورسات و آذوقه برای قشون مذکور ضرور باشد بمرخ و تسعیر عاده وقت بایشان فروخته قیمت بازیافت نمایند .

فصل هفتم - اگر جنگ و نزاعی فیما بین ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت انگلیس را در آن میان کاری نیست و بهیچ طرف اعانت و امداد نخواهد کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردند .

فصل هشتم - این عهد نامه میمونه برسم معنی بجهة محافظت مرقوم و در ضمن العهد شرط رفت که مادامیکه این عهد جاوید مشروط مقرره مفصله بین الدولتین برقرار است اولیای دولت دوران مدت ایران عهد و شرطی که مخالف دوستی انگلیس و باعات اهانت و اضرار ایشان در حدود هندوستان شود با هیچیک از طوایف فرنك ننماید امید که این عهد همایون خجسته تاابد پادشاه و این بیوند میمون با اولیای هر دو دولت محاسن و فواید آتار گردد ما که و کلا میباشیم بر راستی و استحكام این عهد نامه میمونه دستخط و مهر گذاشته ایم بتاريخ دوازدهم ماه مارچ هزار و هشتصد و نه عیسویه مطابق بیست و پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۲۴ من هجرة المصطفویه .

عهد نامه مفصل

صورت عهدنامه مبارکه میمونه که بوکالت سر کوزاویلی برونیت ایلیچی مختار انگلیس در ثانی بطریق مشروح مفصل در دار الخلافه طهران صانها الله عن الحد ثان بوکالت جناب صدر اعظم میرزا محمد شفیع و حاجی محمد خان نظام الدوله فیما بین دولت علیه ایران و دولت بهیه انگلیس بسته شد .

الحمد لله الوافی الکافی اما بعد این خجسته اوراق دسته گلیست که از گلزار بیخار وفاق رسته و بدست و کلای حضرتین علیتین برسم عهدنامه مفصل بر طبق خلود بیوسه میگردد چون قبل از اینکه عالیجاه زبدة السفرا سرفرد جنس برونیت از جانب دولت علیه انگلیس بجهة تمهید مقدمات یکجهتی دولنین وارد دربار شهریاری شده بود عهد نامه مجملی فیما بین و کلای دولت ایران اجل الکفات الفخام صدرالوزراء العظام شرفاً للمصادرة والوزارة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم و امیرالامراء الکرام المؤمنة الحضر العلیة العالیة امین الدولة البهیة السنیة قواماً للجلالة و النبالة حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالک دیوان معظم بامشارالیه که وکیل و سفیر دولت انگلیس بود بشروط چند که تعیین و تبیین آن بعهد نامه مفصل رجوع شده مرقوم گردیده بودند حال که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و فخامت همراه شهامت و صداقت اکثناء فطانت و درایت آگاه دولته خواه بلا اشتباه سر کوزاویلی برونیت ایلیچی بزرگ دولت مزبور برای انجام عهود و انمام مقاصد دولتین شرفیاب التزام درگاه خلائق پناه پادشاهی میباشد و از جانب آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات یکجهتی است و کلای این همایون حضرت قاهر بصلاح و صوابدید مشارالیه شروع در تفصیل

عهد کردن و تفصیل مقاصد از قرار است که در فصول لاحقۀ دوازده گانه شرح داده خواهد شد و امور متعلقه به تجارت و معاملات از قرار است که در عهد نامه تجارت نامه مفصل خواهد گشت .

فصل اول - اولیای دولت ایران بر خود لازم دانستند که از تاریخ این عهد نامه فیروز هر عهد و شرطی که بهر يك از دولتهای فرنك بسته اند باطل و ساقط سازند و لشکر سایر طوایف فرنگستان را از حدود متعلقه بخاك ایران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر ندهند و احدی از این طوایف را نگذارند که داخل مملکت ایران شوند و اگر طوایف مزبور خواهند که از راه خوارزم یا تانارستان و بخارا و سمرقند و غیره عبور بمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیها و اعیان آن ممالك را مانع شوند و از راه طوایف مزبور را بازدارند خواه از راه تهدید و تخویف و خواه از روی وفق و مدارا .

فصل دوم - اگر دشمنی از طوایف فرنك بمملکت ایران آمده باشد یا بیاید و اولیای دولت ایران از دولت انگلیس خواهش اعانت و امداد نمایند فرمانفرمای هند از جانب دولت انگلیس هر گاه امکان و قدرت داشته باشد بقدری که خواهش اولیای دولت ایران است عسکر و سپاه از مملکت هندوستان روانه سمت ایران نمایند و اگر بعلت بعضی گرفتاریها فرستادن سپاه امکان نداشته باشد هر ساله مبلغ دویست هزار تومان بجهت اخراجات سپاه بسرکار دولت ایران بدهند مادام که جنگ و جدال با طوایف مزبوره در میان باشد و جوهر مزبور برقرار کارسازی شود و چون و جوهر نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت انگلیس را لازم است که از رسیدن آن بقشون مستحضر و مطلع و خاطر جمع شود و بداند که در خدمت مرجوعه صرف می شود .

فصل سوم - اگر احیاناً طایفه فرنك را که با دولت ایران نزاع و جدال دارند با دولت انگلیس مصالحی اتفاق افتد پادشاه انگلستان کمال سعی و دقت نماید که فیما بین آن طایفه نیز دفع دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر این سعی بجائی نرسد پادشاه ذیجاء انگلستان بطریقی که مرقوم شد از مملکت هند سپاه بکومك ایران

مأمور نمایند یا آنکه دوست هزار تومان مقرر را برای خرج لشکر و غیره کارسازی دولت ایران نمایند و این اعانات و امداد را مادام که جنگ فیما بین دولت ایران و آنطایفه باشد و رفع جدال نشود آنطایفه با اولیای دولت ایران صلح نمایند مضایفه نمایند و بشروط مر قومه مفصله در این امداد کوتاهی نمایند و در صورتیکه صلح فیما بین آنطایفه و دولت انگلیس اتفاق افتد باز هر وقت اولیای دولت علیه ایران خواهند و جنگ و جدال با آنطایفه رفع نشود علم و غیره بجهة تعلیم و تعلم سپاه ایران خواهند و اولیای دولت انگلیس بشرط فراغت وی بقدر مقدور البته مضایقه نمایند.

فصل چهارم - چون قرارداد مملکت ایران این است که موجب قشون شش ماه بششماه پیش داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض سپاه از دولت انگلیس داده شده چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی آندوات هر چه ممکن شود زودتر و پیشتر همسازای نماید.

فصل پنجم - هر گاه افغانه را با اولیای دولت انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران سپاه تعیین نموده بقسمی که مصالحت دولتمین باشد بدولت انگلیس اعانت و امداد نمایند و وجه اخراجات آنرا از اولیای دولت انگلیس بگیرند از قراریکه اولیای دولتمین قطع و فصل خواهند کرد.

فصل ششم - اگر جنگ و نزاعی فیما بین ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت انگلیس را در آن میان کاری نیست و بهیچ طرف کمک و امدادی نخواهد کرد مگر اینکه بخواش طرفین واسطه صلح گردند.

فصل هفتم - در صورتیکه در سواحل دریای قلمز چوب و اسباب مهیا شود و شاهنشاه ایران خواش فرمابند که در حوزه های بحر مزبور کشتیهای جنگی بسازند پادشاه انگلستان اجازت بمعلم و عمله کشتی ساز و غیر هم از دار السلطه لندن و هم از بندر بنبائی (بمبئی) نمایند که بخدمت شاهنشاهی ایران حاضر و بخدمت مرجوعه مأمور شوند و بموجب و اخراجات آن باسر کار پادشاه دولت ایران بروفق قراری که با ایلچی دولت انگلیس داده خواهد شد.

فصل هشتم - اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشارت امنای دولت ایران آنکس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبور اشارتی از امنای دولت ایران درباره او بجا کم آنحدود رسد آنکس را رخصت فرود آمدن ندهند و بعد از ممانعت اگر آنکس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند .

فصل نهم - اگر در بحرالعجم اولیای دولت ایران را امدادی ضرور شود اولیای دولت انگلیس بشرط امکان و فراغبال در آنوقت کشتی جنگی و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق بر آورد آنوقت قطع و فصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بر آن حوزهها و لنگرگاهها عبور نمایند که امنای دولت ایران نشان بدهند و از جای دیگر بیرخصت و ضرورتی عبور نکنند .

فصل دهم - مواجب صاحبان و معلم و عمله و غیره را امنای دولت انگلیس خواهند داد لکن چون شاهنشاه ایران نخواسته که کسی که بخدمت ایشان مشغول باشد از عنایات خسروی بی بهره باشد لهذا از وفور عنایت بموجب تفصیل علی قدر مراتبهم مواجب در وجه هریک برقرار فرمودند لئولت آن ۳۶۰۰ تومان میجر جنرال ۲۶۰۰ اکواند جنرال ۱۵۰۰ تومان صاحبان و معلمان که اکنون در رکاب ظفر انتساب شاهنشاه جمجهای ایران حاضر و مشغول خدمت میباشند هریک از صاحبان مرتبتهای مفصله حشو که بعد از این حاضر شوند از قراریکه در حشومشخص شده است موافق رتبه بهریک انعام داده خواهد شد و هریک از ایشان که بر سایر ملتزمین و حاضرین بزرگتر و حکمران باشد نصف آنچه موافق مرتبه برای او مقرر شده است علاوه انعام داده خواهد شد که مرحمت شود و اگر خدا نخواسته یکی از ایشان در خدمت مرجوعه کوتاهی نماید بمجرد اظهار آن بایلچی از خدمت رانده خواهد شد .

فصل یازدهم - چون منظور دویادشاه آن است که اینعهد جاوید ابدالاباد بین اولاد و احفاد امجاد پایدار و برقرار بماند از هر دو طرف بهی الشرف قرارداد

چنین شد که هر يك از كواكب فروزان سپهر پادشاهی که ولیعهد دولت و زینت - بخش سریر سلطنت باشد با دولت دیگر عهود یکجتهی و دوستی را پایدار نداشته این طریق را مضمی و معمول دارند و هر گاه ولیعهد یکی از دولتين علیتین محتاج باعانت جدیدی از دولت دیگر گردد بطریقیکه پیشرفت و صلاح دولتين و مملکتین و مقدور طرفین باشد مضایق و کوتاهی در امداد و اعانت ننمایند و امدادی که الحال از قرار تفصیل فصول سابقه در این عهدنامه میمونه مشخص شده است باید با ولیعهد مستمر و برقرار باشد .

فصل دوازدهم - چون از قراریکه بر اولیای هر دو دولت واضح و از مکنون دل و ضمیر یکدیگر واقف شده اند منظور این عهد دوستی از دیاد قوت هر دو دولت و وسعت هر دو مملکت است و هر يك از پیش نهاد خاطر این است که تقویت یکدیگر کرده بر مملکت یکدیگر افزوده باشند و مطلب و خواهنی امنای دولت انگلیس این است که دولت ایران روز بروز زیاده قوی و مستحکم گردد و از خارج کسی نتواند دخل در مملکت مزبور نماید و با امداد دولت انگلیس دولت مملکت ایران قوی و فسیحتر گردد اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیما بین شاهزادگان و سردارها مناقشهی روی دهد دولت انگلیس را در آن میان کاری نیست تا شاه وقت خواهش نماید و اگر احیاناً احدی از مشارالیهم ولایتی و جائی از خاک متعلقه مملکت ایران را با دولت بهیه بدهند که بازای آن کومت و اعانتی نمایند هر گز اولیای دولت انگلیس باین امر اقبال نکرده پیرامون آن نخواهد گشت و دخل و تصرف در مملکت متعلقه بایران هرگز نخواهند فرمود تمت الفصول باليمن والسعادت امید که اینعهد میمون خجسته با فواید و نتایج نیک تا ابد منعقد و پیوسته ماند این عهدنامه میمون را ما که و کلای حضرتین علیتین میباشیم بصدقت و راستی مشحون بفصول دوازده گانه مستحکم و منعقد داشته دستخط و مهر گذاشته ایم بتاريخ چهاردهم ماه مارچ هزار و هشتصد و دوازده عیسویه مطابق بیست و نهم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۲۷ علی هاجر هـ السلام والتمه تحریر آفي دار الخلافه طهران صانها الا عن الحدثان .

سواد عهد نامه دولت ایران با دولت انگلیس که در ثانی

مستتر الیس بسته است (۱)

بتاریخ ذیحجه الحرام ۱۲۳۹

صورت عهدنامه مبار که میمونه که عالیجاه مستتر الیس و مستر موریه و کیل مختار دولت بهید انگیز باو کلای دولت علیه ایران و در دار الخلافه طهران صانها الله عن الحدنان دو مرتبه بسته شده

الحمد لله الوافی اما بعد این خجسته اوراق دسته گلی است که از گلزار بیخار وفاق رسته و بدست اتفاق و کلای حضرتین علیتین برسم عهد نامه مفصل صدق خار و پیوسته میگردد چون قبل ازین که عالیجاه زبده السفراء سر هر فرجانی هر دونه که از جانب دولت علیه انگلیس بجهة تمهید مقدمات یکجتهی دولتین علیتین وارد دربار سپهر اقتدار شهریاری شده بود عهدنامه مجملی فیما بین و کلای دولت علیه ایران اجل الکفاه الفخام صدراوزراء العظام نظاماً للمصادرة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم و امیرالامراء الکرام مؤتمن الحضرت العلیه العالیه امین الدوله السنیه قواماً للجلاله و النباله حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالک دیوان معظم بامشاراله که وکیل و سفیر دولت بهید انگلیزه مصدق و ممضی آمده بعد که عالیجاه رفیع جایگاه فطانت و همراه عمده الاکابر سر کوزاوری برونت ایلچی بزرگ دولت مزبور برای اتمام عهد و انجام مقاصد حضرتین شرفیاب التزام درگاه خلائق پناه پادشاهی گردید و از جانب آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات یکجتهی بوده و کلای این همایون خلعت قاهره بصلاح و صواب دید مشارالیه عهدنامه مفصله مشتمله بر فصول و شروط طمعینه

۱- وزارت خارجه ایران عهد نامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسائل
اداری دولت علیه سنه ۱۲۲۶ لغایت ۱۲۳۹ نوره ۳ خطی

مرقوم ومشروح ساخته بعد از آنکه عهدنامه مزبور منظور دولت بهیه انگلیزه گردیده بود چند فصل از آن را با تعبیرات چند بمقتضای مراسم یکجتهی واتحاد دولتين انبب دانسته عالیجاه رفیع جایگاه شهامت ودرایت آگاه معتمد آندولت بهیه هنری الیس را روانه و درطی نامه دوستانه خواهشمنند تعبیرات مزبوره گردیده بودند لهذا مجدداً جناب صدرالوزراء العظام نظاماً للمدارة والاحتشام صدر اعظم معزی الیه ومقرب الخاقان نایب الوزاره میرزا بزرگ قائم مقام و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب منشی الممالك دیوان همایون و کلای دولت علیه ایران عالیجاه رفیع جایگاه عزت ومناعت همراه زبده الکبرا مستر موریه ایلچی جدید دولت بهیه انگلیزه و عالیجاه مشارالیه شروع در تفصیل شروط وعهود کرده مقاصد معاهده میمونه از قرار است که بعد از تعبیرات مزبوره در فصول لاحقّه یازده گانه شرح داده خواهد شد و امور متعلقه بتجارات و معاملات مملکتین از قرار است که در عهدنامه تجار جدا گانه معین ومفصل خواهد گشت .

فصل اول - اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه

فیروز هر عهد و شرطی که بهر یک از دولتهای فرناک که با دولت بهیه انگلیزه در حالت نزاع و دشمنی باشد بستند باطل وساقط دانند ولشکر سایر طوایف فرنگیان از حدود متعلقه بخاک ایران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر هند ندهند واحدی ازین طوایف که قصد هندوستان و دشمنی با دولت انگلیزه باشد نگذارند که داخل مملکت ایران شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تانارستان و بخارا و سمرقند وغیره عبور بمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیها واعیان آن ممالك را مانع شوند از راه دادن طوایف مزبور باز دارند خواه از راه تهدید و تخویف و خواه از روی رفق ومدارا .

فصل دوم - چون این عهد خجسته که در میان دو دولت ابد مدت بدست صدق و راستی بسته اند امید چنان است که بخواست خدای یگانه از هر گونه تغییر و تبدیل مصون و روز بروز ملزومات و مقتضیات یکجتهی ویگانگی در میان افزون و پیوند مواحدت وموافقت میان این دو پادشاه چمچاه فلك دستگاه زادهما الله تعالی

ملکاً و سلطاناً و ولیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزرا و امرا و ولات و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالآباد برقرار و استوار باشد پادشاه و الاجاء انگلیس قرارداد مینماید که اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیما بین شاهزادگان با امرا و سردارها مناقشتی روی دهد دولت بهیئه انگلیس را در آن میان کاری نیست تا شاه وقت خواش نماید و احیاناً اگر احدی از مشارالیهم ولایتی و جائی از خاک متعلقه بایران را بآندولت بهیه بدهند که بازای آن کومک و اعانتی نمایند هر گز اولیای دولت بهیئه انگلیس باین امر اقبال نکرده پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و تصرف در ممالک متعلقه بایران هرگز نخواهند نمود.

فصل سوم - مقصود کلی از این عهدنامه آنستکه دو دولت قوی شوکت از جانبین امداد و کومک بیکدیگر نمایند بشرطیکه دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور این است که از امداد جانبین بیکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم گردند و این عهدنامه محض از برای نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه بخود و قصد ملک خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه بهریک از دوالتین ایران و روس از قرار است که باستصواب دولت علیه ایران و انگلیزه و دولت روس بعد از این مبین و مشخص خواهد گشت.

فصل چهارم - چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیما بین دولتین علیمین بسته شده قرارداد چنین است که اگر طایفه از طوایف فرنگیان بممالک ایران بعزم دشمنی بیایند دولت ایران از دولت انگلیس خواهش امداد نماید فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیئه انگلیس خواهش مزبور را بعمل آورده و لشکر بقدر خواهش باسردار و اسباب و اساسه جنگ از سمت هندوستان بایران بفرستد و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد بعوض آن از جانب دولت بهیئه انگلیس مبلغی وجه نقد که قرار آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیما بین دولتین قویترین و قویمتین بسته میشود معین خواهد شد و الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دو بیست هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیه ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت

نموده و با طایفه از طوایف فرنگستان نماینداد مذکوره از جانب دولت بهیئه انگلیس بهیچوجه داده نخواهد شد و چون وجوه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیئه انگلیس را لازم است که از رسیدن آن بقشون مستحضر و خاطر جمع شود و بدانند که در خدمات مرجوعه صرف میشود.

فصل پنجم - هرگاه دولت علیه ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنگ معلم بایران بیاورند مختارند که از مملکتی از ممالک فرنگ که با دولت بهیئه انگلیز نزاع وجدال نداشته باشد معلم بگیرد.

فصل ششم - اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالات مصالحه با دولت بهیئه انگلیس میباشد نزاع وجدال با دولت علیه ایران بنمایند پادشاه و الاجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شده از مملکت هند عسکروسپاه بکومک ایران مأمور کند یا اینکه دوست هزار تومان مقرر را برای خرج عساکر و سپاه و غیره کارسازی دولت علیه ایران نمایند این اعانت و امداد را مادام که جنگ فیما بین دولت علیه ایران و آنطایفه باشد و اولیای دولت علیه ایران صلح ننمایند مضایقه ننمایند.

فصل هفتم - چون قرارداد مملکت ایران این است که موجب قشون ششماه بششماه داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض عساکر از دولت بهیئه انگلیس داده میشود چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی اندکات بهیئه هر چه ممکن شود زودتر و بیشتر همسازی نمایند.

فصل هشتم - هرگاه طایفه افغانه را با دولت بهیئه انگلیس نزاع وجدالی باشد اولیای دولت علیه ایران ازینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصالحت دولتمین باشد بدولت بهیئه انگلیس امداد و اعانت نمایند و وجه اخراجات آنرا از اولیای دولت بهیئه انگلیس بگیرند از قراریکه اولیای دولتمین قطع و فصل خواهند کرد.

فصل نهم - اگر جنگ و نزاعی فیما بین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیئه انگلیس را در آن میان کاری نیست و بهیچ طرف کومک و امدادی نخواهد کرد مگر اینکه بخواش طرفین واسطه صلح گردند.

فصل دهم - اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یانگی شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشارت امنای دولت ایران آنکس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبور اشارتی از امنای دولت ایران درباره او بجا کم آنحدود رسد آنکس را رخصت فرود آمدن ندهند و بعد از ممانعت اگر آنکس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند و همچنین از جانب دولتمین معلوم است که شرایط این فصل مذکور از طرفین استقرار پذیرفته .

فصل یازدهم - اگر در بحر العجم دولت ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیمه انگلیس بشرط امکان و فراغبال در آنوقت کشتی جنگی و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق بر آورد آنوقت قطع و فصل نموده باز یافت نمایند و کشتیهای مزبور بر آن حوزه ها و لنگر گاهها عبور نمایند که امنای دولت ایران نشان بدهند و از جای دیگر بخصت و ضرورتی عبور نکنند .

ما که و کلای حضرتین علیتین میباشیم این عهدنامه مفصله را که سابقاً فیما بین و کلاء دولتمین علیتین بفصول دوازده گانه نگارش یافته حال تغییرات چند که منافی دولتمین میبود و اصلاح حضرتین انسب مینمود (منافی دوستی و یکجتهی دولتمین بود و بصلاح حضرتین انسب مینمود) بفصول یازده گانه تقریر و تبیین یافته دستخط و مهر گذاشتیم بتاریخ بیست و پنجم ماه نوامبر سنه ۱۸۱۴ عیسوی مطابق دوازدهم شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۲۹ هجریه مصطفویه علیه السلام تحریراً فی دار الخلافه طهران صانها الله تعالی عن طوارق الحدثنان . بنده در گاه محمد شفیع العبد علی عبدالوهاب عبدالوهاب العبد علی بنده در گاه محمد شفیع

صورت احتجاجی کہ مسترالس ایلچی دولت انگلیس بسته است^(۱)

احتجاجی کہ جناب قائم مقام مسترالس و مستر موریہ در حین آمدن مشارلہما
در باب تعبیر عہدنامہ فرمودہ اند .

مارا بآن عالیشانان کہ ایلچیان دولت بھیت انگلیزہ و متکفل مهمات دوستی
دولتین میباشند در لزوم قراردادی و معلم سه حجت است :

حجتہ اول - مبنای این حجت ما همان عہدنامہ مبارکہ مجملہ و مفصلہ است
بیان این سخن را چنین میکنم کہ مادامیکہ صلح حقیقتاً واقع نشود باید دولت بھیت
انگلیزہ از عہدہ تنخواہ قراردادی بر آیند و این صلح مجملہ ماباروسیه حقیقتاً مشروط
باسترداد ولایات است ایلچی مابپایتخت روسیہ رفتہ است عہدنامہ مفصلہ در میان است
تا ایلچی بر گرد عہدنامہ مفصلہ بستہ شود حقیقتاً صلح مشخص نشدہ است و ما مستحق
اخذ تنخواہ تا ہنگامیکہ این امر مبہم و نامحقق است خواهیم بود و شاہد ما بر این معنی
کہ مصالحہ ما با روسیہ مشروط باسترداد ولایات است و هنوز با تمام نرسیدہ است
ہمان کاغذہای ایلچی بزرگ شماست و حجتی کہ او سپردہ و صریحاً در آن نوشتہ
است کہ تا عہد نامہ مفصلہ نرسد تنخواہ را از عہدہ بر آید دلیلی است واضح بر عدم
تحقق مصالحہ و اتمام آن و این سخن شما کہ حجت تنخواہ سپردن ایلچی بی امضای
دولت برای ما کہ ایلچیان جدیدیم حجت نیست و اگر فرضاً مسلم باشد جواب این
سخن ما نمیشود چرا کہ ما بحجت ایلچی مطالبہ تنخواہ از شما نمیکنیم بلکہ بحکم
فصل چہارم و دوم عہد نامہ مفصلہ تنخواہ را مطالبہ مینمائیم و حجت ایلچی و دیگر

۱- وزارت خارجہ ایران عہدنامجات شاہنشاه میرورفتہ علیشاہ طاب نراہ و رسایل

اولیای دولت علیہ سنہ ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۳۹ نمبر ۳ خطی

کاغذهای او را شاهد عدم تحقق مصالحه و اتمام آن قرارداد داریم.

حجة دوم - مبنای این حجت، برسختن ایلچی بزرگ شماست، که ایلچی بزرگ دولت انگلیز را موافق اختیارنامه پادشاه ذیجاء مختار مطلق و وکیل آندولت بهیه در طی مهمات یکجتهی دولتین عموماً یافتدایم و نامه مبارکه پادشاه و کاغذهای وزرای دولت که در دست هست بر اختیار و عزتشان و وکالت مطلقه او دلیلی است واضح و اینمعنی بر همه ایران و روس و صاحبان شما که در آنجا بوده است آشکار است که ما را در سال گذشته هیچ رأیی بمصالحه با روسیه نبود بلکه در جنگ اصرار زیاد داشتیم ایلچی شما مایل و بانی مطالبه و واسطه صلح و مصر ترك جنگ شد و سخن درین بود که دولت انگلیزه خواهان این صلح میباشد و این صلح را برای دولت خود و دولت ایران افاقه میدانند شما این صلح را مجعلاً قبول ننمائید (کنید) و در قید قرار و مدار استرداد ولایات با سردار روسیه در عهد نامه مجمله نباشند و خاطر جمع دارید که مقصود اصلی و شرط کلی مصالحه که استرداد ولایات است بموسط دولت انگلیزه بعمل خواهد آمد کاغذی های او بر اینمعنی شاهد است و از آنجا که دولت انگلیس در راستی عهد و درستی قول مسلم و مشهور عالم است سخن ایلچی بزرگ هم بحکم اختیار نامه پادشاه فلک جاه و مراسلات وزرای بزرگ با سخن دولت تفاوتی ندارد ما قبول مصالحه مجمله و شروط کردیم خاطر جمعی ما با آندولت و سختن ایلچی بزرگ آندولت بوده و گرنه به چنین صلحی بی سرانجام اقبال نمودیم (نمینمودیم) و بحکم همین کاغذها که از ایلچی در دست داریم استرداد ولایات و اتمام مصالحه را از دولت انگلیزه میخواهیم و تا ولایات استرداد نشود عهد نامه مفصله بطریقیکه ایلچی بزرگ آندولت با ما قرار داده است با تمام نرسد تنخواه را مطالبه مینمائیم.

حجة سوم - در این حجة قطع نظر از نفعیلهای گذشته میکنیم و همین میگوئیم ما از ایلچی بزرگ آندولت که بحکم اختیار نامه قائم مقام پادشاه فلک جاه است حجتی صریح در دست داریم که تا عهد نامه مفصله نرسد تنخواه را از عهد بر آید و انصاف دولت انگلیز را از این بیشتر میدانیم که حجة ایلچی بزرگ را که در حقیقت حجة

دولت است انکار نمایند شما که حال ایلچیان معتمد آن دولت بهیه اید و بحکم اختیار نامه کفیل مهمات یکجهتی دولتین میبایشد بمراتب مرقومه انصاف خواهید داد مارا بآن عالیجاهان که ایلچیان معتمد دولت بهیه انگلیزه اند درباب معلمین انگلیس سخن این است که البته بر شما ظاهر است که نظام آلات بانظام دولت علیه ایران در این سالها بقانون دولت بهیه انگلیس منتظم گشته و همواره معلمین انگلیس متوجه تعلیم آنها بوده اند و اگر در اینوقت معلمین انگلیس ترك تعلیم آنها نمایند شیرازه نظام آنها مختل خواهد شد و اینهمه خسارت و مرارت که در اینمدت برای این نظام رسیده است ضایع و باطل خواهد شد (بود) دولتین هم در حکم دولت واحد است و در حقیقت نقصانها بآن دولت میرسد و تفاوتی ندارد و اگر سخن شما این است که در اصلاندوز برخلاف قانون معلمین انگلیس بجنک سپاه روس کرده اند البته گوتزد شما شده است که در آن هنگام و هنگامیکه وضعی اتفاق افتاد که غیرت فتری معلمین انگلیس تاب تحمل نیاورد و بعضی خود باختیار نه بحکم کارپردازان این دولت علیه اقدام بجنک کردند روزنامه نواب مستطاب و لیعهد دولت علید که بدوات انگلیس مرقوم شده در این باب شرحی نگاشته و انشاء الله تعالی من بعد از اینگونه امور روی نخواهد داد و اهتمام و التفانی زیاده در انتظام این مهم خواهد بود و یقین است که انعالیجاهان مضایقه از قرار معلم نخواهند نمود و به نقصان و خسارت دولتین راضی نخواهند شد .

مواد احتجاجی که مسترالس ایلچی دولت انگلیس بسته است تاریخ ندارد .

مواد عهد نامہ گلستان^(۱) کہ فیما بین دولتین علیتین روسیہ و ایران
بستہ شدہ ہو کالت عالیجاہ میرزا ابوالحسنخان

وینارال لیدنانه^(۱) نیکولای ردیشخوف بتاریخ ۱۲۲۸
بسم الله الرحمن الرحيم

اعلیحضرت قضا قدرت رأیت پادشاہ جمجاہ و امپراطور اکرم عالی دستگاہ مالک
بالاستقلال کل ممالک انمپریہ اروسیہ اعلیحضرت قدر قدرت کیوان رفعت پادشاہ اعظم
سلیمان جاہ مالک بالاستقلال ممالک شاہانہ ایران بملاحظہ کمال مہربانی و اشفاق
علیتین کہ در بارہ اہالی و رعایای متعلقین دارند بدفع و رفع امور عداوت و دشمنی کہ
بر عکس رأی شوکت آرای ایشان است طالب و باستقرار مراتب مصالحہ میمونہ و دوستی
جواریت سابقہ مؤ کدہ رادر بین الطرفین راغب میباشند باحسن الوجہ رأی علیتین قرار
گرفته در انجام این امور نیک و مصوبہ از طرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاہ اعظم و
ایمپراطور بالاستقلال کل ممالک روسیہ بعالیجاہ معلی جایگاہ جنرال لیدنانه روسیہ
سپہسالار روسیہ و مدیر عسا کر ساکنین جوانب قفقازیہ و گرجستان ناظم امور و
مصلح شہریہ ولادت غوغانای و گرجستان و قفقازیہ و حاجی طرخان و کارہای عالی
نغور و سرحدات این حدودات و سامان امر فرمای عسا کر سفابن بحر خزر صاحب حمایل
الکسندر نو یسکی ذیحمایل مرتبہ اولین آتابای مرتبہ دار رابع عسکریہ مقتدرہ حضرت
گیور کی صاحب نشان و شمشیر طلال المرقوم بجهت رشادت و بہادری (نیکولای رایشخوف)
اختیار کلی اعطا شدہ اعلیحضرت کیوان رفعت و الار تبث پادشاہ اعظم بالاستقلال ممالک
ایران ہم عالیجاہ معلی جایگاہ ایلچی بزرگ دولت ایران کہ مأمور دولتین روس و انگلیس

(۱)۔ وزارت خارجہ ایران عهد نامجات شاہنشاه مبرور فتحعلیشاہ طاب ثراہ و رسایل

دولت علیہ سنہ ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۳۹ نمبر ۳ خطی

بودند عمدۀ الامرء والاعیان مقرب در گاه ذیشان و محرم اسرار نهان و مشیرا کثر امور دولت بهیۀ ایران از خانواده دودمان وزارت و از امرای واقفان حضور در مرتبۀ دوم آن صاحب عطایای خاص پادشاهی خود از خنجر و شمشیر و کارد مرصع و استعمال ملبوس و اسب مرصع یراق میرزا ابوالحسنخان را که در این کار مختار بالکل نموده اند حال در معسکر روسیه رودخانه زیر و (۱) من محال گلستان متعلقه ولایت قرا باغ ملاقات و جمعیت نمودند. بعد از ابراز و مبادله مستمسک مأموریت و اختیار کلی خود بیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلق مصالحۀ مبار که بنام نامی پادشاهان عظام قرار و بموجب نامجات طرفین قیود و فصول و شروط مر قومه را الی الابد مقبول و منصوب و استمرار میداریم.

فصل اول - بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا حال در دولتین روسیه و ایران بود بموجب این عهدنامه الی الابد مقطوع و متروک و مراتب مصالحه اکتیده در دوستی و وفاق شدید فیما بین اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم امپراطور مالک بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت خورنید رآبت پادشاه دارا شوکت ممالک ایران و وارث و ولیعهدان عظام و میانسه دولتین علیتین فحام ایشان پابدار و سلوک خواهد بود.

فصل دوم - چون بیشتر بموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا در بین دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اسطاطسکو او پرز ندیم باشد یعنی طرفین در هر موضع و حالی که الی قرارداد مصالحه الحال بوده است از آن قرار باقی و تمامی او الکی ولایات خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هر یک از دولتین بوده کما کن در ضبط و اختیار ایشان بماند اهدا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بموجب خط مر قومه ذیل مستور و سرحدات مستقر و تعیین گردیده است از ابتدای ارضی آدینه بازار بخط درست از راه صحرای مغان تا به معبریدی بلوک رود ارس و از بالای کنار رود ارس تا اتصال و الحاق رودخانه کپینک چای به پشت کوه مقری و از آنجا خط حدود

سامان ولایات قرا باغ و نخجوان و ایروان و نیز رسیدی از سنور گنججه جمع و متصل گردید بعد از آن حدود مزبور که به ولایات ایروان و گنججه و هم حدود قزاق و شمس الدین لورا تا مکان ایشک میدان مشخص و مفصل میسازد و از ایشک میدان نیز از بالای سر کوههای طرف راست طرق ورود خانه های حمزه چمن و از سر کوههای پنبک الی گوشه محال شوره گل و از گوشه شوره گل از بالای کوه برف الدا گوز گذشته از سر حد محال شوره گل و میانه حدود قریه سدره واریک برودخانه آربه جای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون ولایات خان نشین طالش در هنگام عداوت و دت منی دست بدست افتاد لهذا بجهت زیاده صدق و راستی حدود ولایات طالش مزبور را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلحنامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مأموره که بموجب قبول و رفاق یکدیگر و بمعرفت سرداران جانبین جبال و رودخانه ها و در باچه ها و امکنه و مزارع طرفین تفصیلا تحریر و تمیز و تشخیص میسازند آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در تصرف جانبین باشد معلوم نمود آنوقت خط حدود ولایت طالش نیز در بنای اسطاطسکو اوپرز ندیم مستقر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن خواهد ماند و همچنین در سرحدات مزبوره فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هر یک طرف اسطاطسکو اوپرز ندیم رضا خواهد داد.

فصل سوم - اعلیحضرت کبوان رفعت قدر قدرت پادشاه اعظم مالک ممالک ایران بجهت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور کل ممالک روسیه دارند به این صلح نامه بعوض خود و وایعهدان عظام نخت شاهانه ایران و ولایات قرا باغ و گنججه که الان موسوم به ایلی سابط پول است و الکای خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و در بندوباد کوبه و هر جا از ولایات طالش را باخا کی که الان در تصرف دولت اروسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و آچوق باشی و کورنه و منکریل و ابخاز و تمامی اولکاء و اراضی که در میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحالیه بوده و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقازیه الی کنار دریای خزر

متصل است مخصوص و متعلق بممالك آنمپریه روسیه میدانند .

فصل چهارم - اعلیحضرت خورشید رأیت امپراطور و الاشوکت ممالك روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود نسبت به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالك ایران و بجهت اثبات این معنی که بنا بر هم جواریت طالب و راغب است که در ممالك شاهانه ایران وارث استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکیده مشاهده و ملاحظه نمایند لهذا از خود و از عوض و لیهندان عظام اقرار مینمایند که هر يك از فرزندان عظام ایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد هر گاه محتاج باعانت یا امدادی از دولت علیه روسیه باشند مضایقت ننمایند تا از خارج کس نتواند دخل و تصرف در مملکت ایران نماید و به اعانت و امداد روس و ایران مستقر و مستحکم گردد و اگر در سر امور داخله مملکت ایران فیما بین شاهزادگان مناقشتی روی نماید دولت علیه روس را در آن میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید .

فصل پنجم - کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد مینمایند بدستور سابق مأذون خواهند بود که بسواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها بشود و کشتیهای جانب ایران بدستور العمل سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند بهمین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره انسان معمول گردد و در خصوص کشتیهای عسکریه جنگی روسیه بطریق که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیرق در دریای خزر بوده اند حال نیز محض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد و احدی از دوانهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشند .

فصل ششم - تمامی اسرایی که در جنگها گرفته شده اند یا اینکه از اعالی طرفین اسیر شده از کریستیان یا هر مذهب دیگر باشند الی وعده سه ماهه هلالی از تصدیق و خط گذاردن در این عهد نامه از طرفین مرخص و رد گردیده هر يك

از جانبین خرج و مایحتاج به اسرای مزبوره داده به قراکلیسا رسانند و کلاهی سرحدات طرفین بموجب نشر اعلامی که در خصوص فرستادن آنها بجای معین بیکدیگر مینمایند اسرای جانبین را باز یافت خواهند کرد. کسانی که برضا و رغبت خود اراده آمدن داشته باشند و آنانی که بسبب تقصیر یا خواهش خود از مملکتین فرار نموده اند داده شود که بوطن اصلی خود مراجعت نمایند و هر کس از هر قومی چه اسیر و چه فراری که نخواسته باشد بیاید کس را با او کاری نیست و عفو تقصیرات از طرفین نسبت بفراریان عطا خواهد شد.

فصل هفتم - علاوه از اقرار و اظهار مزبوره بالا رأی اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت پادشاه اعظم ممالک ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور دارالسلطنه جانبین میشوند بروفق لیاقت رتبه و امور کلیه مرجوعه ایشان را حاصل و پرداخت و مسجل نمایند و بدستور سابق و کلائی که از دولتمین بخصوص حمایت ارباب معاملات در بلاد مناسبه طرفین تعیین و تمکین گردیده به احوال ایشان هیچگونه زحمت نرسیده بل زحمتی که بر عایای طرفین عاید گردد به موجب عرض و اظهار و کلاهی رعایای مزبور رضائی بستمیدگان جانبین داده شود.

فصل هشتم - در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان ممالک دولتمین علیمتین اذن داده میشود که هر کس از اهالی تجار بخصوص بشبوت اینکه دوست رعایا و ارباب معاملات متعلق بدولت علیه روسیه یا تجار متعلق بدولت بهیه ایران میباشند از دولت خود یا از سرحد داران تذکره و یا کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق بحر و بر بجانب ممالک این دودولت بدون تشویش آیند و هر کس هر قدر خواهد ساکن و متوقف گشته بامور معامله و تجارت اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها باو طان خود از دولتمین مانع ایشان نشوند آنچه مال و منخواه از امکنه ممالک روسیه بولابات ایران و نیز از طرف ایران اگر بمالک روسیه ببرند بمعرض بیع رسانیده و یا معاوضه بمال و اشیاء دیگر نمایند در میان ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه

و ادعائی باشد بموجب عادت مألوفه به نزد و کلای طرفین یا از روی صداقت مراتب ادعای ایشان را مشخص و معلوم کرده خود یا بمعرفت دیگر قطع و فصل کار را ساخته نگذارند تعرض و زحمتی بآرباب معاملات عاید شود و آرباب تجار طرف ممالک اروسیه که وارد بممالک ایران میشوند مأذون خواهند بود که اگر خواهند با تنخواه و اموال خودشان بجانب ممالک پادشاهانه دیگر دوست ایران باشند بروند طرف دولت ایران بی مضایقه تذکرات را بایشان بدهند و همچنین از طرف دولت علیه اروسیه نیز در ماده اهالی تجار جانب دولت ایران که از خاک ممالک اروسیه بجانب سایر ممالک پادشاهان که دوست اروسیه باشند میروند معمول خواهد شد. وقتی یکی از رعایای متعلقه دولت علیه اروسیه در زمان وقف و تجارت در مملکت ایران فوت شد و املاک و اموال او در ایران بماند چون مابعرف او از مال رعایای متعلقه دولت است لهذا میباید اموال مفوت بموجب قبض الواصل شرعی رد و تسلیم ورثه مفوت گردد و نیز اذن خواهند داد که املاک مفوت را اقوام او بفروشد چنانکه این معنی در میان ممالک اروسیه و نیز در ممالک پادشاهان دیگر دستور رعایت بوده متعلق بهر دولت که باشد مضایقه نمینمایند.

فصل نهم - باج و گمرک اموال تجار طرف دولت بهیه اروسیه که به بنادر و بلاد ایران میآورند از یکتومان مبلغ یا نصف دینار دریك بلده گرفته از آنجا اموال مذکور بهر ولایت ایران که بروند چیزی مطالبه گردد و همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون بیاورند آنقدر گرفته زیاده بعنوان خرج و توجیه و تحصیل و اختراعات چیزی از تجار اروسیه با شر و شلتاق مطالبه نشود و بهمین نحو دریك بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر بلاد ممالک اروسیه میبرند و یا بیرون بیاورند بدستور گرفته اختلافی بهمیچ وجه نداشته باشند.

فصل دهم - بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و با آوردن از راه خشکی

به بلاد سرحدات دولتمین علیتین اذن و اختیار به آرباب تجار و آرباب معاملات طرفین داده شد که اموال و تنخواه خودشان را فروخته و اموال دیگر خریده و بامعاوضه کرده دیگر از امنای گمرک از مستأجرین اذن و دستوری نخواسته باشند زیرا که بدو نمۀ امنای گمرک و مستأجرین لازم است که ملاحظه نمایند که تا معطلی و تأخیر در کار تجارت

ارباب معاملات وقوع نیاید. باج خزانه را از بایع یا از مبیع هر نحو که در میانه خودشان سازش مینمایند حاصل و بازیافت دارند.

فصل یازدهم - بعد از تصدیق و خط گذاردن در این شرط نامه چه بو کلای مختار

دولتین علیتین بالا تأخیر به اطراف جانبین اعلام و اخبار و امر اکید بخصوص بالمره ترک و قطع امور عداوت و دشمنی بهر جا ارسال خواهند کرد این شروط نامه الحاله که بخصوص استدامت مصالحه دائمی طرفین مستقر و دو قطعه مشروطه با ترجمان خط فارسی مرقوم و محرر از و کلای مختار مأمورین دولتین مزبوره بالا تصدیق و با خط و مهر مختوم گردیده مبادله بایکدیگر شده است میبایست از طرف اعلیحضرت خورشید رتبت پادشاه اعظم امپراطور اکرم ممالک روسیه و از جانب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه والاحاه ممالک ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد و چون این صلحنامه مشروطه مصدقه میباید از هر دو دولت پایدار بو کلای مختار برسد لهذا از دولتین علیتین در مدت سه ماه هلالی وصول گردد. تحریر فی معسکر اروسیه و رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه بولایات قراباغ بتاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ مطابق هجریه ۲۱ اکتبر ۱۸۱۳ عیسوی من مولود حضرت عیسی سمت تحریر یافت.

وکیل دولت ایران میرزا ابوالحسن خان - ژنرال لیدنانه نیکولای ردیسخوف سپاردنی الک

عهدنامه (۱)

صلح مابین ایران و روسیه در ترکمان چای بتاريخ ۲۲/۱۰ فوریه ۱۸۲۸ مطابق
پنجم شهر شعبان ۱۲۴۳ امضی شد.

فهرست مندرجات

- فصل اول - صلح و مودت .
- فصل دوم - فسخ عهدنامه گلستان بواسطه وقوع جنگ
- فصل سوم - ایالاتی که بروسیه داده شده است .
- فصل چهارم - خط جدید سرحدی .
- فصل پنجم - اراضی و نواحی جدیدی که بروسیه تعلق یافته است .
- فصل ششم - وجه خسارت جنگ - تضمین واقعات و ترتیب تأدیة آن .
- فصل هفتم - در باب عباس میرزا نایب السلطنه .
- فصل هشتم - سیرسفاین تجارنی مملکتین در بحر خزر - سکست و غرق کشتی
- فصل نهم - شرایطی که راجع به سفاین جنگی است .
- فصل دهم - حفظ مناسبات تجارتی و حمایت اتباع طرفین - قنصل و وکلای
تجارتی - در باب شکایت دولت علیه از قنصل یامامور روسیه .
- فصل یازدهم - تسویه دعاوی معوقه - وصول و یا ایصال مطالبات .
- فصل دوازدهم - اشخاصی که در دو طرف رود ارس دارای اموال غیر منقوله
هستند و مهلتی که بجهت انتقال آن بهومی الیهم داده شده است - کسانی که استثنائاً
-
- (۱) وزارت خارجه ایران عهدنامهجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب نراه ورسایل
دولت علیه سنه ۱۲۳۴ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

از انتفاع این مهلت محروم هستند .

فصل سیزدهم - اسرای جنگی .

فصل چهاردهم - شرایطی که راجع بفراریان است .

فصل پانزدهم - عفو و بخشش درباره اشخاصیکه در مدت جنگ و بعد از آن مرتکب بعضی اعمال شده‌اند - اموال منقوله و غیر منقوله معفو بن و مهلتی که از این بابت بامومی‌الیه‌م داده شده است - کسانی که از عفو و اغماض محروم هستند .

فصل شانزدهم - ترك مخاصمات - تصدیق عهدنامه .

بنام خداوند متعال

چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت قویشرکت معظم‌نامدار امپراطور و صاحب اختیار کل ممالک روسیه بالسویه و از صمیم قلب مایل هستند که برصدمات مجاربه که مخالف میل طرفین است نهایی داده و مجدداً روابط قدیمه حسن همجواری و مودت را مابین مملکتین بوسیله صلحی که فی حد ذاته متضمن اساس امتداد و دافع ممانی اختلافات و برودت آتبه بوده باشد برپایه و بنائی محکم استوار دارند لهذا وزرای مختار خود را که برای این امر سودمند مأمور هستند از اینقرار معین داشتند از طرف اعلیحضرت امپراطور کل روسیه ژان پاسکیه و یچ آجودان جنرال و سرتیپ پیاده نظام فرمانده اردوی قفقاز به کفیل امور غیر نظامی گرجستان و حاجی ترخان و قفقازیه رئیس قوه بحربه دریای خزر دارای نشان آلکساندر نوسکی مکمل بالماس و نشان سنت آن از درجه اول مکمل بالماس و سن ولادیمیر از درجه اول و سن ژرژ از درجه دوم و دو شمشیر افتخاری که یکی مرصع و دیگری طلا که روی آن اینطور نوشته شده (برای شجاعت) و دارای نشان عقاب قرمز از درجه اول و نشان هلال عثمانی و غیره و آلکساندر ابروسکوف کنسیده‌تا (۱) و پیشخدمت اعلیحضرت امپراطور دارای نشان سن ولادیمیر از درجه سوم و سن استانیسلاس (۲) لهستان از درجه دوم سن ژان بیت المقدس و از طرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران حضرت اشرف شاهزاده عباس میرزا .

وزرای مختار طرفین پس از آنکه در ترکمان چای اجلاس کرده و اختیارنامه‌های

خود را مبادله و آنرا موافق قاعده و مرتب به ترتیبات شایسته یافتند فصول ذیل را منعقد و برقرار داشتند .

فصل اول - از امروز به بعد مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روسیه و نیز مابین ممالک و وراث و اخلاف و اتباع اعلیحضرتین صلح و وداد و مودت برقرار خواهد بود .

فصل دوم - چون مخصوصه طرفین معظمین ، که بسعادت امپراطور با ختام رسید تعهدات عهدنامه گلستان را باطل میدارد لهذا اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه چنین صلاح دیدند که بجای عهدنامه مزبور مواد و شرایط ذیل را که مبنی بر ازدیاد و استحکام روابط آئیه مودت و صلح مابین روسیه و ایران است برقرار نمایند .

فصل سوم - اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود و اخلاف و وراث خود خانات ایران را که در دو طرف رود ارس واقع است و نیز خانات نخجوان را بملکیت مطلقه بدولت ارس واگذار میکند بناء علیهذا اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که دفاتر و اسنادیکه راجع بحکومت و اداره خانات فوق الذکر است منتها در ظرف ششماه از امضای این عهدنامه بمأمورین روس تسلیم نمایند .

فصل چهارم - دولتین معظمتین معاهدتین قبول نمودند که خط سرحدی مابین دولتین از اینقرار ترسیم شود .

این خط از نقطه سرحد دولت عثمانی که بخط مستقیم نزدیکترین راه بقلعه کوآگری کوچک است شروع شده بقلعه مزبور رسیده و از آنجا بسر چشمه رود قراسوی سفلی که از دامنه جنوبی آگری کوچک جاری است فرودمیآید پس از آن خط سرحدی طول مجرای این رود الی محل التقای آن بارور ارس که محاذی شرو راست طی نموده و از اینجا مجرای رود ارس را متابعت کرده و بقلعه عباس آباد میرسد از استحکامات خارجی این قلعه که در ساحل راست ارس است خطی که طول آن نیم آقاج یعنی سه ورست و نیم روسی بوده باشد به تمام جهات کشیده خواهد شد و تمام اراضی که در حدود این خط واقع میشود منحصر بدولت روس بوده و در ظرف دوماه از تاریخ امروز بطور

دقت تخطیط خواهد شد از محلی که طرف شرقی این خط متصل برود ارس میشود خط سرحدی مجرای رود مزبور را الی گذاریدی بلوک متابعت میکند و خاک ایران از این نقطه اخیر الی سه آقاج یعنی بیست و یک ورست روس در طول مجرای ارس ادامه مییابد بعد از وصول باین محل خط سرحدی جلگه مغان را بطور مستقیم گذشته بمحلی از مجرای بالها رود خواهد آمد که در سه آقاجی یعنی بیست و یک ورست پائین تر از ملتقای دورود آدینه بازار و ساری قمیش واقع است پس از آن خط سرحدی از ساحل چپ بالها رود الی ملتقای دورود مزبور آدینه بازار و ساری قمیش صعود کرده و از آنجا در ساحل راست رودخانه آدینه بازار شرقی الی سرچشمه آن ممتد و از سرچشمه مزبور الی قلعه تپه های جگیر میرسد بطوریکه تمام آبهای که بطرف دریای خزر جاری است متعلق بروسیه بوده و تمام آبهای که جریانشان بطرف ایران است متعلق بدولت علیه خواهد گرفت .

چون در اینجا (۱) حدود دولتین بواسطه تیزه کوهها محدود میشود لهذا مقرر است که دامنه این کوهها که بسمت دریای خزر تمایل دارد متعلق بدولت روس بوده و دامنه آن طرف کوهها اختصاص بایران خواهد داشت .

از تیزه تپه های جگیر خط سرحد کوههایی را که فاصل بین طالش و ارشق است متابعت نموده و بقلعه کمرقوئی میرسد و قللی که فاصل دامنه و طرف کوههای مزبور است در اینجا تحدید حدود مینماید بهمان قسم که در باب مسافت بین سرچشمه آدینه بازار و قللهای جگیر ذکر شد .

پس از آن خط سرحد از قلعه کمرقوئی تیزه کوههایی که بلوک زوند را از ارشق جدا مینماید متابعت نموده و بمحلی که حدود بلوک و لیک کیچ است میرسد و تریبی که در باب جریان آب ذکر شده است مراعات خواهد شد و از ابتقرار بلوک زوند باستثنای قسمتی که در آن طرف قلعه کوههای مزبور است متعلق بروسیه خواهد بود ،

از محلی که حدود بلوک و لیک کیچ است خط سرحد بین الدولتین قلل کوه کلپوتی و قلل سلسله عمده کوههایی که از بلوک و لیک کیچی میگذرد متابعت نموده و بسرچشمه

۱ - یعنی از سرچشمه رود آدینه بازار الی قلعه تپه های جگیر

شمالی رودخانه موسوم بآستارا میرسد و اینجاست مسئله جریان آب چنانچه در فوق ذکر شده است مرعی میباید ،

از آنجا خط سرحدی مجرای آستارا را الی مصب آن در دریای خزر طی نموده و حدود خاک دولتن را باتمام میرساند .

فصل پنجم - اعلیحضرت شاهنشاه ایران محض اثبات دوستی خالصانه که نسبت به اعلیحضرت امپراطور کل روسیه دارند بموجب همین فصل از طرف خود و از طرف وراث و اخلاف خود واضحاً و علناً تصدیق مینمایند که ممالک و جزایری که مابین خط تحدیدی فصل اخیر و تیزه جبال قفقاز و دریای خزر است و همچنین اهالی بدوی و غیره این نواحی متعلق بدولت روسیه میباشند .

فصل ششم - محض تلافی مصارف کثیره که از این جنگ بین الدولتین برای مملکت روسیه حاصل شده و در عوض خسارات و ضررهائیکه بدین جهت باتباع روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تأدیه کرده مصارف و ضررهای مزبور را جبران نمایند .

طرفین معظمین معاهدین این وجه خسارات را بده کرور تومان رایج بایست ملیون مناط نقره معین کرده و مقرر میدارند که ترتیب اقساط و تضمین تأدیه آن در قرارداد مخصوصی مرتب شود اعتبار و استحکام قرارداد مزبور بحدی خواهد بود که کانه لفظ بلفظ در همین عهدنامه درج شده باشد .

فصل هفتم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس میرزا فرزند خود را وارث و ولیعهد فرمایند لهذا اعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانه خود را مکشوف و میلی را که در مساعدت باستحکام این نوع وراثت دارد مشهود خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایند متعهد میشوند که از امروز شخص حضرت عباس میرزا را وارث و ولیعهد دولت ایران شناخته و ایشان را از حین جلوس بتخت سلطنت سلطان حقه این مملکت بدانند .

فصل هشتم - سفاین تجارتی روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطور آزادی

در دریای خزر و در امتداد سواحل آن سیر کرده و بکناره‌های آن فرو آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت .

و سفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحر خزر سیر نموده و بسواحل روس بروند و در صورت غرق و شکست هم بآنها کمک و امداد خواهند شد .

اما در باب کشتی‌های جنگی چون آنهاییکه بیدق نظامی روس دارند از قدیم الایام بالا نفراد حق سیر در بحر خزر را داشته‌اند حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر بهمان کشتیها خواهد بود بطوریکه بغیر از دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشد .

فصل نهم - چون مکنون خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه است که در استحکام روابطی که بسعادت و میمنت مجدداً مابین دولین استقرار یافته است سعی و کوشش نمایند مقرر میدارند که سفراء کبار و وزراء مختار و شارژ - دافرهائیکه خواه برای انجام مأموریت موقتی و خواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفرخور مقام خود و موافق شأن و حیثیت طرفین و مطابق مودت و اتحاد بین الدولتین و نیز بر حسب عادات مملکتی مورد اعزاز و احترام شوند علیهذا در باب تشریفاتی که باید از طرفین ملحوظ و منظور شود دستور العملی مخصوص مقرر خواهد شد .

فصل دهم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه استقرار و توسعه روابط تجارتی مابین دو دولت را از نخستین فواید اعاده صلح میدانند صلاح دیدند که ترتیباتی که راجع به حفظ تجارت و امنیت اتباع دولین است در یک مقاوله نامده علیه‌حده بطور مرضی الطرفین نگارش یابد و این مقاوله نامه که مابین وزرای مختار طرفین انعقاد و باین عهدنامه انضمام خواهد یافت مثل اینست که جزو متمم همین عهدنامه صلح بوده باشد .

اعلیحضرت پادشاه ایران بدولت روس حق میدهد که کما فی السابق هر جا که بجهت حفظ منافع تجارتی لازم باشد بآنجا قونسول و وکیل تجارتی بفرستند و متعهد میشوند که این قونسول و وکلای تجارتی را که من تبع هر يك زیاده ازده نفر نخواهد

بود از حمایت واحترامات و امتیازاتی که لازمه سمت رسمیت آنهاست بهره‌مند سازد
اعلیحضرت امپراطور روسیه هم وعده می‌دهد که رفتار بمثل را در ماده قونسل و وکلای
تجارتی اعلیحضرت شاهنشاهی منظور دارد.

در صورت شکایت حقه دولت ایران از یکی از مأمورین یا قونسولهای روس وزیر
مختار یا شارژدافری که در دربار دولت علیه ایران اقامت و باین اشخاص ریاست بلافاصله
دارد مشارالیه را از مأموریت خود خلع کرده و موقتاً کفالت کار او را بهر کس صلاح
دانند واگذار خواهد کرد.

فصل یازدهم - پس از حصول صلح بامور و دعاوی اتباع طرفین که بواسطه
وقوع جنگ در عهده تعویق مانده بود مراجعه شده و از روی عدالت قطع و فصل خواهد
شد و مطالباتی که اتباع طرفین از یکدیگر یا از خزانه جانبین دارند با اتمام عاجلاً تأدیه
خواهد شد.

فصل دوازدهم - طرفین معظمین معاهدین نظر بمنافع اتباع خود متفق الرای
شدند که برای اشخاصی که در دو طرف رودارس دارای اموال غیر منقوله هستند مهلتی
سه ساله قرار دهند که مومی الیهم بتوانند آنرا بطور دلخواه بمبایعه و معاوضه برسانند
ولی اعلیحضرت امپراطور روسیه تاحدی که این شرط راجع بخود دوست حسین خان
سردار سابق ایروان و برادرش حسن خان و کریم خان حاکم سابق نخجوان را از انتفاع
مدلول شرط مزبوره مستثنی میدارد.

فصل سیزدهم - تمام اسراء جنگی را که طرفین در هنگام محاربه اخیره و یا
قبل از آن دست گیر کرده‌اند و همچنین اتباع دولتمین که در اوقات سایر اسیرا گرفتار
شده باشند در ظرف چهار ماه مسترد خواهند شد.

بعد از آنکه باین اشخاص ارزاق و اشیاء لازمه داده شد مومی الیهم را بطرف
عباس آباد حرکت داده و در آنجا به کمیسر هائیکه از طرفین برای استرداد و تهیه اعزام
باو طنائیشان مأمور شده‌اند تسلیم خواهند کرد.

درباره اسراء جنگی و اتباع دولتمین که با سیری گرفتار شده و بسبب عدم مکان آنها
و یا بعالت دیگری در ظرف مدت فوق مسترد نشده‌اند طرفین معاهدین همین ترتیبات را

مرعی و مَجری خواهند داشت .

دولتین ایران و روس مخصوصاً این حق را برای خود قرار میدهند که ای وقت کان این قبیل اشخاص را مطالبه نمایند و ملتزم میشوند که هر وقت خود اسراء اظهار کرده یا از طرفین مطالبه شدند مومی الیهم را مسترد سازند .

فصل چهاردهم - دولتین معظمتین معاهدتین اخراج فراری ها و ترانس فوژ - هائی را (۱) که قبل از جنگها یا در مدت آن بتحت اطاعت و حکومت طرفین آمده باشند مطالبه نخواهند کرد .

ولی چون مناسبات خفیه بعضی از ترانس فوژها با تابعین و هموطنان سابق موجب حصول نتایج مضره میشود لهذا محض دفع و جلوگیری این نتایج دولت علیه ایران متعهد میشود که در متصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است حضور و توقف اشخاصیکه الحال یا بعد ها به اسم مشخص خواهند شد رواندارد و مقصود از حدود از یکطرف رود ارس و از طرف دیگر خطی است که بواسطه رود جهریق و دریاچه ارومی ورود جغتو و ورود غزل اوزن الی مصب آن در دریای خزر ترسیم میشود .

اعلیه حضرت امپراطور کل روسیه نیز وعده میدهد که در خانات قزاق و نخجوان و در قسمت خانات ایروان که در سمت راست ارس واقع است ترانس فوژهای ایرانی نگذارد توطن و سکنان نمایند .

ولیکن مقرر است که این ماده صورت لزوم نخواهد یافت مگر درباره اشخاصیکه طرف رجوع عامه یا دارای بعضی مقامات دیگر هستند از قبیل خوانین و بیگها و رؤسای روحانی یعنی ملاها که باعمال شخصی و تحریک و مناسبات خفیه ایشان باعث سوء اثر در باره هموطنان و تابعین قدیم آنها میشود و اما در خصوص نفوس عامه مملکتین مقرر است که اتباع دولتین که بممالک یکدیگر رفته یا در آتیه بروند آزاد هستند که در هر جائیکه آن دولت یعنی دولتی که این اشخاص در حیطه حکومت و اقتدار آن در آمده اند صلاح داند توطن و سکنان نمایند .

فصل پانزدهم - چون قصد سلیم و نیت خیریت عمیم اعلیه حضرت شاهنشاه ایران

۱ - کسیکه از اردوی خود باردوی خصم رفته باشد

این است که ممالک خود را مرفه الحال و اتباع دولت علیه را از تشییید مصائب و صدمات حاصله این جنگ که بسلام و سعادت ختم شده است مصون و محفوظ دارد لهذا درباره تمام اهالی و کارگذاران آذربایجان عفو کامل و رحمتی شامل مبذول میدارند بطوریکه هیچیک از این اشخاص چه بجهت عقاید و نیات و چه از حیث رفتار و کرداری که در موقع جنگ یاد در مدت تصرف ایالت مزبوره از ایشان بظهور رسیده مورد تعرض و اذیت واقع نخواهد شد و علاوه بر این از امروز مهلتی یکساله بآنها داده میشود تا اینکه بطور آزادی از ممالک ایران با کسان خود بممالک روسیه بروند و اموال منقول خود را بخارج حمل نموده و بفروش برسانند بدون اینکه دولت علیه ایران یا کارگذاران محلی اندک مانعی نموده و از اموال و اشیائی که فروخته یا بخارج حمل میشود حقوق و مرسومی دریافت یا تکلیفی در مورد آن بگذارند اما در باب اموال غیر منقول بمومی الیهم پنج ساله مهلت داده میشود که اموال مزبوره را بفروش برسانند یا بطور دلخواه انتقال و انتزاع نمایند کسانی که در این مدت یکساله مجرم به جنحه و جنایت (کریم) (۱) و مستوجب سیاست معموله دیوانخانه شوند از این عفو مستثنی خواهند بود.

فصل شانزدهم - وزیرای مختار طرفین بمجرد امضای این عهدنامه صالح عاجلاً

بتمام نقاط اعلام و احکام لازمه خواهند فرستاد که مختصمه را بلا تأخیر ترک نمایند .
این عهدنامه که به نسخین و به یک مدلول نوشته شده و بامضاء و مهر وزیرای مختار طرفین رسیده است بتصویب و تصدیق شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امیراطور کل روسیه خواهد رسید و تصدیق نامجات معتبره که دارای امضای ایشان بوده باشد در ظرف چهار ماه و در صورت امکان زودتر بتوسط وزیرای مختار طرفین مبادله خواهد شد .

بتاریخ دهم ماه فوریه سال خجسته فال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان سنه ۱۲۴۳

هجری درتر کمانچای بحر برد شد .

عهدنامه (۱)

تجارتی مابین ایران و روس در قرمانچای

بتاریخ ۲۲ - ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ مطابق ۵ شعبان ۱۲۴۳ منعقد شده

فهرست مندرجات

فصل اول - تذکره - تجارت اتباع دولتین - ترتیبات راجعه به متروکات تبعه روس .

فصل دوم - کنترات و سایر قراردادهای کتبی تبعه دولتین و ترتیباتی که بآن راجع است - در باب تعهداتی که مابین اتباع طرفین بوقوع میرسد - افلاس و رشکستگی فصل سوم - مال التجاره دولتین و حقوقی که بآن تعلق میگیرد .

فصل چهارم - آزادی تجارت در صورت جنگ یکی از دولتین با دولت ثالثی فصل پنجم - حقی که در تملیک بعضی مستغلات با اتباع روس داده شده است - مصونیت خانه و مأوای تبعه روس و ترتیباتی که در صورت تفحص باید معمول شود . فصل ششم - بعضی اشیاء مأمورین روس که از حقوق گمرکی معاف است - در باب اتباع ایران که در خدمت مأمورین روس هستند .

فصل هفتم - محاکمات مرافعه مابین اتباع روس در ایران - مرافعه مابین اتباع روس و اتباع خارجه - مرافعه اتباع ایران و روس - ترتیباتی که در صورت تجدید رسیدگی بمرافعه باید منظور شود .

فصل هشتم - محاکمه اموال جنایتی اتباع روس در ایران .

فصل نهم - مسئولیت کارگذاران دولتی در صورت تخلف از مداوله عهدنامه .

۱ - وزارت خارجه ایران عهدنامهجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل اولیای دولت علیه سنه ۱۲۲۴ لغایت ۱۳۹۱ نمره ۳ خطی

بنام خداوند متعال

فصل اول - چون طرفین معظمین معاہدین مایل هستند که اتباع خود را از کلیه فواید و منافع که از آزادی تجارت حاصل میشود بهر مند سازند لهذا تفصیل ذیل را مقرر داشتند اتباع روس که دارای تذکره صحیح بوده باشند میتوانند در تمام نقاط ایران به تجارت اشتغال ورزیده و نیز بدول همجوار آن مملکت بروند در ازای آن رعایای ایران هم میتوانند که از دریای خزر و یا از سرحد خشکی که فاصل بین دولتین است مال التجاره خود را بروسیه وارد کرده و بمعاوضه رسانند و نیز در روسیه متاع دیگر خرید کرده و به خارج حمل کنند .

مومی الیهم در ممالک اعلی حضرت امپراطور روس از تمام حقوق و امتیازانی که بر رعایای دول کامله الوداد داده شده است بهر مند خواهد بود .

در صورت وفات یکی از اتباع روس در ایران اموال منقول و غیر منقول او نظر به تعلق بر رعیت دولت دوست بالتامام با اقوام و شرکاء او داده میشود و مشار الیهم در صورتیکه صلاح دانند حق خواهند داشت که اموال مزبوره را انتقال و انتزاع دهند .

در صورت فقدان اقوام یا شرکاء اختیار اموال مذکوره بسفارت یا قونسول روس مقیم ایران واگذار خواهد شد بدون اینکه از طرف کارگذاران محل مانعتی بظهور رسد .

فصل دوم - کنترات و بروات و ضمانت نامه و سایر قراردادهای کتبی که راجع بامور تجارتی است و مابین طرفین منعقد میشود در نزد حاکم (قاضی عرف) و قونسول روس و در جائی که قونسول نباشد فقط در نزد حاکم ثبت خواهد شد تا اینکه در صورت وقوع منازعه مابین طرفین بتوان تحقیقات لازم را بعمل آورده و عدلا رفع اختلافات نمود .

اسنادیکه بطور فوق الذکر تصدیق و نگاشته شده باشد در هر محکمه عدلیه معتبر خواهد بود و اگر شخصی بدون اسناد مزبوره بخواهد با طرف مقابل ترافع نماید و بغیر از شهود دایل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهد شد مگر اینکه مدعی علیه اقامه شهود او را قبول کند .

تعهد آنیکه بترتیب فوق الذکر مابین رعایای دولتین وقوع مییابد بدون کم و کسر مرعی و معمول خواهد گردید و اگر یکی از طرفین از اجرای مدلول آن امتناع کرده و باعث ضرر طرف مقابل شود باید خسادت وارده را عهده نماید .

در صورت ورشکستی یکی از تجار روس در ایران حقوق ارباب طلب از اموال و اشیاء شخص ورشکست داده میشود ولی اگر از وزیر مختار و شارژ دافر یا قونسول روس خواهش شود که تحقیق کرده معلوم نمایند آیا شخص ورشکست در روسیه بعضی اموال دارد که طلبکاران بتوانند از آن استیفای حق نمایند مشار الیه هم نباید در تحقیق این مسئله مساعی جمیله خود را مضایقه دارند .

ترتیبات مقررۀ در این فصل بالمقابله در مورد رعایای ایران که در روسیه در تحت حمایت قوانین آن مملکت تجارت مینمایند مرعی و معمول خواهد بود .

فصل سوم - محض اینککه تجارت اتباع مملکتین از منافع که موضوع شروط سابق الذکر است بطور محکم بهر مند شوند مقرر میشود که از مال التجاره که اتباع روس بایران وارد و از آن مملکت خارج میکنند و نیز از اتمعه ایران که اتباع دولت عالییه از راه بحر خزر و یا از سر حد خشکی بین الدولتین بمملکت روسیه حمل مینمایند و هکذا از مال التجاره روس که اتباع ایران از مملکت روسیه و از طرق فوق الذکر خارج میکنند کما فی السابق حقوق صدی بینچ فقط یک دفعه در موقع ورود یا خروج دریافت شده و علاوه بر آن هیچگونه حقوق گمر کی مطالبه نشود .

دولت روس تعهد مینماید که در صورتی هم که لازم دانست دستور العمل گمر کی و تعرفه جدید برقرار نماید مع هذا بر حقوق صد بینچ فوق الذکر چیزی نیفزاید .

فصل چهارم - اگر دولت ایران یا روس با دولت دیگری در مقام جنگ بوده باشد رعایای مملکتین ممنوع نخواهند بود از اینککه با مال التجاره خود از خاک یکدیگر عبور کرده و بمملکت محارب روند .

فصل پنجم - چون موافق رسوم جاریه مملکت ایران اتباع خارجه باشکال خانه و مغازه و امکانه وضع مال التجاره برای اجاره پیدا مینمایند لهذا اتباع روس علاوه بر حق اجاره مجاز میباشند که خانه برای سکونت و مغازه و امکانه برای وضع مال التجاره

بحیطه ملکیت در آورند کار گذاران دولت علیه ایران مأذون نیستند که عنفاً داخل خانه و مغازه و امکنه مزبوره شوند در صورت لزوم باید با ستیزان وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس مراجعه کنند و مشارالیهم در کمان (۱) یا یکی از اجزاء خود را مأمور خواهند کرد که در موقع معاينه خانه یا مال التجاره حضور بهم رساند .

فصل ششم - چون وزیر مختار و شارژدافر اعلیه حضرت امپراطور روس و نیز اجزاء سفارت و قونسوها و درگاه آنها اشیائی که متعلق بملبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت معیشت آنها لازم است در ایران پیدا نمیکنند علیهذا مأذون هستند که بدرن ادای حقوق و سایر تکالیف اشیائی که فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند .

درباره مأمورین رسمی اعلیه حضرت شاهنشاه ایران مقیمین ممالک روسیه رفتار بمثل از این حیث کاملاً منظور خواهد بود .

اتباع ایران که جزو من تبع وزیر مختار و شارژدافر یا قونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیهم لازمند مادامیکه در نزد ایشان هستند مانند اتباع روس و بالسویه از حمایت آنها بهره مند خواهند بود .

ولی اگر یکی از این اشخاص مرتکب جنحه و بدین سبب مورد سیاست قوانین جاریه شود وزیر ایران یا حاکم و در صورت فقدان او کار گذاران محلی که حق این اقدام را داشته باشند فوراً از وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسولی که شخص مظنون در خدمت او است تسلیم مومی البهرا خواهند خواست و اگر این عموماً مبنی بر دلایلی است که تقصیر شخص متهم را ثابت مینماید وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول در قبولی این خواهش نباید هیچگونه اشکالی نمایند .

فصل هفتم - تمام امور متنازع فیها و مراعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین و رسوم دولت روسیه فقط بر سیدگی و حکم سفارت یا قونسولهای

اعلیٰ حضرت امپراطور روس رجوع خواهد شد (۱).

و همچنین است اختلافات و دعاوی واقعہ مابین اتباع روس و اتباع مملکت دیگری در صورتیکہ طرفین بحکومت مشارالیه تمراضی نمایند.

اختلافات و مراعاتی کہ مابین اتباع ایران و روس بظهور میرسد مراجعہ بمحاکم شدہ رسیدگی و حکم آن باید در حضور در گمان سفارت یا قونسولگری بعمل آید.

باین قبیل دعاوی کہ بر وفق قانون عدالت ختم شدہ است مجدداً رسیدگی نمیشود و اگر تجدید رسیدگی لزوماً اقتضا نمود باید باستحضار وزیر مختار یا شارژ دافر یا قونسول روس و در حضور در گمان سفارت قونسولگری در یکی از دفتر خانہای اعلیٰ حضرت شاہنشاه ایران کہ در تبریز و در طهران منعقد است تجدید رسیدگی بعمل آمده و حکم داده شود.

فصل هشتم - چون وزیر مختار و شارژ دافر و قونسول حق قضاوت در مادہ هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکہ مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی و محاکمہ آن راجع بمشارالیهم خواهد بود.

اگر شخصی از اتباع روس یا اتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید مورد هیچگونه تعرض و مزاحمت، نخواهد بود مگر در صورتیکہ شراکت او در جنایت مدال و ثابت شود،

و در اینصورت و نیز در صورتیکہ تبعہ روس بشخصه منسوب بمجرمت شدہ باشد محاکمات مملکتی بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا قونسول روس نباید بمسئلہ جنایت رسیدگی کردہ و حکم دهند و اگر در محل وقوع جنحہ سفارت یا قونسولگری وجود ندارد کار گذاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد کہ در آنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیہ بر قرار شدہ باشد حاکم وقاضی محل استشہاداتی را کہ بر علیہ ولہ شخص مظنون است تحصیل کردہ و امضا منماید و این دو قسم استشہاد کہ بدین ترتیب نوشتہ شدہ و بمحل محاکمہ فرستادہ میشود سند و نوشتہ معتبر دعوی

۱ - مقصود این است کہ مراعات مابین تبعہ روسیہ باید رجوع بسفارت یا قونسول شود و مشارالیهم موافق قوانین روسیہ رسیدگی کردہ و حکم دهند.

محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس از آنکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم بشبوت رسیده و حکم صادر شد مومی الیه به وزیر مختار یا شارژ دافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شده و در آنجا موافق قوانین سیاست شود .

فصل نهم - طرفین معظمین معاهد بن اتمام خواهند داشت که شرایط این عهدنامه طابق النعل بالنعل معمول و مجری گردد حکام ولایات و رؤسا و سایر مأمورین دولتین در هیچ موقع از مفاد آن تمرد نخواهند نمود و الا جداً مسئول و در صورتیکه مجدداً از مفاد آن تخلف کرده و کما هو حقه خلاف ایشان محقق گردید مستلزم عزل خواهند بود .

علیهذا ما امضی کنندگان ذیل وزرای مختار اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روس شرایط مندرجه این عهدنامه را منعقد و مقرر داشتیم و این شرایط که متمم فصل دهم عهدنامه عمده است که امروز در تر کمان چای منعقد شده است همان اعتبار و استحکام را خواهد داشت کانه لفظ بلفظ در همانجا درج شده باشد .

بناءً علیهذا این قرارداد جداگانه به نسختین نوشته شده بامضی و مهر ما رسید و مبادله گردید .

در تر کمان چای بتاریخ دهم فوریه سال نیکو فال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری

صورت مجلس (۱)

در باب تشریفات پذیرائی سفراء کبار و مأمورین سیاسی در تر کمانچای بتاريخ ۱۰-۴۴ فوریه امضی شده است

وزرای مختار ایران و روس طبق فصل نهم عهدنامه عمده امروز اجلاس کردند که برای پذیرائی سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافرها یکی که از طرفین بدیاری یکدیگر فرستاده میشوند تشریفات مناسبی مرتب دارند و بالاتفاق تفصیل ذیل را مقرر داشتند بمحض اینکه وزیر ایران از ورور سفیر کبیر روس به تفلیس رسماً مطلع گردید بدون اتلاف وقت شخصی که رتبه او مناسب شأن سفیر بوده باشد منتخب نموده تا سرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد و در این ضمن وزیر ایران سر کرده کل گرجستان را از عزیمت مهماندار یعنی شخصی که برای همراهی سفیر کبیر معین شده است مطلع داشته و روز ورود او را بسرحد تخمیناً معین مینماید سفیر کبیر هم اهتمام کرده و مسافرت خود را بطوری ترتیب خواهد داد که مقارن ورود مهماندار بسرحد برسد از وقتی که مهماندار سفیر کبیر را ملاقات مینماید مسئول حفظ امنیت و عزت و احترام مقتضیه جناب معز یالیه خواهد بود .

در هر منزل استقبالی یعنی هیئتی که هر کپ از رئیس بامعتبرترین آن محل و چند نفر از معارف است بامن تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد .
اگر سفیر کبیر در حاکم نشین یالتی مکث نماید هیئت مذکوره در تحت ریاست خود حاکم خواهد بود و مشارالیه بجناب سفیر کبیر تهنیت و تبریک ورود گفته و معز یالیه رالی منزلی که برای او تهیه شده است مشایعت مینماید .

(۱) وزارت خارجه ایران عهدنامهجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل دولت علیه سنه ۱۲۲۳ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

در صورتیکه سفیر کبیر در يك شهرى مكث نماید که حاکم آنجا فرزند اعلی حضرت
همایونى است حضرت معظم الیه وزیر خود را برای تبریک و خوش آمد به استقبال
معزى الیه میفرستد .

اگر سفیر کبیر بدیدن حضرت معظم الیه آید مشارالیه و تمام اشخاصیکه جزو
سفارت هستند دعوت بجلوس شده و بجانب سفیر صندلی داده خواهد شد .

در رهگذر جناب سفیر هر جائی که قشون موجود است باید تحت السلاح بوده
احترامات نظامی معه ولها در باره معزى الیه مرعى دارند .

مهماندار تمام کرده و وزارت را بموقع از ورود سفیر کبیر مطلع خواهد ساخت
تا اینکه وزارت بتواند ندار کات لازمه ورود و پذیرائی رسمی مشارالیه را بعمل آورد .

وقتى که سفیر کبیر به آخرین منزل پایتخت یا به آخرین منزل اردوی همایونى
رسید شخص معتمبری مشارالیه را از طرف اعلی حضرت همایونى خواهد پذیرفت .

در نیمه راه الی پایتخت یا نیمه راه از اردوی همایونى هیئت محترمی از طرف
اعلی حضرت شاهنشاهی بریاست یکی از رجال دربار با استقبال جناب معزى الیه خواهد آمد

و عسا کر ساخلوی شهر یا عسا کر اردو بجانب معزى الیه پیش فنگ زده و احترامات
نظامی لازم را معمول خواهند داشت و رئیس مستقبلین همایونى فی الفور سفیر کبیر را

بمنزلی که برای مشارالیه مهیا شده و در آنجا گارد دونور (۱) گذارده شده است
راهنمایی خواهد نمود فردای ورود سفیر کبیر وزرای اعلی حضرت همایونى و رجال

سلطنتی بدیدن جناب معزى الیه خواهند آمد و پس فردای آن جناب سفیر کبیر رسماً
بحضور همایونى مشرف خواهد شد .

ایشیک آقاسی باشی در ساعت مقرر آمده و بجانب معزى الیه اطلاع خواهد داد
که برای پذیرائی او همه چیز مهیاست پس از آن جناب سفیر کبیر بترتیب ذیل حرکت
خواهد کرد .

فراسان شاهی در جلو و عقب آنها يك قسمتى از گارد یا از ییست خدمتان خود

سفیر کبیر در حالتیکه اسبی که از طرف همایونی فرستاده شده یا اسب خود را سوار میباشند یک نفر از میرآخوردان همایونی در جلوی معزی الیه و هیئت سفارت در طرف دست راست و ایشیک آقاسی باشی در طرف دست چپ و شاطران سرکاری در جنبین حرکت مینمایند بلافاصله قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود جناب معزی الیه و در عقب آنها فراتان همایونی میآیند .

عساکریکه در درون قصر یا در اردوی همایونی الی محل دخول بحیاطهای خلوت یاسرا پرده گذارده میشوند بسفیر کبیر پیش فنک خواهندزد و ایشیک آقاسی باشی که در جلو سفیر کبیر میرود سعی خواهد کرد که تمام اشخاصیکه در مدخل گذر جناب معزی الیه هستند سر پایستند .

سفیر کبیر در محل دخول بحیاطهای خلوت یاسرا پرده پیاده شده بمنزل وزیر اول یا بجادر سپهسالار رهنمائی شده و در آنجا تا بیرون آمدن اعلیحضرت همایونی منتظر میشود .

پس از آن ایشیک آقاسی باشی جلو افتاده و جناب سفیر کبیر بامن تبع خود بحیاطهای خلوت یاسرا پرده داخل میشود .

گارد یا پیشخدمتان جناب سفیر کبیر در محوطه خارجی مانده و ایشیک آقاسی باشی ورود سفیر کبیر را بعرض رسانیده و از طرف اعلیحضرت همایونی معزی الیه را تکلیف بجایگاه مخصوص یا چادر مینماید .

جناب سفیر باتمام من تبع مجاز بدخول خواهد بود و در هیچ مورد نه بسفیر کبیر و نه با تبع معزی الیه تکلیف نخواهد شد که لباسی را که در بر دارند تغییر دهند لیکن جناب معزی الیه و من تبع اوسعی کرده و گالشی برای خود تحصیل خواهند نمود که در محل دخول بجایگاه مخصوص یا چادر بیرون آورند .

اعلیحضرت همایونی بعد از نطق سفیر کبیر ایشانرا دعوت بجلوس فرموده و صندلی بجناب معزی الیه داده میشود بعد از ختم مجلس سفیر کبیر بهمان ترتیبی که آمده است مراجعت خواهند نمود بدون آنکه بمنزل وزیر اعظم یا سپهسالار داخل شود پس از این شرفیابی از کسانی که بدیدن او آمده اند باز دید خواهد کرد .

برای وزیر مختار یا شارژ دافروس هم همین تشریفات برقرار خواهد بود الا اینکه صاحب منصبانی که باستقبال ایشان فرستاده میشوند در رتبه پست تر و اجزاء آنها در عده کمتر خواهند بود و تمام ساخلو برای مشارالیه هم بیرون نخواهد آمد فقط عساکر قراولخانه بمشارالیه هم پیش فنک میزنند.

وزیر اول اعلی حضرت همایون در ملاقات سبقت نمیکنند ولی بدون تأخیر در روز بعد ببازدید ایشان خواهد رفت.

اگر سفیر کبیر یا وزیر مختار و شارژ دافر حامل نامه از طرف سلطان خود بوده باشد اعلی حضرت همایونی آنرا بدست خودشان از او خواهند گرفت.

همین تشریفات نیز در روسیه درباره سفرای کبار و وزرای مختار و شارژ دافرهای ایران که بسمت مأموریت بدربار پترسبورغ میروند مرعی و مجری میشود لیکن تفاوت رسومات جاریه مملکتین هم منظور خواهد بود.

اینصورت که به نسخین نوشته شده و بامضی و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است همان حکم و اهمیت را خواهد داشت کانه لفظ بلفظ در عهد نامه عمده امروز مندرج شده باشد.

در ترکمان چای دهم فوریه سال نیکو فال سنه ۱۸۳۸ مطابق پنجم شعبان سنه ۱۲۲۳ هجری.

II - منابع و مأخذ

۱ - اسناد رسمی

الف - وزارت خارجه ایران : اسناد رسمی وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور و فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل اولیای دولت علیه سنه ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۴۹

نمره ۳ خطی

ب - وزارت خارجه فرانسه : اسناد رسمی وزارت امور خارجه فرانسه تا ۱۸۷۱ (۱) :

پرونده شماره ۸ ایران از ۱۷۵۸ تا ۱۸۰۵ مکاتبات اسلامبول - بغداد - بصره حلب و غیره .

پرونده شماره ۹ ایران از ۱۷۵۸ تا ۱۸۰۸ ژوبر و رومیو مأمورین اعزامی از طرف دولت فرانسه مکاتبات اسلامبول و بغداد و بصره و حلب و غیره

پرونده شماره ۱۰ ایران از آوریل تا دسامبر ۱۸۰۸ اسناد و مکاتبات هیئت اعزامی ژنرال گاردان

پرونده شماره ۱۴ ایران از ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹ اسناد و مکاتبات هیئت اعزامی گاردان

ج - اسناد بایگانی ملی فرانسه : قسمت وزارت امور خارجه دوره کنسولی

و امپراطوری (۲) .

1) ARCHIVES DU MINISTRE DES AFFAIRES ETRAN - GEREES : Etât numérique des fonds de la correspondance politique de l' origine à 1871 . Paris , Imprimerie Nationale MXXXVI , In - ventaire des Archives du Ministère des Affaires Etrangères .

2) ARCHIVES NATIONALES; Fonds de la Secrétairerie d'Etat, Consulat et Empire R . F . IV . 1686 .

د - اسناد بایگانی ملی دولت انگلستان : لندن تالار مطالعات و تحقیقات
ادبی بخش ۳ فهرست اسناد وزارت امور خارجه تا ۱۸۷۸ (۱) .

جلد اول ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۸ سر هارفورد جونز و مسائل مختلف مربوط باوضاع داخلی
جلد دوم ۱۸۰۹ « « « « «
جلد سوم ۱۸۱۰ « « « « «
جلد پنجم ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۲ « « « « «
جلد ششم ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۲ از ژوئیۀ سر گوراوزلی
جلد هفتم ۱۸۱۲ از اوت تا دسامبر « «
جلد هشتم ۱۸۱۲ سر گوراوزلی و مسائل مختلف داخلی
جلد بیست و پنجم ۱۸۲۵ هانری ویلوك
جلد بیست و هفتم ۱۷۲۶ « ■
جلد سی ام ۱۸۲۷ - ۱۸۲۸ مسائل داخلی صادق بیك و مسائل مختلف

۲ - کتب و مجلات فارسی

ابوالقاسم حسینی فراهانی قائم مقام : منشآت چاپ تهران شعبان ۱۲۸۰
حاج میرزا حسن حسینی : فارسی نامه ناصری تهران ۱۳۱۳
رضاقلیخان هدایت : روضه الصفا ناصری تهران ۱۲۶۹
عبدالرزاق ابن نجفقلی : مآثر سلطانیۀ چاپ تبریز ۲۱۴۱
محمدتقی سپهر لسان الملك : ناسخ التواریخ تهران ۱۲۶۷
محمدحسن خان اعتمادالدوله : منتظم ناصری تهران ۱۲۹۸ - ۱۳۰۰
محمدحسن خان صنیع الدوله : مرآت البلدان ناصری تهران ۱۲۹۴
محمدصادق مروزی خراسانی : تاریخ جهانگشای مروزی

مولوی ابوالوالی: وقایع تسلط روسیہ بر آسیا و ولایات خان تر کستان چاپ ہنگال ۱۲۰۰
مجلہ آئندہ :

مجلہ کاوہ : مقالات مربوط بروابط ایران و روس بقلم آقای جمال زادہ

۲۔ کتب و مجلات خارجی

L-OUVRAGES

- ALEXANDER J.E.—*Travels from India to England, comprehending a visit to Burman Empire and a journey through Persia, Asia Minor, European Turkey, etc., in the years 1825-26.* London, Allen and C^o, 1827 in 8^o.
- DEHERAIN Henry—*Lettres inédites de membres de la mission Gardane en Perse (1807-1809)* Revue de l'Histoire des colonies françaises, 1923, XVI. IV, en trimestre
- DROUILLE Gaspard.—*Voyage en Perse fait en 1912 et 13.* Paris La Librairie Nationale et Etrangère, 1825 deux volumes in 8^o.
- DUPRE Adrien.—*Voyage en Perse fait dans les années 1807-08 et 09.* Paris, Paris, J.sG. Dentu, Imprimeur Libraire 1819, 2 vol. in-8^o.
- FERRIER (J. P.—*Voyage en Perse, dans l'Afghanistan, le Béloutchistan et Turkestan,* Paris, E'Dentu 1860 9 vol. in-8^o.
- FEUVRIER (D).—*Trois ans à la Cour de Perse:* Imprimerie Nationale, 1906, in-8^o.
- FLANDIN Eugène.—*Voyage en Perse.* Paris, 1843-54, Deux volumes in-8^o.
- FRFYGANG Fredrika et Wilhelm Von.—*Lettres sur la Caucasic et la Géorgie, suivies d'une relation d'un voyage en Perse 1802* (traduit de l'allemand par M. de Sreve. Ministre de Russie à Hambourg), Hambourg, Purthes et Bresser, 1816, in-8^o.
- GARDANE (Comte Alfred de).—*Mission du Général Gardane en Perse sous le Premier Empire.* Paris Librairie de A'-D. Lainé, 1865, in 8^o.
- GARDANE (Général) *Journal d'un voyage dans la Turquie d'Asie et la Perse, fait en 1865,* in 8 Paris le Normand, 1809, in-8^o.
- GOBINEAU (Comte de).—*Trois ans en Asie de 1855 à 1858.* Paris Hachette, 1859, in-8^o Edit 1905.
- JAUBERT P. Amédée.—*Voyage en Arménie et en Perse fait dans les années 1805 et 1806* Pélicier, 1821, in 8^o.
- JOHNSON (LI-Colonel John).—*A Journey from India to England, Persia, Georgia, Russia, Poland and Prussia, in the year 1817-*London, Longmans 1818, in-8^o.

- MORIER Jacques (James).—Voyage en Perse, en Arménie, en Asie Mineure et à Constantinople, fait dans les années 1808 et 1809. Traduit de l'anglais par M. X., Paris, Nepveu Librairie, 1815, 2 sol. in-8°.
- MORIER Jacques (James).—Second voyage en Perse, en Arménie et dans l'Asie Mineure, fait de 1810 à 1816, Traduit de l'anglais par M.N., Paris, Librairie de Gide Fils 1818.
- NESSSELRODE (Comte de).—Letters et papiers du Chancelier Comte de Nesselrode, extraits de ses archives, publiés et annotés, avec une introduction par le Comte A de Nesselrode. Paris, A Lahure 1908-1912. XI vol. in-8°
- OUSELEY (Sir William).—Travels in various countries of the East, more particularly in Persia, 1810-12, London, 1823, 4 vol. in-foi.
- BERARD Victor.—La révolte de l'Asie, Paris, A. Colin. 1904, in-8°.
- L'Empire Russe et Tsarisme Paris Armand Colin, 1905 in-8°.
- Révolutions de la Perse, les provinces, les peuples et le gouvernement du Roi des Rois, Paris, A Colin, 1910.
- BLOCHET E.—Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale de Paris, 4 vol. Paris, 1905 1934,
- BROWNE E.G.—A history of Persian Literature in modern Times. A.D. 1500 1924. Cambridge. At the University Press. 1924 in-8°.
- CHAMPOLION FIGEACE.—Histoire de la Perse. Paris 1859, in-8°.
- CROZIER (Comte de).—Les intérêts européens en Asie, Paris 1873, in-7°.
- CURZON (Lord George Nataniel).—Persia and Persian Question, London, Longmans, 1892, 2 vol, in-8°.
- DARMESTER James.—Coup d'oeil sur l'histoire de la Perse. Paris, E.Leroux, 1885, in-8°.
- DEBIDOUR A.—Histoire diplomatique de l'Europe. Paris, F. Alcan, 1931' 2 vol. in-8°.
- DEMORGNY Gustave.—La question persane et la guerre' Paris. Le Renier, 1916. in-16°.
- DICTIONNAIRE DIPLOMATIQUE.—Publié sous la direction de A.F. Frangulis, Paris, 1933, 2 vol. in-4°.
- DRIAULT (J. Edouard).—Napoléon à Finkenstein (avril-mai 1807), Paris, Plon, 1899. in-8°.
- La question d'Orient depuis ses origines jusqu'à nos jours. Paris, Felix Alcan. 1921, in-8°.
- DUBEAUX Louis.—La Perse. Paris, Firmin-Didot Frères, 1841, in-8°.
- DUMAS (Général J.B.).—Un fourrier de Napoléon vers l'Inde, Paris, Henri.

- Charles Lavauzele, éditeur militaire, 1915, in-8°
- DUMONT.—Supplément au corps universel diplomatique du droit des gens. Amsterdam, 1739.
- DUTEMPLE Edmond.—Les Kadjars. Paris, Dentu, 1773, in-8°.
- ENCYCLOPÉDIE DE L'ISLAM.—Lerden, 1913.
- FONTANE F.—La Russie en Asie Mineure. Paris 1840, in-8°.
- FRASER James B.—An historical and descriptive account of Persia from the earliest ages to the present times. Including a description of Afghanistan and Belouchistan. Edinburg Cabinet Library, Edinburg, 1834, 1866, in-8°.
- GILLET Damiette.—La Perse dans l'équilibre politique universel Paris, F. Dupont, 1866, in-8°.
- GRANDE ENCYCLOPÉDIE.—1885-1901. Paris H. Lamirault et Cie, 31 vol. in-4°.
- GROUSSET René.—Histoire de L'Asie Paris, 1914, 3 vol. in-8°.
- JOURDAIN A.M.—La Perse ou Tableau de l'histoire du gouvernement, de la religion, de la littérature, etc., de cet Empire. Desmœurs et coutumes de ses habitants. Paris, Ferra Librairie 1814, 5 vol. in-8°.
- KLOPROTHER Jules.—Tableaux historiques, ethnographiques et politiques du Caucase et des Provinces limitrophes entre la Russie et la Perse Paris. Ponthieu, etc., 1827, in-8°.
- LA MAMYE DE CLAIRAC C.A.—Histoire de Perse depuis le commencement de ce siècle. Paris, 1750, 3 vol.
- LAVISSE et RAMBAUD E.—Histoire Générale. Paris, A. Colin, 1892-1901 in-8°.
- LE BRUN RENAUD (Capitaine).—La Perse politique et militaire au XIX^e siècle Histoire de la dynastie des Kadjars (1703-1804) Paris, L. Boudoin, 1894, in-8°.
- LEFEBVRE Georges.—Napoléon. Peuples et civilisations, Histoire Générale, T. XIV. Paris, Félix Alcan, 1935, in-8°.
- MACKENZIE (Sir D. Wallace).—Tarik-rouss of Persian translation of «Russia» Laknau, 1888 (D.M. 14773 F. 9). Département de manuscrits du du British Museum, in-8°.
- MALCOLM (Sir John). Histoire de la Perse. Paris, 1821. Pillet Ainé, 4 vol' in-8°.
- MALCOLM (Sir John).—Histoire de la Perse. Paris 1821. Pillet Ainé, 4 vol.
- MARKHAM Clément R.—A general sketch of the history of Persia, London, Longman, Green and Co, 1884, in-8°.

- MAHAN L. T.—The Problem of the Asia and its effects upon international policies. London, S.Low, 1900. in-16°.
- MARTIN DAFTARI.—La suppression des capitulations en Perse, Paris, 1930, (Thèse).
- MELICOT Jean-Louis (D). La Révolution russe et les nouvelles républiques Transcaucasiennes: Paris, Félix Alcan 1920, in-8°.
- MELIOUKOV P., SEIGNOBOS Ch. EISENMANN L.—Histoire de la Russie Paris, Librairie Ernest Leroux, 2 tomes in-8°.
- MINORSKY V.—Esquisse d'une histoire de Nader-Chah, Pub. de la S.E.I., Paris, 1934, in-8°.
- PAWLOVITCH M.—La brigade russe en Perse. Paris, F. Leroux, 1911 in-8°.
- PERRIN Narcisse.—La Perse ou l'histoire, mœurs et coutumes des habitants de ce royaume. Paris Nepveu Librairie. 1825, 7 vol. in-16°.
- PRENTOUT Henri.—Histoire de l'Angleterre. Paris Hachette 1920, 3. édition, 2 vol. in-16°.
- RAFFENEL C.-D.—Résumé de l'Histoire de la Perse depuis l. origine de l'Empire des Perse jusqu'à ce jour. Paris Lecoine et Durey, 1825, in-12°.
- RAMBAUD Alfred.—Histoire de la Russie depuis les origines jusqu'à l'année 1813, in-80°.
- RAWLINSON (Sir Hénry) Major général.—England and Russia in the East. London, 1813, in-8°.
- RECLUS Elisée.—Nouvelle géographie universelle. La terre et les hommes. Tome IX, Asie, Antérieure, Paris, Hachette, 1884, grand in-8°.
- RIEU Ch.—Caralogue of Persian manuscripts in the British Museum, London, 1879-95. 4 vnl.
- SAINT YVES G.—A l'assaut de l'Asie, Paris 1901, in-8°.
- SYKES (Sir Percy) Brigadier Général.— A History of Persia. London, Macmillan and C°. in two volumes, third edition, 1930, in-8°.
- THIEURY Jules—Documents pour servir à l'étude des relations entre la France et la Perse, suivis des traités de commerce conclus entre ces deux pays, Evreux, Imprimerie Auguste Herissey. 1866, in-4°.
- VAMBERY Aminius.—The coming struggle of Russia in central Asia. London, 1885, in'8°.
- VIDAL DE LABLACHE P. et L. GALLOIS. Géographie universelle. Tome VIII. Asie occidentale, par Raoul Blanchard. Paris Armand Colin. 1936 in-8°.
- WATSON Robert Grant.—A History of Persia from the beginnin of the

XIXth century to the years 1858, with a review of the principal events that led to the establishment to the Kadjar dynasty. London, 1860, in 8°.

WUSTENFELS MAHLER'SCHE VERGLEICHUNGS—Tabellen der Mohammedanischen und Christlichen Zeitrechnung. Leipzig 1926, Deutsche Morgenlandische Gesellschaft.

WILSON (L[.-Colonei) Sir Arnould.—Persia Loudon, 1909.

A Bibliographie of Persia. Oxford, 1930, in 8°.

V = *Reviues consultées.*

Ayendeh.

Blackwood's Edinburg Magazine.

Calcuta Review (The).

Colburn's United Service Magazine.

Kaveh.

Nouvelles Annales des Voyages et des Sciences géographiques.

Quarterly Review

Review Britannique.

Revue de France (La).

Revue de l'Histoire des Colonies françaises.

Revue du Monde musulman.

Shatq.

B, *Principaux articles.*

ABOL-QASSEM-QAIM-MAQAM.—Letters d'Abbas Mirza à l'Empereur de Russie, publiées dans la Revue Ayendeh, revue politique et littéraire persane Par le Dr. Afchar T.H. Esfand, 1936.

BLACKWOOD'S EDINBURGH MAGASINE.—War between Persia and Russia, Vol. XXII, April 1828.

CALCUTTA REVIEW (THE).—Our political relations with Persia. From:

1. Progress of Russia in the East. 2nd Ed. 1838.

2. Quarterly Review, n° CXXVII, art. 7.

3. Foreign Office Correspondance relating to Persia and Afhanistan, presented to both Houses of Parliament by her Majesty's command, 1839.

4. Records of the Indian Government,

S, The «Bombay Times». Etc.

Vol. 2XII, Sie 3, Calcutta, July 1849.

DEHERAIN Henri,—Lettres inédites de Membres de la Mission Gerdane en Perse, publiées dans la Revue de l'Histoire des Colonies Françaises. T.

XVI. Paris, 1123.

DERLIEU André.—Une Ambassade française sous l'Empire, 1806, Publié dans Revue Britannique. T. XX. 7^e Sie. Paris mars 1154.

DJAMAL ZADEH.—Ravabet-Irano Russe. Publié dans le revue Kaveh (persan) Djamal Zadeh, écrivain persan, a fait ses études de droit en France. Il est l'auteur de Guandj-Chaïguan. ouvrage économique sur la Perse ses articles, très bien informés, il fait l'histoire des relations russo-iraniennes depuis l'époque moscovite jusqu'en 1135 H.L. (Moharram): (Octobre 1622), chute de Shah-Sultan-Hosseïn.

NOUVELLES ANNALES DES VOYAGES ET DES SCIENCES GEOGRAPHIQUES.—Relations du meurtre de Gribidoff, t. 48 de la collection et t. 18 de la 2^e série, 1830

PASKE (Colonel) E.H.). The relations of Persia with Russia, publié dans Colburn's United Service Magazine, Old Sie vol. CXIX, n^o 714, New Sie, vol. L, n^o 1, Octobre 1888.

POZZI Jean.—La France et l'Iran, publié dans la Revue de France, janvier 1937.

QAHRAMAMI.—Série de documents historiques publiée dans la revue Sharq T.l. Mehr-Farvardin-Tir-Chahrivar- Azar 1310.

SHELL Lady.—Persia, publié dans Quarterly Review (The). 101, n^o 201-02. London, April 1857.

X...—La situation politique de la Perse, dans la «Revue du monde Musulman» T. XXVII. Paris (Juin 1914,) in 8^o.

TAKAICHVILI M.—La Géorgie et la Perse au XVII^e siècle, Publié dans la «Revue du monde Musulman», T.X. Paris, janvier 1910.

III اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات

III. اسمی اشخاص و طوائف و معاهدات

اشرف: ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۱۷	حرف «الف»
اصانلو: ۶۹	ابدالیها: ۱۵
آصف الدوله: ۲۳۳، ۲۲۴، ۲۱۱، ۲۱۰	ابراهیم خان: ۲۲۰، ۹۶، ۲۷
۲۵۱، ۲۴۰	ابراهیم شاه: ۲۹
اصلانی: ۶۶	البصوف: ۶۷
آغامحمد خان: ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۳۲، ۳۱، ۲۸	ابوالفتح خان بختیاری: ۲۹، ۲۱
۱۰۶، ۲۵۷، ۵۳، ۵۲، ۵۰، ۴۸، ۴۶، ۴۵	ابوالحسن خان: ۲۲۷
۵۴، ۸۷، ۸۸، ۹۱	احمد پاشا: ۲۹، ۲۴
افغانه: ۳۹، ۳۳، ۲۹، ۲۴، ۱۶، ۱۳، ۱۱	احمد خان ابدالی: ۲۹
۲۸۳، ۲۷۷	احمد خلدن درانی: ۲۹
افشار: ۶۹، ۶۶، ۶۴	احمد حسینی: ۶۵
اکراد باباجانی (ایل): ۶۴	احسان خان: ۲۳۳
آلبعش (ایل): ۶۷	اخسته خان: ۴۶
البصوف (ایل): ۶۷	آدریس: ۶۷
آلارلو: ۶۹	آدرین دوپره: ۷۵
الکساندر: ۱۵۶، ۱۴۸، ۱۳۸، ۱۳۴، ۸۹	ارامنه: ۱۳
۲۰۹، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷	ارتمی والنکی: ۱۴، ۱۳
۱۸۲، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷	اردلان: ۶۴
الکساندر یرملوف: ۱۹۰	ارکلی: ۴۴، ۴۳، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷
ال کشیر (ایل): ۶۷	ازبکان: ۱۹۱، ۴۸، ۴۵، ۳۳، ۱۸
الله یار خان: ۲۱۰	۱ - استراتفورد گانینگ: ۱۵۵، ۱۵۴
الیزابت پول: ۹۲	۱۶۳، ۱۵۷، ۱۵۶
الیزه رکلو: ۶۲	۲ - اسحق خان قرانی: ۱۸۵، ۱۷۴
امامقلی میرزا: ۲۸	اسکالن: ۱۲۰، ۱۰۶
امیراطریس کاترین: ۴۹	اسکندر میرزا: ۲۰۸، ۱۶۷
امیرال دو کرس: ۱۱۹	اسمهیل بیک: ۲۰
امیر خان: ۲۳۳، ۲۲۰	اسمهیل میرزا: ۲۱۷، ۲۰۸
	اشاقه ناشی: ۳۴، ۳۳

بخارست : ۱۶۶، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۷

بختیاروند (ایل) : ۶۵

بختیاری (ایل) : ۶۵

بدوئی حاجی (ایل) : ۶۸

بدوئی قلمه سنکی (ایل) : ۶۸

بر آفتابی (ایل) : ۶۶

بر تران : ۱۲۰

برمان (ایل) : ۶۸

برونیر : ۴۸، ۴۷، ۴۶

بساطین (ایل) : ۶۷

بیکسی جان : ۴۶

بگدلی (ایل) : ۶۶

بیکزاده حیدری (ایل) : ۶۹

بلوچستان : ۶۷

بلوچ گل بخشی : (ایل) ۶۸

بن تان : ۱۲۵

بنی طرف (ایل) : ۶۷

بورین : ۴۱

بوسکا کوف : ۱۸

بویراحندی (ایل) : ۶۶

بهارلو (ایل) : ۶۶

بهتومی (ایل) : ۶۵

بهمن بیکلیو (ایل) : ۶۶

بیات سمست (ایل) : ۶۶

بشیچه (ایل) : ۶۶

حرف «پ»

باولوویچ : ۸۱

پشتکوه : ۶۵

پرنس کنستانتین : ۲۲۷

امین الدوله : ۲۲۵

آتونی جنکینسن : ۹

اوانس بیت کارن : ۱۰۹

اورنک زیب : ۴۵

اوسترمین : ۴۹، ۴۲

اوسیوند (ایل) : ۶۵

اولیویه : ۴۸، ۴۷، ۴۶

ایکاتو (ایل) : ۶۹

ایلات کرد : ۶۴

ایل زند : ۳۰

ایل قاجار : ۴۵

ایل قرائی : ۱۸۵

اینانلو (ایل) : ۶۸، ۶۶

ایوان مخوف : ۹، ۸

ایوان واسیلویچ : ۷

حرف «ب»

بابا احمدی (ایل) : ۶۵

باباخان : ۵۲

باسری (ایل) : ۶۶

باران ذاتی (ایل) : ۶۸

بارون ورد : ۱۴۹

باگراتی : ۱۵

بالاگریوه (ایل) :

بالاوند (ایل) : ۶۵

باوی (ایل) : ۶۶

بایندر ایل : ۶۸

بایروند (ایل) : ۶۸

بایزید : ۱۱۲

بچاقچی (ایل) : ۶۸

حرف «ح»

- حاجی ابراهیم: ۳۶،۵۲
 حاجی بابا: ۱۴۵
 حاجی میرزا ابوالحسن خان: ۱۴۵
 حاجی میرزا آغاسی: ۱۸۱
 حاجی یوسف: ۱۸۴
 حسن خان: ۲۱۹، ۲۴۶
 حسن خان صاری اصلان: ۲۰۴
 حسنوند (ایل): ۶۵
 حسین خان: ۱۷۲، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۴۶
 حسین قلی خان: ۳۴، ۵۲، ۵۳، ۵۴
 حسین علی میرزا شجاع السلطنه: ۲۴۱
 حویزه: ۶۷
 حیرت افندی: ۱۵۸

حرف «خ»

- خامس لو: ۶۸
 خسرو میرزا: ۲۵۳، ۲۵۴
 خواجوی: ۶۸

حرف «د»

- داماد ابراهیم: ۲۱، ۲۴
 داود خان: ۲۲۰
 داود خان: ۲۲۰
 داوید: ۸۹
 دبیج: ۲۲۹، ۲۳۱
 دره شولی (ایل): ۶۵
 دشتی (ایل): ۶۵
 دشت یاری: ۶۸

بطر کبیر: ۲۵۳۵

- پل اول: ۳۸، ۴۹، ۵۰، ۸۱، ۸۹، ۱۱۳
 پلاتن زوبوف: ۵۰

حرف «ت»

- تاتار: ۳۹
 ترکمانچای: ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲
 ۲۲۹، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶
 ترکمن: ۴۴، ۶۸، ۱۸۴
 ترکمنی (ایل): ۳۳
 ترموسوف: ۱۵۳، ۱۵۴
 تزار: ۱۴۷۱، ۴۸، ۱۴۹، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۶
 ۲۴۵، ۲۴۹، ۸۶، ۸۸، ۱۳۸، ۱۳۹
 توپال عثمان: ۲۵
 تیلکو: ۶۶
 تیمورتاش (ایل): ۵۵

حرف «ث»

- ثمر نیان (ایل): ۶۹

حرف «ج»

- جاوبدی (ایل): ۶۶
 جلیل وند (ایل): ۵۶
 جمس موریه: ۱۸۸
 جمشید زهی (ایل): ۶۸

حرف «چ»

- چاکی (ایل): ۶۶
 چرام (ایل): ۶۶
 چشانه (ایل): ۶۷، ۶۶
 چهارگنبندی: ۶۸
 چهارلنک: ۶۵

زىروندى (ايل) : ۶۸

زئيل وند (ايل) : ۶۵

حرف « ژ »

ژان فرانسو اروسو : ۱۰۷

ژرژ سوم : ۱۴۴، ۱۴۵

ژرژ سيزدهم : ۸۸، ۸۹

ژرژ كانيك : ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳

۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۲۰۸

ژنرال آريستوف : ۲۳۸، ۲۳۷

ژنرالى پاسكويچ : ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰

۲۴۵، ۲۵۳، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶

۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳

ژنرال پولوچى : ۱۵۸

ژنرال نزموسوف : ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۲

۱۴۷، ۱۴۹

ژنرال چيت چاقوف : ۱۵۹

ژنرال حق وردى : ۱۶۷، ۱۶۸

ژنرال دوريجف : ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۵

۱۶۹

ژنرال شفت : ۹۵

ژنرال كاردان : ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳

۸۱، ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۳۷

ژنرال كرا كوفسكى : ۲۳۶

ژنرال كلوت : ۸۷۲

ژنرال كوتلورويسكى : ۸۷۱، ۱۷۵

ژنرال كودويچ : ۹۶، ۱۴۵

ژنرال كوتوزوو : ۱۵۰

ژنرال كوليكسوف : ۸۹

دكتور كامپيل : ۱۷۵

دكتور كرومك : ۲۱۰، ۲۱۱

دوك دوسراكا پريولا : ۱۶۳

دوبلانش : ۱۱۶

دوبوناك : ۲۱

دوناھو (ايل) : ۶۸

حرف « ر »

رحيمي (ايل) : ۶۶

رضا شاه كبير : ۲۶۴

رضافلى خان : ۲۵۵

رماند (ايل)

ريموندورينيك : ۴۶

روبرت ادر : ۱۵۳

روبرت شرلى : ۱۰

روبرگوردون : ۱۵۵، ۱۶۶

روسو : ۱۲۰، ۱۰۶

رومانف : ۱۱

روميو : ۱۱۴، ۱۴۰

ريشارد : ۹

ريشارد شانسلور : ۸

رئيسى (ايل) : ۶۸

حرف « ژ »

زرد كوهى (ايل) : ۶۸

زرگراو (ايل) : ۶۸

زند : ۳۵

زنگنه (ايل) : ۶۵، ۶۶

زكيخان : ۵۳

زمانشاه : ۴۶، ۵۵

سیدلو (ایل): ۶۹
 حرف «ش»
 شارل دوازدهم: ۱۳
 شارل موريس تاليران: ۱۲
 شاطرانلو (ایل): ۶۹
 شامپانی: ۱۳۷، ۱۴۱
 شاه سلطان حسين: ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۷
 ۱۱، ۱۳
 شاهسون (ایل): ۲۲۸
 شاه سليمان: ۲۹
 شاهرخ: ۳۵، ۴۵، ۴۶
 شاهزاده عليشاه: ۲۵۲
 شاه طهماسب: ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۳۴
 شاه عباس بزرگ: ۱۲، ۱۴، ۳۲
 شاه قبادی (ایل): ۶۴
 شاملو (ایل): ۶۶
 شيخ اسماعيل: ۶۵
 شيخ علي ميرزا: ۲۲۰
 شيخ عليخان: ۲۳۴
 حرف «ص»
 صادق خان شقاقی: ۴۱، ۴۲، ۵۳
 صفويه: ۱۱، ۱۲، ۴۷، ۵۹
 صفی خان: ۶۶
 حرف «ض»
 ضياغمه (ایل): ۴۷
 حرف «ط»
 طهماسب ميرزا: ۲۳

ژنرال ليسانيويچ: ۸۷۲
 ژنرال نيكولا دوريجف: ۱۴۷، ۱۶۸
 ۱۶۲، ۱۶۶
 ژنرال یرملوف: ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۴
 ژوآن: ۱۲۰
 ژوبر: ۱۴۰
 حرف «س»
 ساری جعفر (ایل): ۶۹
 ساپکس: ۱۰۸
 سرجان ملکم: ۴۶، ۵۱، ۱۲۹
 سرخای خان لرگی: ۲۲۰
 سرهار دفورد جونس: ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۷
 ۲۸۰ ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۳۰، ۱۴۶
 ۲۷۵
 سر کوهی (ایل): ۶۸
 سرگوراولی: ۱۴۶، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶
 ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰
 سگونند (ایل): ۶۵
 سلطان احمد سوم: ۲۱، ۲۴
 سلطان محمد: ۱۹۲
 سليمان خان: ۱۷۲
 سمجایی (ایل): ۶۵
 سوادزاميدزف: ۲۱۹
 سوارسميد (ایل): ۶
 سوخته چالی (ایل): ۶۸
 سیاهخانی (ایل): ۶۸
 سيد عبدالوهاب افندی: ۱۵۸
 سيد محمد مجتهد: ۲۰۹، ۲۱۱

طوایف نجد: ۱۴۱

طایفه زند: ۱۴۱

حرف «ح»

عباس افور (ایل): ۶۵۰

عباس میرزا: ۱۵۳، ۷۸، ۱۰۷، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۷۱

۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۸۵، ۹۲، ۱۳۸، ۱۳۹

۱۷۲، ۱۸۳، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۸

۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۳۰، ۱۶۹، ۱۷۳

۲۲۵، ۲۳۲، ۲۰۸، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴

۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۲۶

۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۹۲

عباس لو (ایل): ۶۸۰

عبدل زهی (ایل): ۶۸۰

عثمانی: ۱۸۰، ۲۰۲، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵۰

عکاشه (ایل)

عسگرخان: ۱۳۵۰

علی بیات (ایل): ۶۶۰

علی قلیخان: ۲۸، ۵۳

علی قلیخان عادلشاه: ۳۴

علی خان مرندی: ۲۲۳

علی مرادخان: ۲۹، ۳۰، ۱۴۱

عنافجه (ایل): ۶۷۰

علیشاه: ۵۳، ۶۶

عهدنامه موصل: ۱۸۷

حرف «خ»

غیاثوند (ایل): ۶۹۰

حرف «ق»

فارسیان: ۶۸۰

فتحعلیشاه: ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۲۰۹، ۱۱۰، ۲۱۱

۲۸۴، ۱۰۸، ۱۴۴، ۱۳۸، ۲۵۷، ۵۵

۲۲۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۱۰۵، ۱۸۱، ۱۸۳

۱۲۹، ۱۳۰، ۱۸۹، ۱۱۲، ۸۹، ۲۲۰

۲۲۷، ۲۲۶، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۰۴

۲۴۰، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۲۸

۱۹۱، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۸

فتحعلیخان قاجار دولو: ۲۳، ۲۵۷

فتحعلیخان نوری: ۱۳۵۰

فریکان: ۲۵۷، ۲۵۸

فروح (ایل): ۶۷۰

فولادلو (ایل): ۶۸۰

حرف «ق»

قاجار: ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۶

قواسمیدلو (ایل): ۶۸۰

قبادی (ایل): ۶۴

قره باغی (ایل): ۶۶

قرل باش: ۲۶

قلعه ای (ایل): ۶۶۰

قلعه استرآباد: ۲۵۵

قلعه سلطان: ۲۵۵

قندهار: ۱۵۰

قندعلی (ایل): ۶۵۰

حرف «ک»

کاترین دوم: ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۵۰، ۸۸

۳۴، ۳۶

کا کاوند (ایل): ۶۹۰

حرف «ل»

لرد و لزللی
لرد میتو ۱۴۴، ۱۴۲، ۱۴۰، ۱۰۵
لازارف: ۸۹
لطفعلیخان: ۱۶
لامی، ۱۳۲
لوری: ۲۲۵

حرف «م»

مازارو بیج، ۱۹۴، ۱۹۳
ماژور پاف، ۱۶۵، ۱۶۳
ماژور دارسی: ۱۴۶
ماژور هارت: ۲۱۰، ۲۱۱
مالستوف، ۲۵۳
متر نیخ: ۱۵۸
محمد نبی جان: ۱۴۰، ۱۴۳
محمد حسن خان: ۳۰، ۲۹
محمد حسن خان شکلی: ۲۰۸
محمد حسن خان نظام الدوله: ۲۷۱
محمد حسین خان: ۳۴
محمد حسین ابشیک آفاسی باشی: ۲۵۴
محمد حسین خان امیر نظام: ۲۵۴
محمد خان: ۲۲۰، ۵۳
محمد خان قاجار: ۲۱۷
محمد رحیم خان: ۱۸۵
محمد رضا خان: ۱۱۸
محمد زمان عزالدین: ۱۸۵
محمد شاه: ۲۶۰، ۲۵۸
محمد شفیع: ۲۸۴
محمد علیخان: ۱۴۱، ۱۴۰، ۲۳۶
محمد علی میرزادولت شاه: ۲۵۸، ۲۵۷

کبیر کوهی (ایل): ۶۵

کرد بچه (ایل): ۶۹

کراوند (ایل): ۶۵

کردهای شادلو: ۶۸

کرمان: ۶۷

کریمخان: ۲۴۶، ۱۴۱، ۳۴، ۳۳

کاسلره: ۱۷۶، ۱۷۴، ۱۶۹

کشکولی (ایل): ۱۶

کلنل دالقرسگی: ۲۴۱، ۲۴۰

کلنل رؤیت: ۲۲۱، ۲۱۹، ۲۱۱

کلنل فریقان: ۱۶۲

کنت تولستوی: ۱۳۷

کنت نسلرود: ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۰۹، ۲۳۰

۲۲۹

کوکلان: ۱۸۵

کولی (ایل): ۶۵

کوهستی (ایل): ۶۹

کوهک (ایل): ۶۷

کیشاندلو (ایل): ۶۸

کیومرئی (ایل): ۶۶

حرف «گ»

گراف پلن: ۲۲۸
گرچی: ۳۹، ۴۳، ۷۶
گرگین خان: ۸۸
گریبایدف: ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰
۲۴۹، ۲۳۵
گلستان: ۲۵۹، ۲۴۴، ۲۴۳، ۱۹۷، ۱۹۶
۱۹۴، ۱۹۶، ۱۶۰، ۸۷
گندزلو (ایل): ۶۷
گوبنیو: ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸
گودوویچ، ۱۴۱، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۳۵، ۱۳۴
۱۳۲، ۱۳۱، ۱۲۰

ملکه الیزابت ۹
منگور (ایل) ۶۹
میر حسن خان : ۲۱۷، ۲۱۸
میر سید محمد ۲۹
میر عباس خان : ۲۱۷، ۲۱۸
میر عبد الله ۱۷
میر فتاح : ۲۳۹
میر محمود : ۱۵، ۱۶
میر ویرس : ۱۷
میرزا ابوالحسن خان : ۱۶۸، ۲۱۰، ۲۴۴
۲۸۸، ۱۹۰
میرزا ابوالقاسم قائم مقام : ۲۴۰، ۲۴۳
۲۰۹
میرزا بزرگ : ۱۵۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۴
۱۰۵، ۱۵۳
میرزا تقی خان فراهانی : ۲۵۴
میرزا رضا خان : ۱۰۹
میرزا شفیق : ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۴، ۲۷۱، ۲۸۰
۵۲
میرزا مسیح : ۲۵۲، ۲۵۳
میرزا صادق مروزی : ۲۰۵، ۲۰۴
میرزا صالح : ۲۳۵
میرزا محمد خان بیگلربیگی : ۵۲
میرزا مسعود : ۲۴۳
میرزا یعقوب : ۲۵۱، ۲۵۳
■ عرف فون ■
ناپلئون : ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۸۹، ۱۱۳، ۱۱۸
، ۱۶۵، ۱۳۷، ۱۰۵، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳
۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲
نادرشاه : ۳۴، ۳۴، ۳۷، ۵۹، ۱۹۷، ۱۱۳
۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۰
نادرقلی : ۲۳

محمد قاسم خان : ۲۵۴
محمد قلی میرزا ملک آراء : ۲۵۷
محمد میرزا : ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۵۶
محمد میرزا دولتشاه : ۱۵۱، ۱۴۹
محمد ولی میرزا : ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۵۴، ۲۵۷
محمود : ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲
محمود صالح : ۶۵
محمود میرزا : ۲۵۷
مدادوف : ۲۰۳، ۲۱۸
مرتضی قلیخان : ۳۴
مستر موریه : ۲۸۰، ۲۸۱
مستر آلس : ۲۷۵
مصطفی خان : ۱۶۷
مصطفی خان طالش : ۱۴۹، ۲۲۰
معاهده استانبول : ۲۲، ۱۸، ۲
معاهده انگلیس و ایران : ۱۴۹
معاهده بخارست : ۹۲
معاهده پاسار ووتیز : ۲۰
معاهده ترکمانچای : ۱، ۲، ۳، ۴، ۷۵۴
معاهده تهران : ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۴
معاهده تیلیست : ۹۳
معاهده سن بطرز بورك : ۲
معاهده صلح نیستاد : ۱۸
معاهده فن کن اشتاین : ۱۳۵
معاهده مفصل : ۱۸۹
معاهده گلستان : ۱۸۰-۱۷۷-۱۷۴-۱۶۲
۲۸۸-۱۹۰-۱۸۸-۱۸۷-۱۸۲
معاهده یاسی : ۴۸
معمدالدوله : ۲۱۹، ۲۸۲
ملا احمد نراقی : ۲۱۱
ملک شاهی (ایل) : ۶۵
ملکم : ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶
۵۰، ۷۷

هانری ویکوک ۱۹۴،۲۰۸،۲۰۹

هداوند (ایل) ۶۹

هرا کلیوس ۸۸،۱۹۷،۲۰۸

هرو (ایل) ۶۵

هفت لنگ (ایل) ۶۵

هی هاوند (ایل) ۶۶

حرف « ی »

یوخاری باش ۴۴

یار احمد زائی (ایل) ۶۸

یکه لو (ایل) ۵۵

یورتچی (ایل) ۵۵

یوسفوند (ایل) ۶۵

نادر میرزا ۵۴،۵۵

نیلویف ۲۱

نصرا الله میرزا ۲۸

حرف « و »

واسگودو گاما ۷

والرین زوبوف ۲۹،۵۰

وردیه ۱۳۱

وهاپی ۱۴۱،۱۴۳

ویکونت کاسلره ۱۶۱،۱۶۲

ویلیام بیت لرد آمرست ۲۱۲

حرف « ه »

هانری آلیس ۱۸۸،۲۸۱

۱۷ - اسامی امکنه و بلاد

IV - اسامي امکنه و بلاد

استرليز ۹۶
 استرآباد ۱۹۱،۲۳،۱۹
 اشرف ۴۱
 اصفهان ۶۸
 اطرش ۲۲۶،۱۵۸،۲۱۰،۲۰
 اصلاندوز ۱۶۸،۱۶۷،۱۷۱،۱۷۰،۱۶۹
 ۲۸۷، ۱۹۴، ۲۲۴، ۱۸۴، ۱۷۴
 افغانستان ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۷۳، ۱۶، ۲۹، ۱۴
 ۱۹۰، ۵۷، ۱۸۸، ۱۸۶، ۲۱۲
 افريقا ۹
 آق اوغلان ۲۲۵
 آق تپه ۱۶۸
 اقيانوس کبير ۱۱
 اقيانوس شمالي ۱۱
 اقيانوس هند ۱۰۵، ۱۲
 آلکالسيک ۱۵۵
 اليشتر ۶۵
 آناطولي ۱۰۷
 انگلستان ۲۷۹، ۲۷۸، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱
 ۲۶۲، ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۵۳، ۲۷۶، ۲۷۷
 ، ۱۶۶، ۱۶۵، ۲۷۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰
 ، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۵۸، ۲۵۶، ۱۶۲، ۱۶۳
 ، ۲۶۷، ۲۷۱، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۰۷، ۱۶۹
 ، ۲۰۷، ۲۰۸، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۲۶۵
 ، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶
 ، ۱۴۲، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۴، ۳۴، ۱۹۱
 ، ۱۲۰، ۱۸۳، ۱۹۴، ۱۷۵، ۲۸۴، ۲۸۷
 ۲۸۱، ۲۷۴، ۴۲، ۱۴، ۷۸، ۲۴۱، ۲۴۲
 انزلي ۱۷۳، ۴۹

حرف «الف»

آنجازی ۱۸۱
 آيشوران ۵۹
 آذربايجان ۱۵۴، ۶۸، ۵۷، ۴۹، ۲۴، ۲۱
 ۱۹۴، ۲۲۸، ۱۶۰، ۱۸۴
 آجوق باشی ۱۸۱
 ازنا ۶۵
 ازمير ۱۳
 اروپا ۱۲، ۱۱، ۹، ۱۰، ۴۱، ۷۴، ۷۷، ۷۸
 ۲۵۷، ۲۵۴، ۱۹۰، ۲۴۲، ۱۴۳، ۲۵، ۵۹
 ۱۷۹، ۱۹۱، ۱۶۰، ۱۴۸، ۱۶۲
 ارفورت ۱۵۲
 اردبيل ۲۴۱، ۲۱۳، ۲۰۸، ۸۶، ۶۸، ۲۴
 ارسنجان ۶۶
 اردکان ۶۶
 آوپا چای ۲۶
 ارمنستان ۳۳، ۲۵
 ارس ۲۲۵، ۱۷۳، ۱۷۲، ۹۶، ۵۰، ۴۹، ۴۳
 ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۲۹، ۲۲۸
 ۲۴۴
 آدرات ۲۳۲، ۵۷
 ارسباران ۵۷
 ارزروم ۱۹۴
 اسلامبول ۱۹۲، ۲۴، ۱۶۹، ۱۰۶، ۲۶، ۱۴
 ۴۸
 اسپانيا ۴۱، ۱۶۲
 آسيا ۱۷۹، ۵۹، ۱۵۹، ۱۰۸، ۱۴، ۱۱۹
 ۲۱۲

۲۵۶،۱۰۷،۱۷۶
 بندر بوشهر ۱۴۴،۱۵۳
 بمبئی ۲۷۷،۱۴۱
 بروجرد ۶۵
 بیضا ۶۶
 بهبهان ۶۶
 بچور ۶۸
 بلوچستان ۱۴
 بصره ۵۳
 بوشهر ۵۹
 بندر طاهری ۵۹
 بندر عباس ۵۹،۵۸
 بلغار ۱۰۶
 بسفر ۱۰۷

حرف «پ»

بل خدا آفرین ۲۱۷
 پروس ۴۸،۴۲

حرف «ت»

تاتارستان ۲۸۱،۲۶۶
 تبریز ۲۵۰،۲۵۳،۲۴۹،۱۵۴،۱۸۴،۱۸۲
 ۱۵، ۲۲۸، ۱۷۵، ۱۶۶، ۲۰۸، ۱۷۲
 ۱۶۵، ۱۶۴، ۲۳۲، ۱۳۹
 تربت حیدریه ۲۵۵،۵۵
 ترکستان ۲۶۰، ۴۶، ۲۱۲
 تهران ۲۰۵، ۲۰۴، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۳۵
 ۲۵۲، ۲۲۷، ۲۰۹، ۳۴، ۱۹۰، ۲۰۸
 ۱۷۵، ۲۵۱، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۳۲، ۲۵۴
 ۲۴۹، ۲۴۷، ۱۴۶، ۱۵۸، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۷۴
 ۲۵۳، ۲۷۴، ۲۹، ۲۸، ۱۸۱، ۱۷۲، ۲۵۰
 ۱۱۰، ۲۱۰، ۱۸۴، ۱۵۴، ۲۴۹، ۲۵۰
 ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۵۳، ۱۵۰، ۱۵۰، ۱۷۱، ۱۷۴
 ۱۸۱، ۱۰۵

اهواز ۶۷
 اوج کلیسا ۲۳۱، ۱۳۸، ۹۴
 اوجان ۱۷۵، ۱۷۴
 ایطالیا ۱۱۹، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۳۴
 ایلو ۱۱۶، ۹۶
 الیشک میدان ۱۷۶
 الیزایت بل ۱۸۰
 البرز ۵۶
 ایودخواست ۶۶، ۳۱
 اجارور ۶۹
 ایروان ۱۳۸، ۱۳۷، ۲۳۲، ۲۳۱، ۱۷۲، ۲۵۰
 ۲۱۹، ۲۱۰، ۲۴، ۸۹، ۱۳۸، ۲۱۴، ۲۱۱
 ۱۲۹، ۲۴۶، ۲۴۴، ۲۳۶، ۲۳۳، ۲۲۲
 ۴۳، ۱۳۲، ۱۳۰
 آلمان ۱۶۲
 اهر ۲۲۴، ۱۷۱
 اترك ۲۸۵، ۴۹

حرف «ب»

باب عالی ۱۶۳، ۹۲
 باکو ۱۹۷، ۱۹۶، ۲۶، ۴۹، ۱۲۰
 باش آباران ۲۳۱
 بالکان ۲۶۲، ۲۴۲
 بالغ لو ۲۰۴، ۲۰۲
 بحر خزر ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۲
 بحر العجم ۲۸۴
 بحر عمان ۵۸
 بجنورد ۶۸
 بخارا ۴۶، ۲۶۰، ۲۷۶
 بغداد ۱۱۶، ۲۴
 برلن ۴۲
 بریتانیا ۱۴۶، ۱۸۹، ۱۷۹، ۱۹۴، ۱۹۳
 ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۲، ۱۳۹، ۱۵۶، ۱۵۲

تبلیسیت: ۱۹۱، ۱۳۹

تنگه هرمز: ۵۹

حرف «ج»

جزیره سالیان: ۲۲۰

جزیره الحضر: ۶۷

حرف «چ»

چین: ۲۶۳، ۶۰

چهارکنبد: ۶۷

حرف «ح»

حاجی طرخان: ۱۴، ۱۹، ۴۹، ۲۸۸

حلب: ۱۳

حرف «خ»

خارک: ۱۴۳، ۱۴۱، ۳۰

خراسان: ۵۷، ۴۸، ۴۶، ۴۵، ۵۴، ۵۶، ۵۵

، ۲۵، ۲۹، ۱۸۳، ۲۱۲، ۲۴، ۲۳، ۱۸۵

۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴

خوارزم: ۲۷۶، ۲۸۷، ۱۸۵

خزر: ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷

، ۳، ۹

خلیج فارس: ۱۲، ۱۸۸، ۳۹، ۵۹، ۵۸، ۵۷

۹: ۱۰، ۱۱، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۰، ۸۳

خیوة: ۱۸۴

خوی: ۲۳۲

خداآفرین: ۲۳۲

خرم آباد: ۶۵

خمسه: ۶۶

خلخال: ۶۹

حرف «د»

داراب: ۶۶

دانوب: ۱۵۹، ۱۵۸

دانمارک: ۱۵۷

داغستان: ۲۲۰، ۱۶، ۲۵، ۲۸۱

دامغان: ۲۴، ۲۳

در بند: ۲۲۰، ۹۴، ۲۶، ۹

دلفان: ۶۵

دزفول: ۶۸، ۶۵

دشتستان: ۶۶

دریای سیاه: ۹۲، ۲۳۱، ۱۲، ۲۶، ۰

دریای بالتیک: ۱۲، ۱۱

دره ترک: ۱۸

دریاچه گوکچه: ۲۰۱

دهخوارقان: ۲۴۱

حرف «ر»

رشت: ۱۹۶، ۱۹۷، ۳۸، ۱۹۱، ۹۵، ۲۶

رودخانه حمزه چمن: ۱۷۶

رود کر: ۳۲۵، ۲۲۰

رود سیوا: ۱۷۵

روسیه: ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۱۱، ۹، ۶، ۱۳، ۳۳

۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۱۶

۸۸، ۸۷، ۸۱، ۲۱۴، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸

، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱

۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۷، ۲۳۰، ۲۰۶، ۲۰۴

، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴

، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۸

۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۶۰

۱۶۵، ۱۶۷

حرف «ژ»

ژن: ۸

شط العرب: ۵۹

شوش: ۴۹، ۴۳

شکی، ۱۹۶، ۱۷۱، ۹۶

شورگل: ۱۸۰، ۱۵۸

حرف « ص »

صحرای لوت: ۵۷

حرف « ط »

طابق: ۶۵

طالان دشت: ۶۵

طالش: ۲۴۱، ۲۲۵، ۲۴۰، ۲۲۰، ۲۱۸

۱۹۶، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰

طرابوزان: ۲۶۰

طرهان: ۶۵

حرف « ع »

عباس آباد: ۲۲۵، ۲۲۲، ۲۳۲، ۲۱۴

عراق: ۲۴، ۲۱

عربستان: ۱۷۳، ۵۷

عشق آباد: ۲۶

عسکران: ۱۵۴، ۱۵۳

عثمانی: ۳۵، ۲۴۲، ۱، ۳، ۴، ۲۴، ۲۱، ۱۰

۲۰۲، ۲۲۸، ۱۰۶، ۸۹، ۴۷، ۴۶، ۴۱

۲۶۵، ۲۵۳، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۹۱، ۲۰۷

۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۵۲

حرف « ف »

فارس: ۲۴، ۶۵، ۳۱، ۳۰

فتح آباد: ۲۶

فسا: ۶۶

فریدن: ۶۷

فلاحی: ۶۶

حرف « ص »

ساوچیلاغ مکرری: ۶۹

ساوه: ۲۹، ۶۹، ۱۹۱

۶۸:

سروستان: ۶۶

سالیان: ۱۷۰

سبلان: ۵۷

سراب: ۵۳

سرخس: ۲۵۵، ۵۶

سیمستان: ۱۶

سلماس: ۶۹

سیمر: ۶۵

سبزوار: ۲۵۵

سهند: ۲۷، ۲۹

سمرقند: ۲۷۶

سوری: ۱۲، ۷

سن بطرز بورك: ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۸، ۴۱

۲۰۵، ۱۳۸، ۱۳۷، ۲۰۱، ۱۲۹

سوئد: ۱۳۲

سنندج: ۶۴

سلطانی: ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸

۲۰۲

حرف « ش »

شاملو: ۱۳۳

شام: ۳۳

شیراز: ۳۰، ۲۵، ۱۷۶

شیروان: ۱۹۶، ۲۶، ۲۲۵، ۲۱، ۲۲۰، ۴۳

شماخی: ۲۵، ۱۶، ۱۴

شاه کوه: ۵۷

حرف «گ»

کرکان: ۳۴،۳۲
 گروس: ۲۴۱
 کیلان: ۱۳،۲۰،۵۸
 گلستان: ۱۹۴،۱۹۳،۱۵۰،۲۱۳،۲۰۸
 ۱۰۷،۱۹۶
 گرمسیر: ۵۹
 گناباد: ۱۵،۳،۱
 گرم رود: ۵۳
 گنجه: ۲۲۳،۲۲۰، ۲۱۹،۴۳،۶۹،۴۱
 ۸۹،۲۲۴
 گواتر: ۵۶
 گرجستان: ۴۵،۲۵،۲۶،۱۳۹،۴۰،۳۹
 ۱۱۶،۵۰،۳۷،۳۸،۱۳۶،۱۳۰
 ۱۱۸، ۲۲۶،۲۰۶،۲۰۵،۴۳،۴۲،۴۱
 ۲۱،۲۰،۱۳،۱۷۱،۱۶۱،۲۳۱،۲۲۷
 ۱۶۶،۱۶۷،۱۶۸،۱۶۹،۱۸۳،۸۸

حرف «ل»

لارستان: ۶۶
 لرستان: ۵۳،۲۵
 لهستان: ۲۲۷،۴۸،۴۱
 لنکران: ۲۱۸

حرف «م»

مازندران: ۴۸،۵۳،۲۶،۳۶،۲۱،۵۸
 مسکو: ۳۳،۱۳،۱۱،۹،۱۶۷،۷،۷
 مرو: ۳۳

فین کن اشتاین: ۱۸۹،۱۰۶
 فرح آباد: ۵۹

فرات: ۵۹
 فرانسه: ۱۳۱،۱۳۰،۵۸،۳۴،۴،۲۰،۱
 ۱۲۹،۱۱۸،۳۵،۳۳،۱۴۲

حرف «ق»

قارص: ۱۵۸،۱۵۴
 قبه: ۱۸۰
 قره کلیسا: ۲۱۹
 قسطنطنیه: ۲۱،۲۲۶،۱۵۱،۱۴۷،۱۵۵
 ۱۱۴
 قوچان: ۲۶
 قلزم: ۲۷۸
 قندهار: ۱۱۸،۳۹،۱۵،۲۵۶،۲۹،۲۷،۲۶
 قزوین: ۵۲،۲۳،۲۰،۹،۲۹
 قریه سدره: ۱۸۰
 قره باغ: ۱۷۶،۲۱،۸۹،۳۳،۲۴،۰،۱۹۰
 ۱۹۶،۳۳،۲۰،۱،۲۳۲،۱۷۵،۱۶۰
 قفقاز: ۱۶۲،۱۴۸،۱: ۴،۷،۳۶،۸، ۴۶
 ۲۳۱،۲۲۷،۱۴۷،۸۹،۱۴،۱۲،۱۶۵

حرف «ك»

کازرون: ۶۷
 کابل: ۵۵،۲۵۶
 کاکارضا: ۶۵
 کردستان: ۵۶
 کرد: ۸۹،۳۷،۴۹
 کویر: ۵۷
 کارون: ۱۹
 کرخه: ۶۵

میانہ . ۲۴۰

مغان : ۱۹۶،۲۴۰:۱

مشکین : ۶۹،۲۲۸:۲۴۰

مصر : ۱۰۵،۲۶۵

مرند : ۲۴۰،۲۳۷

مہماندوست : ۲۳

مشہد : ۱۸۶،۲۹،۳۴،۸۳

مرو دشت : ۶۶

ممسنی : ۶۶

مکران : ۶۸

مورچہ خورت : ۳۱

مراغہ : ۱۷۶

حرف « ن »

نخجوان : ۱۷۶،۲۵،۲۳۲،۱۳۱

نعمت آباد : ۶۸

نیمن : ۱۱۷

حرف « و »

وان . ۱۵۶

ورشو ۱۱۷

ویزک : ۶۶

ویز : ۸

وین : ۴۲

حرف « ه »

هرسین : ۶۵

ہرات : ۱۵

ہرمز : ۱۰۷

ہمدان : ۱۵

ہلیلان : ۶۵

ہندوستان : ۲۸۱،۴۵،۷،۸،۲۷،۱۲،۱۰

۲۷۲،۲۱۲،۲۰۹،۵۹،۶۰،۱۰۵،۱۲۹

،۱۴۱،۱۷۲،۲۶۷

حرف « ی »

یزد : ۱۶،۶۶

یموت : ۳۴

یونان : ۴۱



انتشارات دانشگاه تهران

- ۱ - وراثت (۱) تألیف دکتر عزت‌الله خیبری
- ۲ - A Strain Theory of Matter « « محمود حسابی
- ۳ - آراء فلاسفه در باره عادت ترجمه « برزو سپهری
- ۴ - کالبدشناسی هنری تألیف « نعمت‌الله کیهانی
- ۵ - تاریخ بیهقی جلد دوم بتصحیح سعید نفیسی
- ۶ - بیماریهای دندان تألیف دکتر محمود سیاسی
- ۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها « « سرهنگ شمس
- ۸ - حماسه سرائی در ایران « « ذبیح‌الله صفای
- ۹ - مز دیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی « « محمد معین
- ۱۰ - نقشه برداری (جلد دوم) « مهندس حسن شمسی
- ۱۱ - گیاه شناسی « حسین گل‌گلاب
- ۱۲ - اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی بتصحیح مدرس رضوی
- ۱۳ - تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد اول) تألیف دکتر حسن ستوده تهران
- ۱۴ - روش تجزیه « « علی‌اکبر پرین
- ۱۵ - تاریخ افضل - بدایع الزمان فی وقایع کرمان فراهم آورده دکتر مهدی یمانی
- ۱۶ - حقوق اساسی تألیف دکتر قاسم زاده
- ۱۷ - فقه و تجارت « « زین‌العابدین ذوالمجدین
- ۱۸ - راهنمای دانشگاه —
- ۱۹ - مقررات دانشگاه —
- ۲۰ - درختان جنگلی ایران « مهندس حبیب‌الله ثابتی
- ۲۱ - راهنمای دانشگاه بانگلیسی —
- ۲۲ - راهنمای دانشگاه فرانسه
- ۲۳ - Les Espaces Normaux تألیف دکتر هشترودی
- ۲۴ - موسیقی دوره ساسانی « مهدی برکشلی
- ۲۵ - حماسه ملی ایران ترجمه « بزرگ علوی
- ۲۶ - زیست شناسی (۴) بحث در نظریه لامارک تألیف دکتر عزت‌الله خیبری
- ۲۷ - هندسه تحلیلی « « علینقی وحدتی
- ۲۸ - اصول گداز و استخراج فلزات (جلد اول) تألیف دکتر یگانه حایری
- ۲۹ - اصول گداز و استخراج فلزات (« دوم) « « «
- ۳۰ - اصول گداز و استخراج فلزات (« سوم) « « «

- ۳۱- ریاضیات در شیمی
 ۳۲- جنگل شناسی (جلد اول)
 ۳۳- اصول آموزش و پرورش
 ۳۴- فیزیولوژی گیاهی (جلد اول)
 ۳۵- جبر و آنالیز
 ۳۶- گزارش سفر هند
 ۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی
 ۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین
 ۳۹- واژه نامه طبری
 ۴۰- تاریخ صنایع اروپای در قرون وسطی
 ۴۱- تاریخ اسلام
 ۴۲- جانورشناسی عمومی
 ۴۳- Les Connexions Normales
 ۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان شناسی
 نگارش دکتر هورفر
 « مرحوم مهندس کریم ساعی
 « دکتر محمد باقر هوشیار
 « « اسمعیل زاهدی
 نگارش دکتر محمد علی مجتهدی
 « « غلامحسین صدیقی
 « « پرویز ناتل خانلری
 « « مهدی بهرامی
 « « صادق کیا
 « عیسی بهنام
 « دکتر فیاض
 « « فاطمی
 « « هشتروندی
 « « امیراعلم - دکتر حکیم
 دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی
 نگارش دکتر مهدی جلالی
 « « آ. وارتانی
 « « زین العابدین ذوالمجدین
 « « ضیاء الدین اسمعیل بیگی
 « « ناصر انصاری
 « « افضلی پور
 « « احمد بیرشک
 « « دکتر محمدی
 « « آزر
 « « نجم آبادی
 « « صفوی گلپایگانی
 « « آهی
 « « زاهدی
 « « دکتر فتح الله امیر هوشمند
 « « علی اکبر پریه
 « « مهندس سعیدی
 ترجمه مرحوم غلامحسین زیرک زاده
 تألیف دکتر محمود کیهان
 « « مهندس گوهریان
 « « مهندس میردامادی
 « « دکتر آرمین
 ۴۵- روان شناسی کودکان
 ۴۶- اصول شیمی پزشکی
 ۴۷- ترجمه و شرح تبصرة علامه (جلد اول)
 ۴۸- اکوستیک « صوت » (۱) ارتعاشات - سرعت
 ۴۹- انگل شناسی
 ۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط
 ۵۱- هندسه تریسمی و هندسه رقومی
 ۵۲- درس اللغة والادب (۱)
 ۵۳- جانور شناسی سیستماتیک
 ۵۴- پزشکی عملی
 ۵۵- روش تهیه مواد آلی
 ۵۶- مامائی
 ۵۱- فیزیولوژی گیاهی (جلد دوم)
 ۵۰- فلسفه آموزش و پرورش
 ۵۰- شیمی تجزیه
 ۶- شیمی عمومی
 ۶- آمیل
 ۶- اصول علم اقتصاد
 ۶- مقاومت مصالح
 ۶- کشت گیاه حشره کش پیرتر
 ۶- آسیب شناسی

- تألیف د کتر کمال جناب
« «
امیراعلم۔ د کتر حکیم۔
د کتر کیهانی۔ د کتر نجم آبادی۔ د کتر نیک نفس
تألیف د کتر عطائی
« « «
« مهندس حبیب الله نابتی
« د کتر گاکیک
« « علی اصغر پور همايون
بتمه صحیح مدرس رضوی
-
- تألیف د کتر شهید فر
« « حسن ستوده تهرانی
« « علمینقی وزیري
« د کتر روشن
« « جینیدی
« « میمنندی نژاد
« « مرحوم مهندس ساعی
« د کتر مجیر شیبانی
-
- « « محمود شهبابی
« د کتر غفاری
« « محمد سنگلجی
« د کتر سپهبدی
« « علی اکبر سیاسی
« « حسن افشار
تألیف د کتر سهراب۔ د کتر میر دامادی
« « حسین گلثو
« « « «
« « نعمت الله کیهانی
« « زین العابدین ذوالمجدین
« د کتر امیراعلم۔ د کتر حکیم
د کتر کیهانی۔ د کتر نجم آبادی۔ د کتر نیک نفس
« « « «
تألیف د کتر جمشید اعلم
« « کامکار پارسی
« « « «
« « بیانی

- ۶۶- مکانیک فیزیک
۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۴) - مفصل شناسی
۶۸- درماتشناسی (جلد اول)
۶۹- درماتشناسی (جلد دوم)
۷۰- گیاهشناسی - تشریح عمومی نباتات
۷۱- شیمی آنالیتیک
۷۲- اقتصاد جلد اول
۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی
۷۴- راهنمای دانشگاه
۷۵- اقتصاد اجتماعی
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)
۷۷- زیباشناسی
۷۸- تئوری سنتتیک گازها
۷۹- کارآموزی داروسازی
۸۰- قوانین دامپزشکی
۸۱- جنگلشناسی جلد دوم
۸۲- استقلال آمریکا
۸۳- کتبچکاوهای علمی و ادبی
۸۴- ادوار فقه
۸۵- دیپلماتیک گازها
۸۶- آئین دادرسی در اسلام
۸۷- ادبیات فرانسه
۸۸- از سرب تا یونسکو - دو ماه در پاریس
۸۹- حقوق تطبیقی
۹۰- میکروبیشناسی (جلد اول)
۹۱- میزراه (جلد اول)
۹۲- < (جلد دوم)
۹۳- کالبدشکافی (تشریح عملی دستوپا)
۹۴- ترجمه و شرح تبصره علامه (جلد دوم)
۹۵- کالبدشناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی
۹۶- < < (۴) - رگ شناسی
۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی (جلد اول)
۹۸- هندسه تحلیلی
۹۹- جبر و آنالیز
۱۰۰- تفه و قر و تری اسانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)

- ۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب
- ۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی
- ۱۰۳- آزمایش و تصفیه آبها
- ۱۰۴- هشت مقاله تاریخی و ادبی
- ۱۰۵- فیه مافیه
- ۱۰۶- جغرافیای اقتصادی (جلد اول)
- ۱۰۷- الکتریسیته و موارد استعمال آن
- ۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه
- ۱۰۹- تلخیص البیان عن مجازات القرآن
- ۱۱۰- دو رساله - وضع الفاء و قاعده لاضرر
- ۱۱۱- شیمی آلی (جلد اول) تئوری و اصول کلی
- ۱۱۲- شیمی آلی «ارگانیك» (جلد اول)
- ۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص
- ۱۱۴- امراض حلق و بینی و حنجره
- ۱۱۵- آنالیز ریاضی
- ۱۱۶- هندسه تحلیلی
- ۱۱۷- شکسته بندی (جلد دوم)
- ۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی
- ۱۱۹- اساس التوحید
- ۱۲۰- فیزیك پزشکی
- ۱۲۱- اکوستیک «صوت» (۲) مشخصات صوت - اوله - قار
- ۱۲۱- جراحی فوری اطفال
- ۱۲۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)
- ۱۲- چشم پزشکی (جلد اول)
- ۱۲۱- شیمی فیزیك
- ۱۲- بیماریهای گیاه
- ۱۲- بحث در مسائل پرورش اخلاقی
- ۱۲- اصول عقاید و کرائم اخلاق
- ۱۲- تاریخ کشاورزی
- ۱۳- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن
- ۱۳- امراض واگیر دام
- ۱۳- درس اللفه و الادب (۴)
- ۱۳- واژه نامه گرسگانی
- ۱۲- تک یاخته شناسی
- ۱۲- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)
- ۱۲- عضله و زیبایی پلاستیک
- ۱۱- طیف جذبی و اشعه ایکس
- تألیف دکتر میر بابائی
- « « محسن عزیزی
- نگارش « محمد جواد جنیدی
- « نصرالله فلسفی
- « بدیع الزمان فروزانفر
- « دکتر محسن عزیزی
- « مهندس عبدالله ریاضی
- « دکتر اسمعیل زاهدی
- « سید محمد باقر سبزواری
- « محمود شهابی
- « دکتر عابدی
- « « شیخ
- « مهدی قمشه
- « دکتر علیم مروستی
- « « منوچهر وصال
- « « احمد عقیلی
- « « امیر کیا
- « مهندس شیبانی
- « مهدی آشتیانی
- « دکتر فرهاد
- « « اسمعیل بیگی
- « « مرعشی
- « « علینقی منزوی تهرانی
- « دکتر ضرابی
- « « بازرگان
- « « خبیری
- « « سپهری
- « « زین العابدین ذوالمجدین
- « دکتر تقی بهرامی
- « « حکیم و دکتر گنج بخش
- « « رستگار
- « « محمدی
- « « صادق کیا
- « « عزیز رفیعی
- « « قاسم زاده
- « « کیهانی
- « « فاضل زندگی

- ۱۳۸ - مصنفات افضل الدین گاشانی
 ۱۳۹ - روان شناسی (از لحاظ تربیت)
 ۱۴۰ - ترمودینامیک (۱)
 ۱۴۱ - بهداشت روستائی
 ۱۴۲ - زمین شناسی
 ۱۴۳ - مکانیک عمومی
 ۱۴۴ - فیزیولوژی (جلد اول)
 ۱۴۵ - کالبدشناسی و فیزیولوژی
 ۱۴۶ - تاریخ تمدن ساسانی (جلد اول)
 ۱۴۷ - کالبدشناسی توصیفی (۵ قسمت اول)
 سلسله اعصاب محیطی
 ۱۴۸ - کالبدشناسی توصیفی (۵ قسمت دوم)
 سلسله اعصاب مرکزی
 ۱۴۹ - کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه
 ۱۵۰ - هندسه عالی (گروه و هندسه)
 ۱۵۱ - اندام شناسی فایهان
 ۱۵۲ - چشم پزشکی (۴)
 ۱۵۳ - بهداشت شهری
 ۱۵۴ - انشاء انگلیسی
 ۱۵۵ - شیمی آلی (ارگانیک) (۴)
 ۱۵۶ - آسیب شناسی (کانکلیوت استر)
 ۱۵۷ - تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی
 ۱۵۸ - تفسیر حواجه عبدالله انصاری
 ۱۵۹ - خشره شناسی
 ۱۶۰ - نشانه شناسی (علم الامارات) (جلد اول)
 ۱۶۱ - نشانه شناسی بیمارهای اعصاب
 ۱۶۲ - آسیب شناسی عملی
 ۱۶۳ - احتمالات و آمار
 ۱۶۴ - الکتروسیته صنعتی
 ۱۶۵ - آئین دادرسی کیفری
 ۱۶۶ - اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)
 ۱۶۷ - فیزیک (تابش)
 ۱۶۸ - فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)
 ۱۶۹ - > > > > (جلد سوم - قسمت اول) > محمد تقی دانشپژوه
 > محمودشاهی
 > نصرالله فلسفی
 > بتصحیح مرید نفیسی
 > > >
 نگارش دکتر منوی و یحیی مهدوی
 « علی اکبر سیاسی
 « مهندس بازرگان
 نگارش دکتر زوین
 « یدالله سعابی
 « مجتبی ریاضی
 « کاتوزیان
 « نصرا نیک نفس
 « سعید نفیسی
 « دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
 دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
 > > > >
 تألیف دکتر اسدالله آل بویه
 « پارسا
 نکاوش دکتر ضرابی
 > اعتمادیان
 > بازارگادی
 > دکتر شیخ
 > آرمن
 > ذبیح الله صفا
 بتصحیح علی اصغر حکمت
 تألیف جلال افشار
 > دکتر محمد حسین میمندی نواد
 > صادق صبا
 > حسین رحمتیان
 > مهدوی اردبیلی
 > محمد مظفری زنکنه
 > محمدعلی هدایتی
 > علی اصغر پورهایون
 > روشن
 > علینقی منزوی
 > محمد تقی دانشپژوه

- ۱۷۴- تاریخ مصر (جلد اول)
 ۱۷۵- آسیب شناسی آزر دگی سیستم رقیقو لو آندو تلیال « دکتر آرمین
 ۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانیک « مرحوم زیرک زاده
 ۱۷۷- فیزیولوژی (طب عمومی) نگارش دکتر مصباح
 ۱۷۸- خطوط لبه های جذبی (اشعه ایکس) « « زندی
 ۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم) « احمد بهمنش
 ۱۸۰- سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین « دکتر صدیق اعلم
 ۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم- قسمت دوم) « محمد تقی دانش بڑوه
 ۱۸۲- اصول فن کتابداری « دکتر محسن صبا
 ۱۸۳- رادیو الکترسیسته « « رحیمی
 ۱۸۴- پیوره « « محمود سیاسی
 ۱۸۵- چهار رساله « محمد سنگلجی
 ۱۸۶- آسیب شناسی (جلد دوم) « دکتر آرمین
 ۱۸۷- یادداشت های مرحوم قزوینی فراهم آورده آقای ایرج افشار
 ۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه ای (جلد دوم) تألیف دکتر میر بائی
 ۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول) « « مستوفی
 ۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلد اول) « « غلامعلی ینشور
 ۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول) « مهندس خلیلی
 ۱۹۲- حساب جامع و فاضل نگارش دکتر مجتهدی
 ۱۹۳- مبداء و معاد ترجمه آقای محمودشاهی
 ۱۹۴- تاریخ ادبیات روسی تألیف « سعید نفیسی
 ۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم) « « «
 ۱۹۶- درمان تراخیم با الکتروکواکولاسیون « دکتر پرفسور شمس
 ۱۹۷- شیمی و فیزیک (جلد اول) « « توسلی
 ۱۹۸- فیزیولوژی عمومی « « شیبانی
 ۱۹۹- داروسازی جالینوسی « « مقدم
 ۲۰۰- علم الالامات نشانه شناسی (جلد دوم) « « میندی نژاد
 ۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول) « « نعمت اله کیهانی
 ۲۰۲- پیوره (جلد دوم) « « محمود سیاسی
 ۲۰۳- علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید « « علی اکبر سیاسی
 ۲۰۴- قواعد فقه « آقای محمودشاهی
 ۲۰۵- تاریخ سیاسی و دیپلماتی ایران « دکتر علی اکبرینا
 ۲۰۶- فهرست مصنفات ابن سینا « مهدوی
 ۲۰۷- مخارج الحروف تصحیح و ترجمه دکتر پرویز ناتل خانلری
 ۲۰۸- عیون الحکمه از ابن سینا - چاپ عکسی

- ۲۰۹- شیمی بیولوژی
- ۲۱۰- میکروبشناسی (جلد دوم)
- ۲۱۱- حشرات زیان آور ایران
- ۲۱۲- هواشناسی
- ۲۱۳- حقوق مدنی
- ۲۱۴- ماحذ قصص و تمثیلات مثنوی
- ۲۱۵- مکانیک استدلالی
- ۲۱۶- ترمودینامیک (جلد دوم)
- ۲۱۸- گروه بندی و انتقال خون
- ۲۱۸- فیزیک ترمودینامیک (جلد اول)
- ۲۱۹- روان پزشکی (جلد سوم)
- ۲۲۰- بیماریهای درونی (جلد اول)
- ۲۲۱- حالات عصبانی یا نورز
- ۲۲۲- گالبدشناسی توصیفی (۷)
- (دستگاه گوارش)
- ۲۲۳- علم الاجتماع
- ۲۲۴- الهیات
- ۲۲۵- هیدرولیک عمومی
- ۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلد اول)
- ۲۲۷- آسیب شناسی آذردگیهای سورنال « غده فوق کلیوی »
- ۲۲۸- اصول الصرف
- ۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران
- ۲۳۰- فیزیک ترمودینامیک (جلد دوم)
- ۲۳۱- راهنمای دانشگاه
- ۲۳۲- مجموعه اصطلاحات علمی
- ۲۳۳- بهداشت غذایی (بهداشت نسل)
- ۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران
- ۲۳۵- ترجمه النهایه بالتصحیح و مقدمه (۱)
- ۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)
- ۲۳۷- اصول تشریح چوب
- ۲۳۸- خون شناسی عملی (جلد اول)
- ۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی
- ۲۴۰- شیمی تجزیه
- ۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا
- ۲۴۲- پانزده گفتار
- ۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)
- تألیف دکتر مافی
- » آقایان دکتر سهراب-
دکتر میردامادی
- » مهندس عباس دواجی
» دکتر محمد منجمی
- » » سید حسن امامی
- نگارش آقای فروزانفر
- » پرفسور فاطمی
- » مهندس بازرگان
- » دکتر یحیی بویا
- » » روشن
- » » میر سپاسی
- » » میندی نژاد
- ترجمه » چهرازی
- تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- تألیف دکتر مهدوی
- » فاضل تونی
- » مهندس ریاضی
- تألیف دکتر فضل الله شیروانی
- » » آرمین
- » » علی اکبر شهابی
- تألیف دکتر علی کنی
- نگارش دکتر روشن
-
-
- نگارش دکتر فضل الله صدیق
- » دکتر تقی بهرامی
- » آقای سید محمد سمز واری
- » دکتر مهدوی اردبیلی
- » مهندس رضا حجازی
- » دکتر رحمتیان دکتر شمس
- » » بهمنش
- » » شیروانی
- » » ضیاء الدین اسمعیل بیگی
- » آقای مصطفی مینوی
- » دکتر یحیی بویا

نگارش دکتر احمد هومن

- » » میمندی نژاد
- » » آقای مهندس خلیلی
- » » دکتر بهروز
- » » زاهدی
- » » هادی هدایتی
- » » آقای سبزواری
- » » دکتر امامی

—

- » » ایرج افشار
- » » دکتر خانبابا بیانی
- » » احمد پارسا
- تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی
- دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- نگارش دکتر علیقتی وحدتی
- » » میر بابائی
- » » مهندس احمد رضوی
- » » دکتر رحمتیان
- » » آرمین
- » » امیر کیا
- » » بینش ور
- » » عزیز رفیعی
- » » میمندی نژاد
- » » بهرامی
- » » علی کاتوزیان
- » » یار شاطر

نگارش ناصرقلی وادسر

» دکتر فیاض

تألیف آقای دکتر عبدالحمید علی آبادی

» » » چهارزی

تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی

دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس

نگارش دکتر محسن صبا

» » جناب دکتر بازرگان

نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی نژاد

۲۴۴ - اقتصاد کشاورزی

۲۴۵ - علم الالمات (جلد سوم)

۲۴۶ - بتن آرمه (۲)

۲۴۷ - هندسه دیفرانسیل

۲۴۸ - فیزیولوژی گل ورده بندی تك لپه ایها

۲۴۹ - تاریخ زندگی

۲۵۰ - ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲)

۲۵۱ - حقوق مدنی (۲)

۲۵۲ - دفتر دانش و ادب (جزء دوم)

۲۵۳ - یادداشت های قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)

۲۵۴ - تفوق و برتری اسپانیا

۲۵۵ - تیره شناسی (جلد اول)

۲۵۶ - کالبد شناسی توصیفی (۸)

دستگاه ادرار و تناسل - پرده صفاق

۲۵۷ - حل مسائل هندسه تحلیلی

۲۵۸ - کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه ای)

۲۵۹ - اصول ساختمان و محاسبه ماشین های برق

۲۶۰ - بیماری های خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)

۲۶۱ - سرطان شناسی (جلد اول)

۲۶۲ - شکسته بندی (جلد سوم)

۲۶۳ - بیماری های واگیر (جلد دوم)

۲۶۴ - انگل شناسی (بندبایان)

۲۶۵ - بیماری های درونی (جلد دوم)

۲۶۶ - دام پروری عمومی (جلد اول)

۲۶۷ - فیزیولوژی (جلد دوم)

۲۶۸ - شعر فارسی (در عهد شاهرخ)

۲۶۹ - فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)

۲۷۰ - منطق التلویحات

۲۷۱ - حقوق جنائی

۲۷۲ - سمیولوژی اعصاب

۲۷۳ - کالبد شناسی توصیفی (۹)

(دستگاه تولید صوت و تنفس)

۲۷۴ - اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی

۲۷۵ - گزارش کنفرانس آمی ژنو

۲۷۶ - امکان آلوده کردن آب های مشروب

- ۲۷۸- ویروسها
- ۲۷۹- تالفتها (آلکها)
- ۲۸۰- گیاهشناسی سیستماتیک
- ۲۸۱- تیرهشناسی (جلد دوم)
- ۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی
- ۲۸۳- احادیث مثنوی
- ۲۸۴- قواعد النحو
- ۲۸۵- آزمایشهای فیزیکی
- ۲۸۶- پندنامه اهواری یا آئین پزشکی
- ۲۸۷- بیماریهای خون (جلد سوم)
- ۲۸۸- چنین شناسی (رویان شناسی) جلد اول
- ۲۸۹- مکانیک فیزیک (اندازه گیری مکانیک نقطه مادی و فرضیه نسبیتی) (چاپ دوم)
- ۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)
- ۲۹۱- اکوستیک (صوت) چاپ دوم
- ۲۹۲- چهار مقاله
- ۲۹۳- داریوش یکم (پادشاه پارسها)
- ۲۹۴- کالبدشکافی تشریح عملی سروگردن-سلسله اعصاب مرکزی
- ۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم
- ۲۹۶- گفتار خواجه طوسی
- ۲۹۷- Sur les espaces de Riemann
- ۲۹۸- فصول خواجه طوسی
- ۲۹۹- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش سوم
- ۳۰۰- الرسالة الممینیة
- ۳۰۱- آغاز و انجام
- ۳۰۲- رساله امامت خواجه طوسی
- ۳۰۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش چهارم
- ۳۰۴- حل مشکلات ممینه خواجه نصیر
- ۳۰۵- مقدمه قدیم اخلاق ناصری
- ۳۰۶- بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه)
- ۳۰۷- رساله بیست باب در معرفت اسطرلاب
- ۳۰۸- مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین
- ۳۰۹- سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی
- ۳۱۰- فیزیک (پدیدههای فیزیکی در ماههای بسیار خفیف)
- ۳۱۱- رساله جبر و مقابله خواجه نصیر طوسی
- مدرس د نثر علامتچین مصاحب
- » » فرج الله شفا
- » » عزت الله خیری
- » » محمد درویش
- » » پارسا
- » » مدرس رضوی
- » » آقای فروزانفر
- » » قاسم تویرسانی
- » » دکتر محمد باقر محمودیان
- » » محمود نجم آبادی
- » » یحیی بویا
- » » احمد شفائی
- تألیف دکتر کمال الدین جناب
- » » محمد تقی قوامیان
- » » ضیاء الدین اسماعیل بیگی
- » » بتصحیح محمد معین
- » » نگارش منشی زاده
- » » نعمت الله کیهانی
- » » محمد مهدی
- » » بکوشش محمد تقی دانش پژوه
- » » نگارش دکتر هشتروندی
- » » بکوشش محمد تقی دانش پژوه
- » » نگارش محمد تقی دانش پژوه
- » » »
- » » ابرج افشار
- » » بکوشش محمد تقی دانش پژوه
- » » »
- » » »
- » » جلال الدین همایی
- » » نگارش دکتر امشای
- » » مدرس رضوی
- » » »
- » » محمد مدرس سی (زنجانی)
- » » دکتر روشن
- » » بکوشش اک. دانا

تألیف دکتر جنبیدی
« « فخرالدین خوشنویسان
« « جمال عصار
« « علی اکبر شهابی
« « دکتر جلال الدین توانا
ترجمه دکتر سیاسی - دکتر سیمچور
تألیف دکتر هادی هدایتی
مهندس امیرجلال الدین غفاری
دکتر سید شمس الدین جزایری
« « خیبری
« « حسین رضاعی
آقای محمد سنگلجی
« « محمود شهابی
تألیف دکتر میربابائی
« « سبزواری
« « دکتر محمود مستوفی
« « باستان
« « مصطفی کامکاربارسی
« « ابوالحسن شیخ
« « ابوالقاسم نجم آبادی
« « هوشیار
بقلم عباس خلیلی
تألیف دکتر کاظم سیمچور
« « محمود میاسی
-
« « احمد پارسا
بتصحیح مدرس رضوی
بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
تألیف دکتر محسن عزیزی
« « بانو نفیسی
« « دکتر علی اکبر توسلی
« « آقای علینقی وزیری
« « دکتر میمنی نژاد
« « بصیر
« « محمد علی مولو
ایرج افشار
تألیف دکتر صادق کیا

۱۴۸ - اب ساسی هیدرولوژی
۳۴۹ - روش شیمی تجزیه (۱)
۳۵۰ - هندسه ترسیمی
۳۵۱ - اصول الصرف
۳۵۲ - استخراج نفت (جلد اول)
۳۵۳ - سخنرانیهای پروفیسور رنه ونسان
۳۵۴ - کورش کبیر
۳۵۵ - فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول)
۳۵۶ - اقتصاد اجتماعی
۳۵۷ - بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)
۳۵۸ - بیماریهای مغز و روان (۳)
۳۵۹ - آئین دادرسی در اسلام (تجدید چاپ)
۳۶۰ - تقریرات اصول
۳۶۱ - گالبد شکافی توصیفی (جلد ۴ - عضله شناسی اسب) تألیف دکتر میربابائی
۳۶۲ - الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه
۳۶۳ - بی حسی های ناحیه ای دردندان پزشکی
۳۶۴ - چشم و بیماریهای آن
۳۶۵ - هندسه تحلیلی
۳۶۶ - شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)
۳۶۷ - پزشکی عملی
۳۶۸ - اصول آموزش و پرورش (چاپ سوم)
۳۶۹ - پرتو اسلام
۳۷۰ - جراحی عملی دهان و دندان (جلد اول)
۳۷۱ - درد شناسی دندان (۱)
۳۷۲ - مجموعه اصطلاحات علمی (قسمت دوم)
۳۷۳ - تیره شناسی (جلد سوم)
۳۷۴ - المعجم
۳۷۵ - جواهر الآثار (ترجمه مشوی)
۳۷۶ - تاریخ دیپلوماسی عمومی
۳۷۷ - Textes Français
۳۷۸ - شیمی فیزیک (جلد دوم)
۳۷۹ - زیباشناسی
۳۸۰ - بیماریهای مشترک انسان و دام
۳۸۱ - فرزانه و روان
۳۸۲ - بهبود نسل بشر
۳۸۳ - یادداشت های قزوینی (۳)
۳۸۴ - گویش آشتیان

- ۱۸۱ - ایران بعد از اسلام
۳۸۷ - تاریخ مصر قدیم (جلد اول چاپ دوم)
۳۸۸ - آرمو نیاتها (۱) سرخسها
۳۸۹ - شیمی صنعتی (جلد اول)
۳۹۰ - فیزیک عمومی الکتریسمیته (جلد اول)
۳۹۱ - مبادی علم هوا شناسی
۳۹۲ - منطق و روش شناسی
۳۹۳ - الکترونیک (جلد اول)
۳۹۴ - فرهنگ غفاری (جلد دوم)
۳۹۵ - حکمت الهی عام و خاص (جلد دوم)
۳۹۶ - گنج جواهر دانش (۴)
۳۹۷ - فن کالبد گشائی و آسیب شناسی
۳۹۸ - فرهنگ غفاری (جلد سوم)
۳۹۹ - مزدا پرستی در ایران قدیم
۴۰۰ - اصول روشهای ریاضی آمار
۴۰۱ - تاریخ مصر قدیم (جلد دوم)
۴۰۲ - عدومن بلغاء ایران فی الفة
۴۰۳ - علم اخلاق (نظری و عملی)
۴۰۴ - ادوار فقه (جلد دوم)
۴۰۵ - جراحی عملی دهان و دندان (جلد دوم)
۴۰۶ - فیزیولوژی با لینی
۴۰۷ - سهم الارث
۴۰۸ - جبر آلایز
۴۰۹ - هوا شناسی (جلد اول)
۴۱۰ - بیماریهای درونی (جلد سوم)
۴۱۱ - مانی فلسفه
۴۱۱ - فرهنگ غفاری (جلد چهارم)
۴۱۱ - هندسه تحلیلی (چاپ دوم)
۴۱ - کالبد شناسی (عضله شناسی مقایسه ای) (جلد پنجم)
۴۱ - سالنامه دانشگاه ۱۳۳۵-۱۳۳۶
۴۱ - یادنامه خواجه نصیر طوسی
۴۱ - تئوریهای اساسی ژنتیک
۴۱ - فولاد و عملیات حرارتی آن
۴۱ - تأسیسات آبی

- ۴۲۰ - بیماریهای اعصاب (جلد نخست)

۴۲۱ - مکانیک عمومی (جلد دوم)

۴۲۲ - صنایع شیمی معدنی (جلد اول)

۴۲۳ - مکانیک استدلالی

۴۲۴ - تاریخ فرهنگ ایران

۴۲۵ - شرح تبصره آیه الله علامه حلی (جلد دوم)

۴۲۶ - حکیم ازرقی هروی

۴۲۷ - علوم عقلی

۴۲۸ - شیمی آنالیتیک

۴۲۹ - فیزیک الکتریسته (جلد دوم)

۴۳۰ - کلیات شمس تبریزی

۴۳۱ - گانی شناسی (تحقیق درباره بعضی از کانه‌های جزیره هرمز) نگارش دکتر عبدالکریم قریب

۴۳۲ - فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم)

۴۳۳ - ریاضیات در شیمی (جلد دوم)

۴۳۴ - تحقیق در فهم بشر

۴۳۵ - الاسعاده والاسعار

۴۳۶ - تاریخ فرهنگ اروپا

۴۳۷ - نقشه برداری (جلد دوم)

۴۳۸ - بیماریهای گیاه (تجدید چاپ)

۴۳۹ - حقوق مدنی (جلد سوم)

۴۴۰ - سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)

۴۴۱ - دردشناسی دندان (جلد دوم)

۴۴۲ - حقوق اساسی فرانسه

۴۴۳ - حقوق عمومی واداری

۴۴۴ - پاتولوژی مقایسه‌ای (جلد سوم)

۴۴۵ - شیمی عمومی معدنی

۴۴۶ - فسیل شناسی

۴۴۷ - فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد ششم)

۴۴۸ - تحقیق در تاریخ قندسازی ایران

۴۴۹ - مشخصات جغرافیای طبیعی ایران

۴۵۰ - جراحی فک و صورت (جلد دوم)

۴۵۱ - تاریخ هرودت

۴۵۲ - تاریخ دیپلماسی عمومی (چاپ دوم)

۴۵۳ - سازمان فرهنگی ایران (تجدید چاپ)

۴۵۴ - مسائل گوناگون پزشکی

۴۵۵ - فیزیک الکتریسته (جلد سوم)

۴۵۶ - جامعه شناسی یا علم الاجتماع

۴۵۷ - اور...

نگارش دکتر صادق صبا

» دکتر مجتبی ریاضی

» مهندس مرتضی قاسمی

» پرفسور تقی فاطمی

» دکتر عیسی صدیق

» زین العابدین ذوالعجین

» بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی

نگارش دکتر ذبیح الله صفا

» دکتر کا گیک

» » روشن

» بتصحیحات و حواشی آقای فروزانفر

۴۳۱ - گانی شناسی (تحقیق درباره بعضی از کانه‌های جزیره هرمز) نگارش دکتر عبدالکریم قریب

۴۳۲ - فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم)

» » دکتر هورفر

ترجمه دکتر رضا زاده شفق

» بتصحیح مجتبی مینوی

نگارش دکتر عیسی صدیق

» مهندس حسن شمس

» دکتر خیبری

» » دکتر سیداحسن امامی

نگارش دکتر محمود سیاسی

» » قاسم زاده

» » شیدفر

» » میمنی نژاد

» » شیروانی

» » فرشاد

» » امیرجلال الدین غفاری

» » مهندس ابرهیم ریاحی

» » دکتر حسین گل گلاب

» » حسین مهدوی

» » هادی هدایتی

» » حسن ستوده تهرانی

» » علی کنی

» » محمدعلی مولوی

» » روشن

» » یحیی مهدوی

۴۵ - بهداشت اسهاده و می (پیش دیری بیماریهای وادیر)

۴۵ - تاریخ عقاید اقتصادی (چاپ دوم)

۴۶ - تبصره و دور سانه دیگر در منطق

۴۶ - مسائل گوناگون پزشکی (جلد سوم)

۴۶ - کلیات شمس تبریزی (جزوه دوم)

۴۶ - ارتدسی (جلد اول)

۴۶ - یادداشتهای قزوینی (جلد اول)

۴۶ - فهرست پیشنهادی اسامی پرندگان ایران «

نکارتش دکتر اعتمادیان

» مرحوم دکتر حسن شهید نورانی

بکوشش دانش پژوه

نگارش دکتر مولوی

تصحیح فروزانفر

نگارش دکتر ریاض

بکوشش ایرج افشار

سایمون جرویس رید

٢٩٤
١٤

DUE DATE

٢٢٤٩٥٥

--	--	--	--

